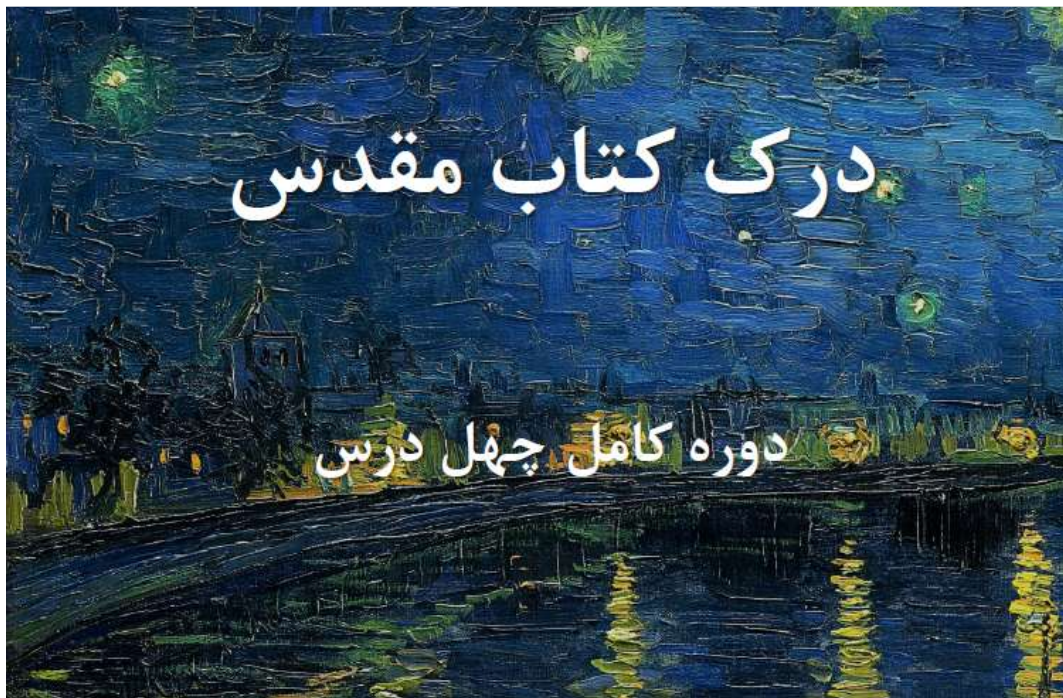


درک کتاب مقدس

دوره کامل چهل درس



درک کتاب مقدس

دوره کامل

چهل درس

کلیسای کریستادلفین

فهرست مطالب

- درس اول: چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟ ۷
- درس دوم: کریستادلفین ها چه کسانی هستند؟ ۱۳
- درس سوم: کتاب مقدس راهنمای ما ۱۹
- درس چهارم: انجیل ۲۶
- پرسش‌های بخش اول ۳۲
- درس پنجم: خدا و آفرینش ۳۵
- درس ششم: عشق فراوان خدا به جهان ۴۲
- درس هفتم: بازگشت عیسی مسیح به زمین ۴۹
- درس هشتم: نشانه‌های بازگشت عیسی مسیح ۵۷
- پرسش‌های بخش دوم ۶۴
- درس نهم: پادشاهی تو بیاید ۶۹
- درس دهم: دید خدا نسبت به تاریخ ۷۶
- درس یازدهم: پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین ۸۳
- پرسش‌های بخش سوم ۹۱
- درس دوازدهم: وعده‌های خدا به ابراهیم ۹۵
- درس سیزدهم: یهودیان در تاریخ (بخش اول) ۱۰۳
- درس چهاردهم: یهودیان در تاریخ (بخش دوم) ۱۱۱
- درس پانزدهم: وعده‌های خدا به داوود ۱۲۰
- پرسش‌های بخش چهارم ۱۲۸
- درس شانزدهم: پدر و پسر ۱۳۵
- درس هفدهم: زندگی مسیح ۱۴۳
- درس هجدهم: مرگ مسیح ۱۵۰
- درس نوزدهم: رستاخیز و عروج عیسی مسیح ۱۵۸

- ۱۶۶..... پرسش‌های بخش پنجم.....
- ۱۷۲..... درس بیستم: روح‌القدس خدا.....
- ۱۸۰..... درس بیست و یکم: عطایای روح‌القدس.....
- ۱۸۸..... درس بیست و دوم: گناه و عواقب آن (قسمت اول).....
- ۱۹۴..... درس بیست و سوم: گناه و عواقب آن (قسمت دوم).....
- ۲۰۲..... پرسش‌های بخش ششم.....
- ۲۰۷..... درس بیست و چهارم: فیض، عامل نجات.....
- ۲۱۵..... درس بیست و پنجم: رستاخیز از مردگان.....
- ۲۲۳..... درس بیست و ششم: روز داوری.....
- ۲۳۱..... درس بیست و هفتم: زندگی جاودان.....
- ۲۳۸..... پرسش‌های بخش هفتم.....
- ۲۴۴..... درس بیست و هشتم: فرشتگان.....
- ۲۵۲..... درس بیست و نهم: دیو و شیطان.....
- ۲۶۰..... درس سی ام: ابلیس و گناه.....
- ۲۶۸..... درس سی و یکم: تعمید.....
- ۲۷۶..... پرسش‌های بخش هشتم.....
- ۲۸۱..... درس سی و دوم: ازدواج مسیحی.....
- ۲۸۹..... درس سی و سوم: رویارویی با مشکلات در ازدواج.....
- ۲۹۷..... درس سی و چهارم: وظایف ما در قبال قوانین کشور.....
- ۳۰۵..... درس سی و پنجم: دعا.....
- ۳۱۳..... پرسش‌های بخش نهم.....
- ۳۱۷..... درس سی و ششم: زندگی تازه در مسیح.....
- ۳۲۵..... درس سی و هفتم: مطالعه روزانه کتاب مقدس.....
- ۳۳۳..... درس سی و هشتم: مشارکت با هم‌ایمانان.....

۳۴۱	پرسش‌های بخش دهم
۳۴۶	درس سی و نهم: خلاصه‌ای از تعالیم کتاب مقدس
۳۵۵	درس چهلم: قدم بعدی
۳۶۲	پرسش‌های بخش یازدهم
۳۶۹	ضمیمه: "خداوند"

درس اول: چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟

مطالعه: مزامیر باب ۱۹

کتاب مقدس - کلام خدا

این دوره آموزشی کریستادلفین برای درک بهتر کتاب مقدس تهیه و تنظیم شده است. کتاب مقدس کلام زنده خداست و این تنها کتاب قابل اعتمادی است که به ما درباره خدا و نقشه‌های او برای زمین و انسان‌های ساکن بر آن سخن می‌گوید که شامل وعده‌های خدا برای برکت گرفتن و رستگاری کسانی است که این کلام را خوانده و به آن عمل می‌کنند.

داشتن یک نسخه از کتاب مقدس امتیاز بزرگی است. برای درک این کتاب آموزشی نیاز به داشتن یک نسخه کامل از کتاب مقدس است و داشتن کتاب عهد جدید به تنهایی کافی نیست. اگر در حال حاضر به این کتاب دسترسی ندارید، می‌توانید از مراکز مختلف آن را با قیمت بسیار مناسب خریداری کنید و تقریباً در تمامی کشورها شعبه‌های مختلفی وجود دارد.

درباره این کتاب

این کتاب آموزشی از ۴۰ درس تشکیل شده که در ۱۱ قسمت گنجانده شده است. در انتهای هر قسمت، یک بخش پرسش و آزمون وجود دارد. در صورت داشتن یک آموزگار یا مربی، می‌توانید جواب پرسش‌های هر بخش را برای او فرستاده و در صورت وجود هر گونه ابهام و یا اشکالی، مربی به رفع موارد نادرست شما کمک خواهد کرد. اگر هر گونه سوالی در رابطه با این کتاب و یا کتاب مقدس در ذهن شما وجود دارد، فقط می‌توانید با مربی خود و یا برادران مسئول سی بی ام^۱ در میان گذاشته و جواب درست را دریافت نمایید.

برای دریافت کتاب مقدس آنلاین می‌توانید از لینک زیر استفاده کنید:

<https://www.bible.com/fa/bible/118/GEN.1.tpv>

این کتاب آموزشی کاملاً رایگان بوده و هدف از تهیه آن کمک به شما برای درک بهتر کتاب مقدس و لذت بردن از خواندن آن می‌باشد. ما می‌خواهیم که شما به پیغام خدا برای رستگاری در نام عیسی مسیح پی ببرید. بعد از اتمام ۴۰ درس، به شما گواهینامه‌ای داده نخواهد شد، ولی در صورت نیاز کتاب‌های تکمیلی دیگری برای کمک به شما ارسال خواهد شد.

¹ Christadelphian Bible Mission (CBM)

منابع استفاده شده در این کتاب

آدرس منابع برگرفته از کتاب مقدس به صورت زیر تعریف می‌شود:

پیدایش ۱ = کتاب پیدایش، باب اول

پیدایش ۱: ۱ و ۳ = کتاب پیدایش، باب اول، آیات ۱ و ۳

پیدایش ۱: ۱-۷ = کتاب پیدایش، باب اول، آیات ۱ تا ۷

شما می‌توانید با رجوع به کتاب مقدس به صحت دروس این جزوه پی ببرید و صرفاً به موارد این جزوه اکتفا نکنید. برای همین منظور در تمامی دروس این جزوه، تعداد بسیاری از آیات کتاب مقدس به شما بعنوان منبع معتبر داده شده است.

چگونه درس‌ها را مطالعه کنیم؟

سعی کنید در هر هفته یک درس را مطالعه کنید و تا درک کامل یک درس به مطالعه درس بعدی نروید. خواندن سه بار از روی هر درس می‌تواند بسیار مفید واقع شود:

- اولین بار - مطالعه هر درس می‌تواند به شما برای درک ایده کلی آن درس کمک کند.
- دومین بار - به آیات مربوطه هر درس در کتاب مقدس خود رجوع کنید و پاسخ پرسش‌های خود را در کتاب مقدس پیدا کنید.
- سومین بار - از ابتدا مطالب درس را همراه با آیات مربوطه در کتاب مقدس مطالعه کنید و جواب‌هایتان را مقایسه کنید.

در انتهای هر درس آیات دیگری نیز برای یادگیری بهتر به شما نشان داده شده است که به شما در راستای زندگی شخصی کمک خواهد کرد.

پاسخ به پرسش‌های دروس

پاسخ پرسش‌های هر درس را می‌توانید برای مربی خود فرستاده و یا برای یادگیری بهتر خود را امتحان کنید. بیشتر پاسخ‌ها در متن دروس و نیز آیات مربوطه موجود است. حتما خودتان به سوالات پاسخ دهید و فقط از روی جزوه کپی نکنید. این به شما کمک خواهد کرد تا درک بهتری به دست آورید و اگر سوالی در ذهن شما وجود دارد با ما در جریان گذاشته و جواب خود را دریافت کنید.

مطالعه کتاب مقدس با دعا

قبل از شروع خواندن کتاب مقدس و یا مطالعه دروس، از خدا در قالب دعا بخواهید که به شما در درک کلام خود کمک کند. در اینجا دعایی از کتاب مزامیر داریم:

"چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو شگفتی‌ها ببینم" (مزامیر ۱۱۹: ۱۸).

اگر از خدا بخواهیم، او چشمان ما را باز می‌کند و به ما در درک کلام خود کمک خواهد کرد. ما هر روز باید کتاب مقدس را مطالعه کنیم.

نگرفتن پاسخ از شما

اگر از شما پاسخی دریافت نکنیم، به این معناست که شما دیگر تمایلی به ادامه مبحث نداشته و دروس بعدی برای شما ارسال نخواهد شد. با توجه به تعداد زیاد افراد تحت آموزش و علاقمند در سراسر دنیا، ما قادر به ارسال دروس به افرادی که پاسخی نمی‌دهند، نخواهیم بود.

اگر مشکلی در ارسال جواب‌های خود دارید، به ما اطلاع داده تا ضمن کمک در حل مشکل، قادر به ادامه ارسال دروس و کمک به آموزش شما باشیم.



۲۱. عطایای روح‌القدس	۱. چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟
۲۲. گناه و عواقب آن - بخش اول	۲. کریستادلفین‌ها چه کسانی هستند؟
۲۳. گناه و عواقب آن - بخش دوم	۳. کتاب مقدس، راهنمای ما
پرسش‌های بخش هشتم	۴. انجیل
۲۴. فیض، عامل نجات	پرسش‌های بخش اول
۲۵. رستاخیز از مردگان	۵. خدا و آفرینش
۲۶. روز داوری	۶. عشق فراوان خدا به جهان
۲۷. زندگی جاودان	۷. بازگشت عیسی مسیح به زمین
پرسش‌های بخش هفتم	۸. نشانه‌های بازگشت عیسی مسیح
۲۸. فرشتگان	پرسش‌های بخش دوم
۲۹. دیو و شیطان	۹. پادشاهی تو بیاید
۳۰. ابلیس و گناه	۱۰. دید خدا نسبت به تاریخ
۳۱. تعمید	۱۱. پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین
پرسش‌های بخش هشتم	پرسش‌های بخش سوم
۳۲. ازدواج مسیحی	۱۲. وعده‌های خدا به ابراهیم
۳۳. رویارویی با مشکلات در ازدواج	۱۳. یهودیان در تاریخ - بخش اول
۳۴. وظایف ما در قبال قوانین کشور	۱۴. یهودیان در تاریخ - بخش دوم
۳۵. دعا	۱۵. وعده‌های خدا به داوود
پرسش‌های بخش نهم	پرسش‌های بخش چهارم
۳۶. زندگی تازه در مسیح	۱۶. پدر و پسر
۳۷. مطالعه روزانه کتاب مقدس	۱۷. زندگی عیسی
۳۸. مشارکت با هم‌ایمانان	۱۸. مرگ عیسی
پرسش‌های بخش دهم	۱۹. رستاخیز و عروج عیسی مسیح
۳۹. خلاصه‌ای از تعالیم کتاب مقدس	پرسش‌های بخش پنجم
۴۰. قدم بعدی	۲۰. روح‌القدس خدا
پرسش‌های بخش یازدهم	

یک باب از کتاب مقدس جهت مطالعه:

پیدایش باب اول - اولین باب از کتاب مقدس

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. زمین بی‌شکل و خالی بود و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. خدا گفت: روشنایی باشد و روشنایی شد. خدا دید که روشنایی نیکوست و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد. خدا روشنایی را روز و تاریکی را شب نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز اول.

و خدا گفت: فلکی باشد میان آبها و آبها را از آبها جدا کند. پس خدا فلک را ساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد و چنین شد. خدا فلک را آسمان نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز دوم.

و خدا گفت: آبهای زیر آسمان در یک جا گرد آیند و خشکی پدیدار شود و چنین شد. خدا خشکی را زمین و اجتماع آبها را دریا نامید و خدا دید که نیکوست. آنگاه خدا گفت: زمین نباتات برویاند، گیاهانی که دانه تولید کنند و درختان میوه‌ای که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار بیاورند، بر روی زمین و چنین شد. زمین نباتات رویانید، گیاهانی که بر حسب گونه خود دانه تولید می‌کردند و درختانی که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار می‌آوردند و خدا دید که نیکوست. شامگاه شد و بامداد آمد، روز سوم.

و خدا گفت: نورافشانها در فلک آسمان باشند تا روز را از شب جدا کنند و تا نشانه‌ها باشند برای نمایاندن زمانها و روزها و سالها و نورافشانها باشند در فلک آسمان تا بر زمین روشنایی بخشند و چنین شد. خدا دو نورافشان بزرگ ساخت، نورافشان بزرگتر را برای فرمانروایی بر روز و نورافشان کوچکتر را برای فرمانروایی بر شب و نیز ستارگان را. خدا آنها را در فلک آسمان نهاد تا بر زمین روشنایی بخشند و بر روز و بر شب سلطنت کنند و نور را از تاریکی جدا سازند و خدا دید که نیکوست. شامگاه شد و بامداد آمد، روز چهارم.

و خدا گفت: آنها از انبوه جانداران پر شود و پرندگان بر فراز زمین در فلک آسمان پرواز کنند. پس خدا موجودات بزرگ دریایی و همه جانداران را که می‌جنبند و آبها را پر می‌سازند، بر حسب گونه‌هایشان و همه پرندگان بالدار را بر حسب گونه‌هایشان آفرید و خدا دید که نیکوست. خدا آنها را برکت داد و گفت: بارور و کثیر شوید و آب دریاها را پر سازید و پرندگان نیز بر زمین کثیر شوند. شامگاه شد و بامداد آمد، روز پنجم.

و خدا گفت: زمین جانداران را بر حسب گونه‌هایشان بر آورد، چارپایان و خزندگان و وحوش زمین را بر حسب گونه‌هایشان و چنین شد. پس خدا وحوش زمین را بر حسب گونه‌هایشان بساخت و چارپایان را

بر حسب گونه‌هایشان و همه خزندگان روی زمین را بر حسب گونه‌هایشان و خدا دید که نیکوست. آنگاه خدا گفت: انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می‌خزند، فرمان براند. پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید.

خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاننداری که بر زمین حرکت می‌کند فرمان برانید. آنگاه خدا گفت: اینک همه گیاهان دانه‌دار را که بر روی تمامی زمین است و همه درختان دارای میوه دانه‌دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد و به همه وحوش زمین و همه پرندگان آسمان و همه خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همه گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم و چنین شد و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم."

درس دوم: کریستادلفین‌ها چه کسانی هستند؟

مطالعه: یوحنا باب ۱۵

کریستادلفین‌ها

این دوره آموزشی در مورد کتاب مقدس می‌باشد. به هر حال، شما ممکن است بخواهید بدانید که کریستادلفین‌ها چه کسانی هستند. لذا اطلاعاتی درباره کریستادلفین‌ها برای شما تهیه شده است.

کریستادلفین‌ها یک مجموعه از افراد در سرتاسر دنیا هستند که کتاب مقدس را به طور کامل مطالعه می‌کنند و کلیات کتاب مقدس را کلام خدا می‌دانند. کریستادلفین‌ها به هر دو عهد جدید و عهد عتیق و وعده‌های آن درباره عیسی مسیح و آینده دنیا اعتقاد دارند. آنها در انتظار بازگشت عیسی مسیح از آسمان هستند تا پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار سازد.

کلمه کریستادلفین برگرفته از دو نام در زبان یونانی است که به معنی "برادران در مسیح" می‌باشد. این عبارت از عهد جدید (کولسیان ۱: ۲) برگزیده شده و در اصل به زبان یونانی نوشته شده است.

کریستادلفین‌ها در کجا زندگی می‌کنند؟

کریستادلفین‌ها در بسیاری از قسمت‌های دنیا وجود دارند. برای مثال در بریتانیا و قسمت‌هایی از اروپا، بسیاری از کشورهای آفریقایی، در آسیای شرقی از هندوستان تا اندونزی، استرالیا، نیوزیلند، جزایر اقیانوس آرام، آمریکای شمالی و جنوبی از کانادا تا آرژانتین و در جزایر دریای کارائیب. این مجموعه از بسیاری نژادها و فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده است.

کریستادلفین‌ها به چه چیزی اعتقاد دارند؟

اساس اعتقادات کریستادلفین‌ها بر عقاید و آموزه‌های عیسی مسیح و رسولانش که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش ایجاد شده، می‌باشد. هیچ تغییری در پیغام صحیح مسیحیت ایجاد نشده و همیشه گروه‌هایی وجود داشته‌اند که پیرو آموزه‌های درست کتاب مقدس بوده‌اند. هر چند که بسیاری از کلیساهای مسیحی به انسان محوری تبدیل شده‌اند. کریستادلفین‌ها با مطالعه کل کتاب مقدس، به حقایق کلام خدا ایمان دارند. برنامه مطالعه روزانه به آنها کمک می‌کند که تمامی عهد عتیق را یکبار در سال و نیز عهد جدید را دو بار در سال مطالعه کنند.

چگونه مجموعه کریستادلفین‌ها شکل گرفت؟

در سال ۱۸۳۲ میلادی دکتری انگلیسی به نام جان توماس، برای سکونت پدرش در آمریکا سوار بر کشتی عازم شهر نیویورک شد. کشتی آنها با یک توفان سهمگین مواجه شد و دکتر توماس در این فکر بود که در این حادثه خواهد مُرد. او به این نتیجه رسید که اطلاعات او درباره آینده بسیار اندک است و عهد بست که اگر به خشکی برسد، خود را وقف یافتن حقایق زندگی پس از مرگ کند. پس از رسیدن به نیویورک پانزده سال بعدی زندگی خود را صرف مطالعه دقیق کتاب مقدس و بررسی آموزه‌های بسیاری از گروه‌های مسیحیت کرد. زمانیکه او مطمئن شد درک کاملاً درستی از کلام خدا در عهد عتیق و عهد جدید درباره عیسی مسیح و پادشاهی خدا در زمین بدست آورده، تصمیم گرفت تا بصورت کاملاً غوطه‌ور در آب تعمید شود. او به موعظه در آمریکا و بریتانیا پرداخت و نشریات و کتاب‌های مذهبی منتشر کرد.

در میان تمام کسانی که به تعلیمات کتاب مقدس او اعتقاد داشتند و در این راه پیوسته با او بودند، شخصی به نام رابرت رابرتز وجود داشت. او به افزایش تعداد هم‌ایمانان در قالب گروه‌های محلی کوچک یا "اکلژیا" کمک کرد. اکلژیا نامی یونانی برای کلیسا در کتاب مقدس است و به معنی "مجموعه‌ای از افراد که فرا خوانده شده‌اند" می‌باشد. کریستادلفین‌ها ترجیح می‌دهند که کلمه اکلژیا را به جای کلیسا به کار ببرند چرا که امروزه کلیسا بیشتر به معنای یک ساختمان برداشت می‌شود تا جمع به خصوصی از افراد.

نام "کریستادلفین" برای اولین بار در سال ۱۸۶۴ میلادی به کار برده شد. در آن زمان آمریکا درگیر جنگ داخلی بود و ایمانداران از دولت درخواست کردند که عذر آنها برای خودداری از پیوستن به ارتش را بپذیرند. برای تفکیک پیروان این گروه از سایر کلیساهای، نیاز به یک اسم دیده شد و جان توماس در آن زمان نام "کریستادلفین" را برگزید. کریستادلفین‌های قرن نوزدهم به موعظه در نقاط مختلف دنیا پرداختند و در اواخر این قرن گروه‌های بسیاری از پیروان در کشورهای مختلف شکل گرفت.

کریستادلفین‌ها چگونه خود را سازماندهی می‌کنند؟

کمیته‌های متعددی برای سازماندهی امور اجرایی و نگهداری و محافظت از اعضای بیمار، مسن و تنها وجود دارد. ما در تعداد محدودی از کشورها دفاتری برای چاپ و انتشار مجلات و کتاب‌ها داریم. اگرچه ما هیچ خادم دستمزدی و کشیش در این مجموعه نداریم (عیسی مسیح که هم اکنون در آسمان است، تنها کشیش ماست و اعضای تعمید گرفته در قالب دعا از طریق نام عیسی مسیح به گناهان خود

اعتراف می‌کنند). کریستادلفین‌ها هیچ سازمان مرکزی ندارند. ولی اعضای آن با داشتن اعتقاد، امید و راه زندگی یکسان، همانند یک مجموعه واحد پیوند خود را نشان می‌دهند. امور مربوط به سازماندهی، توسط کمک‌های داوطلبانه اعضا پشتیبانی مالی می‌شود.

هر اکلیژیا بطور مستقل مسئولین خود را توسط قرعه‌کشی (معمولا سالانه) انتخاب می‌کند. کسانی که انتخاب می‌شوند، در موارد مختلفی مانند دبیر یا منشی، خزانه‌دار، مباشر و ریاست جلسات خدمت می‌کنند و هیچ‌گونه مبلغی برای این سمت‌ها دریافت نمی‌کنند. کریستادلفین‌ها هرگز ساختمان‌های عظیم و کلیساهایی با جزئیات خاص بنا نمی‌کنند. البته تعدادی از اکلیژیاها، سالن و یا اتاق مخصوص جلسات خود را دارند ولی مابقی در خانه و یا سالن‌های اجاره‌ای و یا کلاس‌های مدرسه دور هم جمع می‌شوند.

ایمان یکسان

تمامی کریستادلفین‌ها کتاب مقدس را مطالعه کرده و اعتقادات ضروری یکسانی را آموزش دیده و دارا می‌باشند. برای بیش از ۱۰۰ سال کریستادلفین‌ها اساسنامه‌ای از ایمان خود (خلاصه‌ای از تعالیم کتاب مقدس) داشته‌اند که تمامی اعضا آنرا بعنوان اصول قبول کرده و بر این اساس به عبادت می‌پردازند. قبل از اینکه هر شخصی تعمید بگیرد و عضوی از کریستادلفین شود، باید درک کاملی از تعالیم مهم کتاب مقدس بدست آورده و با اعتقادات و تعالیم ما که بر اساس کتاب مقدس است، موافق باشد. این نکته ایست که کریستادلفین‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

"یک بدن ... یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید" (افسیان ۴: ۴-۵).

و این کریستادلفین‌ها را قادر می‌سازد که در هر کجای دنیا که زندگی می‌کنند، با نشاط و خلوص کامل عضو یک مجموعه واحد باشند.

تلاش می‌کنیم افرادی باشیم که ...

همه ما به یاری خدا نیازمندیم. از این رو هر روز کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم. این امر همچون خوراک روزانه برای ما مهم است. همچنین دعا نیز برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد. ما در هفته یک بار دور هم جمع می‌شویم و با خوردن تکه‌ای نان و نوشیدن جرعه‌ای شراب، مرگ عیسی مسیح را یادآوری می‌کنیم. کریستادلفین‌ها افرادی شاد و دارای ایمانی قاطع و کاربردی هستند، ولی در شیوه زندگی خود بسیار جدی می‌باشند. عیسی مسیح بزودی به زمین بازخواهد گشت و آرزوی ما این است که برای این امر مهم آماده باشیم. به این معنا که پاک و درست زندگی کنیم. یعنی از نوشیدنی‌های سنگین و قمارکردن و هر گونه عادات زشت دوری می‌کنیم و نیز تنها یک همسر اختیار می‌کنیم و از

برقراری رابطه جنسی قبل و خارج از قالب ازدواج خودداری می‌کنیم. (قابل درک است که بعضی از خوانندگان و افراد تحت آموزش ممکن است بیش از یکبار ازدواج کرده باشند. در این مورد در درس ۳۳ بیشتر خواهیم خواند). کریستادلفین‌ها انسان‌های مطیع قانون در کشور خود هستند. همیشه در تلاشند کار درست را انجام دهند. ولی به هیچ وجه در سیاست دخالت نکرده و در جنگ شرکت نمی‌کنند و از کسی در دادگاه شکایت نخواهند کرد.

ماموریت سازمان سی بی ام^۲

هدف و ماموریت این سازمان گسترش و موعظه اخبار خوب در مورد پادشاهی خدا در سرتاسر دنیا می‌باشد. این سازمان به انتشار جزوات و کتابچه‌ها مشغول بوده و هماهنگی‌های لازم برای بازدیدها و امور اجرایی را انجام می‌دهد. کارمندان سی بی ام، کریستادلفین‌های داوطلبی هستند که برای این کار دستمزدی نمی‌گیرند. ولی وظیفه خود را به خوبی یک کارمند حقوق بگیر انجام می‌دهند. این افراد در تلاشند تا به دیگران در یادگیری کتاب مقدس، گرفتن تعמיד و پیروی از اصول عیسی مسیح و رسولان او کمک کنند و آنها را به توبه تشویق نمایند.

ما می‌خواهیم اعتقادات واقعی، امید و شادی را با شما تقسیم کنیم

کریستادلفین‌ها با خلوص کامل معتقدند که ایمان آنها معرف کاملاً درستی از انجیل است و این از تمام کتاب مقدس برگرفته شده است. امیدواریم که شما هم از یافتن حقایق لذت ببرید. این حقایق کاملاً شما را قانع خواهد کرد و به زندگی شما شادی و امید خواهد بخشید. خدا به شما در راه بررسی حقایق کتاب مقدس برکت دهد.

² Christadelphian Bible Mission (CBM)

برخی از تعالیم مهم کتاب مقدس

- کتاب مقدس تنها پیام صحیح از جانب خداست.
- تنها یک خدا وجود دارد که خالق است و همه امور دنیا تحت کنترل اوست.
- عیسی مسیح پسر خداست که از مریم باکره به دنیا آمد. او گناه نکرد و بر روی صلیب کشته شد تا کسانی را که به او ایمان دارند، نجات دهد. او از قبر برخاست و زندگی جاودان یافت. او اکنون در آسمان در کنار پدر آسمانی خویش است.
- عیسی مسیح به زودی از آسمان باز خواهد گشت. او پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار خواهد کرد و بعنوان پادشاه زمین بر آن حکمرانی خواهد کرد. پایتخت او اورشلیم در اسرائیل خواهد بود.
- حتی اگر بسیاری از یهودیان این موضوع را درک نکنند، اما باز هم شاهدان خدا در راستای اهداف او هستند. خدا به ابراهیم و داوود وعده‌هایی داد که هنگام بازگشت عیسی مسیح به زمین محقق خواهد شد.
- مرگ مجازاتی است برای گناه و همه ما گناهکاریم. تنها امید ما به زندگی پس از مرگ، رستخیز جسمانی از قبر در هنگام بازگشت عیسی مسیح است.
- یک روز معین برای داوری وجود خواهد داشت. پیروان ایماندار و واقعی عیسی مسیح در پادشاهی خدا جای داده خواهند شد و زندگی ابدی خواهند داشت.
- ما باید به کتاب مقدس ایمان داشته باشیم، برای گناهانمان توبه کنیم و تعمید بگیریم. اگر تمام تلاش خود را برای اطاعت از دستورات خدا انجام دهیم و در هنگام ناکامی برای بخشش از جانب خدا دعا کنیم، با فیض و رحمت خدا نجات خواهیم یافت.
- پیشگویی‌های کتاب مقدس در رابطه با گذشته و حال همگی به حقیقت پیوسته است. نشانه‌هایی که در کتاب مقدس آمده به ما می‌گوید که بازگشت عیسی مسیح بر زمین بسیار نزدیک است. به همین دلیل باید مطالعه کتاب مقدس خود را از همین حالا شروع کنید.

(یوحنا ۱۵: ۱۳-۱۴) "محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند. دوستان من شما را اگر آنچه به شما حکم می‌کنم، انجام دهید."

مزامیر ۱۱۹: ۱۳۰

"باز شدن کلام تو نور می‌بخشد و ساده لوحان را فهمیم می‌گرداند."

مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶

"آنگاه بدیشان فرمود: به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همهٔ خلایق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد."

یوحنا ۱۷: ۳

"و این است حیات جاویدان، که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند."

درس سوم: کتاب مقدس راهنمای ما

مطالعه: مزامیر باب ۲۲

کتاب مقدس، کلام خدا

کتاب مقدس کلام خداست. خود کتاب می‌گوید: "تمامی کتب مقدس الهام خداست" (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶). در بعضی از نسخه‌های کتاب این گونه می‌خوانیم: "تمام قسمت‌های کتاب مقدس را خدا الهام فرموده است". کلمه "الهام" در کتاب مقدس به معنای نفس یا دم خداست. خدا پیغام خود را از طریق نفس خود در ذهن افرادی که کتاب را می‌نوشتند، دمید. پس اینگونه کلام خدا نوشته شد. بنابراین خدا نویسنده حقیقی کتاب مقدس است. در موارد بسیاری از کتب انبیای عهد عتیق می‌خوانیم: "بنابراین خدا گفت ...". اگر کتاب مقدس کلام خدا نبود، نوشتن این موضوع اهمیت خاصی نداشت. بنابراین از آنجایی که این کتاب به واقع کلام خدا برای نسل بشر است، بسیار حیاتی است که آنرا بخوانیم و به گفته‌هایش عمل کنیم. وقتی ما کتاب مقدس را نادیده بگیریم، در واقع خالق هستی را نادیده گرفته ایم.

از کجا می‌دانیم که کتاب مقدس حقیقی است؟

۵ دلیل برای صحت کتاب مقدس:

- کتاب مقدس از آینده سخن می‌گوید.
 - باستان‌شناسان مدارک زیادی را یافته‌اند که در کتاب مقدس به آنها اشاره شده است.
 - کتیبه‌های یافت شده در دریای سیاه نشان می‌دهد که متن کتاب مقدس با مرور زمان تغییری نکرده است.
 - عیسی مسیح به عهد عتیق ایمان داشت.
 - یهودیان هنوز هم وجود دارند!
- حال به بررسی جزئیات هر یک از دلایل بالا می‌پردازیم.

۱- کتاب مقدس از آینده سخن می‌گوید

ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که فردا چه اتفاقی می‌افتد. در حالیکه در بسیاری از بخش‌های کتاب مقدس از پیش گفته شده که در آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد. این پیشگویی‌ها با تمام جزئیات به حقیقت پیوسته‌اند. انبیایی که این سخنان را نوشته‌اند، توسط خدا الهام گرفته‌اند. در اینجا نمونه‌هایی از پیشگویی‌های کتاب مقدس را می‌بینیم:

الف) تولد عیسی مسیح

عیسی مسیح در بیت لحم به دنیا آمد. در انجیل متی باب ۲ می‌خوانیم که مرد خردمندی نزد هیرودیس (حاکم اورشلیم) رفت و پرسید: "کجاست آن نوزاد که پادشاه یهود است؟". وقتی هیرودیس این سوال را از سران کاهنان پرسید، آنها جواب دادند: "در بیت لحم یهودیه". آنها چطور می‌دانستند؟ از آنجا که تولد مسیح صدها سال پیش در کتاب عهد عتیق پیشگویی شده بود (میکاه ۵: ۲).

ب) مرگ عیسی مسیح

در کتاب "مزامیر باب ۲۲" یک پیشگویی از به صلیب کشیده شدن مسیح وجود دارد. در انتهای آیه ۱۶ می‌خوانیم: "دستها و پاهایم را سفته اند". کتاب مزامیر باب ۲۲ تقریباً ۱۰۰۰ سال پیش از مصلوب شدن مسیح نوشته شده است. در آن دوره به صلیب کشیدن شناخته نشده بوده و مجرمان محکوم به مرگ، سنگسار می‌شدند. نویسنده مزامیر مسلماً تحت الهام خدا این متن را نوشته که قادر به پیشگویی چنین جزئیاتی از مرگ مسیح بوده است. در ادامه در آیه ۱۸ می‌خوانیم: "جامه‌هایم را میان خود تقسیم کرده‌اند و بر تن‌پوش من قرعه افکنده‌اند". یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴ نشان می‌دهد که این اتفاق دقیقاً به دست سربازان، بعد از مصلوب کردن مسیح افتاده است.

"و جامه زیرین او را نیز ستانند. اما آن جامه درز نداشت، بلکه یکپارچه از بالا به پایین بافته شده بود. پس به یکدیگر گفتند: این را تکه نکنیم، بلکه قرعه بیفکنیم تا ببینیم از آن که شود. بدین‌سان گفته کتب مقدس به حقیقت پیوست که: جامه‌هایم را میان خود تقسیم کردند و بر تن‌پوش من قرعه افکندند. پس سربازان چنین کردند" (یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴).

ج) پیشگویی واقعه بزرگ

"و بابل که جلال ممالک و مایه فخر گلدانیان است، همچون سدوم و عموره به دست خدا واژگون خواهد گردید. دیگر هرگز آباد نخواهد شد و نسل اندر نسل مسکون نخواهد گردید. اعراب در آنجا خیمه نخواهند زد و شبانان گله‌های خویش را در آنجا نخواهند خوابانید" (اشعیا ۱۳: ۱۹-۲۰).

زمانیکه اشعیای نبی این سخنان را در مورد شهر بابل گفت، این شهر پایتختی ثروتمند و با قدرت در یکی از بزرگترین ملت‌های آن زمان بوده است. امروزه در عراق، در مکانی که بابل در آن واقع بوده، ویرانه‌هایی در یک منطقه شبه صحرائی باقی مانده است. این پیشگویی اشعیای نبی نیز به حقیقت

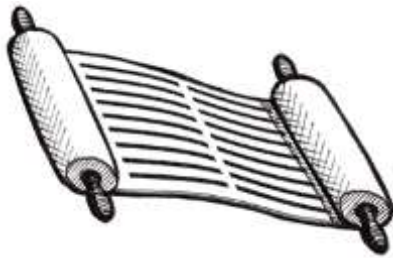
پیوست. فقط خدا قادر به دانستن این موضوع بوده که بابل ویران خواهد شد و دیگر کسی هرگز در آن زندگی نخواهد کرد.

پیشگویی‌های بسیاری از این قبیل وجود داشته که به حقیقت پیوسته است. فقط خود خدا می‌تواند از آینده مطلع باشد. پیشگویی‌های کتاب مقدس ثابت می‌کند که این کتاب، کلام خداست.

۲ - باستان شناسان مدارک زیادی را یافته‌اند که در کتاب مقدس به آنها اشاره شده است.

باستان شناسان دریافته‌اند که شهرهای سدوم و عموره (پیدایش باب ۱۹) وجود داشته است. آنها همچنین به وجود بسیاری از مناطق دیگری که در کتاب مقدس نام برده شده، پی برده‌اند. همچون: عای، اشکلون، بیت شمس، بیت ئیل، جبعه، حاصور، جریکو، لایخیش، مجدو، سامره و شکیم. بطور مشابه، باستان شناسان مدارکی از وجود اشخاصی که در عهد عتیق به آنها اشاره شده پیدا کرده‌اند. برای مثال این چهار پادشاه از ملت‌های مختلف: ییهو، میشا، کوروش و نبوکدنصر.

۳ - کتیبه‌های یافت شده از دریای سیاه نشان می‌دهد که متن کتاب مقدس به مرور زمان تغییری نکرده است.



کتب عهد عتیق حدود ۲۰۰۰ سال پیش بر روی کتیبه‌هایی با دقت بسیار بازنگاری شده و در غارهای نزدیک دریای سیاه، در جنوب سرزمین اسرائیل پنهان بوده‌اند و در سال ۱۹۴۷ میلادی کشف شدند. کتیبه حاوی کتاب اشعیا با کتاب مقدس امروزی مقایسه شده و کلمات نوشته شده در هر دو تا حد زیادی دقیقاً یکسان بوده است. متن کتاب خدا با مرور زمان تغییر نکرده است.

۴ - عیسی مسیح به عهد عتیق ایمان داشت.

در حال حاضر اشخاصی هستند که وجود واقعی آدم و حوا و یا ساختن کشتی توسط نوح و سوار کردن تمام حیوانات در آن را به سخره می‌گیرند. آنها بر این باورند که داناتر از آنند که داستان بلعیده شدن یونس توسط یک ماهی بزرگ را باور کنند. ولی عیسی مسیح به تمامی اینها باور داشت!

آیاتی در مورد ایمان مسیح به عهد عتیق:

آدم و حوا	متی ۱۹: ۴-۵
نوح و توفان	لوقا ۱۷: ۲۶-۲۷
لوط و همسرش	لوقا ۱۷: ۲۹-۳۲
ابراهیم، اسحاق و یعقوب	متی ۸: ۱۱
داوود و سلیمان	متی ۱۲: ۳ و ۴۲
یونس و ماهی بزرگ	متی ۱۲: ۴۰

ما نمی‌توانیم آموزش‌های عیسی مسیح را نادیده بگیریم. او توسط خدا ۳ روز بعد از مرگش به زندگی بازگردانده شد. معجزات این چنینی تنها با قدرت خدا اجرا می‌شود.

۵- یهودیان هنوز هم وجود دارند!

خدا مردم اسرائیل (یهودیان) را بعنوان قوم ویژه خود انتخاب کرد (خروج ۱۹: ۵). او گفت که آنها هرگز بطور کامل نابود نخواهند شد (ارمیا ۳۰: ۱۱، رومیان ۱۱: ۱-۲). آنها بسیار شریر بوده و حتی پسر خدا را به راه مرگ کشاندند، اما امروزه بعد از حدود ۳۰۰۰ سال هنوز وجود دارند. این ویژگی برای انسانهای باستانی دیگر صدق نمی‌کند.

برخی حقایق در مورد کتاب مقدس

- کتاب مقدس در یک بازه زمانی حدوداً ۱۶۰۰ ساله نوشته شده است.
- دارای ۶۶ کتاب است - ۳۹ کتاب در عهد عتیق و ۲۷ کتاب در عهد جدید.
- خدا از چوپانان، پادشاهان، ماهیگیران، طبیب، چادر ساز و سایرین برای نوشتن آن استفاده کرد.
- تمامی نویسندگان یک داستان واحد را به ما نشان می‌دهند - داستان نقشه خدا برای انسان.
- تقریباً تمامی نویسندگان یهودی بودند - بسیاری از مطالب کتاب مقدس در مورد یهودیان است.

راهنمای سریع و مختصر برای بخش‌های مختلف کتاب مقدس

عهد عتیق

کتاب	محتوا
پیدایش	آغاز جهان، اولین انسان و شروع نسل یهود
خروج تا تثبیه	این کتاب‌ها به ما در مورد چگونگی انتخاب قوم یهود بعنوان قوم برگزیده از طرف خدا و خروج آنها توسط خدا از مصر و دادن سرزمین (کنعان) بعنوان سرزمین خود می‌گوید.
یوشع تا استر	ادامه تاریخ زندگی یهودیان در این کتاب‌ها وجود دارد.
مزامیر تا غزل غزلهای سلیمان	این‌ها کتاب‌هایی حاوی شعر و فضیلت هستند.
اشعیا تا ملاکی	کتب انبیا. آنها به یهودیان درباره چگونگی اطاعت از خدا و همچنین در مورد بسیاری از وقایع مهم که در طول تاریخ جهان اتفاق می‌افتد، گفته اند. بعضی از این وقایع تا این زمان اتفاق افتاده و بعضی در آینده به وقوع خواهد پیوست.

عهد جدید

کتاب	محتوا
متی، مرقس، لوقا، یوحنا	این کتب، چهار داستان مجزا از زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح هستند. این چهار کتاب معمولاً انجیل نیز خوانده می‌شوند.
اعمال رسولان	کتابی در مورد کلیساهای اولیه (اکلژیها) و چگونگی شکل‌گیری آنهاست.
رومیان تا نامه یهودا	نامه‌های گوناگون برای کمک به اکلژیهای تازه شکل گرفته
مکاشفه یوحنا	کتاب پیشگویی همراه با نمادها و زبان تصویری

شما می‌توانید لیست کاملی از این کتب را در فهرست کتاب مقدس مشاهده کنید.

آیا آیات نوشته شده دیگری از جانب خدا وجود دارد؟

جواب این سوال "خیر" می‌باشد و کتاب مقدس تنها کتاب قابل اعتمادی است که با آن می‌توانیم در مورد خدا و اهدافش یاد بگیریم. با این حال مذاهب بسیاری در دنیا وجود دارند که هر کدام "کتاب مقدس" خود را دارند. برای مثال مسلمانان قرآن را دارند. کلیسای مورمون‌ها کتابی به نام مورمون دارند که ادعا می‌کنند از جانب خدا برای آنها فرستاده شده است. بعضی از این کتاب‌ها بخشی از تعلیمات خود را از کتاب مقدس گرفته‌اند. بعضی نیز نصیحت‌های خردمندانه و معقولی ارائه می‌دهند. اما در بسیاری از موارد پیام این کتاب‌ها با کتاب مقدس یکی نیست. واضح است که خدا در هر کتاب پیام متفاوتی نمی‌دهد. فقط یکی از آنها می‌تواند الهام گرفته از کلام خدا باشد و کتاب مقدس مدعی این امر است.

کتاب مقدس - راهنمایی برای زندگی ما

خدا ناامیدی و اندوه حاصل از ارتکاب گناه را در زندگی مردان و زنان دید و پسر خود، عیسی مسیح را فرستاد تا بر روی صلیب بمیرد تا بخشیده شدن گناهان ما را ممکن سازد. کتاب مقدس راه رستگاری را به ما نشان می‌دهد و به ما امید داشتن یک زندگی شگفت‌انگیز را در آینده و در زمان بازگشت عیسی مسیح بر روی زمین هدیه می‌دهد.

عیسی به ما نشان داد که راه زندگی درست از نظر خدا چیست. کتاب مقدس شامل مثال‌هایی از افرادی موفق است که تلاش کردند تا خدا را خشنود سازند و همچنین کسانی که شکست خوردند. داستان یهودیان به ما کمک می‌کند تا از اشتباهات آنها درس بگیریم. کتاب مقدس یک راهنما برای زندگی ماست و به ما نشان می‌دهد که برای خشنود کردن خدا چگونه زندگی کنیم.

در آخر

این تفکری شگرف است که خدای آسمانی کتابی را در اختیار ما قرار داده تا بتوانیم او را بشناسیم و طوری زندگی کنیم که از ما خواسته است. همچنین خدا به ما درباره دلیل آفرینش زمین و اتفاقات آینده گفته است. کتاب مقدس به ما درباره رابطه خدا با انسان، از آفرینش اولین بشر تا زمانیکه جهان از شکوه خدا پر می‌شود، سخن می‌گوید.

کتاب مقدس راهنمایی است که خدا به ما داده است. هیچ کتاب دیگری مانند آن وجود ندارد. این فقط یک متن بی‌جان نیست، بلکه کلامی زنده است و هدیه ایست از جانب خدا به ما. اگر ما هر روز

این کتاب را با دقت و همراه با دعا مطالعه کنیم، زندگی ما را بطور کامل به سمت خشنود سازی خدا تغییر خواهد داد.

خلاصه

۱. کتاب مقدس کلام خداست و پیامی از جانب خدا برای مردان و زنان.
۲. کتاب مقدس تنها راه قابل اعتمادی است که می‌توان در مورد خدا و اهداف او آگاهی کسب کرد. هیچ کتاب دیگری مانند این کتاب وجود ندارد.
۳. کتاب مقدس به ما راه زندگی در راستای خشنود کردن خدا را نشان می‌دهد. این کتاب به ما امید داشتن یک زندگی شگفت‌انگیز را در آینده و در زمان بازگشت عیسی مسیح بر روی زمین هدیه می‌دهد.
۴. شواهد بسیاری مبنی بر صحت کتاب مقدس وجود دارد. برای مثال تاریخچه این کتاب توسط اکتشافات جدید اثبات شده و شامل پیشگویی‌های فراوانی است که به انجام رسیده است.
۵. عیسی مسیح به عهد عتیق ایمان داشت.
۶. کتاب مقدس هدیه‌ای از جانب خدا به ماست و ما هر روز باید آن را بخوانیم.

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷) "تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد."

مزامیر باب ۱

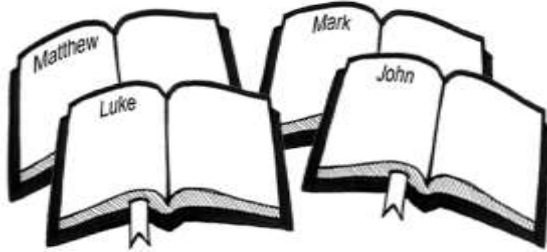
"خوشا به حال کسی که در مشورت شریران گام نزند و در راه گنهکاران نایستد و در محفل تمسخرگران ننشیند؛ بلکه رغبتش در شریعت خداوند باشد و شبانه‌روز در شریعت او تأمل کند. او بسان درختیست نشانده بر کناره جویبار، که میوه خویش در موسمش آرد به بار و برگش نیز پژمرده نشود و در هر آنچه کند کام یابد. لیکن چنین نیستند شریران بلکه همچو کاهند که دست باد می‌راندشان. پس شریران را در داوری تاب ایستادن نیست و نه گنهکاران را در جمع پارسایان. زیرا خداوند راه پارسایان را می‌پاید اما طریق شریران به نابودی می‌انجامد."

درس چهارم: انجیل

مطالعه: اشعیا باب ۵۵

خبر خوش

هر کسی از شنیدن خبر خوش لذت می‌برد و پیام انجیل خبری خوش است. در واقع کلمه "انجیل" به معنای "خبر خوش" می‌باشد.



چهار کتاب نخست عهد جدید معمولاً به نام "انجیل" شناخته می‌شوند و به دلیل وجود خبرهای خوش در مورد عیسی مسیح در این کتاب‌ها به آن "انجیل" گفته می‌شود.

این چهار کتاب تنها بخشی از خبرهای خوش کتاب مقدس هستند.

عیسی مسیح پسر خداست. مادر او مریم باکره بود. با این حال زندگی عیسی مسیح شخصیت خدا و مخصوصاً عشق و محبت او را به ما نشان داد. او همچنین قدرت خدا را به وسیله انجام معجزات به ما نشان داد. ولی شگفت‌انگیزترین ویژگی در مورد مسیح این بود که به هیچ وجه گناه نکرد. حتی زمانی که در راستای زندگی خویش مورد وسوسه قرار گرفت. یکی از بزرگترین وسوسه‌ها، نادیده گرفتن شرمساری و زجر فراوان مسیح برای مرگ بر روی صلیب بود. اما عیسی این را بعنوان اراده خدا (بخشی از نقشه ی خدا) قبول کرد. عیسی می‌دانست که در صورت پیروزی در مبارزه علیه گناه، خدا او را از قبر بیرون خواهد کشید و به او زندگی جاودان خواهد داد. عیسی مسیح تنها شخصی است که از مرگ برخاست و زنده ماند.

این خبر خوبیست! عیسی مسیح راهی را برای ما گشود تا توسط آن، گناهانمان بخشیده شود و زندگی جاودان دریافت کنیم. او تماماً بی‌نقص زندگی کرد و برای اطاعت از خواست خدا مرد تا این امر را برای ما ممکن سازد. پیغام خوش این است که خدا راهی را برای ما فراهم ساخت که توسط آن از گناه و مرگ نجات یابیم و این دلیل خوبی برای سپاسگزاری از خدا می‌باشد.

هنوز تمام نشده

پس از اینکه عیسی مسیح از مرگ برخاست، به آسمان صعود کرد (اعمال رسولان ۱: ۹-۱۱) تا در کنار پدر خویش باشد و هنوز هم همان جاست. با این حال به زودی به زمین باز خواهد گشت. در مکاشفه ۱: ۷ در مورد بازگشت عیسی مسیح می‌خوانیم:

"هان با ابرها می‌آید، هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنان که نیزه به او زدند و همه طوایف زمین به سوگش خواهند نشست. آری چنین خواهد بود. آمین" (مکاشفه ۱: ۷).

وقتی که عیسی مسیح بازگردد، پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار خواهد کرد. پادشاهی خدا تمام زمین را خواهد پوشانید و دنیا به مکانی متفاوت تبدیل خواهد شد و سرانجام اینگونه خواهد شد:

- دیگر جنگی نخواهد بود.
- دیگر درد و شکنجه‌ای نخواهد بود.
- دیگر اندوه و غم نخواهد بود.
- دیگر گناهی نخواهد بود.
- دیگر مرگی نخواهد بود.

اشعیا ۲۵: ۸ در مورد آن زمان به ما می‌گوید:

"او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگار یهوه اشک‌ها را از هر چهره خواهد زدود و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت زیرا که خداوند سخن گفته است" (اشعیا ۲۵: ۸).

خدا به ما جایی در پادشاهی خود بر روی زمین پیشنهاد کرده است که بسیار شگفت‌انگیز است و او از ما می‌خواهد که این را قبول کنیم. البته شرایطی نیز وجود دارد و ما باید کلام خدا، که همان کتاب مقدس است را بخوانیم تا دریابیم که خدا از ما در زندگی امروزمان چه توقعی دارد.

انجیل برای انسان‌هایی که در عهد عتیق بودند، شناخته شده بود

انجیل حاوی اخبار خوشی از پادشاهی خدا و عیسی مسیح است. عهد جدید به ما می‌گوید که انجیل به ابراهیم بشارت داده شده بود:

"کتاب چون پیشتر دید که خدا غیریهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد، از این رو پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد که همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت" (غلاطیان ۳: ۸).

خدا به ابراهیم به خاطر ایمان و اطاعت او وعده‌هایی داد. به ابراهیم گفته شد که وارث همیشگی سرزمین اسرائیل خواهد بود. ولی او بدون آنکه تکه‌ای از آن سرزمین موعود را دریافت کند پیر شد و مُرد!

ولی می‌دانیم که خدا تمامی وعده‌هایش را عملی می‌کند. به منظور دستیابی به سرزمین موعود،

ابراهیم می‌بایست از مرگ بر خیزد و ما می‌دانیم که او به رستاخیز ایمان داشته است.

"ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند و می‌توان گفت که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت" (عبرانیان ۱۱: ۱۹).

همچنین بمنظور دریافت سرزمین اسرائیل برای همیشه، ابراهیم می‌بایست زندگی ابدی می‌داشت. سرزمین اسرائیل مرکز پادشاهی خدا در آینده خواهد بود. ابراهیم از مرگ رستاخیز خواهد یافت و در پادشاهی خدا بر زمین در زمان بازگشت عیسی مسیح جای خواهد داشت. پس ابراهیم اخبار خوش در مورد زندگی پس از مرگ را می‌دانست و مشتاق رسیدن پادشاهی خدا بود:

"زیرا چشم‌انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و سازنده‌اش خداست" (عبرانیان ۱۱: ۱۰).

در مورد وعده‌های خدا به ابراهیم در درس‌های آینده بیشتر خواهیم خواند.

چه زمانی عیسی مسیح به زمین باز خواهد گشت؟

ما زمان دقیق بازگشت عیسی مسیح به زمین را نمی‌دانیم. با این حال، به خاطر حوادثی که امروزه در دنیا رخ می‌دهد، می‌دانیم که به زودی مسیح خواهد آمد. برای حدود ۲۰۰۰ سال یهودیان سرزمینی برای خود نداشتند و در میان ملت‌های مختلف دنیا پراکنده بودند. امروزه بسیاری از یهودیان به سرزمین اسرائیل بازگشته‌اند. هزاران سال پیش، کتاب مقدس بازگشت یهودیان به سرزمین اسرائیل، پیش از بازگشت مسیح را پیشگویی کرده است.

دنیای امروز سرشار از جرم و خشونت است و انسانها بدون هیچ گونه کنترل بر نفس خویش فقط کارهایی را انجام می‌دهند که خوشی آنها را فراهم کند. جنگ، قحطی و بیماری‌های وحشتناک تمام دنیا را پوشانده است و انسان‌ها از آینده وحشت زده هستند. عیسی مسیح گفت: "مردم از تصور آنچه باید بر دنیا حادث شود، از فرط وحشت بی‌هوش خواهند شد، زیرا نیروهای آسمان به لرزه در خواهد آمد" (لوقا ۲۱: ۲۶). او همچنین گفت وقتی تمام این حوادث رخ دهد، آمدن او نزدیک می‌باشد. در این مورد در درس‌های آینده بیشتر خواهید خواند.

عیسی مسیح باز خواهد گشت تا پادشاه جهان شود

عیسی مسیح به پیلاتس، حاکم رومیان گفت که او برای پادشاه شدن به دنیا آمده و بر سر صلیب او نوشته شده بود: "این است عیسی ناصری، پادشاه یهود". ولی زمانیکه عیسی بازگردد تنها پادشاه یهود نخواهد بود، بلکه پادشاه تمام دنیا خواهد شد. خدا این را هزاران سال پیش به ما گفته است. نویسنده کتاب مزامیر باب ۷۲ در این مورد نوشته است. در آیه ۸ می‌خوانیم:

"باشد که از دریا تا به دریا فرمان براند و از نهر تا به کران‌های زمین" (مزامیر ۷۲: ۸).

شهر اورشلیم در اسرائیل، پایتخت پادشاهی آینده خدا خواهد شد. عیسی مسیح حکمرانی خود را بعنوان پادشاه از اورشلیم شروع و به تمام دنیا گسترش خواهد داد. داوود، دومین پادشاه اسرائیل، در انتظار روزی بود که کسی از نسل او یعنی عیسی مسیح، سلطنت خود را از اورشلیم آغاز کند.

در زمان بازگشت عیسی مسیح به زمین چه اتفاقی می‌افتد؟

عیسی مسیح کسانی را که پیام انجیل را درک کرده اند، از مرگ رستخیز خواهد داد. سپس تمام کسانی که انجیل را درک کرده اند، داوری خواهد کرد. هم کسانی را که در زمان آمدن او زنده هستند و هم کسانی که از مرگ رستخیز یافته اند. فقط کسانی که طبق اراده خدا زندگی کرده اند، زندگی ابدی خواهند یافت و در پادشاهی خدا جای خواهند گرفت. پادشاهی خدا مکانی سرشار از شادمانی خواهد بود، ولی نه تا زمانیکه عیسی مسیح تمام دشمنان خدا را شکست دهد. فقط در آن زمان است که دیگر مرگ و گناهی وجود نخواهد داشت. خدا در برگیرنده همه چیز خواهد بود و در آن زمان جهان ایده آل می‌شود، دقیقاً به شکلی که از آغاز در نقشه خدا بود. عیسی به شاگردان خود گفت که باید دعا کنند:

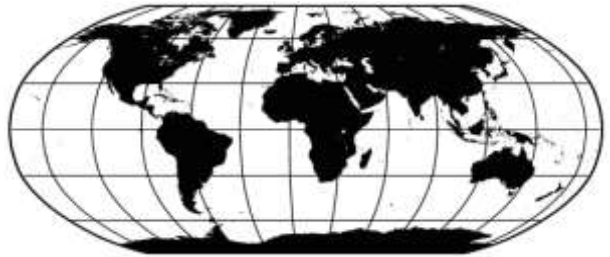
"پادشاهی تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان انجام می‌شود بر زمین نیز به انجام رسد" (متی ۶: ۱۰).

توجه داشته باشید که انجیل به ما درباره رفتن به آسمان بعد از مرگ نمی‌گوید و این از تعالیم کتاب مقدس نیست. خبر خوش در مورد زندگی ابدی بر روی زمین است.

پولس رسول در انتظار این واقعه گفت:

"اکنون تاج پارسایی برایم آماده است، تاجی که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا خواهد کرد، نه تنها به من، بلکه به همه آنان که مشتاق ظهور او بوده‌اند" (۲ تیموتائوس ۴: ۸).

"زیرا همان گونه که آبها دریا را می‌پوشاند، جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد" (حقوق ۲: ۱۴).



پیام شگفت‌انگیز انجیل این است که ما می‌توانیم در پادشاهی خدا حضور یابیم.

چطور می‌توانیم در پادشاهی آینده خدا بر روی زمین جایی داشته باشیم؟

لازم است که ما تصدیق کنیم چقدر گناهکار بوده و برای آن کاری انجام دهیم. وقتی پولس رسول در آتن بود گفت:

"در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می‌پوشید. اما اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطهٔ مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است" (اعمال رسولان ۱۷: ۳۰-۳۱).

خدا به همه دستور داد که توبه کنند. این به معنای تصمیم برای تغییر زندگی خویش است و اینکه باید به جای خودمان، خدا را خشنود سازیم. همه ما گناهکاریم. پس همه باید توبه کرده و در آب تعمید بگیریم. ما باید تلاش کنیم تا آنگونه که عیسی مسیح به ما نشان داد زندگی کنیم و کسانی که این راه را پیش بگیرند، عیسی مسیح در زمان بازگشت خود، به آنها زندگی جاویدان خواهد بخشید.

خلاصه

- کلمه "انجیل" به معنای "خبر خوش" است. خبر خوب این است که خدا راهی را برای ما برای نجات از گناه و مرگ فراهم کرده است.
- انسان‌ها در زمان عهد عتیق و جدید، از "انجیل" باخبر بوده اند.
- عیسی مسیح بی نقص زندگی کرد و برای اطاعت از خواست خدا مُرد تا راه نجات را برای ما ممکن سازد.
- خدا عیسی مسیح را از مرگ رستاخیز داد و به او زندگی ابدی داد. او به آسمان صعود کرد تا کنار پدر خویش باشد و هنوز هم در آنجا حضور دارد.
- عیسی مسیح از آسمان باز خواهد گشت تا پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار سازد.
- او تمام کسانی که انجیل را فهمیده اند، داوری خواهد کرد. کسانی که مورد قبول واقع می‌شوند، زندگی جاودان خواهند یافت و در پادشاهی خدا جای خواهند گرفت.
- اگر ما می‌خواهیم که در پادشاهی خدا قرار داشته باشیم، باید توبه کرده و در آب تعمید بگیریم و تلاش کنیم همانگونه که عیسی مسیح به ما نشان داد، زندگی کنیم.

آیاتی جهت مطالعه:

(اشعیا ۲۵: ۸) "او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگار یهوه اشک‌ها را از هر چهره خواهد زدود و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت زیرا که خداوند سخن گفته است."

(اشعیا ۴۵: ۱۸) و (اشعیا ۵۵: ۱-۱۱)

(زکریا ۹: ۹) - این آیه پیشگویی می‌کند که عیسی مسیح سوار بر الاغی به اورشلیم می‌رسد و نیز روزی پادشاه خواهد شد.

(متی ۲۵: ۳۱-۳۴) - این آیات به داوری مسیح پس از بازگشت او به زمین اشاره می‌کند.

پرسش‌های بخش اول

درس ۱: چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟

۱-۱ چرا می‌خواهید کتاب مقدس را بخوانید؟

۲-۱ چه زمان‌هایی باید کتاب مقدس را مطالعه کنیم؟

الف) هر روز ب) هفته‌ای یکبار پ) ماهی یکبار

ت) چند بار در سال ث) موارد دیگر (لطفا مشخص کنید)

۳-۱ قبل از شروع هر درس باید چکار کنیم؟

۴-۱ در مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵ نویسنده می‌گوید که کلام خدا نوری برای پاهایش است. به نظر شما منظور او چیست؟

درس ۲: کریستادلفین‌ها چه کسانی هستند؟

۱-۲ کلمه "کلژیا" به چه معناست؟

۲-۲ چرا باید زندگی پاک و صادقانه‌ای داشته باشیم؟

۳-۲ تنها کشیش یا کاهن ایمانداران واقعی کیست؟

۴-۲ مسیح چگونه عشق بزرگ خود را نشان داد؟ (یوحنا ۱۵: ۱۳-۱۴ را ببینید، که در درس هم بیان شده است).

درس ۳: کتاب مقدس راهنمای ما

- ۱-۳ کتاب مقدس چه تفاوتی با کتاب‌های دیگر دارد؟
- ۲-۳ چه کلمه‌ای برای توصیف روشی که خدا نویسندگان کتاب مقدس را راهنمایی کرد بکار برده شده است؟
- ۳-۳ مزامیر باب ۲۲ چگونه به شما کمک می‌کند که باور کنید کتاب مقدس توسط خدا نوشته شده است؟
- ۴-۳ کدام آیات نشان می‌دهند که عیسی مسیح ایمان داشت خدا آدم و حوا را خلق کرده است؟
- ۵-۳ آیا تنها راه قابل اعتماد در مورد یادگیری خدا و اهدافش مطالعه کتاب مقدس است؟
- ۶-۳ کتیبه‌های دریای سیاه به ما چه چیزی را نشان می‌دهند؟
- ۷-۳ نگارش کتاب مقدس چند سال طول کشید؟
- ۸-۳ مطالعه هر روزه و همراه با دعای کلام خدا چه کاری برای ما انجام می‌دهد؟
- ۹-۳ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ به ما درباره فواید مطالعه کتاب مقدس چه می‌گوید؟

درس ۴: انجیل

۱-۴ الف) کلمه "انجیل" به چه معناست؟

ب) این خبر خوش چیست؟

۲-۴ الف) به ابراهیم وعده به ارث بردن چه چیزی تا به ابد داده شد؟

ب) ابراهیم اکنون مرده است. چگونه می‌تواند این وعده را دریافت کند و هنگام بازگشت عیسی مسیح بخشی از پادشاهی خدا باشد؟

۳-۴ حدافل چهار چیزی که در مورد عیسی مسیح می‌دانید را بنویسید.

۴-۴ دنیا چگونه بعد از بازگشت عیسی مسیح و برقراری پادشاهی خدا بر زمین تغییر خواهد کرد؟
مثال بزنید.

۵-۴ چرا باید توبه کنیم؟

درس پنجم: خدا و آفرینش

مطالعه: پیدایش باب ۱ و پیدایش ۲: ۱-۷

آفرینش

باب اول کتاب پیدایش به ما در مورد آفرینش زمین و آسمان توسط خدا می‌گوید. در ابتدا زمین خالی، تاریک و پوشیده از آب بود. پس از آن، در مورد هفت روز پیدایش می‌خوانیم. نمودار زیر اتفاقات هر روز را نمایش می‌دهد:

نور درخشید - روز از شب مجزا شد		روز اول
	آب‌ها تقسیم شدند و آسمان پدیدار شد	روز دوم
خشکی‌ها پدیدار شدند و درختان و گیاهان شروع به روئیدن کردند		روز سوم
	خدا خورشید، ماه و ستارگان را آفرید	روز چهارم
ماهی‌ها و پرندگان آفریده شدند		روز پنجم
	حیوانات آفریده شدند و در آخر خدا اولین مرد و زن را آفرید	روز ششم
خدا استراحت کرد		روز هفتم

حتما متوجه شده اید که همه چیز چقدر منظم است. برای مثال درختان و گیاهان تا روز سوم و تا پدیدار شدن خشکی برای آن‌ها آفریده نشده بودند. حیوانات نیز تا روز ششم و قبل از مهیا شدن غذا برای آنها آفریده نشدند.

"و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم" (پیدایش ۱: ۳۱).

همه روزه ما شاهد کارهای بی نظیر خدا پیرامون خود هستیم. انسان‌ها چیزهای شگفت‌انگیزی همچون هواپیما، داروهای درمانی، تلفن همراه و کامپیوتر اختراع کرده‌اند. ولی تمام اینها از نظر مهارت مورد نیاز در مقایسه با قدرت خدا که جهان را آفریده است هیچ به نظر می‌رسد. فقط کافیت بیاندهشیم که چطور گردش زمین و حرکت آن به دور خورشید هرگز تغییر نمی‌کند و به واسطه آن روز به شب و فصلی به فصل دیگر تبدیل می‌شود.

هر چیزی را که خدا طراحی کرده بی نظیر و پیرو اهداف او بوده است. حتی کوچکترین گل دارای جزئیات بی نظیری است که از دانه خود تشکیل شده است. پرنده‌ها بال‌های بی نظیری برای پرواز دارند و حتی بعضی از آنها در سراسر دنیا هزاران کیلومتر برای کوچ زمستانی خود پرواز می‌کنند.

"ای خداوند، کارهای تو چه بسیار است. آنها را جملگی به حکمت خویش به عمل آورده‌ای. زمین از مخلوقات تو آکنده است" (مزامیر ۱۰۴: ۲۴).

خدایانی که خدا نیستند

در سرتاسر تاریخ، انسانها شگفتی‌هایی از طبیعت دیده‌اند. ولی به جای پرستش خدایی که همه آن شگفتی‌ها را آفریده، به پرستش چیزهای آفریده شده پرداختند! انسانها خورشید، ماه و ستارگان را پرستش می‌کردند. آنها تصور می‌کردند که در آب و باد ارواحی وجود دارد و به پرستش آنها می‌پرداختند. مردم حتی مجسمه‌هایی از حیوانات را می‌پرستیدند که از سنگ و چوب ساخته شده بود و آنها تصور می‌کردند که روحی در آنها زندگی می‌کند. پولس رسول در این مورد در رومیان ۱: ۲۰-۲۳ گفته است. به آیه ی ۲۳ بیشتر توجه کنید:

"و جلال خدای غیر فانی را با تمثال‌هایی شبیه انسان فانی و پرنده‌ها و حیوانات و خزندگان معاوضه کردند" (رومیان ۱: ۲۳).

پرستش خدایان دروغین و بتها اشتباه بوده و از سوی خدا محکوم شده است. کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدای آسمانی ما تنها خدای زنده و حقیقی است. وقتی که مردم به آن خدایان دروغین دعا می‌کردند جوابی نمی‌گرفتند. چرا که آن سنگها زنده نبوده و نمی‌توانستند فکر کنند. خدایان دروغین و بتها تنها در تصور انسان‌ها بوده و وجود خارجی ندارند. پرستش خدایان دروغین و بتها گناهی بزرگ بوده و در گذشته مردم را به شیوه‌های شریرانه‌ای همچون سوزاندن فرزندان در آتش هدایت می‌کرد. حتی یهودیان با اینکه خدا قوانین عادلانه‌ای به آنها داده بود، بت‌ها را می‌پرستیدند. خدا به آنها در کتاب تثنیه ۴: ۱۵-۱۹ هشدار داد.

حزقیال ۱۴: ۳-۵:

"ای پسر انسان! این مردان بتهای بی‌ارزششان را در دل خود جای داده و سنگ لغزش گناه خویش را در برابر خود نهاده‌اند. پس آیا حال از من مشورت بطلبند؟ بنابراین، ایشان را خطاب کرده بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: هر کس از خاندان اسرائیل که بتهای بی‌ارزش خود را در دلش جای دهد و سنگ لغزش گناه خود را در برابر خود بنهد و آنگاه نزد نبی آید، من که خداوندم به او که آمده است، فراخور انبوه بتهایش پاسخ خواهم داد. آری، چنین خواهم کرد تا دل‌های خاندان اسرائیل را که جملگی به سبب بتهایشان از من مرتد شده‌اند، دوباره تسخیر کنم."

(حزقیال ۱۴: ۱-۸) - در آیه ۳ می‌گوید این بت پرستان "بتهای بی‌ارزششان را در دل خود جای داده‌اند". امروزه نیز ما ممکن است این کار را انجام دهیم. نه اینکه بتهایی از سنگ و چوب را پرستش کنیم، بلکه اگر چیزی در زندگی ما از خدا برای ما مهمتر باشد، همانند بتی در قلب ماست که آن را می‌پرستیم. سپس برای مثال وقتی ما زمان زیادی را صرف کسب درآمد، بازی کردن فوتبال و یا تماشای تلویزیون کرده و زمانی برای خواندن کتاب مقدس نیابیم، این موارد به بتهایی در قلب ما تبدیل خواهد شد.

اگر می‌خواهیم که خدا را خشنود سازیم، پس نباید کاری با بتها داشته باشیم. پس کسانی را هم که در زندگی‌شان بتهایی دارند را بعنوان دوست قبول نمی‌کنیم. پولس رسول در ۲ قرن‌تیا ۶: ۱۵-۱۶ می‌گوید:

"... مؤمن و بی‌ایمان را چه شباهتی؟ و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است؟..." (۲ قرن‌تیا ۶: ۱۶-۱۵).

پرستش هر چیز دیگری به جز خدای حقیقی کتاب مقدس و پسر او، بسیار اشتباه است. نامه اول تسالونیکیان ۱: ۹-۱۰ خطاب به ایمانداران می‌گوید:

"زیرا آنان خود از استقبال گرم شما از ما سخن می‌گویند و از اینکه چگونه از بتها دست کشیده، به سوی خدا بازگشتید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید و در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید، که از مردگان برخیزانیدش، یعنی عیسی، که ما را از غضب آینده رهایی می‌بخشد" (۱ تسالونیکیان ۱: ۹-۱۰).

آغاز جهان

امروزه بسیاری از انسان‌ها بر این باورند که این جهان شگفت‌انگیز بر اساس یک اتفاق بوجود آمده است. این ایده، تئوری تکامل نامیده می‌شود. آنها بر این باورند که جرقه‌ای از زندگی اتفاق افتاده و از شروع آن، همه چیز به آهستگی تغییر یافته است و سپس این جهان با نظم شگفت‌انگیزی که امروزه می‌بینیم پدیدار شده است. آنها ادعا می‌کنند که تمام چیزهای حیرت‌آوری که وجود دارند، همچون چشم ما، گوش و مغز پیچیده انسان بر حسب اتفاق بوجود آمده! آنها همچنان معتقدند که نسل بشر از میمون‌ها تولید شده است. ولی کتاب مقدس به وضوح می‌گوید که خدا اولین انسان را از خاک زمین آفرید. کتاب مقدس به صراحت می‌گوید:

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید" (پیدایش ۱: ۱).

اگرچه کتاب مقدس به ما درباره آفرینش همه چیز توسط خدا می‌گوید، ولی چگونگی این آفرینش را در این کتاب نمی‌خوانیم. اگر هم کتاب مقدس به ما در مورد چگونگی آفرینش می‌گفت نمی‌توانستیم درک کنیم. ما باید کلام خدا را با ایمان کامل قبول کنیم. ما نمی‌توانیم آموزش‌های کتاب مقدس را در مورد آفرینش جهان توسط خدا قبول کرده و همزمان بوجود آمدن اتفاقی زمین را نیز باور کنیم.

"به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و همه لشکر آنها، به دم دهان او" (مزامیر ۳۳: ۶).

جهانی که توسط انسانها نابود شده است

پرستش بتها و باور کردن ایجاد اتفاقی زمین، بسیار اشتباه و شریرانه است. همچنین نابودی دنیایی که توسط خدا آفریده شده خطا می‌باشد.

در آغاز دنیای ما به شدت زیبا بود. اما انسان‌ها کارهای زیادی را در راستای نابودی آن انجام دادند. درختان بسیاری قطع شدند و صحرا جایگزین جنگل شد. هوا و رودخانه‌ها توسط مواد شیمیایی آلوده شد. دانشمندان معتقدند که با استفاده حریصانه از نفت و ذغال سنگ، دی اکسید کربن زیادی تولید کرده‌ایم که باعث گرم شدن کره زمین گردیده که این امر موجب ایجاد مشکلات زیادی در محیط زیست شده است. از این راه و راه‌های بسیار دیگری، کره زمین به سوی نابودی می‌رود.

اما هنوز دنیا به خدا تعلق دارد و او به ما اجازه نابودی آن را نمی‌دهد. در اعمال رسولان ۱۷: ۳۱ پولس رسول به ما می‌گوید: "زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطهٔ مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است". آن روز زمانی فرا خواهد رسید که خدا عیسی مسیح را بر روی زمین فرستاده تا پادشاه کل جهان گردد. احکام خردمندانه و قوانین عادلانه او سرانجام این دنیا را به مکانی ایده آل تبدیل خواهد کرد و این امر موجب تکمیل وعده خدا به ما خواهد شد که گفت: "تمام زمین از جلال بیهوه پر خواهد شد" (اعداد ۱۴: ۲۱).

خدای قادر مطلق

این دنیای شگفت‌انگیز، قدرت و دانایی خدا را به ما نشان می‌دهد، ولی در مورد خود خدا به ما چیزی نمی‌گویند. هیچ کس تا به حال خدا را مشاهده نکرده است. برای آشنایی با خدا، باید کتاب مقدس را مطالعه کرده و بخصوص به زندگی عیسی مسیح و مثال‌های زندگی او توجه کنیم. کتاب مقدس تمام چیزی را که نیاز است از خدا بدانیم، به ما گفته است. این تنها راه قابل اعتماد برای شناخت خدا و اهداف او برای زمین است.

۱ تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶

"که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید، همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب ارباب است. او را که تنها وجود فناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و توانایی باد. آمین".

مزمیر ۹۰: ۲ می‌گوید: "از ازل تا به ابد تو خدایی". این چیزی است که ذهن ما توانایی درک کامل آن را ندارد. ما می‌دانیم که در زندگی هر چیزی آغاز و پایانی دارد. ما با تولد و مرگ آشنایی داریم. ولی خدای ما همیشه وجود داشته و تا ابد وجود خواهد داشت. او فناپذیر و جاودان است. در رساله اول تیموتائوس باب ۶ می‌خوانیم که جاودانگی فقط از خدا می‌آید.

کتاب مقدس به ما در مورد یکتا بودن خدا می‌گوید. او قدرت مطلق بوده و بر همه چیز آگاه است. او کامل بوده و نمی‌تواند گناه کند. او خدای بخشش و محبت است و از ما توقع دارد که او را عزت داده و از او اطاعت کنیم. او خدایی بخشنده و دیر خشم است. ولی کسانی را که از عزت دادن و اطاعت کردن او خودداری می‌کنند، مجازات خواهد کرد. خدا خود را برای موسی چنین توصیف می‌کند:

"خداوند از برابر موسی گذشت و چنین ندا کرد: بیهوه، بیهوه، خدای رحیم و فیاض، دیر خشم،

و آکنده از محبت و وفا، پایدار در محبت برای هزار پشت و آمرزنده تقصیر و نافرمانی و گناه. اما تقصیرکار را هرگز بی‌سزا نمی‌گذارد بلکه جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و فرزندان فرزندان تا پشت سوّم و چهارم می‌رساند" (خروج ۳۴: ۶-۷).

ذات خدا	شخصیت خدا
<ul style="list-style-type: none"> • او همیشه وجود داشته و هرگز نخواهد مُرد. • او سرچشمه تمام هستی است. • او ایده آل بوده و گناه نمی‌کند و تحت وسوسه گناه نیز قرار نمی‌گیرد. • او در آسمان بوده ولی در همه جا حضور معنوی دارد. 	<ul style="list-style-type: none"> • او مقدس و عادل است. • او بخشنده، رئوف، صمیمی و دیرخشم است. • او گناهکارانی را که توبه می‌کنند می‌بخشد. • ولی کسانی را که از اطاعت و عزت دادن به او امتناع می‌کنند، مجازات خواهد کرد.

ما بخشی از آفرینش خدا هستیم

"بیایید تا پرستش و سَجده کنیم و در پیشگاه آفریننده خویش، خداوند، زانو زنییم" (مزمیر ۹۵: ۶).

توانایی پرستش و ستایش خدا، امتیازی بزرگ است. بشر از مخلوقات ویژه خدا بوده و او همیشه به دنبال رابطه‌ای خاص با مردان و زنان است. عیسی مسیح در مورد ایمانداران واقعی که خدا را با تمام وجود و با صداقت پرستش می‌کنند، می‌گوید: "زیرا پدر جویای چنین پرستندگانی است" (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴). خدا در جستجوی افرادی است که به او ایمان داشته و از او اطاعت کرده و در دنیایی که خدا برای آنها ساخته شادی می‌کنند.

خدا از ما می‌خواهد که کتاب مقدس را خوانده تا در مورد او و اهدافش بیشتر بیاموزیم و او را همین حالا پرستش کرده و به او خدمت کنیم. خدا چنین اشخاصی را برای خدمت ابدی به او، در زمان بازگشت مسیح بر زمین آماده می‌کند. اگر ما کلام خدا را خوانده و به او عزت داده و همین حالا از او اطاعت کنیم، در روز مقرر، ما از جمله کسانی خواهیم بود که:

"در آن روز خواهند گفت:هان این خدای ما است که منتظر او بودیم تا نجاتمان بخشد. این خداوند است که منتظر او بودیم، پس در نجات او وجد و شادی کنیم" (اشعیا ۲۵: ۹).

خلاصه

- خدای قادر در کتاب مقدس، تنها خدای زنده و حقیقی موجود است. او جهان و همه چیز درون آن را آفریده است.
- ما باید خدا را پرستش کنیم و هرگونه خدای دروغین و بت را از زندگی خود بیرون سازیم.
- خدا همیشه وجود داشته و نابود نخواهد شد. او کامل بوده و گناه نمی‌کند. او قدرت مطلق بوده و بر همه چیز آگاه است. خدا بخشنده و مهربان است. ولی کسانی را که از عزت دادن و اطاعت از او سر باز می‌زنند را مجازات خواهد کرد.
- عیسی به زمین باز خواهد گشت تا پادشاه جهان شود. دستورات خردمندانه و قوانین عادلانه‌اش سرانجام این دنیا را ایده آل می‌سازد. سپس دنیا از جلال خدا برای همیشه پر خواهد شد.
- اگر ما کلام خدا را خوانده و به او عزت داده و از او اطاعت کنیم، قادر خواهیم بود در زمان آمدن عیسی بر زمین، تا ابد به او خدمت کنیم.

آیاتی جهت مطالعه:

(عبرانیان ۱۱: ۳) "به ایمان در می‌یابیم که کائنات به وسیله کلام خدا شکل گرفت، بدان‌گونه که آنچه دیده می‌شود از چیزهای دیدنی پدید نیامد".

۱) تیموتائوس ۱: ۱۷) - آیه‌ای جهت ستایش خدا

(مزمیر ۱۳۹: ۱-۴) - این آیات نشان می‌دهند که خدا بر همه چیز آگاه است، حتی از تفکرات ما

(پیدایش ۲: ۷) - این آیه درباره خلقت اولین انسان به ما می‌گوید

(تثنیه ۴: ۱۵-۱۹) - موسی به مردم اسرائیل در مورد پرستش بت‌ها و خدایان دروغین هشدار می‌دهد.

همچنین (رومان ۱: ۱۸-۲۳) را نیز بخوانید.

درس ششم: عشق فراوان خدا به جهان

مطالعه: اشعیا باب ۵۳

مشکل این دنیا چیست؟

بطور واضح این دنیا دارای مشکلات بسیاری برای زندگی همه ماست. همه روزه اخباری از جنایت و خشونت به گوش می‌رسد. بسیاری از مناطق دنیا درگیر جنگ بوده و یا خطر جنگ وجود دارد. بیماری‌های وحشتناک به سرعت گسترش می‌یابد. بسیاری در اثر گرسنگی می‌میرند در حالیکه دیگران غذای بسیاری برای خوردن دارند. بسیاری از رهبران دنیا نگران رفاه مردم خود نیستند.

چرا این موارد اتفاق می‌افتد؟ کتاب مقدس می‌گوید که خدا این دنیا را "بسیار خوب" آفرید (پیدایش ۱: ۳۱). خدا جهان را مکانی فوق العاده برای زندگی ما آفرید و چیزی بهتر از این دنیای پر از مشکل و بلا تکلیف را برای ما در نظر گرفت. گناه ریشه تمامی مشکلاتی است که در دنیا وجود دارد.

آغاز مشکلات دنیا

خدا آدم و حوا را آفرید و آنها را در باغ زیبای عدن جای داد. خدا به آدم راه درست را آموخت و همچنین یک قانون ساده برای او قرار داد. همچون پدری که توقع دارد فرزندان او اطاعت کنند، خدا نیز چنین توقعی از آدم داشت و به او گفت:

"و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد" (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

آدم نافرمانی را انتخاب کرد. او گناه کرد و قانون خدا را شکست. نافرمانی آدم او را به مجازات مرگی هدایت کرد که خدا به او از قبل گفته بود. آدم و حوا در همان لحظه نمردند. ولی به انسان‌هایی فانی تبدیل شدند و همچنین پس از آن انجام گناه برای آنها آسان شد.

توجه داشته باشید که آدم مُرد چون گناه کرد. خدا به آدم و حوا وعده رفتن به آسمان پس از مرگ را نداد. این می‌توانست همچون جایزه‌ای برای آنها باشد. آنها محکوم به مرگ شدند و این یک مجازات بود نه یک جایزه.

ما ذات آدم را به ارث برده ایم

از زمان تولد، ما تمام اثرات گناه آدم را به ارث برده ایم. دقیقا همانند کودکی که چیزهایی همچون رنگ پوست و رنگ چشم از پدر و مادر خود به ارث می‌برد. پس ما همه ذات خود را از آدم به ارث برده ایم. این ذات انسانی بر عکس ذات خدا است.

ذات بشر	ذات خدا
تمام انسان‌ها به راحتی گناه می‌کنند. نسل بشر از زمان تولد فانی می‌باشد.	خدا گناه نمی‌کند و مورد وسوسه قرار نمی‌گیرد. خدا فناپذیر است و هرگز نمی‌میرد.

ما نیز برای گناهانمان مجازات می‌شویم

از همان زمانی که آدم در ۶۰۰۰ سال پیش از خدا نافرمانی کرد، تک تک انسان‌ها که همه از نسل او هستند (به غیر از عیسی مسیح) گناه کردند. همه ما از نسل آدم هستیم و ما نیز به خاطر گناهان خود خواهیم مُرد (رومیان ۵: ۱۲). پولس رسول می‌گوید:

"می‌دانم که در من، یعنی در نفس من، هیچ چیز نیکویی ساکن نیست. زیرا هرچند میل به انجام آنچه نیکوست در من هست، اما نمی‌توانم آن را به انجام رسانم" (رومیان ۷: ۱۸).

پولس می‌دانست که گناهکار است. حتی با وجود اینکه تمام تلاش خود را کرد تا کارهای درستی انجام دهد. خیلی از انسان‌ها حتی نمی‌خواهند کار درست را انجام دهند. ارمیای نبی به ما می‌گوید که بشر گناهکار است:

"دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟" (ارمیا ۱۷: ۹).

اشعیا ۵۳: ۶ می‌گوید که همه ما راه خود را می‌رویم، نه راه خدا را:

"همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود رفته بود" (اشعیا ۵۳: ۶).

همه ما گناهکاریم. پس همه ما مستحق مرگ هستیم. ولی مرگ تنها مجازات گناه نیست. در ابتدا آدم از رابطه خاص با خدا لذت می‌برد. این رابطه خاص بواسطه گناه آدم تمام شد. گناه، ما را از خدا دور می‌کند. پس ما بعنوان یک گناهکار نمی‌توانیم با خدا رابطه ویژه برقرار کنیم. ما هیچ کاری برای نجات خود نمی‌توانیم انجام دهیم.

نجات توسط فیض خدا

کتاب مقدس به ما در مورد بخشش و عدالت خدا که از ویژگی‌های ذات اوست می‌گوید. چرا که خدا تنها موجود عادل است که باید حکم مرگ برای گناه را صادر کند. از آنجا که خدا بخشنده است، نمی‌خواهد که انسان‌ها بمیرند و برای همیشه در قبر باقی بمانند. خدا با عشق خود راهی برای ما فراهم کرده که ما بتوانیم تا ابد زندگی کنیم. او راهی برای غلبه بر حکم مرگ فراهم کرده است. در یوحنا ۳: ۶ می‌خوانیم:

" زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد
هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد" (یوحنا ۳: ۱۶).

پولس رسول نیز می‌گوید:

" زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست"
(افسیان ۲: ۸).

فیض خدا هدیه ایست رایگان برای عشق و محبت به تمام مردان و زنان و این هدیه به صورت فوق العاده‌ای در عیسی مسیح نشان داده شده که بواسطه آن بخشش از گناه و رستگاری حاصل می‌شود. ما لایق رستگاری نبوده و قادر به دستیابی آن نیستیم. بلکه به خاطر فیض خدا بود که عیسی مسیح را برای ما آورد و راهی برای ما گشود تا به موارد زیر دست یابیم:

- بخشش گناهانمان در حال حاضر
- ایجاد رابطه خاص با خدا در حال حاضر
- زندگی جاودان در آینده

افسیان ۲: ۸ به ما می‌گوید که ما می‌توانیم از راه ایمان از نعمت فیض خدا لذت ببریم. ایمان داشتن به خدا به معنای اعتماد و باور داشتن خدا و اهداف او می‌باشد. اگر ما به کلام خدا ایمان نداشته باشیم، غیرممکن است فیض او شامل حال ما شود:

" و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می‌شود،
باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد" (عبرانیان ۱۱: ۶).

قربانی شدن عیسی مسیح

عیسی مسیح همچون ما ذاتی انسانی داشت و همانند ما مورد وسوسه قرار گرفت ولی برعکس ما هیچوقت گناه نکرد. عیسی مسیح کارهایی را انجام می‌داد که موجب خوشنودی خدا می‌شد و از هر لحاظ ایده آل بود و با این حال مصلوب شد. خدا او را از مرگ وحشتناکش نجات نداد. در آیه ۶ از کتاب اشعیا باب ۵۳ این موضوع را می‌خوانیم:

"... اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد" (اشعیا ۵۳: ۶).

بواسطه زندگی بی‌نقص عیسی مسیح و مرگ او بر روی صلیب در راستای اطاعت از خواست پدر، راهی برای بخشیده شدن گناهان برای ما میسر شد. پس می‌توانیم به داشتن یک زندگی ابدی امیدوار باشیم.

نکته شگفت‌انگیزی در اینجا وجود دارد: محبت خدا که یگانه فرزندش را برای ما داد و محبت عیسی مسیح در بخشیدن زندگی خویش که در راستای اطاعت عاشقانه از خواسته پدرش بود. کاری که عیسی مسیح کرد و زندگی خود را بخشید، در کتاب مقدس بعنوان فداکاری خوانده می‌شود. فداکاری عیسی مسیح شامل این موارد است:

- یک زندگی عاری از گناه، او خواسته‌ها و علایق خود را رها کرد (یا فدا کرد) و از خواسته‌های پدر خود با تمام وجود پیروی نمود.
- بخشیدن (یا فدا کردن) زندگی خود با مُردن بر روی صلیب.

پس راه رستگاری به واسطه عیسی مسیح است و به خاطر فداکاری او امکان‌پذیر شد. ما باید باور داشته باشیم که عیسی مسیح برای ما مُرد و خود را قربانی ما کرد. اگر ما به خدا و پیشنهاد رستگاری او به واسطه عیسی مسیح ایمان داشته باشیم، می‌توانیم امیدوار به داشتن یک زندگی رها از هر گونه مشکل در آینده در این دنیا باشیم. این امیدی بزرگ است که انجیل به ما مژده داده و ما هیچ کاری انجام نداده‌ایم که سزاوار آن باشیم.

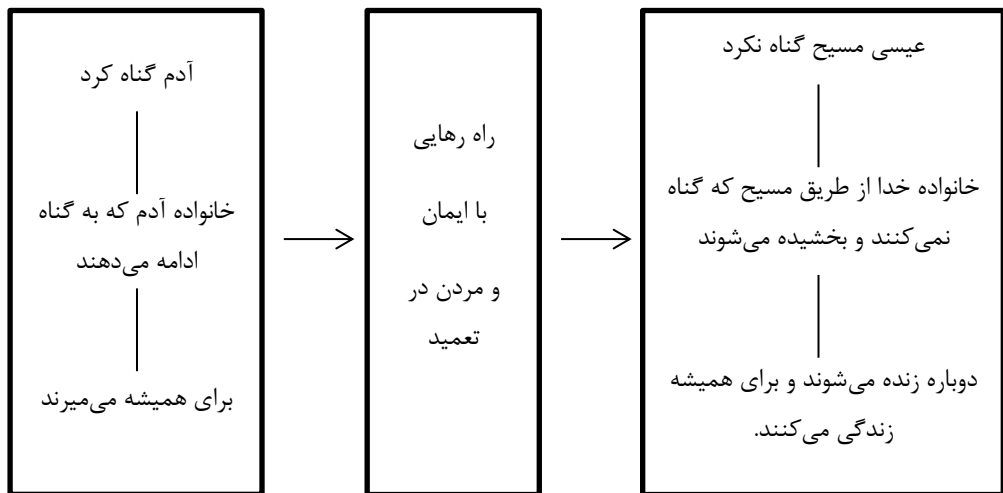
به کدام خانواده تعلق داریم؟

یکی از راه‌های در نظر گرفتن رستگاری این است که به خانواده‌ها ببینیم. ما همه از نسل آدم به دنیا آمده‌ایم چرا که تمام انسان‌ها از نسل او می‌باشند. آدم گناه کرد و مرگ را برای نسل بشر به همراه داشت. عیسی مسیح به واسطه فداکاری خود، خانواده جدیدی تشکیل داد. این خانواده شامل کسانی است که نمی‌خواهند به خانواده آدم تعلق داشته باشند و در تلاش هستند تا به خدا بازگردند.

کتاب مقدس کسانی را که بواسطه عیسی مسیح به خانواده خدا تعلق دارند، "در مسیح" و کسانی که به خانواده فانی آدم تعلق دارند را "در آدم" معرفی می‌کند:

"زیرا همانگونه که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد" (۱ قرنیتیان ۲: ۲۲).

پس دو خانواده وجود دارد: خانواده آدم و خانواده خدا بواسطه مسیح. ما همه در خانواده آدم به دنیا می‌آییم و اگر تلاشی نکنیم، در خانواده آدم مرده و برای همیشه نابود خواهیم شد. عیسی مسیح از ما می‌خواهد که به خانواده خدا بپیوندیم. ما می‌توانیم در مورد عیسی مسیح و اهداف خدا بیشتر بیاموزیم و سپس تعمید بگیریم. تعمید غوطه‌ور شدن کامل در آب است. رفتن کامل به زیر آب یا غوطه‌ور شدن کامل در آب نمادی از مرگ است. بالا آمدن از آب نمادی از شروع یک زندگی جدید در خانواده خدا است. ما خانواده آدم را با مرگ در تعمید رها کرده و بعنوان عضوی از خانواده خدا از آب بیرون می‌آییم. پس ما در خانواده آدم می‌میریم و در خانواده خدا به واسطه عیسی مسیح دوباره بر می‌خیزیم. ما باید از خدا و عیسی مسیح سپاسگزار باشیم، زیرا برای ما راهی را ممکن ساختند تا بتوانیم از خانواده آدم رهایی یابیم.



ایمان و اطاعت

حتما همه ما متوجه هستیم که برای خشنود ساختن خدا، باید به خدا ایمان داشته و به کارهایی که برای ما در راستای قربانی کردن مسیح انجام داده اعتقاد داشته باشیم. (یوحنا ۳: ۱۶) می‌گوید: "... تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودان یابد". این به آن معنا نیست که ما فقط ذکر

کنیم که "من به خدا و عیسی مسیح ایمان دارم" و از گناه و مرگ نجات یابیم. اگر ما واقعا به چیزی ایمان داریم، باید به آن عمل کنیم. اگر کودکی بیمار است و خانواده او معتقدند که دکتر می‌تواند به آنها کمک کند، فقط نمی‌گویند "ما به دکتر ایمان داریم" و کودک را رها نمی‌کنند تا عذاب بکشد. خانواده کودک به دنبال دکتر می‌روند و چون به او ایمان دارند، از هر کاری که او بگوید اطاعت خواهند کرد.

این دقیقا همانند اعتقاد داشتن به خداست. اگر ما واقعا ایمان داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که خدا از ما چه توقعاتی دارد و با تمام توان خود آن را انجام خواهیم داد. ما باید خدا را اطاعت کنیم و برای این کار باید زندگی خود را در راه پیروی از عیسی مسیح وقف کنیم و این کار با تعمیم آغاز خواهد شد. فقط کسانی که ایمان واقعی دارند می‌توانند امیدوار باشند که در میان افرادی قرار می‌گیرند که "نابود نمی‌شوند و زندگی جاودان خواهند داشت".

بسیار مهم است که از خدا اطاعت کنیم:

- آدم از خدا اطاعت نکرد و گناه و مرگ را به دنیا آورد.
- عیسی از خدا اطاعت کرد و برای کسانی که سعی در اطاعت خدا دارند، زندگی دوباره را به ارمغان آورد.

پاداش زندگی جاودان

نعمت یک زندگی فوق العاده که تا ابد ادامه دارد، پاداش خدا به کسانی است که به کلام او ایمان داشته و سخت در تلاشند که از او اطاعت کنند. کسانی که به آنها این پاداش بزرگ داده شده، تغییر خواهند کرد. آنها دیگر ذات انسانی خود را نداشته و ذات خدایی را دریافت خواهند کرد:

- ذهن آنها تغییر خواهد کرد و دیگر هیچوقت قادر به انجام گناه نخواهند بود.
- بدن‌های فانی آنها به جسمی فناپذیر تبدیل می‌شود. آنها هیچوقت خسته و بیمار نشده و درد و مرگ را احساس نخواهند کرد.

زندگی جاودان بهترین پاداش است و تنها به کسانی اهدا خواهد شد که با ایمان کامل منتظر بازگشت عیسی مسیح هستند و در تلاشند طوری زندگی کنند که خدا از آنها خواسته است. کسانی که اینگونه دعا می‌کنند:

"پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می‌شود، بر زمین نیز به انجام رسد"

(متی ۶: ۱۰).

خلاصه

- گناه ریشه تمام مشکلاتی است که در دنیا وجود دارد.
- ما همه گناه می‌کنیم. پس همه ما سزاوار مرگ هستیم. مرگ یک مجازات است.
- خدا با محبت خود راهی را فراهم کرده تا بواسطه آن گناهان ما بخشیده شده و از مرگ ابدی رهایی یابیم.
- ما نمی‌توانیم خود را نجات دهیم. ما توسط فیض خدا نجات می‌یابیم. رستگاری یک هدیه است.
- راه رستگاری به واسطه عیسی مسیح است و توسط فداکاری او محقق شده است.
- وظیفه ما این است که به خدا و اهداف او ایمان، باور و اعتماد داشته باشیم.
- کسانی که ایمان واقعی دارند تعمید خواهند گرفت و سخت تلاش خواهند کرد که از خدا بوسیله پیروی از عیسی مسیح، اطاعت کنند.
- زندگی جاودان پاداشی است از جانب خدا برای کسانی که به کلام او ایمان دارند و در تلاشند که از خدا اطاعت کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(یوحنا ۳: ۱۶) "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودان یابد".

(کولسیان ۱: ۲۱-۲۳) - پولس رسول به ایمانداران یادآوری می‌کند که گناهان آنها با مرگ مسیح بخشیده شده است.

(افسیان ۲: ۴-۱۰) - عشق و بخشش عظیم خدا به گناهکاران نشان داده شده است. کسانی که ایمان بیاورند با فیض خدا بخشیده می‌شوند.

همچنین (پیدایش ۲: ۱۵ و ۳: ۲۴) را بخوانید.

درس هفتم: بازگشت عیسی مسیح به زمین

مطالعه: اعمال رسولان باب ۱

۲۰۰۰ سال پیش

عیسی مسیح به صلیب کشیده شد. شاگردان مبهوت و نا امید بودند. تمام امیدشان به او بود و حالا او مرده بود. اما بعد از سه روز در قبر، خدا مسیح را از مرگ برخیزانید. شاگردانش تا زمانی که او را ندیده بودند این را باور نمی کردند و سپس حرفی که مسیح قبل از مرگ زده بود به خاطرشان آمد:

"آمین، آمین، به شما می گویم، شما زاری و ماتم خواهید کرد، اما جهان شادمان خواهد شد؛ شما غمگین خواهید بود، اما غم شما به شادی بدل خواهد شد" (یوحنا ۱۶: ۲۰).

و آنها زمانی که بار دیگر سرورشان را دیدند از شادی لبریز شدند.

"شاگردان با دیدن خداوند شادمان شدند" (یوحنا ۲۰: ۲۰).

عیسی مسیح به آسمان برده شد

۸ آیه اول باب ۱ اعمال رسولان را بخوانید. شاگردان (شاگردان مخصوص عیسی مسیح) در ۴۰ روزی که عیسی مسیح دوباره با آنها بود بسیار خوشحال بودند. در انتهای ۴۰ روز آنها در کنار سرور خود بر بالای کوه زیتون ایستاده بودند. ناگهان عیسی مسیح از میان آنها به سمت آسمان برده شد. آنها همانطور که او به سمت آسمان می رفت و پشت ابرها پنهان می شد او را مشاهده می کردند. عیسی مسیح باز از آنها گرفته شده بود، اما این بار محزون و مبهوت نبودند.

لوقا به ما می گوید که عیسی مسیح:

"در همان حال که برکتشان می داد از آنان جدا گشته، به آسمان برده شد. ایشان او را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند" (لوقا ۲۴: ۵۱-۵۲).

رمز شادی آنها

چرا شاگردان این بار بسیار خوشحال بودند؟ قسمتی از این خوشحالی به این سبب بود که گناهانشان به واسطه مرگ عیسی مسیح بخشیده شده بود و آنها می توانستند از این به بعد پیام رستگاری را تعلیم دهند. اگرچه این تنها دلیل شادی آنها نبود. هنگامی که شاگردان به بالا رفتن عیسی مسیح به سمت آسمان نگاه می کردند دو فرشته به سمت آنها آمدند تا به آنها پیامی بدهند. آنها گفتند:

"ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین گونه که دیدید به آسمان رفت" (اعمال رسولان ۱: ۱۱).

هنگامی که شاگردان به اورشلیم برگشتند، بدون هیچ شکی می‌دانستند که عیسی مسیح باز به زمین بر می‌گردد و در پادشاهی خدا فرمانروایی می‌کند. رستاخیز عیسی مسیح ضمانتی بود که خدا برای این واقعه داد.

عیسی مسیح درباره بازگشت خود به زمین سخن می‌گفت.

"آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید" (لوقا ۲۱: ۲۷)

این اتفاقات حدود ۲۰۰۰ سال پیش افتاد و مسیح هنوز بازنگشته است. ولی باز خواهد گشت، زیرا خود این را گفته است. در لوقا باب ۲۱ عیسی مسیح از آمدن در ابر همراه با جلال و قدرت سخن می‌گوید. به این نکته دقت کنید که مسیح در ابر به آسمان رفت و فرشتگان گفته بودند که دقیقاً به همین شکل باز خواهد گشت (اعمال رسولان ۱: ۹-۱۱).

بسیاری از مثل‌های عیسی مسیح در مورد بازگشت او سخن می‌گویند، مثل باکره‌ها، (متی ۲۵: ۱-۱۳) داستان دامادی را می‌گویند که به جشن عروسی می‌آید. در این مثل داماد عیسی مسیح است و این داستان به ما هشدار می‌دهد که وقتی او می‌آید افراد زیادی آماده حضور او نیستند. بازگشت او حتمی است و ما باید خود را آماده کنیم ولی نمی‌دانیم این بازگشت چه زمانی رخ می‌دهد. مسیح مثل خود را با این هشدار به پایان می‌رساند:

"پس بیدار باشید، چون از آن روز و ساعت خبر ندارید" (متی ۲۵: ۱۳).

پطرس رسول در مورد بازگشت مسیح تعلیم می‌دهد

در کتاب خواندیم که کمی بعد از بازگشت عیسی مسیح به آسمان پطرس به سمت معبد در اورشلیم رفت. او شجاعانه در مورد مرگ و رستاخیز مسیح با یهودیانی که مسیح را به دام مرگ کشانده بودند، سخن گفت. در اعمال رسولان ۱۳: ۱۹-۲۱ به آنها می‌گوید:

"پس توبه کنید و به سوی خدا بازگردید تا گناهانتان پاک شود و ایام تجدید قوا از حضور خداوند برایتان فرا رسد و تا خدا، عیسی، یعنی همان مسیح را که از پیش برای شما مقرر شده بود، بفرستد، که باید آسمان پذیرای او می‌شد تا ایامی که همه چیز بنا بر آنچه خدا از دیرباز به زبان همه پیامبران مقدس خود گفته است، احیا گردد" (اعمال رسولان ۳: ۱۹-۲۱).

افراد زیادی امروزه بر این باورند که مسیح بازخواهد گشت. اما خدا وعده بازگشت عیسی مسیح را به ما داده است و ما بر این باوریم که خدا به عهد خود وفا خواهد کرد. پطرس می‌گوید که خدا منتظر است که افراد بیشتری توبه کنند.

"برخلاف گمان برخی، خداوند در انجام وعده‌اش تأخیر نمی‌ورزد، بلکه با شما بردبار است، چه نمی‌خواهد کسی هلاک شود بلکه می‌خواهد همگان به توبه گرایند. اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که در آن آسمانها با غریوی مهیب از میان خواهد رفت و اجرام سماوی سوخته شده فرو خواهد پاشید، زمین و همه کارهایش عیان خواهد شد" (۲ پطرس ۳: ۹-۱۰).

پولس رسول در مورد بازگشت مسیح می‌نویسد

در عهد جدید دو نامه توسط پولس رسول به ایمانداران تسالونیکیه در یونان نوشته شده است. در هر باب از این نامه‌ها پولس بازگشت عیسی مسیح از آسمان را متذکر می‌شود. در ذیل ۲ مثال را می‌بینید:

(۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰)	(۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶)
<p>"... زمانی واقع خواهد شد که خداوند عیسی ... از آسمان ظهور کند. او خدانشناسان و نافرمانان به انجیل خداوند ما عیسی را کیفر خواهد داد... در آن روز که او می‌آید تا در مقدسین خود تمجید شود و در میان همه آنان که ایمان آورده‌اند، مایه شگفتی گردد"</p>	<p>"زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست!"</p>

- ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶ در مورد زنده شدن مردگان به هنگام بازگشت مسیح سخن می‌گوید.
- ۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰ نشان می‌دهد که هنگام بازگشت مسیح تعدادی سرزنش می‌شوند و بقیه با آغوشی باز او را می‌پذیرند.

هنگام بازگشت مسیح چه اتفاقی خواهد افتاد؟

دومین بازگشت عیسی مسیح رویدادی بزرگ خواهد بود. مرده‌ها زنده می‌شوند و زندگی تمام افرادی که در آن زمان زنده‌اند نیز تغییر خواهد کرد. برای بعضی‌ها زمان شادی خواهد بود، به خصوص وقتی که خدا داوری‌اش را در دنیا اعمال کند. غم انگیز است، اما ضروریست. بدون داوری خدا گناه و عواقبش هرگز از بین نخواهد رفت.

عیسی مسیح کسانی که کلام را می‌شناختند دوباره زنده خواهد کرد. افرادی که بدون شناخت کلام خدا مردند برخیزانده نخواهند شد و افرادی که به کلام ایمان آوردند داوری خواهد شد (رومیان ۲: ۱۶). کسانی که هرگز از کلام چیزی نشنیده بودند داوری نمی‌شوند و اگر مردند پس برای همیشه مرده‌اند. آنها "چارپایان را مانند که از میان می‌روند" (مزامیر ۴۹: ۲۰).

بعد از رستاخیز دو گروه بر زمین به وجود می‌آیند:

- کسانی که کلام را می‌شناختند (هم کسانی که دوباره زنده شدند و هم کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده بودند).
 - کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند ولی از مسیح چیزی نمی‌دانند.
- و حال نگاهی به اتفاقاتی که برای این دو گروه می‌افتد می‌اندازیم.

کسانی که کلام را شناختند

عیسی مسیح تک تک افرادی که کلام را می‌شناختند داوری می‌کند (تمام کسانی که دوباره زنده شدند و تمام کسانی که در زمان بازگشت او زنده‌اند)

الف: ایمانداران واقعی زندگی جاودان دریافت خواهند کرد - ایمانداران تعمیدی که وفادارانه تلاش کردند تا از دستورات عیسی مسیح پیروی کنند جایی در پادشاهی خدا بر روی زمین دریافت خواهند کرد و شادی عظیم به وجود خواهد آمد. آنها ذاتی همانند ذات خدا بدست خواهند آورد، ذاتی که هرگز گناه نمی‌کند و هرگز نمی‌میرد و هیچ درد و عذابی هم بر او نیست.

ب: افرادی که کلام را می‌شناختند ولی از قبول کردن آن سر باز زدند، رد خواهند شد - اینها کسانی هستند که به طور کامل کلام را می‌شناختند اما تصمیم بر پیروی نکردن از عیسی مسیح گرفتند. آنها جایی در پادشاهی خدا نخواهند داشت چون تصمیم گرفته بودند که به پیام کتاب مقدس بی‌اعتنا باشند. آنها با شرمساری از داوری جدا می‌شوند و می‌دانند که از برکات پادشاهی خدا هیچ سهمی ندارند. آنها برای همیشه می‌میرند.

دانیال نبی در عهد عتیق در مورد پاداش درستکاران و جزای شریران می‌گوید:

"و بسیاری از آنان که در خاکِ زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲: ۲).



افراد زنده‌ای که هنگام بازگشت مسیح از کلام چیزی نمی‌دانند.

خدا به واسطه رحمت خود از تمامی قوم‌ها به بعضی از افراد فانی اجازه خواهد داد تا در پادشاهی خود که عیسی مسیح بر آن حکمرانی خواهد کرد زندگی کنند، بقیه افراد مجازات شده و می‌میرند.

۱. یهودیان

الف- برخی از یهودیان عیسی مسیح را بعنوان پادشاه خود انتخاب می‌کنند- زمانیکه قوم اسرائیل در بدترین شرایط خود است، عیسی مسیح باز خواهد گشت. عیسی مسیح با قدرت خود تمامی دشمنان را شکست خواهد داد و آن موقع است که تعداد زیادی از یهودیان در نهایت متوجه می‌شوند که مسیح در واقع همان پادشاه وعده داده شده آنها می‌باشد. از گناه قومشان در به صلیب کشیدن مسیح توبه می‌کنند و با شوق فراوان او را بعنوان پادشاه خود انتخاب می‌کنند. زکریای نبی می‌گوید:

"و بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و دعاهای ملتسمانه را خواهم ریخت و بر من که نیزه‌ام زدند خواهند نگریست و برای من مانند کسی که به جهت تنها فرزندش به سوگ نشیند، سوگواری خواهند کرد و همچون کسی که به جهت نخست‌زاده‌اش بگرید، به تلخی خواهند گریست" (زکریا ۱۲: ۱۰).

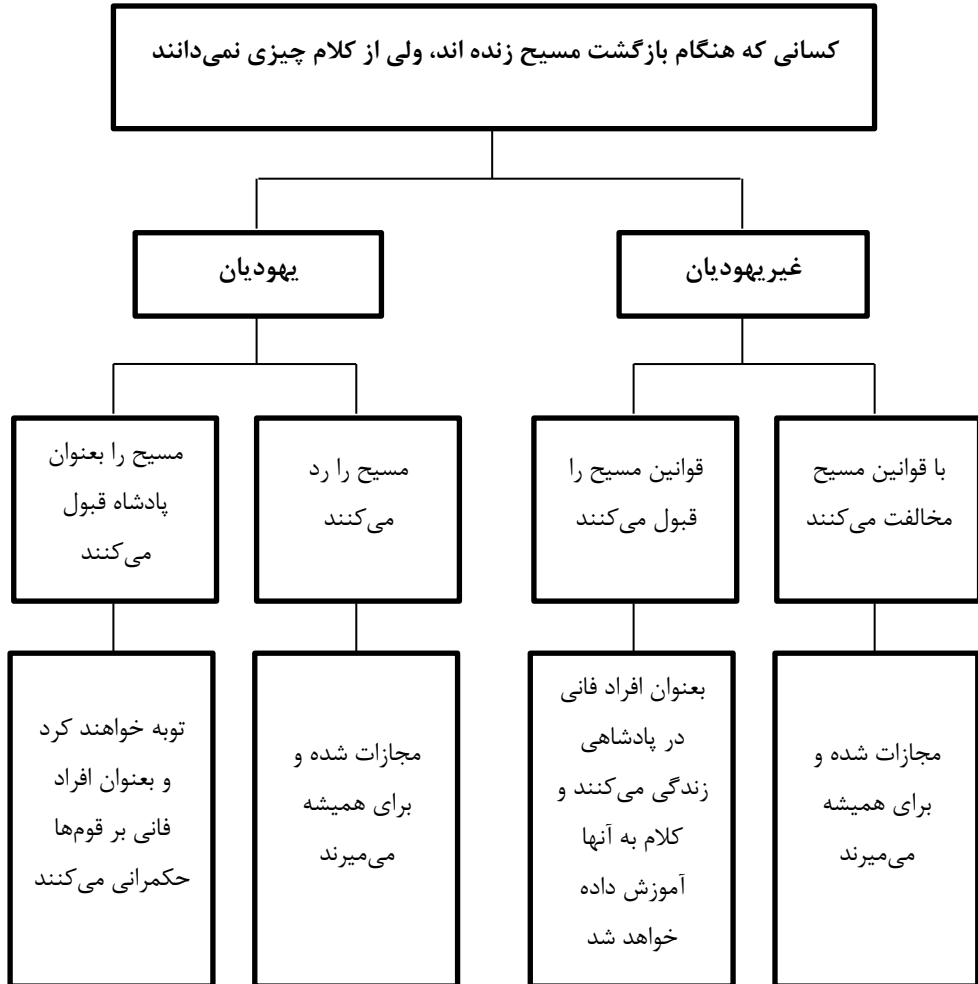
این یهودیان قادر خواهند بود در پادشاهی خدا هنگامی که عیسی مسیح فرمانروا است بعنوان افراد فانی زندگی کنند. آنها در سرزمین اسرائیل زندگی خواهند کرد و رهبر ملت‌ها خواهند شد. پایتخت اسرائیل، اورشلیم، پایتخت دنیا خواهد شد. اورشلیم برای تمام کسانی که می‌خواهند در پادشاهی خدا زندگی کنند مرکز پرستش خواهد بود. بعد از تمامی رنج‌هایشان این زمان بزرگی برای شادمانی همه یهودیان خواهد بود. بعنوان افراد فانی آنها هنوز ذات بشری دارند و قادر به گناه هستند، پیر می‌شوند و می‌میرند. این فرصت به آنها داده خواهد شد که عیسی مسیح را بعنوان نجات‌دهنده خود بپذیرند و به بعضی از آنها بعداً زندگی جاودان داده خواهد شد.

ب- یهودیانی که عیسی مسیح را بعنوان پادشاه خود انتخاب نمی‌کنند مجازات خواهند شد- یهودیانی که عیسی مسیح را رد می‌کنند توسط خدا داوری می‌شوند و از بین می‌روند و هرگز قادر به زندگی دوباره نیستند.

۲. غیریهودیان

الف- برخی از غیریهودیان قوانین مسیح را قبول خواهد کرد- خدا به این غیریهودیان اجازه خواهد داد که بعنوان افراد غیرفانی در پادشاهی او که عیسی مسیح فرمانروای آن است زندگی کنند. آنها راه و روش خدا را توسط عیسی مسیح و رهبران جاودانه‌اش یاد خواهند گرفت. شانس پذیرفتن مسیح بعنوان نجات‌دهنده به آنها نیز داده خواهد شد. بعضی از آنها بعداً جاودانه می‌شوند.

ب- غیریهودیانی که نمی‌خواهد عیسی مسیح بر آنها حکمرانی کند مجازات خواهند شد- قوم غیریهودی که نمی‌خواهند عیسی مسیح بر آنها حکمرانی کند با او مبارزه خواهند کرد. مجازات خدا بر سر این افراد نازل می‌شود و بلایای زیادی بر زمین نیز نازل می‌شود. بعد از زجر کشیدن از غضب خدا آنها کاملاً نابود خواهند شد. ولی نه اینکه برای همیشه در آتش بسوزند. همانطوری که در درس‌های بعدی می‌خوانید این از آموزه‌های کتاب مقدس نیست.



چه بر سر من و شما می‌آید؟

- اگر در عیسی مسیح تعمید بگیریم (درس ۳۱ در مورد تعمید است) و به او ایمان بیاوریم او هنگام بازگشت خود ما را در پادشاهی قبول خواهد کرد. او ذات ما را همانند ذات خود تغییر خواهد داد و ما برای همیشه زندگی خواهیم کرد و قادر به گناه نخواهیم بود.
- اما اگر تعمید نشویم و امروز به او ایمان نیاوریم، او نیز هنگام بازگشت خود ما را پس خواهد زد و برای همیشه می‌میریم. قسمتی از مجازات ما این خواهد بود که جلال پادشاهی خدا را ببینیم اما بمیریم و هرگز قسمتی از آن نباشیم.

خلاصه

- عیسی مسیح به زمین بازخواهد گشت. هنگامی که می‌آید به ایمانداران واقعی زندگی جاودان خواهد داد و آنها در پادشاهی خدا سهیم خواهند بود.
- افرادی که کلام را می‌شناختند ولی از اطاعت کردن آن سر باز زدند رد شده و خواهند مرد.
- یهودیانی که زنده هستند و عیسی مسیح را بعنوان پادشاه در زمان بازگشت او قبول می‌کنند حق زندگی در پادشاهی خدا بعنوان انسان‌های فانی به آنها داده خواهد شد. مسیح آنها را رهبر قوم‌ها می‌سازد. یهودیانی که او را رد کردند مجازات می‌شوند و می‌میرند.
- غیریهودیانی که قوانین مسیح را پذیرفتند اجازه خواهند داشت تا در پادشاهی خدا بعنوان انسان‌های فانی زندگی کنند. راه و روش خدا توسط عیسی مسیح و ایمانداران جاودانه‌اش به آنها آموخته خواهد شد.
- غیریهودیانی که با عیسی مسیح می‌جنگند نابود خواهند شد.

آیاتی جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۱: ۱۱) "ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین گونه که دیدید به آسمان رفت."

متی ۲۵: ۱-۱۳

اول تسالونیکیان باب ۴

درس هشتم: نشانه‌های بازگشت عیسی مسیح

مطالعه: لوقا باب ۲۱

عیسی به زمین بازمی‌گردد

کتاب مقدس به طور واضح نشان می‌دهد که عیسی مسیح به زمین بازمی‌گردد. بازگشت دوباره او قسمتی از نقشه خدا برای جهان است. او پادشاهی خدا را بر زمین برپا خواهد کرد. "او پادشاه پادشاهان" خواهد بود و از تخت خود در اورشلیم در سرزمین اسرائیل بر دنیا فرمانروایی خواهد کرد. این عهدی بود که خدا با یهودیان در عهد عتیق بست و همچنین پیام عهد جدید نیز می‌باشد. یاران اولیه عیسی مسیح منتظر آمدن روزی بودند که:

"زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست" (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶).

دومین بازگشت مسیح اتفاق بزرگی خواهد بود و زندگی تمام کسانی که آن موقع زنده هستند را نیز دگرگون خواهد شد.

بازگشت عیسی مسیح چه زمانی خواهد بود؟

ما تاریخ دقیق بازگشت عیسی مسیح را نمی‌دانیم. عیسی خود گفته است:

"هیچ کس آن روز و ساعت را نمی‌داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند" (متی ۲۴: ۳۶).

زمانی که مسیح به شاگردانش گفت که معبد اورشلیم نابود خواهد شد، آنها پرسیدند:

"به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه آمدن تو و پایان این عصر چیست؟" (متی ۲۴: ۳).

معبد دقیقا ۴۰ سال بعد نابود شد (یعنی ۷۰ سال پس از میلاد مسیح). زمانی که ارتش رم به اورشلیم حمله کردند و هزاران یهودی را کشتند. اگرچه مسیح در جوابش هیچ تاریخی برای این نابودی نداد اما قبل از به وقوع پیوستن این اتفاق، به شاگردانش هشدار داده بود. کسانی که کلام مسیح را می‌شناختند و در مورد افکارش به دقت فکر می‌کردند پیش گویی او به منزله هشدار بود که به طبع آن می‌توانستند از اورشلیم قبل از قتل عام وحشتناک ساکنانش فرار کنند.

علاوه بر هشدارها در مورد نابودی معبد، مسیح در مورد نشانه‌هایی که در دنیا قبل از بازگشت خود اتفاق می‌افتد نیز سخن گفته بود. این کار به این منظور انجام شد تا ایماندارانی که در این زمان زندگی می‌کنند برای بازگشت او آماده باشند. او پاسخش را اینگونه به پایان رسانید:

"به همین‌سان، هر گاه این چیزها را ببینید، درمی‌یابید که او نزدیک، بلکه بر در است" (متی ۲۴: ۳۳).

ما بر این باوریم که در زمانی زندگی می‌کنیم که بازگشت عیسی مسیح نزدیک است. کتاب مقدس این برحه از زمان را "ایام آخر" می‌نامد. همانطور که با عمل کردن به کلام مسیح شاگردان توانستند از قتل عام در اورشلیم فرار کنند، پس ما نیز باید شاهد نشانه‌های بازگشت دوم او باشیم و خود را آماده کنیم.

چه علائمی نشانگر روزهای آخر است؟

۱. نشانه‌ای در مورد یهودیان:

کتاب مقدس می‌گوید که روزهای آخر قبل از بازگشت مسیح:

الف: یهودیان به سرزمین اسرائیل بازمی‌گردند.

ب: یهودیان در سرزمین خود باز یک ملت می‌شوند.

ج: اورشلیم از دست دشمنان آزاد خواهد شد.

الف: یهودیان به سرزمین اسرائیل بازمی‌گردند.

یهودیان ۱۳۵ سال بعد از میلاد مسیح در میان امتهای در دنیا پراکنده شدند و این تقریباً ۱۰۰ سال بعد از به صلیب کشیدن مسیح اتفاق افتاد. بعد از آن زمان، برای حدود ۲۰۰۰ سال آنها هیچ سرزمینی برای خود نداشتند. اما تقریباً ۱۵۰ سال پیش آنها شروع به بازگشت به سرزمین خود کردند. این واقعه موجب شد تا این پیشگویی کتاب مقدس به حقیقت پیوندد:

"زیرا خداوند می‌فرماید اینک ایامی می‌آید که سعادت را به قوم خود اسرائیل و یهودا باز خواهیم گردانید و ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان بخشیدیم، باز خواهیم آورد تا آن را به تصرف آورند؛ این است فرموده خداوند" (ارمیا ۳۰: ۳).

ب: یهودیان در سرزمین خود باز یک ملت می‌شوند:

در ماه می ۱۹۴۸ با وجود مخالفت‌های شدید بر این عقیده، دولت اسرائیل تشکیل شد. بنابراین بار دیگر اسرائیل در سرزمین خود یک ملت شد. قبل از میلاد مسیح خدا گفته بود این اتفاق خواهد افتاد:

"بدیشان بگو خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: اینک من بنی‌اسرائیل را از میان ملت‌هایی که به میان آنها رفته‌اند، برگرفته، ایشان را از هر طرف جمع خواهم کرد و به سرزمین خودشان بازخواهم آورد و آنها را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک ملت خواهم ساخت و یک پادشاه بر آنان سلطنت خواهد کرد و دیگر دو ملت نخواهند بود و به دو مملکت تجزیه نخواهند شد" (حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۲).

ج: اورشلیم از دست دشمنان آزاد خواهد شد:

اورشلیم امروزه پایتخت دولت اسرائیل است. کلام مسیح را در مورد پراکنده کردن یهودیان در لوقا ۲۱: ۲۴ بخوانید:

"به دم شمشیر خواهند افتاد و در میان همه قوم‌های دیگر به اسارت برده خواهند شد و اورشلیم لگدمال غیریهودیان خواهد گشت تا آنگاه که دوران غیریهودیان تحقق یابد" (لوقا ۲۱: ۲۴).

او می‌گوید که اورشلیم توسط غیریهودیان پایمال خواهد شد. تا زمانی که غیریهودیان به حقیقت بییونند (هر کسی که یهودی زاده نیست غیریهودی می‌باشد). برای حدود ۲۰۰۰ سال اسرائیل تحت کنترل ملت‌های مختلف بود و یهودیان بسیار کمی آنجا زندگی می‌کردند. زمانی که در سال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل تشکیل شد پایتخت آن شهر ساحلی تل‌آویو بود. اگرچه در ژوئن ۱۹۶۷ یهودیان در یک جنگ ۶ روزه توانستند قسمتی از اورشلیم را از دست ملت‌های غیر یهود آزاد کنند. این واقعه اجازه می‌دهد که اورشلیم پایتخت شود. این نشان می‌دهد که زمان غیریهودیان (در آخر) به وقوع پیوسته است و نشانه کاملاً واضحی است از نزدیک بودن بازگشت عیسی مسیح.

۲. نشانه‌هایی در مورد دنیای ما

الف: افرادی که خدا را قبول ندارند.

افراد زیادی هستند که نمی‌خواهند حقیقت نوشته شده در کتاب مقدس را بشنوند. آنها نمی‌خواهند در مورد بازگشت عیسی مسیح بر روی زمین برای برپایی پادشاهی خدا چیزی بدانند و ترجیح می‌دهند

که به راه خودشان بروند. آنها فقط به کسانی گوش می‌دهند که حرف‌های مورد علاقه‌شان را می‌زنند. پولس رسول به ما می‌گوید:

"زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلّمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌ایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت" (۲ تیموتائوس ۴: ۳-۴).

پطرس رسول می‌گوید که در روزهای آخر قبل از بازگشت عیسی مسیح مردم کلام خدا را به تمسخر خواهند گرفت. او می‌گوید:

"قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگانی ظهور خواهند کرد که پیرو امیال پلید خود خواهند بود و استهزاکنان خواهند گفت: پس چه شد وعده آمدن او؟ از زمانی که پدران ما به خواب رفتند، همه چیز همان‌گونه است که از بدو آفرینش بود" (۲ پطرس ۳: ۳-۴). این همان حرفی است که امروزه مردم می‌گویند. ما در ایام آخر هستیم.

ب: تنزل معیارهای اخلاقی

پولس رسول چگونگی دنیا را در ایام آخر توصیف کرده است:

"اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمان‌های سخت پیش خواهد آمد. مردمان خودپرست، پول دوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، بی‌عاطفه، بی‌گذشت، غیبت‌گو، بی‌بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، خیانتکار، بی‌مبالات و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت" (۲ تیموتائوس ۳: ۱-۴).

امروزه دقیقاً همین‌گونه است و این نتیجه بی‌توجهی مردم به خدا و قوانین اوست. مردم کنترل خود را از دست داده‌اند. آنها حریص شده‌اند. (کتاب مقدس این را آزمند می‌خواند) آنها تا زمانی که به دنبال قدرت و ثروت هستند، عذاب دیگران برایشان اهمیتی ندارد.

ج: دشواری‌های که رهبران قادر به حل آنها نیستند:

مسیح می‌دانست که هنگام بازگشت او مشکلات زیادی در دنیا خواهد بود. به لوقا باب ۲۱: ۲۵-۲۸ نگاه کنید. مسیح در مورد نشانه‌ها در خورشید و ماه و ستاره‌ها می‌گوید. شاید این گفته‌ها تحت اللفظی باشد اما اجرام آسمانی گاهی در کتاب مقدس نشانگر دولت‌ها و سازمان‌ها در دنیای ما هستند. به طور مشابه غرش دریا در این متن ممکن است تحت اللفظی باشد. مانند سونامی که هزاران نفر را در سال

۲۰۰۴ کشت و همچنان می‌تواند اشاره به ناآرامی‌ها در میان ملت‌های مختلف در دنیا داشته باشد (همچنین اشعیا باب ۵۷: ۲۱-۲۲ را ببینید).

مسیح می‌گوید که ملت‌ها در حیرت خواهند بود. کلمه حیرت به معنی "بدون راه چاره" است و در مورد مشکلات امروزی کاملاً صدق می‌کند. مردم هیچ راه چاره‌ای برای آن نمی‌توانند پیدا کنند. این مشکلات عبارتند از:

- مشکلات آلودگی
- افزایش تقاضا برای انرژی و کاهش منابع طبیعی (ما به سرعت از مواد معدنی و نفت که هرگز جایگزینی ندارد استفاده می‌کنیم)
- خشونت و جنگ باعث به وجود آمدن عذاب و مرگ شده است
- مشکلات مرتبط با تروریست و بمب‌گذاری انتحاری
- بیماری‌هایی از قبیل ایدز که افراد زیادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد
- گرسنگی میلیون‌ها انسان در حالی که افراد زیادی در رفاه کامل هستند

"نشانه‌هایی در خورشید و ماه و ستارگان پدید خواهد آمد. بر زمین، قومها از جوش و خروش دریا پریشان و مشوش خواهند شد. مردم از تصور آنچه باید بر دنیا حادث شود، از فرط وحشت بی‌هوش خواهند شد، زیرا نیروهای آسمان به لرزه در خواهد آمد. آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید. چون این امور آغاز شود، راست بایستید و سرهای خود را بالا بگیرید، زیرا رهایی شما نزدیک است" (لوقا ۲۱: ۲۵-۲۸).

مسیح همچنین گفته است که دقیقاً پس از بازگشت او افراد زیادی از ترس اتفاقاتی که در دنیا می‌افتد ضعف خواهند کرد. هیچ شکی نیست که مردمان زیادی نگران آینده زمین هستند و هیچ راه چاره‌ای برای این مشکلات نمی‌بینند.

پس به نظر می‌رسد که روزی جواب تمام این مشکلات پیدا خواهد شد. پسر انسان (یعنی عیسی مسیح) با قدرت و شکوه فراوان باز خواهد گشت (لوقا ۲۱: ۲۷). ما به زمان بازگشت عیسی مسیح بسیار نزدیک هستیم. دانیال نبی از زمان ما اینگونه یاد می‌کند: "آنگاه چنان ایام مصیبتی خواهد بود که نظیر آن از زمانی که قومی به وجود آمد تا آن روز نبوده است" و ما می‌دانیم که این یک تصویر کاملاً صحیح از دنیای امروزی است. دقت کنید که زمان تنگی در این متن به ایام آخر (زمان قبل از بازگشت مسیح) اشاره دارد. چون متن از زنده شدن مردگان نیز سخن می‌گوید و این همان کاری است که

عیسی مسیح بعد از بازگشت خود از آسمان انجام خواهد داد. این آیات نشان می‌دهد که بازگشت مسیح بسیار نزدیک است.

"آنگاه چنان ایام مصیبتی خواهد بود که نظیر آن از زمانی که قومی به وجود آمد تا آن روز نبوده است. در آن زمان قوم تو رهایی خواهد یافت، یعنی هر آن که نامش در کتاب نوشته شده باشد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲: ۱-۲).

اسرائیل و ملت‌ها

یهودیان همیشه شاهدان خدا (اشعیا ۴۳: ۱۰) و همینطور قسمت مهمی از نقشه خدا برای جهان می‌باشند. اتفاقات مربوط به اسرائیل همیشه در صدر خبرهاست و بهتر است که ما همیشه در جریان اتفاقات مربوط باشیم. زیرا بلافاصله پس از بازگشت عیسی مسیح در اسرائیل تغییر بزرگی ایجاد خواهد شد. دولت اسرائیل امروزی یکی از مهمترین نشانه‌های ماست.

اسرائیل توسط دشمنانش محاصره شده است. ملت‌های عربی خواستار نابودی کامل اسرائیل و باز پس گیری سرزمین‌هایی که ادعا و مالکیت آن را دارند، هستند. به طور مداوم در مرزهای اسرائیل نا آرامی و مشکلات وجود دارد.

اعراب بر این باورند که سرزمین اسرائیل متعلق به آنهاست. اما خدا وعده اسرائیل را مدت‌ها پیش به یهودیان داده است و جنگ بین اعراب و یهودیان ادامه داده می‌شود. در نهایت همه ملت‌ها در مقابل اسرائیل می‌جنگند. زکریا ۱۴: ۲-۴ در مورد این پیشگویی از کتاب مقدس که هنوز به حقیقت نپیوسته است به ما می‌گوید. اما موقعی که این اتفاق بیفتد عیسی مسیح باز خواهد گشت و به مردمانش، یعنی یهودیان کمک خواهد کرد.

"زیرا من تمامی قومها را گرد خواهم آورد تا با اورشلیم بجنگند. شهر تسخیر خواهد شد؛ خانه‌ها تاراج و زنان بی‌عصمت خواهند گشت. نیمی از اهالی شهر به تبعید برده خواهند شد، اما باقیمانده قوم از شهر منقطع نخواهند گردید. آنگاه خداوند بیرون آمده، بر ضد آن قومها خواهد جنگید، آن گونه که در روز نبرد می‌جنگد. در آن روز، پاهای او بر کوه زیتون که مقابل اورشلیم به جانب شرق است خواهد ایستاد..." (زکریا ۱۴: ۲-۴).

در آن زمان عیسی مسیح به تمامی کسانی که برای بازگشت دوباره او وفادارانه آماده شده اند، زندگی جاودان خواهد داد. از آنجا که این زمان نزدیک است ما باید آماده شویم. همانطور که در ۲ پطرس ۳: ۱۱ می‌خوانیم:

"پس حال که همه اینها بدین سان فرو خواهد پاشید، شما چگونه مردمان باید باشید؟ بر شماست که زندگی مقدس و خداپسندانه‌ای داشته" (۲ پطرس ۳: ۱۱).

این سوالی است که همه باید در مورد خودمان بپرسیم و به آن پاسخ دهیم.

خلاصه

ما زمان دقیق بازگشت عیسی مسیح از آسمان به زمین را نمی‌دانیم، اما نشانه‌های زیادی مبنی بر نزدیک بودن این زمان وجود دارد:

- بازگشت یهودیان به سرزمین خود
- به رسمیت شناختن دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸
- اورشلیم پایتخت اسرائیل از سال ۱۹۶۷
- باور نداشتن خدا توسط مردم
- تنزل معیارهای اخلاقی
- مشکلات دنیا
- ترس مردم از آینده
- دشمنان اسرائیل در انتظار حمله به او

آیاتی جهت مطالعه:

(لوقا ۱۲: ۴۰) "پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظار ندارید."

متی ۲۴: ۱-۱۴

متی ۲۴: ۲۴-۲۷

متی ۲۴: ۲۹-۳۰

متی ۲۴: ۴۴

پرسش‌های بخش دوم

درس ۵: خدا و آفرینش

- ۱-۵ زندگی بر روی زمین چگونه آغاز شد؟
- ۲-۵ پنج چیز که در مورد خدا می‌دانید را بگویید؟
- ۳-۵ به نظر شما چرا زن و مرد خلق شدند؟
- ۴-۵ آیا پرستش چیزهایی که خدا ساخته است درست است؟
- ۵-۵ حزقیال ۱۴: ۳-۵ به ما چه می‌گوید؟
- ۶-۵ الف) امروزه مردم چه بت‌هایی را می‌پرستند؟
ب) کدامیک از آنها شما را وسوسه می‌کنند؟
- ۷-۵ آیا باید نظریه تکامل را باور کنیم (که زندگی به خودی خود رشد کرده است)؟
- ۸-۵ الف) پیدایش ۱: ۳۱ در مورد هر چیزی که خدا آفریده است، چه می‌گوید؟

ب) خدا چگونه مطمئن می‌شود که انسان‌ها به تخریب دنیا تا به ابد ادامه نمی‌دهند (اعمال رسولان ۱۷ : ۳۱)؟

درس ۶: عشق فراوان خدا به جهان

۱-۶ صحیح یا غلط بودن جملات زیر را مشخص کنید:

الف) ما همه گناهکاریم.

ب) ایمان یعنی باور

پ) آدم چون گناه کرد، مُرد.

ت) آدم پس از مرگش به آسمان رفت.

ث) مسیح تنها کسی است که هرگز گناه نکرد.

ج) مردان و زنان ذاتا خوب هستند و تنها نیاز دارند که بهتر شوند.

چ) مردان و زنان گم شده‌اند و باید پیدا شده و نجات یابند.

ح) افرادی که درست زندگی می‌کنند می‌توانند رستگاری خدا را دریافت کنند.

خ) ما همه می‌میریم چون بخشی از خانواده آدم هستیم.

۲-۶ چرا همه ما لایق مرگ هستیم؟

۳-۶ عیسی مسیح برای پاک شدن گناهانمان چه کرد؟

۴-۶ ارمیا ۱۷: ۹ در مورد ذات انسانی ما چه می‌گوید؟

۵-۶ چگونه می‌توانیم بخشی از خانواده خدا شویم؟

۶-۶ ایمان به مسیح یعنی چه؟

۷-۶ اشعیا باب ۵۳ مرگ و رنج مسیح را توضیح می‌دهد: برای اینکه به سوالات زیر بتوانید پاسخ دهید، باید این باب را بطور کامل مطالعه کنید.

الف) سه چیز که در مورد عیسی مسیح گفته شده است را بگویید.

ب) دو موردی که درباره ما می‌گوید را بنویسید.

پ) به نظر شما این کلام چه زمانی نوشته شده است؟

درس ۷: بازگشت عیسی مسیح به زمین

۱-۷ در روز سوم پس از مرگ عیسی مسیح چه اتفاقی برای او افتاد؟

۲-۷ در هنگام صعود عیسی مسیح به آسمان فرشتگان چه گفتند؟

۳-۷ تقریباً چند سال پیش عیسی مسیح به آسمان برده شد؟

۴-۷ آیه‌ای بیاورید که نشان دهد ایمانداران واقعی زمان بازگشت عیسی مسیح از مرگ برخیزانده می‌شوند؟

۵-۷ حداقل دو راهی که می‌توان از طریق آن برای آمدن عیسی مسیح آماده شد را بنویسید؟

۶-۷ الف) آیا زمانی که مسیح بازمی‌گردد یهودیان متوجه گناه امت خود در به صلیب کشیدن او می‌شوند؟

ب) آیا یهودیان متوجه می‌شوند که او پادشاه وعده داده شده آنهاست؟

درس ۸: نشانه‌های بازگشت عیسی مسیح

۱-۸ عیسی مسیح پادشاهی خدا را از کجا برقرار می‌کند؟

۲-۸ به نظر شما مهمترین نشانه نزدیک بودن بازگشت عیسی مسیح به زمین کدام است؟ دلیل خود را توضیح دهید.

۳-۸ کدام قسمت از کتاب که در درس آمده جملات زیر را نشان می‌دهد؟

الف) یهودیان به سرزمین خود بازخواهند گشت.

ب) زمانی می‌آید (همانند زمان ما) که اکثر مردم به تعالیم کتاب مقدس گوش نمی‌دهند.

پ) تنها خدا زمان بازگشت عیسی مسیح را می‌داند.

۴-۸ لوقا ۱۲: ۴۰ در مورد چه چیزی به ما هشدار می‌دهد؟

۵-۸ پایتخت اسرائیل کجاست؟

۶-۸ غیریهودیان چه کسانی هستند؟

۷-۸ الف) کلمه "آزمندی" در کتاب مقدس به چه معناست؟

ب) مردم امروزه چگونه می‌توانند آزمند باشند؟

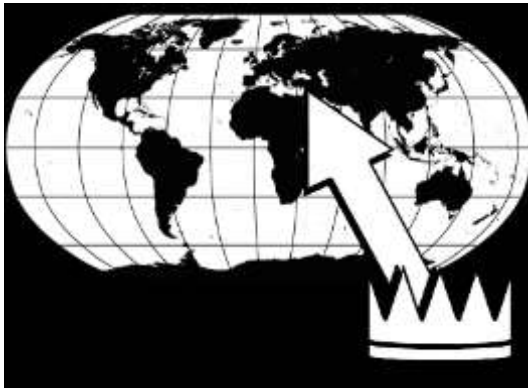
۸-۸ پولس در مورد چگونه مردمانی در روزهای آخر سخن می‌گوید؟

درس نهم: پادشاهی تو بیاید

مطالعه: ۱ تواریخ باب ۲۹

"پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد."

چند بار این کلمات را گفته و یا شنیده اید؟ این کلمات را می توانید در متی ۶: ۱۰ ببینید. این قسمتی از دعایی است که مسیح به شاگردانش یاد داد. این دعا نشان می دهد که پادشاهی خدا می آید و اراده او همانند آسمان بر زمین نیز اجرا می شود. پس می آموزیم که پادشاهی خدا بر روی زمین خواهد بود.



سرزمینی برای پادشاهی خدا

هزاران سال پیش خدا سرزمین اسرائیل را بعنوان مرکز پادشاهی آینده خود انتخاب کرد. اورشلیم پایتخت اسرائیل است و در زمان فرمانروایی عیسی مسیح در پادشاهی خدا، پایتخت دنیا خواهد بود. عیسی مسیح گفت:

"اما من به شما می گویم، هرگز سوگند مخورید، نه به آسمان، زیرا که تخت پادشاهی خداست و نه به زمین، چون کرسی زیر پای اوست و نه به اورشلیم، زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است" (متی ۵: ۳۴-۳۵).

بعضی از این کلمات از مزامیر باب ۴۸ گرفته شده که نشان می دهد مسیح عهد عتیق را می خواند. پس ما نیز باید همین کار را انجام دهیم. آیه دوم همین مزمور می گوید:

"کوه صهیون، زیبا در بلندی اش، شادمانی تمام جهان است. همچون بلندترین ارتفاعات صفون است آن شهر پادشاه بزرگ" (مزامیر ۴۸: ۲).

کوه صهیون، تپه ای در شهر اورشلیم، جایی است که معبد داوود بر آن بنا شد. دقت کنید که اینگونه توصیف شده است: "شادی تمام جهان".

در مزامیر ۲: ۶ خدا می گوید: "من پادشاه خود را نصب کرده ام، بر کوه مقدس صهیون". این یک پیشگویی از مزامیر در مورد فرمانروایی مسیح از کوه صهیون است.

در ۲ تواریخ ۶: ۶ خدا اورشلیم را محلی برای بردن نامش قرار داد. "اما اورشلیم را برگزیدم تا نام من در آن باشد..."

اشعیا ۶۲: ۱-۷ و ۶۵: ۱۷-۲۵ را نیز ببینید. خدا هدف خود را بر اورشلیم قرار داده است.

در زمان عهد عتیق پادشاهی خدا بر زمین بود

مسیح به شاگردانش آموخت که برای پادشاهی آینده خدا بر زمین دعا کنند. اما پادشاهی خدا در زمان عهد عتیق بر زمین بود. اگرچه آن پادشاهی بی نظیری که مسیح برای آن دعا می کرد نبود و فرمانروایی شگفت انگیز عیسی مسیح را نداشت و مردمانش به ندرت ایماندار به خدا و قوانین او بودند. این پادشاهی خدا بر زمین در زمان عهد عتیق، همان پادشاهی اسرائیل بود. داوود پادشاه دوم اینگونه گفت:

"و از میان تمامی پسرانم - چراکه خداوند مرا پسران بسیار بخشیده است - پسر سلیمان را برگزید تا بر تخت پادشاهی خداوند بر اسرائیل بنشیند" (۱ تواریخ ۲۸: ۵).

این نشان می دهد اگرچه پادشاهی اسرائیل در عهد عتیق پادشاهی زمینی داشت ولی پادشاه اصلی خدا بود.

پادشاهی شامل این موارد می شود:

- مردم
- سرزمینی که مردم در آن زندگی کنند
- قوانینی برای فرمانروایی بر مردم
- پادشاهی که بر مردم فرمانروایی کند

پادشاهی اسرائیل پادشاهی خدا بود. زیرا:

- خدا مردم اسرائیل را بعنوان مردمان خاص خود انتخاب کرد (خروج ۱۹: ۵)
- خدا به آنها سرزمین اسرائیل را برای زندگی داد
- خدا به آنها قوانینی برای زندگی داد
- خدا پادشاه واقعیشان بود (اگرچه پادشاهان زمینی بر آنها حکومت می کردند)

پادشاه داوود به طور واضح متوجه این موضوع بود که پادشاهی اسرائیل پادشاهی خداست.

"ای خداوند، پادشاهی از آن توست و تو بر همگان چون سر متعال هستی" (۱ تواریخ ۲۹: ۱۱).

اشعیای نبی نوشت که خدا پادشاه واقعی اسرائیل بود:

"خداوند چنین می‌فرماید، خداوند لشکرها، که پادشاه اسرائیل و ولی ایشان است: من اولم و من آخر و جز من خدایی نیست" (اشعیا ۴۴: ۶).

چون خدا پادشاه حقیقی بود سلیمان بعنوان فرمانروا بر کرسی خدا معرفی شد:

"پس سلیمان بر تختِ خداوند نشست و به جای پدرش داوود، پادشاه شد. او کامروا بود و تمامی اسرائیل از او اطاعت می‌کردند" (۱ تواریخ ۲۹: ۲۳).

پادشاهی اسرائیل یک پادشاهی عادل مانند داوود داشت. آنها متوجه شدند که پادشاهی از آن خدا بود و اینکه داوود برای خدا حکمرانی می‌کرد و نه برای خود. او مردم را به خدمتگزاری تشویق می‌کرد.

یکی از اهداف پادشاهی خدا بر زمین در زمان عهد عتیق متوجه ساختن ملت‌های اطراف از اهمیت و بزرگی برکتی بود که از خدمت به خدا به دست می‌آوردند. در زمان فرمانروایی سلیمان ملکه صبا او را ملاقات کرد و گفت:

"متبارک باد پیهوه خدایت که از تو خشنود بوده و تو را بر تخت خود نشانیده است تا برای پیهوه خدایت پادشاه باشی! از آنجا که خدایت اسرائیل را دوست داشته و می‌خواهد آنان را جاودانه استوار دارد، تو را بر ایشان پادشاه ساخته است تا عدل و انصاف را به جا آوری" (۲ تواریخ ۹: ۸).

دقت کنید حتی ملکه صبا نیز متوجه این امر شد که خدا پادشاه حقیقی اسرائیل بود و سلیمان به او خدمت می‌کرد.

سرنگونی پادشاهی خدا

پس از سلیمان، صدها سال به همراه پادشاهان مختلف که همگی از نوادگان داوود بودند گذشت. بعضی از آنها درستکار بودند و راه خدا را پیروی می‌کردند و بسیاری نیز شریر بودند و بت‌های دیگر را می‌پرستیدند. با وجود برکت‌هایی که از قوانین خدا می‌گرفتند می‌بایست انسانهای فرمانبرداری می‌بودند اما اکثر مواقع شکست می‌خوردند. به جای اینکه مثالی برای ملت‌های دیگر باشند به فعالیت‌های شریرانه خود ادامه می‌دادند.

در نهایت شرارت مردم به حدی شدید شد و پادشاهی که بر اورشلیم فرمانروایی می‌کرد به قدری ظالم بود که خدا نمی‌توانست اجازه دهد که این پادشاهی ادامه یابد. حزقیال در باب ۲۱ آیات ۲۵ و ۲۶ در اشاره به صادقیا، آخرین پادشاه می‌گوید که مجازات خواهد شد و تاجش از بین خواهد رفت:

"حال تو ای حاکم کافر و شریر اسرائیل که روز تو یعنی زمان مکافات نهاییات فرا رسیده است خداوندگار یهوه چنین می گوید: دستار از سر برگیر و تاج از سر فرو گذار! وضعیت چنین باقی نخواهد ماند. آنچه را پست است، برافراز و آنچه را افراشته است، پست کن" (حزقیال ۲۱: ۲۵-۲۶).

در آیه بعدی خدا می گوید که پادشاهی نابود می شود و دیگر وجود نخواهد داشت ("دیگر واقع نخواهد شد"). این پایان پادشاهی خدا در گذشته بر روی زمین بود:

"ویرانی، ویرانی، من پادشاهی را ویران خواهم کرد و دیگر نخواهد بود تا زمانی که آن که به حق به او تعلق دارد، بیاید و آن را به وی عطا خواهم کرد" (حزقیال ۲۱: ۲۷).

اگرچه خدا در این آیه گفته است که پادشاهی را در آینده به شخص دیگری خواهد داد و این جمله به این معناست که روزی خدا پادشاهی را می آورد تا آنرا یک بار دیگر بر زمین اجرا کند. از روزی که صادقی از کرسی پادشاهی برکنار شد تا به امروز هیچ پادشاهی بر اورشلیم پادشاهی نکرده است.

این آیه نام کسی که دوباره پادشاهی را برقرار می کند به ما نمی گوید و تنها این حقیقت را یادآوری می کند که در نهایت مردی می آید که حق پادشاه بودن را دارد و خدا پادشاهی را به او می دهد.

عیسی مسیح، پادشاه وعده داده شده

در لوقا باب ۱ می خوانیم که کرسی در اورشلیم به عیسی مسیح داده می شود. او پادشاه حقیقی است. آیات ۳۱ تا ۳۳ در بردارنده کلامی است که فرشته به مریم، مادر مسیح گفت. قبل از میلاد مسیح فرشتگان در آیه ۳۲ گفتند:

"او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود" (لوقا ۱: ۳۲).

عیسی مسیح به دو دلیل حق پادشاهی در ملکوت را دارد:

- او پسر خدا بود

- مادرش مریم از نوادگان داوود بود

وقتی که مسیح بازگردد بر ملکوت خدا پادشاهی خواهد کرد و عدالت خدا را برقرار می سازد. ملکوت آینده همان پادشاهی بازبرقرار شده است.

پادشاهی خدا و ما

اگر پادشاهی خدا در اسرائیل باشد پس چگونه به غیریهودیان ربط پیدا می‌کند؟ پادشاهی آینده در اسرائیل است ولی کل زمین را در بر می‌گیرد که شامل کشورهایی که شما در آن زندگی می‌کنید نیز می‌شود.

عقاید اشتباه زیادی در مورد پادشاهی عیسی مسیح وجود دارد. اما لازم است این نکات را

بدانیم:

- مسیح به عنوان پادشاه بر زمین حکمرانی می‌کند.
- کرسی او کرسی داوود در اورشلیم خواهد بود.
- اورشلیم پایتخت پادشاهی خدا خواهد بود.
- پادشاهی در اورشلیم است ولی تمام دنیا را فرا می‌گیرد.

به همین دلیل است که مسیح به زمین بازمی‌گردد. خدا به ما گفته است که هدف او در مورد مردم روی زمین است:

"زیرا همان‌گونه که آبها دریا را می‌پوشاند، جهان از معرفتِ جلالِ خداوند مملو خواهد شد"
(حقوق ۲: ۱۴).

کتاب مقدس در مورد اینکه مردم بعد از مرگ به بهشت می‌روند چیزی نمی‌گوید، همینطور در مورد پادشاهی در آسمان، البته خدا از آسمان حکمرانی می‌کند. اما هدف او فرستادن عیسی مسیح بر زمین است تا بتواند تمام زمین را از اورشلیم کنترل کند. او بر یهودیان و تمام مردم دنیا حکومت می‌کند و به همه ایمانداران زندگی جاودان داده خواهد شد.

مسیح ادعای پادشاهی کرد. پیلاتس از او پرسید آیا تو واقعا پادشاه هستی؟ و مسیح پاسخ داد:

"تو خود می‌گویی که من پادشاهم" (یوحنا ۱۸: ۳۷).

این روش یهودیان برای اقرار کردن می‌باشد: "بله هستم". در بالای صلیب نوشته شده بود:

"این است عیسی، پادشاه یهود" (متی ۲۷: ۳۷ - یوحنا ۱۹: ۱۹)

دشمنانش قصد به سخره گرفتن او را داشتند اما چیزی که گفتند حقیقت داشت.

پادشاهی در مرکز نقشه خدا قرار دارد. انجیلی که مسیح تعلیم می‌داد پیغام خوش پادشاهیست:

"پس از آن، عیسی شهر به شهر و روستا به روستا می‌گشت و به پادشاهی خدا بشارت می‌داد" (لوقا ۸: ۱).

خبر خوش این است که عیسی مسیح بازمی‌گردد و پادشاهی را برقرار می‌کند پس دعا می‌کنیم: "پادشاهی تو بیاید" و همینطور در ادامه می‌گوییم که زمانی که مسیح بازگردد به ما بگوید:

"بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من و پادشاهی‌ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود" (متی ۲۵: ۳۴).

پادشاهی خدا در آینده	پادشاهی خدا در گذشته	
اورشلیم	اورشلیم	پایتخت
در اسرائیل واقع می‌شود ولی کل دنیا را در بر می‌گیرد	اسرائیل	سرزمین
ایمانداران فناناپذیر و مردمان فانی از ملت‌های مختلف	مردمان فانی اسرائیل	مردم
عیسی مسیح به همراه ایمانداران فناناپذیرش	شائول - داوود و تمامی نوادگانش	پادشاهانی برای خدا
مسیح برای هزار سال حکمرانی خواهد کرد و بعد پادشاهی را به خدا خواهد داد	۵۰۰ سال ماندگار بود. آخرین پادشاه صادقی بود که ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرد	مدت زمان پادشاهی

خلاصه :

- در قدیم پادشاهی خدا بر زمین وجود داشت و این پادشاهی اسرائیل در عهد عتیق بود.
- پادشاه واقعی خدا بود (اگرچه انسانها برای او خدمت می‌کردند).
- خدا پادشاهی اسرائیل را به اتمام رساند اما با بازگشت مسیح آن را برقرار خواهد کرد.
- پادشاهی آینده خدا، همان پادشاهی اسرائیل است که باز برقرار خواهد شد و مرکز آن اسرائیل بوده، ولی کل دنیا را در بر می‌گیرد.
- عیسی مسیح بعنوان پادشاه از کرسی داوود در اورشلیم بر تمامی مردم اعم از یهودی و غیریهودی فرمانروایی خواهد کرد.
- ایمانداران واقعی خدا از تمامی دوران به زندگی جاودان خواهند رسید و به عیسی مسیح در فرمانروایی دنیا کمک خواهند کرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(مکاشفه ۱۱ : ۱۵) "آنگاه فرشته هفتم شیپورش را به صدا درآورد؛ و ناگهان صداهایی بلند در آسمان پیچید که می‌گفت: حکومت جهان، از آن خداوند ما و مسیح او شده است و او تا ابد حکم خواهد راند".

اول سموئیل ۱۲: ۱۲ - سموئیل به آنها یادآور می‌شود که پادشاه واقعی آنها خداست.

اشعیا باب ۳۵ - این بخش تصویری از پادشاهی آینده به ما می‌دهد.

درس دهم: دید خدا نسبت به تاریخ

مطالعه: دانیال باب ۲

کتاب مقدس بعنوان کتاب تاریخ خدا

دید خدا با دید ما متفاوت است. او در اشعیا ۵۵: ۸-۹ می گوید:

"خداوند می فرماید: افکار من افکار شما نیست و نه راههای من، راههای شما. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راههای من نیز از راههای شما و افکار من از افکار شما بلندتر است" (اشعیا ۵۵: ۸-۹).

خدا تاریخ را مانند ما نمی بینید. ممکن است ملت‌های بزرگ مردم را به تعجب وا دارند. اما این برای خدا هیچ اهمیتی ندارد. کتاب مقدس، کتاب تاریخ خدا است و یهودیان مردمانش هستند. نقشه رستگاری خدا به مرکزیت یهودیان است. اگرچه تمام ملت‌ها را در بر خواهد گرفت. پس جای تعجب نیست اگر عهد عتیق در مورد تاریخ یهودیان به ما بگوید. عهد جدید در مورد زندگی عیسی مسیح و آغاز کلیساهای مسیحیت توضیح می دهد.

انسانهای عهد عتیق

این یک نگاه اجمالی به انسان‌هایی است که در عهد عتیق زندگی می کردند.

آدم - اولین انسانی که توسط خدا خلق شد، از فرمان خدا سرپیچی کرد و گناه و مرگ را به دنیا آورد (پیدایش باب ۳). از آن زمان همه مردم (به جز مسیح) به طریقی از فرمان خدا سرپیچی کرده و همه مرده اند.

نوح - هزار سال پس از خلقت آدم زندگی می کرد. انسان‌های زمان او بسیار شریر بودند. به همین دلیل خدا توفانی فرستاد و همه را نابود کرد. به جز نوح و خانواده درستکارش که توانستند نجات پیدا کنند چون به فرمان خدا عمل کرده بودند (پیدایش باب ۶).

ابراهیم - خدا به او گفت خانه‌اش در اور (جنوب عراق امروزی) را ترک کند و در سرزمینی که خدا به او نشان خواهد داد برود. خدا هرگز به ابراهیم مکان سکونتش را نگفت. اما او به حرف خدا گوش فرا داد. چون می دانست در طول سفرش خدا او را راهنمایی خواهد کرد. خدا از ایمان و فرمانبرداری ابراهیم خشنود شد و با او عهدهایی بست (پیدایش باب ۱۲). کتاب مقدس ابراهیم را دوست خدا می داند.

اسحاق - فرزند ابراهیم و ساره بود و توسط معجزه هنگامی که ساره برای بچه‌دار شدن بسیار پیر بود به دنیا آمد (پیدایش باب ۲۱).

یعقوب - فرزند اسحاق بود و خدا اسمش را به اسرائیل تغییر داد که به این معنای است: "زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی" (پیدایش ۳۲: ۲۸). یعقوب ۱۲ پسر داشت و آنها پدران ۱۲ قوم اسرائیل شدند. نوادگان ابراهیم از طریق اسحاق و یعقوب، بنی اسرائیل هستند. (همینطور به اسرائیلی‌ها و یا عبرانیان نیز معروف هستند) و بعدها یهودیان خطاب شدند.

یوسف - یکی از ۱۲ فرزند یعقوب بود که به دلیل حسادت برادرانش به بازرگانان فروخته شد و بعنوان برده به مصر برده شد. در آزمایش‌های زیادی قرار گرفت اما خدا به او برکت داد و او در نهایت عزیز مصر شد (پیدایش ۴۱: ۳۹-۴۰). بعد از گذشت سالیان زیادی خانواده یعقوب به یوسف در مصر ملحق شدند (پیدایش باب ۴۶) و بعد از مرگ یوسف چون نوادگان یعقوب جمعیت کثیری بودند، مصری‌ها آنها را بعنوان یک تهدید تلقی کرده و همه را به بردگی گرفتند.

موسی - در مصر در زمان بردگی به دنیا آمد. والدین او یهودی بودند اما او توسط دختر پادشاه مصر بزرگ شد. خدا از موسی بعنوان هدایت کننده‌ای برای قوم اسرائیل در جهت خارج کردن آنها از مصر و از میان ستم‌ها استفاده کرد و آنها را به سرزمین کنعان که وعده داده بود رسانید. در طول این سفر خدا بنی اسرائیل را به شکل یک امت در آورد و به آنها قوانین خردمندانه‌ای داد. بنی اسرائیل برای فتح سرزمین وعده به خدا اعتماد نکردند و بعنوان مجازات، خدا آنها را چهل سال در صحرا نگاه داشت تا تمام کسانی که ایمان نداشتند، بمیرند.

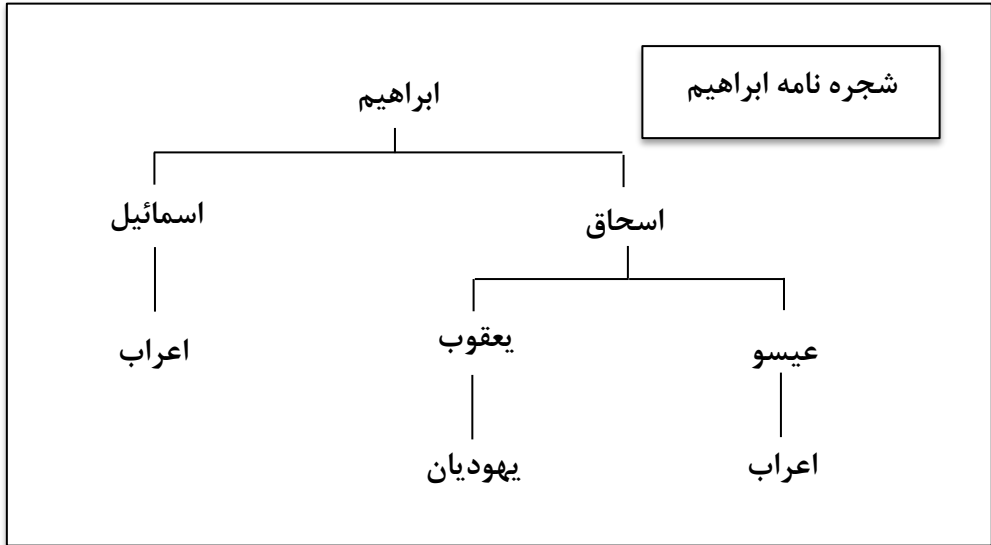
یوشع - نسل جدید بنی اسرائیل را به کنعان برد. سرزمینی که خدا وعده آنجا را به آنها داده بود. کنعان همان اسرائیل امروزی است.

داوران بر مردم حکومت کردند

در نهایت مردم اسرائیل به کنعان رسیدند. خدا پادشاه آنان بود و داوران را برای حکمرانی بر آنان گماشته بود. امت‌ها اکثراً از فرمان خدا سرپیچی کرده و خدا با فرستادن امت‌های دیگر برای جنگ با مردم اسرائیل، آنها را مجازات می‌کرد. زمانی که به مشکل بر می‌خوردند به خدا روی می‌آوردند و خدا آنها را توسط یکی از داوران نجات می‌داد. آنها بارها از خدا روی بر می‌گرداندند و باز هم خدا عشق خود را از طریق نجات به آنها نشان می‌داد.

نحمیا ۹: ۲۸ می‌گوید :

"اما پس از آنکه آسایش یافتند، دیگر بار در حضورت شرارت ورزیدند و تو ایشان را به دست دشمنانشان واگذاشتی تا بر آنان حکم برانند. اما چون بار دیگر نزد تو فریاد برآوردند، از آسمان شنیدی و بر حسب رحمت خود بارها ایشان را رهانیدی" (نحمیا ۹: ۲۸).



مردم پادشاه می خواهند

بعد از گذشت ۴۰۰ سال بنی اسرائیل خواستار این شدند تا پادشاهی زمینی داشته باشند (یعنی یک انسان). آنها خدا را نمی خواستند. آنها همانند امت های دیگر پادشاهی می خواستند که قابل رویت باشد. **شائول** - اولین پادشاه انسانی که خدا را خشنود نساخت.

داوود - دومین پادشاه از قبیله یهودا که بر اورشلیم حکمرانی کرد. او مزمورهای زیادی نوشت. اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ او را بعنوان مردی که به دنبال خواسته های خدا بود معرفی کرد. چون تمام تلاش او در اجرای اراده خدا در زندگیش بود. چون داوود خدا را خشنود کرد وعده هایی به او داده شد تا توسط عیسی مسیح به حقیقت بپیوندند (۲ سموئیل باب ۷).

سلیمان - پادشاه بعدی بود. متون خردمندانه ای در امثال نوشت و معبد بزرگ در اورشلیم را بنا کرد.

تقسیم پادشاهی

۱۰ قبیله از بنی اسرائیل که در شمال بودند، پادشاه شمالی خوانده شدند و نام اسرائیل را نگاه داشتند. ۲ قبیله دیگر پادشاهی جنوبی را تشکیل داده و یهودا نامیده شدند، زیرا تمام پادشاهانش از قبیله یهودا بودند. آنها از نوادگان داوود و سلیمان بودند. مردم اسرائیل (پادشاهی شمالی) بسیار شریر شدند و خدا آشوریان را بر علیه آنان شورانید. آنان به اسارت برده شده و پراکنده شدند و هرگز به سرزمین خود بعنوان یک ملت بازنگشتند.



مدتی بعد مردم یهودا (پادشاهی جنوبی) نیز به دلیل سرپیچی از خدا به اسارت بابل برده شدند. از آن زمان حتی تا به امروز هیچ پادشاهی بر اورشلیم نبوده است. بعد از ۷۰ سال اسارت در بابل مردم پادشاهی جنوبی توانستند به سرزمین خود بازگردند. اگرچه ملت‌های دیگر همانند رومیان که در زمان عیسی مسیح نیز در قدرت بودند بر آنها حکمرانی می‌کردند.

عهد جدید

پس از ۴۰۰ سال خدا در عهد جدید پسرش عیسی مسیح را به دنیا آورد. مسیح توسط بسیاری از مردم خود (یهودیان) پذیرفته نشد. هنگام به صلیب کشیدن مسیح با فریاد می‌گفتند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد" (متی ۲۷: ۲۵). یهودیان جرمی بالاتر از این نمی‌توانستند مرتکب شوند. بعد از مدتی خدا توسط رومیان آنها را مجازات کرد و این باعث شد که یهودیان از سرزمین خود خارج شده و در میان ملت‌های مختلف پراکنده شوند. آنها تقریباً تا ۱۵۰ سال پیش همچنان پراکنده بودند تا اینکه بعد از آن به سرزمین خود بازگشتند.

روای نبوکدنصر، تصویری از آینده

کتاب مقدس حاوی پیشگوهایی است که از زمان پادشاهی بابل (۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح) تا زمانی که پادشاهی خدا دوباره بر زمین برقرار شود را شامل می‌شود. این پیشگویی نشان می‌دهد که خدا اتفاقات دنیا را کنترل می‌کند و زمانی خواهد رسید که "پادشاهی انسان" (دانیال ۴: ۱۷) جایش را به پادشاهی خدا خواهد داد.



یک شاهزاده یهودی جوان به نام دانیال زمانی که پادشاهی جنوبی یهودا به آخر می‌رسید، به بابل به اسارت برده شد. شبی نبوکدنصر، پادشاه بابل خواب بسیار عجیبی دید. این خواب یک پیشگویی بود که معنای آن از طرف خدا به دانیال نشان داده شده بود.

در این خواب پادشاه تمثال بزرگی دید. شاید شبیه به این آدم که اینجا نشان داده شده است. این تمثال ۵ برحه از تاریخ را نشان می‌دهد که همه پشت سر هم قرار دارند. دانیال برای پادشاه توضیح داد که سری از طلا نشانگر پادشاهی بابل است. (دانیال

۲: ۳۷-۳۸)

به نبوکدنصر گفته شد که بعد از پادشاهی او پادشاهی کم قدرت‌تر می‌آید که توسط سینه و دست‌هایی از نقره در تمثال نشان داده شده بود. ما امروز می‌دانیم که این پادشاهی مادها و پارس‌ها بوده‌اند. پادشاهی سوم که با شکم و ران‌های برنجی مشخص شده به پادشاهی یونان اشاره دارد. منظور از ساق‌های آهنی پادشاهی روم است که می‌خواست بر دنیا تسلط داشته باشد. پادشاهی روم توانست بیشتر از همه گسترش پیدا کند. عیسی مسیح در زمان پادشاهی روم به دنیا آمد و سربازان رومی در به صلیب کشیدن او نقش داشتند. صدها سال بعد، امپراطوری روم از بین رفت و تا به امروز هیچ پادشاهی دیگری بر امت یهود فرمانروایی نکرده است.

کتابهای تاریخی تایید کرده‌اند که این ۴ دوره دقیقا همانطور که در دانیال باب ۲ گفته شد، وجود داشت. این پیشگویی بی‌نظیر نشان می‌دهد که ما می‌توانیم به کتاب مقدس اعتماد کنیم.

یک برحه از زمان ۲۰۰۰ ساله که از انتهای امپراطوری روم تا زمان ماست توسط پاهای تمثال نشان داده می‌شود. ترکیبی از آهن و گل، امت‌های قوی و ضعیف ماست که در این زمان زندگی می‌کنیم، زمان جدایی‌ها که ملتها به راحتی با هم به توافق نمی‌رسند.

نبوکدنصر در رویا دید که سنگ کوچکی به پای این تمثال برخورد می‌کند و تمثال به ذرات ریز تقسیم می‌شود و قطعات ریز ایجاد شده توسط باد از بین می‌رود و فقط سنگ از آن به جای می‌ماند. بعداً سنگ به کوهی تبدیل شده که کل زمین را پر می‌کند. دانیال ۲: ۴۴-۴۵ توضیح می‌دهد که در زمان این پا (زمان ما) چه اتفاقی می‌افتد:

"در روزهای آن پادشاهان، خدای آسمانها سلطنتی را برقرار خواهد کرد که هرگز از بین نخواهد رفت. آن سلطنت به قومی دیگر واگذار نخواهد شد بلکه همه سلطنتها را در هم خواهد کوبید و نابود خواهد کرد و خود تا به ابد استوار خواهد ماند، درست همان‌گونه که دیدی سنگی از کوه برکنده شد، اما نه به دست بشر و آهن و برنج و گل و نقره و طلا را خرد کرد. خدای بزرگ آنچه را که باید در آینده رخ دهد، به پادشاه نمایانده است. این خواب درست است و تعبیرش مطمئن" (دانیال ۲: ۴۴-۴۵).

تمثال، پادشاهی انسان را نشان می‌دهد، سنگ "که بدون دست‌ها از کوه جدا شده" نشانگر عیسی مسیح است که هیچ پدر زمینی نداشت. وقتی که به زمین بازگردد به تمام پادشاهی‌های دنیا پایان می‌دهد و پادشاهی خدا را برقرار می‌سازد. که تمام زمین را در بر خواهد گرفت. قسمت اعظمی از رویای نبوکدنصر به واقعیت پیوسته است و ما می‌توانیم مطمئن باشیم که قسمت آخر نیز اتفاق خواهد افتاد. توجه کنید که پادشاهی آینده بر زمین خواهد بود.

خلاصه

۱. عهد عتیق درباره تاریخ مردم (یهودیان) به ما می‌گوید.
۲. عهد جدید در مورد مسیح و آغاز کلیساهای مسیحیت به ما می‌گوید.
۳. پیشگویی دانیال باب ۲ چهار پادشاهی بزرگ را به تصویر کشیده است. ما در قسمت پای این تمثال زندگی می‌کنیم و منتظر مسیح هستیم (توسط سنگ نشان داده شده) تا بازگردد.
۴. مسیح پادشاهی زمین را به پایان خواهد رساند و پادشاهی خدا را که تمام دنیا را در بر می‌گیرد اجرا خواهد کرد.

آیاتی برای مطالعه:

(دانیال ۲: ۴۴) "در روزهای آن پادشاهان، خدای آسمانها سلطنتی را برقرار خواهد کرد که هرگز از بین نخواهد رفت. آن سلطنت به قومی دیگر واگذار نخواهد شد بلکه همه سلطنتها را در هم خواهد کوبید و نابود خواهد کرد و خود تا به ابد استوار خواهد ماند".

تثنیه ۷: ۶-۸، مردم اسرائیل توسط خدا انتخاب شدند

اعمال رسولان ۱۳: ۱۷-۲۳، پولس رسول درسی از تاریخ داد

نحمیا ۹: ۷-۱۳

اعمال رسولان باب ۷

درس یازدهم: پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین

مطالعه: اشعیا باب ۳۵

صلح و سلامتی بر زمین - چه زمان؟

بر ساختمان سازمان ملل در نیویورک این نقل قول از اشعیا ۲: ۴ نوشته شده است:

"او در میان ملل داوری خواهد کرد و منازعات قوم‌های بسیار را فیصل خواهد داد. ایشان شمشیرهای خود را برای ساختن گاوآهن خواهند شکست و نیزه‌های خویش را برای تهیه ابزار باغبانی. دیگر قومی بر قومی شمشیر نخواهد کشید و جنگاوری را دیگر نخواهند آموخت" (اشعیا ۲: ۴).

این آیه یکی از چندین آیه‌ای است که در کتاب، اشاره به زمانی دارد که صلح و سلامتی بر زمین ماندگار است. اگرچه تا به امروز هیچ صلح واقعی بر زمین نیامده و به‌واقع تا زمانی که مردم از خدا اطاعت نکنند هیچ صلح و آرامشی بر زمین نخواهد آمد. تا زمانی که مردم به راه خود ادامه دهند همیشه مشکلات زیاد خواهد بود. صلح و سلامتی حقیقی زمانی بر زمین خواهد آمد که عیسی مسیح بازگردد و پادشاهی خدا را باز برقرار کند. اشعیا ۹: ۶ پیشگویی در مورد عیسی مسیح است و او را بعنوان "سرور سلامتی" معرفی کرده است. آیه زیر می‌گوید:

"افزونی فرمانروایی و صلح او را پایانی نخواهد بود و او بر تخت داوود و بر قلمرو او حکمرانی خواهد کرد" (اشعیا ۹: ۷).

زکریا ۹: ۱۰ به ما می‌گوید که خدا تمام سلاح‌های جنگ را از بین می‌برد و مسیح، صلح و سلامتی را به تمام دنیا خواهد آورد.

"ارابه را از افرایم و اسب جنگی را از اورشلیم بر خواهم داشت و کمان جنگ شکسته خواهد شد. او صلح را به قومها ندا خواهد کرد و حکومتش از دریا تا دریا و از نهر قُرات تا کرانه‌های زمین خواهد بود" (زکریا ۹: ۱۰).

وسعت پادشاهی خدا

این آیه از زکریا نشان می‌دهد که عیسی مسیح بر تمام زمین حکمرانی خواهد کرد. در درس ۱۰ یاد گرفتیم که سنگی کوچک، تمثال دیده شده در دانیال باب ۲ را از بین خواهد برد و باقی مانده‌های آن تبدیل به کوهی بزرگ خواهد شد که تمام زمین را پر خواهد کرد. این نشان می‌دهد که عیسی مسیح

به زمین باز خواهد گشت و بر حکومت‌های زمینی پایان خواهد داد و پادشاهی خدا را باز برقرار خواهد کرد که تمام زمین را در بر می‌گیرد. در مزامیر ۲: ۸ خدا از مسیح می‌گوید:

"از من بخواه که ملتها را میراث تو خواهم گردانید و کرانه‌های زمین را مُلک تو خواهم ساخت" (مزامیر ۲: ۸).

"برای صلح و سلامت اورشلیم دعا کنید: باشد که دوستدارانت در آسایش باشند. در میان برج‌های امنیت حکمفرما باشد و در میان باروهایت، صلح و سلامت" (مزامیر ۱۲۲: ۶-۷).

عیسی مسیح از اورشلیم بر تمام دنیا حکمرانی خواهد کرد. در حال حاضر در آن شهر مشکلات زیادی وجود دارد و بهتر است که ما برای برقراری صلح در آنجا دعا کنیم. زمانی می‌آید که مسیح بعنوان پادشاه در این "شهر پادشاه عظیم" حکمرانی خواهد کرد (متی ۵: ۳۵).

نقشه‌های خدا برای پادشاهی

زندگی برای مردان و زنانی که در پادشاهی پذیرفته شده اند، بسیار متفاوت خواهد بود. آنها ذاتی همانند ذات خدا خواهند داشت. آنها قادر به گناه نیستند و جاودانه خواهند شد (هرگز نمی‌میرند).

اگرچه در درس هفت آموختیم که انسان‌های فانی نیز در پادشاهی خدا و در زمان فرمانروایی مسیح، زندگی خواهند کرد. افرادی خواهند بود که هنگام بازگشت مسیح از کتاب مقدس هیچ چیزی نمی‌دانند. خدا به واسطه رحمت خود این زمان را برای آنان مقرر کرده تا بتواند در مورد رستگاری از طریق عیسی مسیح بیاموزند. اگر توبه کنند و مسیح را بعنوان نجات‌دهنده انتخاب کنند و در زمان داده شده با ایمان زندگی کنند، به آنها نیز عمر جاودان داده خواهد شد.

این دوره که مسیح بعنوان پادشاه بر آنها حکمرانی می‌کند، هزار سال طول خواهد کشید (مکاشفه ۲۰: ۴-۶). این زمان به مِلنیوم (یا هزاره) معروف است. (کلمه مِلنیوم به معنای هزار سال است. همانطور که یک قرن به معنای صد سال است). هزاره زمانی شگفت‌انگیز خواهد بود. به خصوص برای افرادی که فناپذیرند، اما بی‌نقص نخواهد بود. انسان‌های فانی همچنان دارای ذات انسانی هستند و می‌توانند گناه کنند. آنها همچنان پیر می‌شوند و می‌میرند.

بعد از هزاره

از آغاز، هدف خدا پر کردن زمینِ زیبا از انسان‌های ایمان‌داری بوده است که خدمت به او را انتخاب کرده و از گناه مبرا هستند. این هدف در پایان هزاره اجرا خواهد شد و سپس دنیا بی‌نقص خواهد گردید. هیچ ذات انسانی باقی نمی‌ماند و گناه و مرگ از بین خواهد رفت. تنها ایمانداران فناپذیر افتخار زندگی بعد از هزاره را دارند. (به کسانی که هنگام بازگشت مسیح به آنها زندگی جاودان داده شده و همین‌طور کسانی که رستگاری خدا را در هزاره پذیرفته‌اند). مسیح پادشاهی را تحویل خواهد داد و زمانی خواهد رسید که خدا میان انسان‌های فناپذیر زندگی خواهد کرد. کتاب مقدس این زمان را اینگونه معرفی کرده است که خدا "کل در کل" باشد. (۱ قرن‌تین ۱۵: ۲۸).

پس دو دوره و یا زمان متفاوت هنگام بازگشت مسیح وجود خواهد داشت:

- هزار سال فرمانروایی مسیح - هزاره
- زمان بعد از هزاره که گناه و مرگ از بین رفته است - خدا به همراه ایمانداران فناپذیر در دنیایی بی نقص زندگی خواهد کرد.

افرادی که در زمان هزاره زندگی می‌کنند:

۱. ایمانداران واقعی به هنگام بازگشت مسیح زندگی جاودان را دریافت خواهند کرد - آنها بعنوان اعضای دولت مسیح بر دنیا حکومت می‌کنند و همین‌طور راه خدا را به انسان‌های فانی تدریس خواهند کرد. مکاشفه ۵: ۹-۱۱ ایمانداران فناپذیری که مسیح را ستایش می‌کنند اینگونه توصیف کرده است:

"و سرودی تازه بدین‌سان می‌سرودند که: تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مَهرهای آن، چرا که ذبح شدی و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت برای خدا خریدی و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند و اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد. آنگاه نظر کردم و صدای خیل فرشتگان را شنیدم که گرداگرد آن تخت فراهم آمده بودند و گرداگرد آن موجودهای زنده و آن پیران. شمار آنها از هزاران هزار و گُرورها گُرور بیشتر بود" (مکاشفه ۵: ۹-۱۱).

۲. یهودیانی که در زمان بازگشت مسیح زندگی می‌کنند و هنگام دیدن مسیح او را بعنوان پادشاه خود قبول می‌کنند - این یهودیان اجازه دارند بعنوان انسان‌های فانی در پادشاهی خدا زندگی کنند. آنها در سرزمین اسرائیل زندگی کرده و بعنوان رهبران ملت‌ها خواهند بود. (تثنیه ۲۸:

۱۳). به آنها برکتی عظیم داده خواهد شد و مسیر خدا به آنها آموزش داده خواهد شد. دوازده شاگردان مسیح برای او حکمرانی خواهند کرد. (متی ۱۹: ۲۸ و لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰).

۳. **مردمانی از ملت‌های دیگر (غیریهودیان) که در زمان بازگشت مسیح زنده‌اند و او را بعنوان پادشاه می‌پذیرند-** به آنها اجازه داده خواهد شد تا بعنوان افراد فانی زندگی کنند و راه خدا را بیاموزند. اشعیا ۲: ۲-۳ می‌گوید:

"در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بالاتر از تمامی کوهها استوار خواهد گردید و فراتر از تپه‌ها برافراشته خواهد شد و تمامی قومها به سوی آن روان خواهند گشت. قومهای بسیار آمده، خواهند گفت: بیایید به کوه خداوند برویم و به خانه خدای یعقوب برآییم تا راههای خود را به ما تعلیم دهد و در طریق‌های وی گام برداریم. زیرا شریعت از صهیون صادر خواهد شد و کلام خداوند از اورشلیم" (اشعیا ۲: ۳-۲).

اورشلیم پایتخت دنیا

عیسی مسیح بعنوان پادشاه از شهر اورشلیم حکمرانی خواهد کرد و پایتخت دنیا خواهد بود. متن بالا نشان می‌دهد که کلام خدا از اورشلیم نیز گذشته و تمام زمین را در بر می‌گیرد و برای تمام کسانی که از پادشاه پیروی می‌کنند، عشق و شادی، صلح و سلامتی به ارمغان خواهد آورد. دولت مسیح بی‌نقص خواهد بود. او با خرد، رستگاری و قدرت بر ملت‌ها حکمرانی خواهد کرد. مشکلات دنیای ما از قبیل فقر، گرسنگی و ستم از بین خواهد رفت. شرارت بین اقوام فانی کنترل خواهد شد.

"آنگاه که داوری‌های تو بر زمین اجرا شود ساکنان جهان پارسایی را خواهند آموخت" (اشعیا ۲۶: ۹).

در عهد عتیق ارمیای نبی تایید می‌کند که اورشلیم پایتخت تمام دنیا خواهد بود و نشان می‌دهد که گناه برای همیشه مهار خواهد شد:

"زیرا در آن ایام اورشلیم 'تخت پادشاهی یهوه' خوانده خواهد شد و تمامی قومها به جهت بزرگداشت نام یهوه در اورشلیم گرد خواهند آمد و دیگر سرسختانه از دل شریر خود پیروی نخواهند کرد" (ارمیا ۳: ۱۷).

زندگی در هزاره

۱. **فراوانی غذا برای همه** - لعنتی که بر زمین است و توسط گناه آدم ایجاد شد (پیدایش ۳: ۱۷-۱۹) از بین خواهد رفت و زمین به طور شگفت‌انگیزی پر بار خواهد شد. مزامیر ۷۲: ۱۶ می‌گوید:

"باشد که غله در سراسر زمین فراوان گردد و بر فراز تپه‌ها موج زند و میوه آن همچون لبنان باشد. باشد که مردمان همچون علف صحرا از شهرها شکوفه زنند" (مزامیر ۷۲: ۱۶).

قله کوه‌ها معمولا خالی است. اگر بر قله کوه‌ها محصول باشد در دره‌ها فراوانی خواهد بود. حتی صحراها نیز در آن زمان حاصلخیز می‌شوند.

"بیابان و خشکزار شادمان خواهد شد و صحرا به وجد آمد همچون گل سرخ خواهد شکفت؛ شکوفه بسیار خواهد آورد و وجدکنان فریاد شادی سر خواهد داد. جلال لبنان به آن عطا خواهد شد، شکوه گرمیل و شارون؛ جلال یهوه را خواهند دید و شکوه خدای ما را مشاهده خواهند کرد" (اشعیا ۳۵: ۱-۲).
۲. **بازسازی ذهن و جسم** - سلامتی شگرفی با این برکت همراه خواهد بود. ۲۰۰۰ سال پیش مسیح از قدرت خدا برای درمان بیماران استفاده می‌کرد. در پادشاهی خدا این قدرت به چشم دیده می‌شود. اشعیا ۳: ۵-۶ این را به تصویر می‌کشد.

"قوم بر یکدیگر ظلم خواهند کرد، همسایه بر همسایه. جوانان بر پیران ستم روا خواهند داشت و فرومایگان بر بزرگمردان. هر کس در خانه پدری دست به دامان برادر خویش شده، خواهد گفت: تو را عبایی هست؛ پس بر ما حاکم باش و این ویرانه زیر دست تو باشد" (اشعیا ۳: ۵-۶).
۳. **مردم فانی زندگی طولانی تری خواهند داشت** - اشعیا ۶۵: ۱۹-۲۰ نشان می‌دهد که مردم فانی زندگی طولانی تری نسبت به امروزه خواهند داشت. بنابراین کسی که در صد سالگی می‌میرد جوان خواهد بود:

"بر اورشلیم شادی خواهیم کرد و به سبب قوم خویش به وجد خواهیم آمد. صدای گریه و ناله دیگر در آن شنیده نخواهد شد. دیگر هرگز در آن کودکی نخواهد بود که چند روزی بیش زنده نماند و نه پیرمردی که عمر خود را به کمال نرساند. آن که در صد سالگی بمیرد، جوان محسوب گردد و آن که به صد سالگی نرسد، ملعون به‌شمار آید" (اشعیا ۶۵: ۱۹-۲۰).

خدا به عهد خود وفا خواهد کرد

این عهد خداست و قابل اعتماد است. اشعیا ۵۵: ۶-۱۱ را بخوانید. به کلام خدا در آیه ۱۱ دقت کنید:

"همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می‌شود؛ بی‌ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد و در آنچه آن را به انجامش فرستادم کامران خواهد شد" (اشعیا ۵۵: ۱۱).

پس ما با شادی در انتظار زمانی خواهیم بود که:

"و فدیبه‌شدگان خداوند باز خواهند گشت. سرودخوانان به صهیون داخل خواهند شد و شادی جاودانی زینت‌بخش سرشان خواهد بود. از شادمانی و خوشی برخوردار خواهند شد و غم و ناله خواهد گریخت" (اشعیا ۳۵: ۱۰).

پایان هزاره و زمان بی‌نقصی

هزاره زمانی خواهد بود که جهان به وضعیت اولیه خود و همانطور که در آغاز خلق شده بود باز خواهد گشت و بار دیگر باید خیلی بهتر شود تا آماده پذیرش زندگی خدا و مردم در آن باشد. در انتهای هزاره افراد فانی زیادی از فرمان عیسی مسیح بعنوان آخرین حرکت شیرانه انسانی سرپیچی خواهند کرد. اگرچه مسیح کاملاً این شرارت را برطرف خواهد کرد و تا زمان از بین بردن تمامی دشمنان خدا بر زمین حکمرانی می‌کند و در نهایت گناه و مرگ را از زمین پاک می‌کند و بعد پادشاهی را به پدر تحویل خواهد داد.

"و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید زیرا مادامی‌که همه دشمنان را زیر پایهای خود ننهد، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است" (۱ قرنتیان ۱۵: ۲۴-۲۶).

"او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگار یهوه اشکها را از هر چهره خواهد زدود و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت، زیرا که خداوند سخن گفته است" (اشعیا ۲۵: ۸).

پس این زمین برای همیشه از صلح و سلامتی که هرگز پایانی نخواهد داشت پر خواهد شد. در نهایت جهان جایی خواهد بود که خدا، که مقدس و بی‌گناه است می‌تواند به همراه زنان و مردان در آن

زندگی کند و تمام زمین پر از شکوه و جلال خدا خواهد شد. او که خالق عظیم است، با روح خود تمام زمین را پر خواهد کرد.

"و از تخت، صدای بلندی شنیدم که گفت: اینک، مسکن خدا با آدمیان است و او با آنها ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود و هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد و دیگر مرگ نخواهد بود و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد" (مکاشفه ۲۱: ۳-۴).



زمان



خلاصه

- وقتی عیسی مسیح به زمین بازمی‌گردد پادشاه دنیا خواهد بود.
- پایتخت او اورشلیم خواهد بود.
- در هزاره:
- ایمانداران فناپذیری که به همراه مسیح بر دنیا حکمرانی می‌کنند و در مورد خدا به افراد فانی تعلیم می‌دهند.
- افراد فانی که هنگام بازگشت مسیح زنده‌اند و چیزی از کلام نمی‌دانند، مسیح را بعنوان پادشاه پذیرفته و راه خدا به آنان آموزش داده خواهد شد.
- در انتهای هزاره مسیح پادشاهی را به خدا تحویل خواهد داد و دنیا بی‌نقص خواهد بود و خدا در میان مردان و زنان فناپذیر زندگی خواهد کرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۲۲: ۲۷-۲۸) "همهٔ کران‌های زمین به یاد آورده، نزد خداوند بازگشت خواهند کرد. همهٔ طوایف قوم‌ها در حضور او پرستش خواهند نمود زیرا که پادشاهی از آن خداوند است؛ اوست که بر قوم‌ها فرمان می‌راند"

(اشعیا ۱۱: ۳-۹) - (این آیات نشان می‌دهد که پادشاهی خدا مکانی بی‌نظیر خواهد بود)

(مزامیر ۷۲: ۱۲-۱۹) - (این آیات تصویری از پادشاهی می‌دهد)

پرسش‌های بخش سوم

درس ۹: پادشاهی تو بیاید

۱-۹ پادشاهی خدا در گذشته بر روی زمین بود.

الف: پادشاهی او کجا بود؟

ب: پادشاه واقعی آن که قوانین را مشخص می‌کرد که بود؟

۲-۹ خدا در آینده نیز پادشاهی خواهد داشت.

الف: کجا خواهد بود؟

ب: پادشاه آن چه کسی خواهد بود؟

پ: پایتخت آن کجا خواهد بود؟

ت: چه زمانی خواهد بود؟

۳-۹ دعایی که مسیح به شاگردانش آموخت می‌گوید: "اراده تو اجرا گردد".

الف: به نظر شما منظور از اراده خدا چیست؟

ب: چگونه می‌توانیم اراده خدا را در زندگی خود اجرا کنیم؟

۴-۹ کوه صهیون کجاست؟

۵-۹ اول تواریخ ۲۹: ۲۳ می گوید که سلیمان بر تخت پادشاهی نشست. چرا تخت پادشاهی نامیده شده است؟

درس ۱۰: نظر خدا نسبت به تاریخ

۱-۱۰ اسامی اشخاص مورد نظر را بنویسید.

الف) چون از خدا اطاعت کرد از غرق شدن نجات پیدا کرد.

ب) مردم اسرائیل را از مصر خارج کرد.

پ) یک کشور به اسم او نامیده شد.

ت) اولین پادشاه زمینی اسرائیل بود.

ث) پادشاه بابل و کسی که در مورد آینده جهان خواب دید.

ج) خانه و کشور خود را ترک کرد، چون خدا از او خواسته بود.

چ) بلافاصله بعد از حکمرانی او پادشاهی اسرائیل به دو دسته تقسیم شد.

ح) اولین مردی که از خدا سرپیچی کرد.

خ) او بعنوان مردی شناخته شد که قلبش با خدا بود.

۲-۱۰ نبوکدنصر تمثالی در خواب دید:

الف) کدام قسمت به زمان ما اشاره می کند؟

ب) چرا پاهای تمثال تفسیر خوبی از زمان ماست؟

پ) تمثال با سنگی نابود شد. این به چه معناست؟

ت) سنگ رشد کرده و تمام جهان را گرفت. این نشان دهنده چه چیزی است؟

درس ۱۱: پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین

۱-۱۱ الف) فناپذیری به چه معناست؟

ب) چه کسانی فناپذیر می‌شوند؟

ج) در پادشاهی آینده آیا مردم بر زمین زندگی می‌کنند و یا در آسمان؟

۲-۱۱ هزاره زمان شگفت‌انگیزی خواهد بود، اما توضیح دهید که چرا کامل نخواهد بود؟

۳-۱۱ عیسی مسیح در زمان بازگشت پادشاه چه کسانی بر روی زمین خواهد بود؟ با بله یا خیر پاسخ دهید:

الف) تنها ایمانداران غیریهودی.

ب) تنها یهودیان.

پ) کسانی که بعداً می‌میرند.

ت) ایماندارانی از تمام امت‌ها که جاودانه شده‌اند.

ث) تنها کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند.

۴-۱۱ زندگی در پادشاهی خدا بر روی زمین چگونه خواهد بود؟ (برای کمک می‌توانید از مزامیر باب ۷۲ و اشعیا باب ۳۵ استفاده کنید).

۵-۱۱ ایمانداران واقعی جاودانه شده و در زمان هزار سال پادشاهی مسیح بر روی زمین زندگی می‌کنند. آیه‌ای از اشعیا ۶۵: ۱۷-۲۵ بنویسید که نشان دهد انسان‌های فانی نیز در هزاره بر روی زمین زندگی می‌کنند.

درس دوازدهم: وعده‌های خدا به ابراهیم

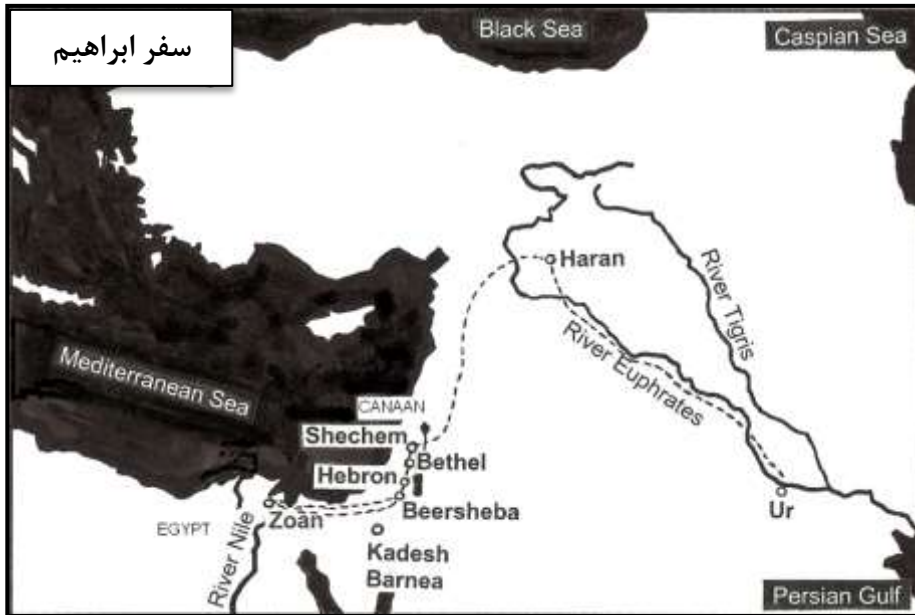
مطالعه: پیدایش باب ۱۳

دوست خدا

شگفت‌انگیز است که یک مرد دوست خدا معرفی شود و کتاب مقدس ابراهیم را به دلیل ایمان بالایش اینگونه توصیف کرده است (اشعیا ۴۱: ۸). در آغاز او به ابرام معروف بود. او ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در شهری به نام اور زندگی می‌کرد. اور در سرزمین "بین‌النهرین" (عراق امروزی)، حدود هزار کیلومتر در شرق کنعان (اسرائیل) قرار داشت. مردم اور از خدای واقعی چیزی نمی‌دانستند و خدایان دروغین را می‌پرستیدند. خرابه‌هایی از معبد ساخته شده برای خدای ماه در آن مکان یافت شده است.

پیامی از سوی خدا

روزی ابراهیم از سوی خدای قادر پیامی دریافت کرد. خدا به او گفت که از خانه و خانواده خود جدا شود و به سوی سرزمینی که خدا نشان می‌دهد، برود.



"خداوند به ابرام گفته بود: از سرزمین خویش و از نزد خویشان خود و از خانه پدرت بیرون بیا و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو" (پیدایش ۱۲: ۱).

ابراهیم از فرمان خدا اطاعت کرد. عهد جدید به ما می‌گوید که ابراهیم "بیرون آمد و نمی‌دانست به کجا می‌رود" (عبرانیان ۱۱: ۸). ایمان و باور ابراهیم به خدا به قدری قوی و محکم بود که بدون اینکه بداند در نهایت خدا کجا به او اسکان خواهد داد، خانه و کاشانه خود را رها کرده و از فرمان خدا اطاعت کرد. ابراهیم مردی بود با چنین ایمان و باوری که خدا خود را "خدای ابراهیم" توصیف می‌کند (خروج ۳: ۶).

به همراه فرمان ترک اور، خدا وعده‌هایی به ابراهیم داد و همین‌طور توضیح داد که از این کار هدفی دارد:

"از تو قومی بزرگ پدید خواهیم آورد و تو را برکت خواهیم داد؛ نام تو را بزرگ خواهیم ساخت و تو برکت خواهی بود. برکت خواهیم داد به کسانی که تو را برکت دهند و لعنت خواهیم کرد کسی را که تو را لعنت کند و همه طوایف زمین به واسطه تو برکت خواهند یافت" (پیدایش ۱۲: ۲-۳).

این کلام بسیار فوق‌العاده است. خدا به ابراهیم وعده امتی عظیم داد. این اولین وعده از وعده‌هایی است که خدا به ابراهیم داد و همچنان به او گفت که از ابراهیم همه برکت خواهند گرفت و قطعاً مهم است که ما این وعده‌ها را درک کنیم.

وعده‌های شگفت‌انگیز دیگر

ابراهیم ابتدا به حران و سپس از آنجا به کنعان (اسرائیل) رفت. وقتی به کنعان رسید سارا همسرش (که در ابتدا ساره بود) و برادرزاده‌اش لوط همراه او بودند. پیدایش باب ۱۳ توصیف می‌کند که ابراهیم چگونه از خویشاوند خود، یعنی لوط جدا شد. لوط مهمترین بخش سرزمین را برای خود و برای مواشی خویش انتخاب کرد و سهم ابراهیم چراگاه‌هایی در قسمت بی‌حاصل آن سرزمین بود. اگرچه خدا با ابراهیم بود و به دلیل فرمانبرداری کامل ابراهیم خدا بر وعده‌های پیشینی که در اور داده بود، افزود:

"پس از آن که لوط از أبرام جدا شد، خداوند به أبرام گفت: اکنون تو چشمان خویش را برافراز و از جایی که هستی به سوی شمال و جنوب و شرق و غرب بنگر زیرا سراسر این سرزمین را که می‌بینی تا ابد به تو و نسل تو خواهم بخشید. نسل تو را همچون غبار زمین می‌گردانم، چنانکه اگر کسی بتواند غبار زمین را بشمارد، نسل تو را نیز می‌توان شمرد. برخیز و در طول و عرض زمین بگرد، زیرا آن را به تو خواهم داد. پس أبرام خیمه خود را نقل کرد و رفته، نزدیک بلوط مَمری در حبرون ساکن شد و در آنجا مذبحی برای خداوند بنا کرد" (پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۷).

سرزمینی که خدا به ابراهیم نشان داد، سرزمین کنعان بود. مطالعه دقیق این قسمت نشان می‌دهد که خدا آن سرزمین را برای همیشه به ابراهیم داد. در ادامه می‌خوانیم که خدا وعده این سرزمین را به نسل ابراهیم نیز می‌دهد. پس نسل ابراهیم نیز با او شریک خواهند بود.

فرزند وعده

خدا وعده امتی بزرگ را به ابراهیم داده بود و همینطور وعده شراکت در سرزمین‌های ابراهیم به نسل‌های او داده شده بود. اما ابراهیم فرزندی نداشت. بنابراین در پیدایش ۱۵: ۴ خدا وعده فرزندی را به او می‌دهد که از طریق او تمامی این وعده‌ها به حقیقت خواهد پیوست.

اگرچه ابراهیم و ساره پیر شدند و فرزندی متولد نشد. رومیان ۴: ۱۸-۲۲ به ما می‌گویند که بچه‌دار شدن برای ابراهیم و ساره امکانپذیر نبود. اما با این وجود ابراهیم به خدا اعتماد داشت. ابراهیم ۱۰۰ ساله و ساره ۹۰ ساله بود که با یک معجزه فرزند وعده، یعنی اسحاق متولد شد. اگرچه قبل از تولد اسحاق، ابراهیم از خدمتکار ساره یعنی هاجر، پسری به نام اسماعیل داشت. خدا به اسماعیل برکت داد و گفت که او نوادگان زیادی خواهد داشت. اما کتاب مقدس به طور واضح نشان می‌دهد که وعده‌های خدا به ابراهیم از طریق اسحاق به وقوع می‌پیوندد (پیدایش ۱۷: ۱۵-۲۱).

پیدایش باب ۲۲ جنبه‌های دیگری از ایمان والای ابراهیم را به ما نشان می‌دهد. برای امتحان، خدا به ابراهیم دستور داد تا فرزندش اسحاق را قربانی کند. با اینکه تمامی وعده‌های خدا از طریق اسحاق به وقوع می‌پیوست، اما ابراهیم ایمان داشت که خدا به وعده‌هایش عمل می‌کند و برای قربانی کردن تنها فرزندش، به امید اینکه خدا او را از مردگان برخیزاند، آماده شده بود. در عهد جدید اینگونه به ما گفته شد:

"به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که آزموده شد، اسحاق را بعنوان قربانی تقدیم کرد؛ و او که وعده‌ها را پذیرفته بود حاضر شد پسر یگانه خود را قربانی کند همان را که درباره‌اش گفته شده بود: نسل تو از اسحاق خوانده خواهد شد. ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند و می‌توان گفت که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت" (عبرانیان ۱۱: ۱۷-۱۹).

و خدا باز از فرمانبرداری و ایمان ابراهیم خوشنود شد. زمانی که ابراهیم فرزند خود را برای قربانی کردن آماده می‌کرد، خدا برای او بره‌ای را فرستاد تا به جای یگانه پسرش قربانی شود (پیدایش ۲۲: ۱-۱۴). این نکته اشاره دارد که عیسی مسیح "بره خداست که گناهان جهان را می‌برد" (یوحنا ۱: ۲۹). در

پیدایش ۲۲: ۱۵-۱۸ در مورد وعده‌هایی که خدا پس از این آزمایش به ابراهیم داد می‌خوانیم و شامل این وعده مهم می‌شود که مشابه آن در باب ۱۲ نیز وجود داشت:

"و به واسطه نسل تو همه قومهای زمین برکت خواهند یافت زیرا به صدای من گوش گرفتی" (پیدایش ۲۲: ۱۸).

بخشی از وعده‌های خدا به ابراهیم	
وعده‌ها	باب و آیه
از ابراهیم امتی عظیم به وجود خواهد آمد	پیدایش ۱۲: ۲، پیدایش ۱۳: ۱۶
نسل ابراهیم سرزمین را برای همیشه به ارث خواهند برد	پیدایش ۱۳: ۱۵، پیدایش ۱۵: ۷ و ۱۸، پیدایش ۱۷: ۸
تمام دنیا از ابراهیم و نسلش برکت خواهند گرفت	پیدایش ۱۲: ۳، پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۸

درک وعده‌ها

- از ابراهیم امتی عظیم به وجود خواهد آمد - کتاب مقدس بطور واضح گفته است که یهودیان نوادگان ابراهیم هستند (به شجره نامه ابراهیم در درس ۱۰ نگاه کنید). یهودیان امت عظیمی هستند که به ابراهیم وعده داده شد.
- ابراهیم و نسل او سرزمین اسرائیل (کنعان) را برای همیشه به ارث خواهند برد - اعمال رسولان باب ۷ به ما می‌گوید که ابراهیم هرگز سرزمینی که به او وعده داده شده بود را نگرفت و چون ابراهیم مرده است، پس سرزمین نمی‌تواند برای همیشه از آن او باشد. اما خدا هرگز زیر وعده‌هایش نمی‌زند. برای اینکه آن سرزمین برای همیشه از آن او باشد، ابراهیم باید برای همیشه زنده بماند. پس خدا وعده زنده شدن پس از مرگ و زندگی جاودان را داد. مسیح نیز تایید می‌کند که ابراهیم در پادشاهی خدا مکانی خواهد داشت (لوقا ۱۳: ۲۸).

پس ابراهیم سرزمین‌های وعده داده شده را دریافت خواهد کرد. زمانی که خدا وعده سرزمین را به ابراهیم می‌داد، وعده‌اش را اینگونه به پایان رسانید: "برخیز و در طول و عرض زمین بگرد، زیرا آن را به

تو خواهیم داد" (پیدایش ۱۳: ۱۷). خدا وعده زندگی جاودان را نه در آسمان، بلکه بر روی زمینی که ابراهیم بر آن راه می‌رفت داد. ما امروزه به آن سرزمین، اسرائیل می‌گوییم.

وعده زندگی جاودان بر زمین به نسل ابراهیم نیز داده شد. ما می‌گوییم "یک بره"، نه "تعدادی بره". در مورد کلمه فرزند نیز همین‌گونه است، مانند کلمه نسل (در نسخه قدیمی‌تر کتاب مقدس) ممکن است به یک و یا چند شخص اشاره داشته باشد. در برخی از متون کاملاً نشان می‌دهد که ابراهیم نوادگان زیادی خواهد داشت (فرزند. نوه و ...). اما در برخی دیگر این کلمه به یک نفر اشاره دارد. غلاطیان ۳: ۱۶ می‌گوید:

"حال وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او داده شد. نمی‌گوید و به نسلها چنانکه گویی دربارهٔ بسیاری باشد، بلکه می‌گوید به نسل تو، که مقصود یک تن یعنی مسیح است" (غلاطیان ۳: ۱۶).

در این قسمت به ما گفته شده که نسل خاص (مفرد) در بعضی از وعده‌ها عیسی مسیح است. پس این وعده‌ای که ابراهیم و نسلش برای همیشه در سرزمین اسرائیل زندگی خواهند کرد، به عیسی مسیح اشاره دارد. فقط از طریق پسر خاص ابراهیم این وعده‌ها تحقق می‌یابد. ابراهیم به واسطه مسیح که گناه را از بین برد، می‌تواند بعد از مرگ زنده شود و برای همیشه زندگی کند. این حقیقت که عیسی مسیح از نسل ابراهیم است آنقدر مهم است که در اولین آیه عهد جدید نوشته شده است: "عیسی مسیح، فرزند داوود، فرزند ابراهیم" (متی ۱: ۱).

۳. تمام دنیا از ابراهیم و نسل او برکت خواهند گرفت - قسمت دیگری نشان می‌دهد کلمه نسل اشاره به یک شخص، که همان عیسی مسیح است، دارد. این وعده از پیدایش ۲۲: ۱۸ می‌باشد. پطرس رسول این آیه را همیشه برای یهودیان می‌خواند و در این باره به آن‌ها توضیح می‌داد:

"و شما فرزندان پیامبران و وارثان عهدی هستید که خدا با پدران‌تان بست. او به ابراهیم گفت: به واسطهٔ نسل تو همهٔ طوایف زمین برکت خواهند یافت. هنگامی که خدا خادم خود را مبعوث کرد، نخست او را نزد شما فرستاد تا شما را برکت دهد، بدین که هر یک از شما را از راه‌های گناه آلودتان بازگرداند" (اعمال رسولان ۳: ۲۵-۲۶).

پطرس رسول می‌گوید:

- تمامی امت‌های زمین از ابراهیم و نسل او برکت خواهند گرفت.
- نسلی که برکت را به همراه دارد، عیسی مسیح است (آیات ابتدایی باب ۳ را ببینید).
- عیسی مسیح برکت بخشش گناهان را می‌آورد.

• پیشنهاد بخشش در ابتدا به یهودیان داده شد و بعد به "تمام امت‌ها" رسید.

برکتی که مسیح می‌آورد، بخشش گناهان است. این پیام کتاب مقدس بوده و همان چیزی است که توسط مسیح تدریس شده است. غلاطیان ۳: ۸ می‌گوید که ابراهیم در مورد انجیل می‌دانست و آن را باور داشت.

(غلاطیان ۳: ۷-۹) "پس می‌بینید کسانی فرزند ابراهیم‌اند که به ایمان تکیه دارند و کتاب چون پیشتر دید که خدا غیر یهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد، از این رو، پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد که همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت. پس آنها که به ایمان اتکا دارند، با ابراهیم ایماندار برکت می‌یابند."

فرزندان معنوی ابراهیم - ما چگونه می‌توانیم در این وعده‌ها سهیم شویم؟

اگرچه یهودیان نوادگان طبیعی ابراهیم‌اند. ایمانداران تعمیدی از تمامی دنیا نیز می‌توانند فرزندان او (فرزندان معنوی) باشند و به طبع شریک در وعده‌ها:

"چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید. دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنابر وعده، وارثان نیز هستید" (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹).

ایمان و فرمانبرداری ابراهیم باید برای ما الگو باشد (غلاطیان ۳: ۷-۹). پس می‌توانیم بخشی از نسل او (فرزند معنوی او) باشیم و به او پیوسته و برای همیشه در پادشاهی خدا هنگام بازگشت مسیح با او زندگی کنیم. امید موجود در کتاب مقدس بر پایه وعده‌هایی است که خدا به ابراهیم داد. وعده‌هایی که از طریق آنها همه امت‌ها می‌توانند در مسیح برکت یابند.

وعده‌های خدا به ابراهیم - تحقق آنها	
تحقق	وعده
یهودیان نسل واقعی ابراهیم از طریق اسحاق و یعقوب می‌باشند. اما تمامی ایمانداران تعمیدی واقعی از تمام دنیا امت معنوی ابراهیم اند.	نسل ابراهیم امتی عظیم خواهد بود
بخشش گناهان از طریق عیسی مسیح	کل دنیا از ابراهیم و نسل او برکت خواهند گرفت
دوباره زنده شدن ابراهیم و نوادگان ایماندارش، چه یهودی و چه غیر یهودی - زندگی جاودانه بر روی زمین در پادشاهی خدا به همراه عیسی مسیح	ابراهیم و نسلش وارثان همیشگی سرزمین اسرائیل (کنعان) خواهند بود

خلاصه:

- خدا به ابراهیم گفت که سرزمین خود را رها کند و به سوی سرزمینی که به او نشان داده خواهد شد، برود.
- این سرزمین اسرائیل بود. خدا وعده داد که ابراهیم برای همیشه مالک آن خواهد بود.
- همچنین خدا به ابراهیم وعده پسری را داد و گفت که نسل او به امت بزرگی تبدیل خواهد شد.
- خدا وعده داد که نسل ابراهیم شریک سرزمین خواهد بود و برای همه امت‌ها برکت خواهد آورد.
- عهد جدید نشان می‌دهد که این نسل عیسی مسیح است که بخشش گناه را آورد.
- اگر ما به مسیح تعلق داشته باشیم (از طریق ایمان و تعمید) بعنوان فرزندان ابراهیم محسوب می‌شویم و در وعده‌های او شریک خواهیم شد.

آیاتی جهت مطالعه:

(غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹) "چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید. دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم اید و بنابر وعده، وارثان نیز هستید".

(مزامیر ۱۰۵: ۸-۱۱)

(رومیان باب ۴)

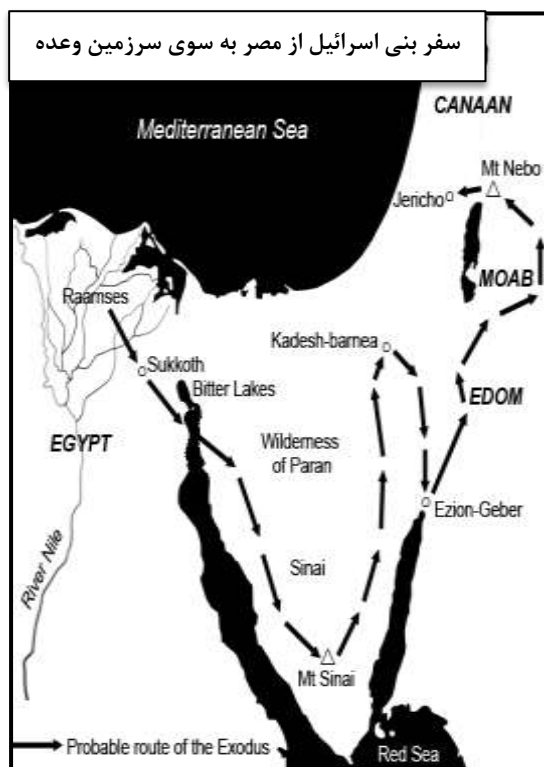
درس سیزدهم: یهودیان در تاریخ (بخش اول)

مطالعه: تثنیه باب ۲۸

آغاز امت یهود

یهودیان امت خدا هستند و داستان آنها از زمان ابراهیم آغاز می‌شود. به دلیل ایمان قوی ابراهیم، خدا او را بعنوان پدر امت خویش انتخاب کرد. خدا به ابراهیم وعده‌های زیادی داد (درس ۱۲ را ببینید) و این امر برای پسرش اسحاق و همچنین یعقوب نیز تکرار شد. خدا نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد و امت اسرائیل نیز نام خود را از او گرفت. یعقوب ۱۲ پسر داشت و پدر ۱۲ قوم اسرائیل شد. (شجره نامه ابراهیم را در درس ۱۰ ببینید).

یعقوب و خانواده‌اش در سرزمین کنعان، که همان اسرائیل امروزی است، زندگی می‌کردند. نام یکی از فرزندان او یوسف بود. داستان زندگی یوسف که در پایان کتاب پیدایش آمده، در تاریخ کتاب مقدس بسیار مهم می‌باشد.



برادران یوسف او را به بازرگانان مصری فروختند و او بعنوان برده به مصر برده شد. بعد از گذشت امتحانات بسیار، او عزیز مصر شد. در زمان قحطی، یعقوب و خانواده‌اش نزد یوسف در مصر آمدند، چون خدا آذوقه را از طریق یوسف برای آنها مهیا کرده بود.

سالها بعد، پس از مرگ یوسف و زمانی که تعداد اعضای این خانواده زیاد شده بودند، مصریان آنها را بعنوان تهدیدی برای خود دیدند و همه آنها را به بردگی گرفتند. خدا آنها را به رهبری موسی از مصر خارج کرد و از طریق صحرائی خشک و بی‌آب و علف به سمت مرزهای کنعان، یعنی به سمت سرزمینی که به ابراهیم و نوادگانش وعده داده شده بود، برد.

فرمانی از سوی خدا

پس از عبور از صحرا مردم اسرائیل به کوه سینا رسیدند. در آنجا بود که خدا با آنها صحبت کرد و آنان امت خاص خدا شدند. خدا به آنها گفت:

"حال اگر واقعاً صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، از میان جمیع قومها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است" (خروج ۱۹: ۵).

مردم پاسخ دادند: "آنچه خدا امر فرموده است خواهیم کرد" (خروج ۱۹: ۸). سپس خدا قوانین خود را از طریق موسی به آنها اعلام کرد. اگرچه این قوانین از سوی خدا آمده است، ولی بعنوان قوانین موسی از آن یاد می‌شود و قوانین شگفت‌انگیزی بودند که شامل ۱۰ فرمان بود و تمام بخش‌های زندگی را پوشش می‌داد و اگر یهودیان از این قوانین پیروی می‌کردند، برای قوم برکت به همراه می‌داشت. سپس باعث می‌شد که امت‌های دیگر هم بخواهند همانند یهودیان زندگی کنند و خدای حقیقی را بپرستند.

خدا می‌خواست که مردم از هر امتی به سوی او بیایند. یهودیان را بعنوان امت خاص خود برگزید تا بتوانند شاهدان خدا باشند. اطاعت از فرامین موسی آنها را از ملت‌های مختلف جدا می‌ساخت و باعث می‌شد تحت تاثیر ملت‌هایی که خدایان دروغین داشتند و شریر بودند قرار نگیرند. این درسی برای ما در زندگیست.

بعنوان نشانه‌ای که مردم اسرائیل قوم خاص خدا بودند به آنها گفته شد که روز آخر هر هفته را (شنبه) مقدس نگاه دارد ("مقدس" یعنی جدا شده) و این روز سبت نامیده شد. در این روز مردم از کارهایی که در طول هفته انجام می‌دادند دست کشیده و به برکاتی که از خدا گرفته‌اند تفکر می‌کردند. اما در طول عهد عتیق می‌بینیم که یهودیان در تقدیس روز سبت شکست خورده و به طور مداوم از فرامین خدا سرپیچی می‌کردند. به جای اینکه الگویی از جانب خدا برای دیگر امت‌ها باشند، شرارت امت‌های دیگر را ادامه می‌دادند.

تا زمان تعلیمات عیسی مسیح، قوانین موسی مردم را راهنمایی می‌کرد (غلاطیان ۳: ۱۹-۲۴). پس لزومی ندارد که مسیحیان همچنان از شریعت موسی پیروی کرده و یا سبت را مقدس بشمارند. اگرچه بسیار مفید است اگر یک روز از هفته را به پرستش اختصاص دهند. مسیحیان معمولاً روز یکشنبه را روز خاص خود قرار می‌دهند. چون ایمانداران عهد جدید نیز اینگونه عمل می‌کردند.

عبور از صحرا به سوی کنعان باید فقط چند هفته طول می‌کشید. اگرچه مردم از ساکنان کنعان می‌ترسیدند و به خدا برای فتح آن سرزمین اعتمادی نداشتند. پس بعنوان مجازات، خدا مانع ورود آنان به کنعان شد و چهل سال آنها را در صحرا نگاه داشت، تا زمانی که تمام کسانی که در ایمان

ضعیف بودند مردند. با این حال خدا در این چهل سال از آنها مراقبت می‌کرد و برایشان غذا مهیا می‌کرد:

"و روح نیکوی خود را برای تعلیم ایشان عطا فرمودی و منّای خود را از دهانشان بازداشتی، و برای رفع تشنگی، بدیشان آب دادی. چهل سال در بیابان برای ایشان تدارک دیدی، که به چیزی محتاج نشدند؛ جامه‌هایشان مندرس نشد و پاهایشان ورم نکرد" (نحمیا ۹: ۲۰-۲۱).

در نهایت قوم وارد سرزمین کنعان (اسرائیل امروزی) شد. سرزمینی که خدا بعنوان خانه به آنها داده بود. خدا پادشاه آنها بود و برایشان نبی و داوران فرستاد تا در مسیرشان کمکشان کرده و بر آنها حکمرانی کنند.

یهودیان پادشاه می‌خواستند

حدود ۴۰۰ سال گذشت. یهودیان خواستار پادشاهی زمینی شدند. آنها می‌خواستند مانند دیگر امت‌ها باشند. با این عمل آنها خدا را بعنوان پادشاه رد کردند. سموئیل که داور و نبی آنها بود، متوجه شد که این خواسته اشتباه است و برای آنها به درگاه خدا دعا کرد. خدا به او گفت:

"خداوند به او گفت: به آواز قوم در هر آنچه به تو می‌گویند، گوش فرا ده؛ زیرا آنان تو را رد نکرده‌اند، بلکه مرا رد کرده‌اند تا بر ایشان پادشاهی نکنم" (۱ سموئیل ۸: ۷).

خدا به آنها یک پادشاه زمینی داد - در اول سموئیل باب ۹ و ۱۰ در مورد مسح شائول می‌خوانیم. او به خدا وفادار نبود. بعد از او، خدا پادشاهی را به داوود داد که از قبیله جنوبی یهودا بود. داوود ۶۰ سال پادشاهی کرد و خدا را خشنود ساخت. سلیمان، پسر داوود، پادشاه بعدی بود. خدا به سلیمان برکت داد و او بسیار ثروتمند شد و در کاخی شکوهمند زندگی کرد. اما از مردم مالیات‌های کلان می‌گرفت و همین باعث خشم مردم شد. او در آغاز فرمانروایی باعث خشنودی خدا بود ولی در نهایت بت می‌پرستید. بعنوان مجازات، خدا گفت که پادشاهی به دو قسمت تبدیل خواهد شد و قسمت بزرگتر به خدمتکار سلیمان داده شد. خدا گفته بود که این اتفاق در زمان فرمانروایی پسر سلیمان خواهد افتاد.

پادشاهی تقسیم شده

بعد از مرگ سلیمان، فرزندش رحبعام پادشاه شد. مردم از او خواستند تا مالیات را کمتر کند و او به جای گوش دادن به انسان‌های عادل و با تجربه‌ای که مشاوران پدرش بودند، به دوستان جوان خود گوش داد و به مردم گفت که مالیات را افزایش خواهد داد. این حرف، آن چیزی نبود که مردم انتظار شنیدن آن را داشتند. شورش به پا شد و پادشاهی اسرائیل به دو قسمت تقسیم شد. ده قبیله به

پادشاهی شمالی تبدیل شدند که توسط خدمتکار سلیمان، یعنی یربعام حکمرانی می‌شد. سبط‌های بنیامین و یهودا به رحبعام وفادار مانده و پادشاهی جنوبی را تشکیل دادند. این جدایی دقیقاً همانطور که خدا پیشگویی کرده بود به وقوع پیوست.

کتاب اول و دوم پادشاهان شامل تاریخ این دو فرمانروایی کنار هم است. پادشاهی جنوبی به پادشاهی یهود معروف بود. چون تمام پادشاهانش از قبیله یهودا بودند. پادشاهی شمالی نام اسرائیل را حفظ کرد.

کلمه "اسرائیل" برای موارد زیر به کار برده شده است:

- یعقوب (که اسمش توسط خدا به اسرائیل تغییر یافت)
- نوادگان یعقوب (یهودیان)
- سرزمینی که خدا به ابراهیم و نسل‌های بعد از او وعده داد
- پادشاهی متحد (قبل از تقسیم شدن در زمان رحبعام)
- پادشاهی شمالی (بعد از جدایی)

ادامه نافرمانی یهودیان

در کتاب اول و دوم پادشاهان می‌بینیم که در شرایط مختلف مردم اسرائیل و یهودا از فرمانبرداری خدا سرپیچی می‌کردند. پرستش آنها بی‌معنا بود و از صمیم قلب نبود. آنها بت‌پرست بودند. شرایط در حدی رو به وخامت رفت که خدا تصمیم گرفت آنها را مجازات کند. دقیقاً همانطور که توسط انبیای مختلف به آنها هشدار داده بود، اسرائیل (پادشاهی شمالی) اول مجازات شد. خدا آشوریان را بر علیه آنها فرستاد و مردم به اسارت برده شدند و بعد از مدتی پراکنده گشتند، آنها دیگر بعنوان یک امت به سرزمین خود بازنگشتند.

مدتی بعد خدا از یهودیان (پادشاهی جنوبی) خواست که به او گوش دهند و از گناهان خود توبه کنند. دوم تواریخ ۳۶: ۱۵-۱۶ نشان می‌دهد که خدا چگونه این کار را از طریق انبیای خود انجام داد:

"یهوه خدای پدران آنها بارها به واسطهٔ رسولان خود برای ایشان پیغام فرستاد، بلکه صبح زود برمی‌خاست و پیام می‌فرستاد، زیرا که بر قوم خود و بر مسکن خویش شفقت داشت. اما آنان رسولان خدا را به ریشخند گرفته، کلام او را خوار شمردند و به انبیا پیش اهانت کردند، چندان که خشم خداوند بر قومش افروخته شد تا آنجا که دیگر راه‌علاجی نبود" (۲ تواریخ ۳۶: ۱۵-۱۶).

بنابراین پادشاهی یهودا توسط نبوکدنصر که پادشاه بابل بود، به اسارت برده شد. خدا به آنها وعده داد که بعد از ۷۰ سال آنها می‌توانند به سرزمین خود بازگردند و با وجود اینکه از آن زمان ملت‌های مختلفی بر آنها پادشاهی می‌کردند، ولی باز هم بسیاری به سرزمین خود بازگشتند. به دلیل تشویق‌های زیاد انبیای خدا، آنها معبد خدا در اورشلیم را که توسط نبوکدنصر تخریب شده بود بازسازی کردند. اما همچنان به سرپیچی از فرمان خدا ادامه دادند. ۳ کتاب آخر عهد عتیق (حجی، زکریا، ملاکی) در زمان بازگشت آنها از اسارت نوشته شده است.

پادشاهی شمالی	پادشاهی جنوبی
معروف به اسرائیل (همینطور افرایم و یا سامریه)	معروف به یهودا
پایتخت: سامریه	پایتخت: اورشلیم
۱۰ سبط	۲ قبیله (یهودا و بنیامین)
اولین پادشاه یربعام بود که او خادم سلیمان بود	اولین پادشاه رحبعام، پسر سلیمان بود
توسط پادشاهان زیادی حکمرانی شد. پادشاهانی که از نوادگان هم نبودند	بعد از آن توسط نوادگان داوود و سلیمان حکمرانی شد (از قبیله یهودا)
تمام پادشاهانش شریر بودند و بت می‌پرستیدند و مردم نیز راه آنها را ادامه می‌دادند	پادشاهان شریر زیادی داشتند. اما بعضی با ایمان به خدا فرمانروایی کرده و مردم را به پرستش خدا تشویق می‌کردند
بعد از حدود ۲۲۰ سال توسط آشور سرنگون شدند	بعد از حدود ۴۰۰ سال توسط بابلیان سرنگون شدند
بسیاری به آشور برده شده و پراکنده گشتند. آنها هرگز به سرزمین خود بعنوان یک ملت بازنگشتند	بسیاری به بابل به اسارت برده شده و تعدادی از آنها پس از ۷۰ سال به سرزمین خود بازگشتند

میان عهد عتیق و عهد جدید

پس از سه نبی آخر عهد عتیق برای حدود ۴۰۰ سال همانطور که در عاموس ۸: ۱۱ پیشگویی شده بود هیچ پیامی از خدا نرسید. این دقیقا از زمان آخرین کتاب عهد عتیق شروع شده و تا اولین کتاب عهد جدید ادامه دارد. پس وقتی یحیی تعمید دهنده ظاهر شد، اشتیاق زیادی وجود داشت. بعد از ۴۰۰ سال سکوت، خدا باز با مردمانش صحبت کرد.

بزرگترین یهودی

یحیی تعمید دهنده از سوی خدا فرستاده شد تا مسیر را برای شخص بزرگتری هموار کند. خدا قرار بود تنها فرزند خود را برای نجات مردمانش بفرستد. بنابراین در سرزمین اسرائیل حدود ۲۰۰۰ سال پیش مسیح به دنیا آمد. عیسی یک یهودی بود و از نوادگان ابراهیم و داوود.

آدم ← نوح ← ابراهیم ← اسحاق ← یعقوب ← داوود ← عیسی

با وجود شنیدن این کلام و دیدن معجزات شگفت‌انگیزی که عیسی انجام می‌داد، یهودیان مسیح وعده داده شده را نپذیرفتند. آنها پیلاتس، پادشاه رم را قانع کردند تا او را به صلیب بکشد. زمانی که پیلاتس گفت: "من از خون این مرد مبرا هستم" یهودیان پاسخ دادند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد" (متی ۲۷: ۲۴-۲۵). یهودیان بدترین جرم را مرتکب شده بودند. آنها پسر بی‌گناه خدا را به کشتن دادند. خدا با رحمت خود و از طریق بشارت‌های انبیا، به آنها فرصت داد تا توبه کنند. با این حال بسیاری از یهودیان پیشنهاد خدا را نپذیرفتند. پس باز مجازات می‌شوند.

مردمانی بدون سرزمین

خدا برای مجازات یهودیان از رومیان استفاده کرد. در سال ۷۰ میلادی، یعنی حدود ۴۰ سال پس از به صلیب کشیدن مسیح، ارتش روم بر آنها غلبه کرد. زمان وحشت و عذاب بود. هزاران یهودی کشته شدند. وحشت آن نبرد یکی از بدترین ترس‌های ثبت شده در تاریخ است. شهر اورشلیم توسط رومیان محاصره و معبد تخریب شد. سپس در سال ۱۳۵ یهودیانی که نجات یافته بودند، از آن سرزمین بیرون رفته و در میان ملت‌های دیگر پراکنده شدند. در زمان موسی خدا به یهودیان هشدار داده بود که اگر از فرامینش اطاعت نکنند، پراکنده خواهند شد:

"و خداوند شما را در میان تمامی قوم‌ها، از یک کران زمین تا کران دیگر، پراکنده خواهد ساخت" (تثنیه ۲۸: ۶۴).

برای حدود ۲۰۰۰ سال یهودیان هیچ سرزمینی نداشتند و همینطور از زجرها و مجازات‌های شدیدی که در تثنیه باب ۲۸ پیشگویی شده بود، رنج می‌بردند. قسمتی از این مجازات مربوط به کمپ‌های متمرکز هیتلر در طول جنگ جهانی دوم می‌شد. بیش از ۶ میلیون یهودی به گونه‌ای کشته شدند که هنوز دنیا در شوک است. این کلام در تثنیه ۲۸: ۶۴-۶۷ حدود ۳۵۰۰ سال پیش نوشته شده بود و امروزه به حقیقت پیوست.

علاوه بر شرارت آنها در قبال انبیای خدا و کشتن تنها پسر بی‌گناه او، خدا هنوز برای مردمانش نقشه‌هایی دارد. همانطور که پولس رسول مدتی بعد از به صلیب کشیدن مسیح توضیح داد، خدا آنها را رد نکرده است:

"پس می‌پرسم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ هرگز؛ زیرا من خود اسرائیلی‌ام، از نسل ابراهیم و از قبیلهٔ بنیامین. خدا قوم خود را که از پیش شناخت، رد نکرده است. آیا نمی‌دانید کتاب دربارهٔ ایلیا چه می‌گوید؟ دربارهٔ اینکه او چگونه از دست قوم اسرائیل نزد خدا استغاثه کرد" (رومیان ۱۱: ۱-۲).

امروزه خدا یهودیان را به سرزمین‌شان بازمی‌گرداند. درس بعد در مورد تاریخ قوم برگزیده خدا می‌باشد.

خلاصه :

تواریخ زیر تقریبی است:

- ۳۵۰۰ سال پیش: خدا یهودیان را از مصر خارج کرد و سرزمین اسرائیل را به آنها داد. خدا راه خود را به آنها نشان داد. اما در طول عهد عتیق آنها از فرمان خدا سرپیچی کردند.
- ۲۵۰۰ سال پیش: در نهایت خدا یهودیان را با اسارت مجازات کرد. تعداد زیادی از مردمان پادشاه جنوبی بعد از ۷۰ سال بازگشتند. اما همچنان از خدا سرپیچی کردند.
- ۲۰۰۰ سال پیش: در نهایت یهودیان از اسرائیل بیرون شدند و بین ملت‌های مختلف پراکنده گشتند و برای حدود ۲۰۰۰ سال آنها بی‌خانمان بودند.
- امروزه: خدا یهودیان را به سرزمین خودشان بازمی‌گرداند.

آیاتی جهت مطالعه :

(اشعیا ۴۳: ۱۱-۱۲) "من، آری من، یهوه هستم و جز من نجات‌دهنده‌ای نیست من بیان داشته و نجات داده و اعلام کرده‌ام و خدایی بیگانه در میان شما نبوده است. خداوند می‌فرماید: شما شاهدان من هستید و من خدا هستم".

(لاویان ۲۰: ۲۶)، (۱ سموئیل ۱۲: ۲۲)، (۱ تواریخ ۱۷: ۲۱-۲۲)، (۲ تواریخ ۳۶: ۱۱-۲۳)، (ارمیا ۳۱: ۳۵-۳۶)، (اعمال رسولان ۱۳: ۱۶-۳۹).

درس چهاردهم: یهودیان در تاریخ (بخش دوم)

مطالعه: حزقیال باب ۳۷

وادی استخوان‌های خشک



در باب ۳۷ کتاب حزقیال در مورد رویایی که خدا به حزقیال نبی داد، می‌خوانیم. این رویا پیامی برای مردم اسرائیل بود. آنچه حزقیال در رویا دید به وقوع نپیوست. این تنها یک پیشگویی بود که در آن از زبان تصویری استفاده شده بود. حزقیال در زمان به اسارت رفتن مردم به بابل زندگی می‌کرد. بنابراین این رویا حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به او داده شده بود.

رویا سه بخش متفاوت داشت:

۱. در رویا حزقیال وادی بزرگی را دید که در آن استخوان‌هایی خشک بر روی زمین پراکنده بودند.
۲. در رویا خدا به حزقیال گفت که بر استخوان‌ها نبوت کند و با صدایی مهیب استخوان‌ها به هم پیوستند تا جایی که چندین اسکلت کامل تشکیل شد. حزقیال دید که ماهیچه و گوشت به اسکلت‌ها پیوست و بعد پوست روی آنها را پوشانید و جسد کامل تشکیل شد.
۳. در قسمت آخر این رویا خدا به حزقیال گفت که بر باد نبوت کند تا اجساد پر از نفس شوند. به محض وارد شدن نفس به اجساد آنها بلند شده و به زندگی بازگشتند و به ارتش عظیمی تبدیل شدند.

خدا معنی این رویا را در آیات ۱۱ تا ۱۴ برای حزقیال توضیح داد و کاملاً مشخص شده که منظور از استخوان‌ها همان قوم اسرائیل بود.

مرحله	رویایی که حزقیال دید	حرفی که خدا در مورد آن زد	تعبیر این مرحله
۱	استخوان‌های خشک پراکنده شده در وادی	"ای پسر انسان، این استخوان‌ها، تمامی خاندان اسرائیل اند. اینک ایشان می‌گویند: استخوان‌های ما خشکیده و امیدمان از دست رفته و منقطع شده‌ایم" (آیه ۱۱).	ملت اسرائیل در تمام دنیا پراکنده شدند و ناامید گشتند
۲	استخوان‌ها برای تشکیل اسکلت‌هایی به هم پیوستند و سپس اجساد را بوجود آوردند	"بنابراین نبوت کرده، بدیشان بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: ای قوم من اینک من قبرهای شما را گشوده، شما را بیرون خواهم آورد و شما را به سرزمین اسرائیل در خواهم آورد" (آیه ۱۲).	خدا مردم پراکنده خود را به اسرائیل بازمی‌گرداند تا دوباره ملتی نو متولد شود
۳	اجساد پر از نفس شده و به زندگی بازگردانده شدند	"من روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید و شما را در سرزمین خودتان قرار خواهم داد. آنگاه خواهید دانست که من یهوه سخن‌گفته‌ام و آن را به عمل آورده‌ام؛ این است فرموده خداوند" (آیه ۱۴).	تولد معنوی قوم. آنها متوجه قدرت خدا بر زندگیشان خواهند شد

به وقوع پیوستن رویا

مرحله اول - این اتفاق افتاده است. کمی پس از شروع عهد جدید، ملت اسرائیل در میان امت‌ها پراکنده شدند (همانطور که در انتهای درس ۱۳ توضیح داده شد). آنها حدود ۲۰۰۰ سال پراکنده بودند و متحمل زجرها و عذاب‌های بسیاری شدند.

مرحله دوم - از سال ۱۸۵۰ مردم اسرائیل شروع به بازگشت به سرزمین خود کردند. در سال ۱۹۱۷ بیانیه بالفور توسط دولت بریتانیا امضا شد. در آن زمان سرزمین فلسطین (اسرائیل) تحت کنترل بریتانیا بود. این بیانیه عهدی بود که به طبع آن بریتانیا موظف شد تا سرزمین فلسطین را بعنوان خانه

یهودیان بدانند. اگرچه بعد از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان بود که یهودیان شروع به بازگشت کردند. این جمعیت شامل یهودیان اروپایی بودند که از شکنجه‌های هیتلر نجات پیدا کرده بودند. به دلیل شکنجه‌های زیاد آنها می‌خواستند که به سرزمین اسرائیل بازگردند و برای خود خانه‌ای داشته باشند تا بتوانند از تمام آزار و اذیت‌ها خلاص شوند. در سال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل به رسمیت شناخته شد. یهودیان همچنان در حال بازگشت به سرزمین خود هستند.

تمامی این اتفاقات تحت کنترل خدا بود. در عهد عتیق ارمیای نبی گفته بود که یهودیان نجات پیدا خواهند کرد و به سرزمین خود بازمی‌گردند. پس مرحله دوم نیز در زمان ما به حقیقت پیوسته است.

<p>(ارمیا ۳۰: ۱۱) " زیرا من با تو هستم تا تو را نجات بخشم؛ خداوند چنین می‌فرماید؛ قوم‌هایی را که تو را در میانشان پراکنده ساختم، به تمامی نابود خواهم کرد؛ اما تو را به تمامی نابود نخواهم ساخت. تو را بی‌سزا نخواهم گذاشت، اما تأدیب تو به اندازه خواهد بود"</p>	<p>(ارمیا ۳۱: ۱۰) "ای قومها، کلام خداوند را بشنوید، و آن را در سرزمین‌های دور دست ساحلی اعلام کنید بگویید: آن که اسرائیل را پراکنده ساخت، ایشان را گرد می‌آورَد و چنانکه شبان گله خویشت را می‌پایند، او نیز از ایشان مراقبت خواهد کرد"</p>
---	--

مرحله ۳ - این مرحله هنوز به حقیقت نیپوسته است. اکثر یهودیان عیسی مسیح را بعنوان پسر خدا و مسیح وعده داده شده نمی‌پذیرند و هنوز در انتظار مسیح دیگری هستند. آنها هنوز متوجه این امر نشده‌اند که خدا تمام اتفاقات دنیا را تحت نظر دارد و به واسطه مردمانش نقشه‌هایش را اجرا می‌کند و زمانی می‌رسد که مردم اسرائیل تغییر خواهند کرد. زکریا ۱۴: ۲-۴ دلیل آن را به ما می‌گوید:

معنی	زکریا ۱۴: ۲-۴
<p>آن زمان فرا رسیده که امت‌ها بر علیه اسرائیل با هم متحد شوند و اسرائیل مورد حمله قرار خواهد گرفت و نا امید خواهد شد.</p>	<p>" زیرا من تمامی قوم‌ها را گرد خواهم آورد تا با اورشلیم بجنگند. شهر تسخیر خواهد شد؛ خانه‌ها تاراج و زنان بی‌عصمت خواهند گشت. نیمی از اهالی شهر به تبعید برده خواهند شد، اما باقیمانده قوم از شهر منقطع نخواهند گردید" (آیه ۲).</p>

خدا اسرائیل را از خرابه‌ها نجات خواهد داد.	"آنگاه خداوند بیرون آمده، بر ضد آن قوم‌ها خواهد جنگید، آن‌گونه که در روز نبرد می‌جنگد" (آیه ۳).
عیسی مسیح از آسمان بازمی‌گردد و به کوه زیتون می‌آید. زلزله عظیمی به وجود خواهد آمد.	"در آن روز، پاهای او بر کوه زیتون که مقابل اورشلیم به جانب شرق است خواهد ایستاد و کوه زیتون از شرق تا غرب به دو نیم شده، درّه عظیمی پدید خواهد آورد؛ نیمی از کوه به جانب شمال و نیمی دیگر به جانب جنوب حرکت خواهد کرد" (آیه ۴).

با فرستادن عیسی مسیح خدا یهودیان را نجات خواهد داد. آنها متوجه بازگشت او از آسمان برای نجاتشان خواهند شد و در نهایت متوجه خواهند شد که او پسر خدا و مسیح وعده داده شده است و در می‌یابند که امت‌شان هنگامیکه او را به صلیب می‌کشیدند، مرتکب چه اشتباهی شدند. زکریای نبی به ما می‌گوید:

"... بر من که نیزه‌ام زدند خواهند نگریست و برای من مانند کسی که به جهت تنها فرزندش به سوگ نشیند، سوگواری خواهند کرد و همچون کسی که به جهت نخست‌زاده‌اش بگرید، به تلخی خواهند گریست" (زکریا ۱۲: ۱۰).

بسیاری از مردم اسرائیل برای گناه امت‌شان توبه خواهند کرد. آنها تغییر خواهند کرد و مسیح را بعنوان پادشاه خود خواهند پذیرفت. در حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۵ خدا می‌گوید:

"بدیشان بگو خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: اینک من بنی‌اسرائیل را از میان ملت‌هایی که به میان آنها رفته‌اند، برگرفته، ایشان را از هر طرف جمع خواهم کرد و به سرزمین خودشان بازخواهم آورد و آنها را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک ملت خواهم ساخت و یک پادشاه بر آنان سلطنت خواهد کرد و دیگر دو ملت نخواهند بود و به دو مملکت تجزیه نخواهند شد و خویشان را دیگر به بتهای بی‌ارزش و چیزهای مکروه و هیچ یک از نافرمانی‌های خود نجس نخواهند ساخت، بلکه من ایشان را از همه ارتدادی که بدان گناه ورزیده‌اند، نجات داده، طاهر خواهم ساخت؛ آنگاه ایشان قوم من خواهند بود و من خدای

ایشان. خادم من داوود پادشاه ایشان خواهد بود و جملگی یک شبان خواهند داشت و مطابق قوانین من سلوک خواهند کرد و فرایض مرا نگاه داشته، آنها را به جا خواهند آورد و در سرزمینی که به خادم خویش یعقوب بخشیدم ساکن خواهند شد، جایی که پدرانشان مسکن داشتند. ایشان و فرزندان ایشان و فرزندان فرزندان ایشان تا ابد در آنجا سکونت خواهند داشت و خادم من داوود تا ابد فرمانروای ایشان خواهد بود" (حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۵).

در باب قبل (حزقیال باب ۳۶) پیام مشابهی مانند وادی استخوانها وجود دارد و دقیقا شامل سه مرحله است:

حزقیال ۳۶: ۱۶-۲۰	مرحله ۱	مردم اسرائیل پراکنده شده و به خاطر شرارتشان مجازات می‌شوند
حزقیال ۳۶: ۲۱-۲۴	مرحله ۲	خدا باز آنها را دور هم جمع خواهد کرد
حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۸	مرحله ۳	مردم اسرائیل تغییر می‌کنند و خدا را خواهند شناخت

تاریخ	تعداد
۱۸۳۹	۶۰۰۰
۱۹۱۴	۶۰۰۰۰
۱۹۳۱	۱۷۵۰۰۰
۱۹۴۱	۴۷۴۰۰۰
۱۹۴۸	۷۱۶۰۰۰
۲۰۰۵	۶۹۵۰۰۰۰

ارقام تقریبی جمعیت
یهودیان در سرزمین
فلسطین/اسرائیل

این پیشگویی در مورد عذاب‌های یهودیان است که در سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح نوشته شده است:

"و خداوند شما را در میان تمامی قومها، از یک کران زمین تا کران دیگر، پراکنده خواهد ساخت. در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ، که نه خود می‌شناختید و نه پدرانتان، عبادت خواهید کرد. در میان آن قومها روی آسایش نخواهید دید و برای کف پایتان جای استراحت نخواهید یافت، بلکه خداوند در آنجا به شما دل لرزان و چشمان کم‌سو و روح پژمرده خواهد داد. جان شما پیش رویتان معلق خواهد بود و شب و روز شما در ترس سپری خواهد شد و از زنده ماندن خود مطمئن نخواهید بود. به سبب هراسی که به دل خواهید داشت و چیزهایی که به چشم خواهید دید، صبحگاهان خواهید گفت: کاش که شب می‌شد! و شامگاهان خواهید گفت: کاش که صبح فرا می‌رسید" (تثنیه ۲۸: ۶۴-۶۷).

یهودیان شاهدان خدا هستند

خدا از یهودیان خواست تا برای دیگر امت‌ها الگویی برای پرستش باشند. اما آنها شکست خوردند و خدا را ناامید کردند. با این حال آنها هنوز شاهدان خدا هستند. خدا با پیشگویی‌های خود در مورد آنها به امت‌های دیگر نشان داد که او خدای راستین و زنده است:

"پس به خاندان اسرائیل بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: ای خاندان اسرائیل، من نه به‌خاطر شما، بلکه به‌خاطر نام قدوس خود عمل خواهم کرد، نامی که شما آن را در میان مللی که به میانشان رفتید، بی‌حرمت ساخته‌اید. من نام عظیم خود را تقدیس خواهم کرد، نامی را که در میان ملت‌ها بی‌حرمت شده است و شما آن را در میان ایشان بی‌حرمت ساخته‌اید؛ و خداوندگار یهوه می‌فرماید که چون در میان شما قدوسیت خود را در نظر ملت‌ها آشکار سازم، آنگاه ایشان خواهند دانست که من یهوه هستم. من شما را از میان ملل خواهم گرفت و از همه ممالک گرد آورده، به سرزمین خودتان در خواهم آورد" (حزقیال ۳۶: ۲۲-۲۴).

پیشگویی خدا در مورد دوباره جمع کردن یهودیان در سرزمین‌شان مربوط به هزاران سال پیش است. تقریباً تمام ملت‌هایی که در زمان این پیشگویی حضور داشتند، از بین رفته‌اند. اما یهودیان نجات پیدا کردند. مردم برای نابود کردن یهودیان تمام تلاش خود را کردند. در زمان جنگ جهانی دوم، هیتلر تمام یهودیان اروپا را از بین برد و بیش از شش میلیون نفر در شرایط وحشتناک کشته شدند. با این

حال یهودیان هنوز وجود دارند و همانطور که پیشگویی شد، با اینکه به خدا ایمان نداشتند، باز هم در حال بازگشت به سرزمین خود هستند. یهودیان شاهدان قدرت و اختیار خدا هستند. آنها نشانه‌ای از این واقعیت‌اند که خدا همچنان وجود دارد و در حال اجرای نقشه‌های خود برای زمین است.





ولی همانطور که قبلاً گفته شد یهودیان تغییر خواهند کرد و بی‌ایمان نخواهند ماند. در درس ۱۱ توضیح داده شد که آنها در هنگام بازگشت مسیح راه خدا را خواهند آموخت. ارمیا این واقعه را پیشگویی کرده بود:

"اما خداوند می‌گوید: این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. دیگر کسی به همسایه یا به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناسید. زیرا خداوند می‌گوید، همه از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، از آن رو که تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهشان را دیگر به یاد نخواهم آورد" (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴).

غیریهودیان چه خواهند شد؟

در عهد عتیق ایمانداران غیریهودی مانند روت و راحاب اجازه پیوستن به یهودیان در هنگام پرستش را داشتند. یهودیان زیادی در زمان مسیح به اشتباه می‌پنداشتند که خدا هیچ علاقه‌ای به غیریهودیان ندارد. آنها فکر می‌کردند چون از نوادگان ابراهیم و یعقوب بودند، پس تنها خودشان شایستگی برکت خدا را دارند. اما خدا می‌خواهد که همه، اعم از یهودی و غیریهودی توبه کنند و نجات را دریافت نمایند. خدا به پطرس رسول نشان داد که غیریهودیان نیز در نقشه رستگاری و نجات خدا حضور داشتند (اعمال رسولان باب ۱۰).

پولس رسول سالیان درازی را صرف آموزش غیریهودیان کرد. در نامه‌ای به غیریهودیان رومی از تصویر درخت زیتون استفاده کرد تا توضیح دهد که چگونه غیریهودیان می‌توانند در برکات وعده داده شده خدا با ابراهیم و نوادگانش سهیم باشند. آنها نیز همانند ابراهیم می‌توانند در هنگام بازگشت مسیح زندگی جاودان را دریافت کنند. در باب ۱۱ رومیان در مورد مثل درخت زیتون بخوانید (به خصوص آیات ۱۳ تا ۲۵) و به هشدار پولس دقت کنید. این مثل در مورد یهودیان و غیریهودیان است و در شکل زیر توصیف شده است:

<p>۱</p>  <p>اسرائیل همانند یک درخت زیتون توصیف شده است.</p>	<p>۲</p>  <p>بعضی از این شاخه‌ها شکسته شدند. این شاخه‌های شکسته شده نمادی است از آن دسته از بنی اسرائیل که به خدا ایمان ندارند (آیات ۱۷ تا ۲۰)</p>
<p>۳</p>  <p>شاخه‌های درختان وحشی می‌توانند به این درختان زیتون بپیوندند که نمایانگر غیریهودیان ایماندار می‌باشند (آیه ۱۷).</p>	<p>۴</p>  <p>و شاخه‌های اصلی درخت نیز دوباره پیوند زده خواهند شد. خدا با آغوشی باز به یهودیانی که دوباره به او باز می‌گردند، خوش آمد می‌گوید (آیه ۲۳).</p>

یهودیان چون همچنان شاهدان خدا می‌باشند، بنابراین هنوز اخبار مربوط به یهودیان به گوش می‌رسد. جنگ میان یهودیان و اعراب همچنان ادامه دارد و به ملت‌های دیگر نیز کشیده می‌شود. زکریا ۱۲: ۳ اورشلیم را اینگونه توصیف می‌کند:

"در آن روز اورشلیم را برای همه ملت‌ها سنگی بس وزین خواهیم ساخت. هر که آن را بلند کند، سخت مجروح خواهد شد. همه قوم‌های جهان بر ضد آن گرد خواهند آمد" (زکریا ۱۲: ۳).

این زمانی است که مسیح به زمین بازمی‌گردد و صلح و سلامتی باز برقرار می‌شود. یهودیان و غیریهودیان از برکات زندگی در هزاره لذت خواهند برد. اشعیا ۱۹: ۲۳-۲۵ نشان می‌دهد که اعراب نیز در این زمان وجود دارند:

"در آن روز شاهراهی از مصر به آشور خواهد بود. آشوریان به مصر و مصریان به آشور خواهند رفت و مصریان با آشوریان عبادت خواهند کرد و در آن روز، اسرائیل متحد سوم با مصر و آشور خواهد شد و این سه در جهان مایه برکت خواهند بود و خداوند لشکرها ایشان را برکت داده، خواهد گفت: قوم من مصر و صنعت دستم آشور و میراثم اسرائیل مبارک باشند" (اشعیا ۱۹: ۲۳-۲۵).

خلاصه

- یهودیان برای حدود ۲۰۰۰ سال در میان امتهای پراکنده بودند و در این زمان رنج‌های زیادی را متحمل شدند.
- امروزه خدا آنها را به سرزمین اسرائیل بازمی‌گرداند، همانطور که مدتی پیش گفته شده بود.
- در سال ۱۹۴۸ اسرائیل به رسمیت شناخته شد.
- یهودیان شاهدان خدا هستند. آنها نمایانگر حضور خدا بوده و همینطور نشان می‌دهند که خدا در حال اجرای نقشه‌هایش برای زمین است.
- بسیاری از یهودیان هنگام بازگشت مسیح تغییر خواهند کرد و او را بعنوان پادشاه خواهند پذیرفت.
- خدا می‌خواهد که همه، اعم از یهودی و غیریهودی توبه کنند و رستگار شوند.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۷۲: ۸) "باشد که از دریا تا به دریا فرمان براند و از نهر تا به کرانه‌های زمین".

(تثنیه ۳۰: ۱-۶)

(حزقیال باب ۳۶)

(زکریا باب ۱۴)

(رومیان باب ۱۱).

درس پانزدهم: وعده‌های خدا به داوود

مطالعه: ۲ سموئیل باب ۷

آیه‌ای کلیدی

چرا در اولین آیه عهد جدید عیسی مسیح فرزند داوود و فرزند ابراهیم معرفی شده است؟

"کتاب تاریخچه عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم" (متی ۱: ۱).

به این دلیل است که خدا می‌خواهد وعده مهمی را که در مورد عیسی مسیح در عهد عتیق داده است را یادآور شود. ما می‌دانیم که مسیح نسل وعده داده شده به ابراهیم است (درس دوازدهم). او نسل خاص وعده داده شده به داوود نیز می‌باشد.

چرا خدا با داوود عهد بست؟

همانند ابراهیم، داوود نیز مردی ایماندار بود. داوود هزار سال قبل از تولد مسیح زندگی می‌کرد. او نیز در محل تولد مسیح، یعنی بیت لحم، شهر کوچکی در نزدیکی اورشلیم به دنیا آمد. او کوچکترین فرزند یسا بود.

بسیاری از قسمت‌های مزامیر در کتاب مقدس توسط داوود نوشته شده است. این مزامیر نشان دهنده عشق او به خدا و کلام اوست. به همین دلیل است که او "دلخواه خدا" توصیف شد (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲).

زمانی که شائول، پادشاه اسرائیل بود، خدا داوود را بعنوان پادشاه بعدی برگزید. زمانی که خدا سموئیل نبی را برای مسح پادشاه آینده به خانه یسی فرستاد، داوود یک چوپان جوان بود. سموئیل از اینکه خدا فرزند بزرگ یسا را انتخاب نکرده بود متعجب بود. اما خدا به او گفت:

"اما خداوند به سموئیل گفت: به سیما و قامت بلندش منگر، زیرا او را رد کرده‌ام. خداوند همچون انسان نمی‌نگرد؛ انسان به ظاهر می‌نگرد، اما خداوند به دل" (۱ سموئیل ۱۶: ۷).

خدا بخاطر چیزی که در قلب داوود دید، خوشنود بود. ما باید به خاطر داشته باشیم که خدا قادر به دیدن قلب‌های ما نیز می‌باشد. در اول سموئیل باب ۱۷ در مورد ایمان داوود می‌خوانیم. امت اسرائیل از جانب فلسطینیان تهدید می‌شدند. لشکر فلسطینی توسط مبارزی به نام جلیات هدایت می‌شد. او مردی عظیم‌الجثه بود. شائول و لشکرش از جلیات می‌ترسیدند و در ایمان به خدا نیز شکست خورده بودند. داوود جوان می‌دانست تنها در صورتی می‌تواند دشمن را شکست دهند که از خدا کمک

بگیرند. او با ایمان به خدا و تنها با یک زنجیر و پنج سنگ به جنگ با جلیات رفت و او را کشت. بعد از این لشکر فلسطینیان گریختند. به واسطه ایمان داوود به خدا مردم اسرائیل از دست دشمن نجات یافتند.

شائول به موفقیت داوود حسادت ورزید. در فرصت‌های بسیاری سعی بر کشتن داوود داشت. داوود فراری شده بود. این مشکلات او را برای زمان پادشاهی آماده ساخت. کتاب مقدس به ما می‌آموزد که ایمانداران واقعی در زندگی خود به مشکلات زیادی برخورد می‌کنند و به واسطه ایمانشان رشد می‌کنند.

هنگامی که شائول دنبال داوود بود فرصت‌های زیادی پیش آمد که داوود می‌توانست شائول را بکشد و تاج پادشاهی را بر سر نهد. اما داوود می‌دانست که این اشتباه است و شائول، پادشاه مسح شده خداست و اگر او این کار را می‌کرد خدا داوود را از بین می‌برد. داوود مردی درستکار بود که اجازه داد خدا اتفاقات زندگی‌اش را کنترل کند. این می‌تواند درس دیگری برای ما باشد.

داوود پادشاه شد

بعد از مرگ شائول، داوود پادشاه مردم شد و از اورشلیم جایی که معبدی در آن ساخت، حکومت می‌کرد. داوود نگران صندوقچه خدا بود. صندوقچه از طلا پوشیده شده بود که نمادی از حضور خدا در قلب مردمان امتش بود. از زمان موسی صندوقچه در مذبح نگهداری می‌شد که مکانی خاص برای ملاقات خدا و مردمانش بود.

قبل از پادشاهی شائول فلسطینیان صندوقچه را برده بودند. بعدها بازگردانده شد ولی در مذبح قرار نگرفت. داوود قصر بزرگی داشت و می‌خواست خانه‌ای برای خدا و برای قرار دادن صندوقچه در اورشلیم بسازد.

داوود، ناتان نبی را از قصدش با خبر ساخت. آن شب خدا با ناتان صحبت کرد و پیامی برای داوود فرستاد. این پیام شامل وعده‌های خدا به داوود بود.

پیام خدا به داوود

خدا به داوود گفت که برایش خانه‌ای نسازد. در عوض خدا وعده داد که خانه‌ای برای داوود خواهد ساخت:

"... خداوند به تو اعلام می‌کند که او برایت خانه‌ای خواهد ساخت" (۲ سموئیل ۷: ۱۱).

و بعد خدا وعده‌های دیگری نیز داد:

"... آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پارهٔ تنّت باشد پس از تو بر خواهم افراشت و سلطنتش را استوار خواهم ساخت" (۲ سموئیل ۷: ۱۲).

در اینجا کلمه نسل بکار برده شده است. این کلمه به فرزندی خاص اشاره دارد و منظورش تمامی نوادگان نیست. چون آیه کاملاً مشخص کرده است که سلطنت او را پایدار خواهد کرد (برای درک بهتر کلمه نسل و نوادگان به درس ۱۲ مراجعه کنید).

خدا در مورد فرزند وعده داده شده گفت: "اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت" (۲ سموئیل ۷: ۱۳). آیه ۱۶ نشان می‌دهد که به کرسی پادشاهی داوود و کرسی پادشاهی خدا اشاره دارد.

توجه داشته باشید که این وعده‌ها باید بعد از مرگ داوود به حقیقت می‌پیوست و زمانی اتفاق می‌افتاد که: "روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی" (۲ سموئیل ۷: ۱۲).

این وعده‌ها اینگونه خلاصه می‌شوند:

- خدا به داوود وعده پسری خاص داد که بر تخت پادشاهی داوود (که پادشاهی خداست) حکومت خواهد کرد.
- خدا وعده داد که خانه‌ای برای داوود بنا خواهد کرد.
- خدا وعده داد که پسر موعود برای نام او خانه‌ای خواهد ساخت.

درک وعده‌ها

۱. پسری خاص که پادشاهی‌اش تا به ابد برقرار خواهد بود:

پسر وعده داده شده بسیار مهم بود. خدا در مورد او می‌گوید: "من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر" (۲ سموئیل ۷: ۱۴). این آیه نشان می‌دهد که نسل وعده داده شده به داوود، پسر خدا، یعنی همان عیسی مسیح است.

داوود پسری به نام سلیمان داشت. وعده‌های خدا به داوود تقریباً از طریق سلیمان به حقیقت پیوست. او بعد از داوود پادشاهی کرد و معبد خدا را ساخت. اگرچه تمامی وعده‌های خدا از طریق او به حقیقت نپیوست، زیرا:

- سلیمان زمانی به پادشاهی رسید که داوود هنوز زنده بود.
- برای همیشه پادشاهی نکرد
- او پسر خدا نبود

زمانی وعده‌های خدا به داوود به حقیقت می‌پیوندد که عیسی مسیح بازگردد و پادشاهی خدا را دوباره برقرار کند و از تخت داوود در اورشلیم فرمانروایی کند، زیرا:

- عیسی از طرف مادرش مریم از نسل داوود است، پس می‌تواند فرزند داوود خوانده شود.
- برای همیشه فرمانروایی خواهد کرد.
- خدا پدر اوست.

عهد جدید نیز این موضوع را که مسیح پسر خاص داوود است تأیید می‌کند. در باب ۱ لوقا در مورد فرشته‌ای می‌خوانیم که بر مریم نازل شده و به او وعده فرزندگی به نام عیسی را می‌دهد. این پسر از یک پدر زمینی به دنیا نخواهد آمد بلکه توسط قدرت خدا. به مریم گفته شد:

"روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن مولود مقدس و پسر خدا خوانده خواهد شد" (لوقا ۱: ۳۵).

در مورد این پسر فرشته به مریم توضیح داد:

"او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود. او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را هرگز زوالی نخواهد بود" (لوقا ۱: ۳۲-۳۳).

وعده‌های داده شده به داوود (۲ سموئیل باب ۷):	وعده‌های داده شده به مریم (لوقا باب ۱):
پسری که از تخت خودش داوود سلطنت کند	پسر او بر تخت داوود خواهد نشست
پادشاهی پسر تا به ابد ادامه خواهد داشت	برای پادشاهی پسر او پایانی نخواهد بود
<p>خدا از ما می‌خواهد تا این دو بخش را به هم ربط دهیم!</p> <p>فرزند وعده داده شده به داوود، همان فرزندگی بود که مریم به دنیا آورد - فرزند خدا</p>	

پولس رسول در مورد شخصیت شگفت‌انگیز داوود بسیار نوشته است و همین‌طور نشان می‌دهد که عیسی مسیح نسل وعده داده شده به داوود است:

"... داوود پسر یسا را دلخواه خویش یافتم؛ او خواست مرا به طور کامل به جا خواهد آورد. از

نسل همین مرد، خدا طبق وعده خود، نجات‌دهنده یعنی عیسی را برای اسرائیل فرستاد" (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲-۲۳).

۲. خدا خانه‌ای برای داوود برپا خواهد کرد:

به داوود اجازه داده نشد که خانه خدا را بسازد و پسرش سلیمان این کار را انجام داد و این خانه مرکز پرستش اسرائیل شد. یک ساختمان واقعی بود که داوود قبل از مرگش مصالح لازم را مهیا کرده بود.

کلمه "خانه" معمولاً به ساختمانی اشاره دارد. ولی می‌تواند در مورد یک خانواده با یک سرگذشت مهم نیز باشد. مثلاً در بریتانیا به خانواده سلطنتی "خانه ویندسور" گفته می‌شود و کلمه خانه به خانواده‌ای بزرگ اشاره می‌کند. پس زمانیکه به مریم گفته شد: "او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد" (لوقا ۱: ۳۳)، این حقیقت داشت.

وقتی خدا گفت که برای داوود خانه‌ای بنا خواهد کرد، منظورش خانواده‌ای سلطنتی بود. خانواده‌ای که برای همیشه باقی می‌ماند (۲ سموئیل ۷: ۱-۱۹) و این به نسل داوود اشاره دارد که عیسی مسیح بعنوان پادشاه آینده دنیا می‌شود.

۳. پسر وعده داده شده نیز معبدی برای نام خدا خواهد ساخت:

وقتی خدا در مورد مسیح گفت: "اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد" (۲ سموئیل ۷: ۱۳) منظور خدا یک خانه نبود، بلکه یک خانواده بود. خانه‌ای که (خانواده ای) که مسیح می‌سازد، همان خانواده خداست. خانواده‌ای از ایمانداران در تمام دوره‌ها. کتاب مقدس خانواده خود را معبدی معنوی معرفی می‌کند. وقتی پولس رسول در افسسیان ۲: ۱۹-۲۱ خطاب به غیریهودیان می‌نوشت، به این خانه بزرگ از ایمانداران اشاره کرد:

"پس دیگر نه بیگانه و اجنبی، بلکه هموطن مقدسین و عضو خانواده خدایید و بر شالوده رسولان و انبیا بنا شده‌اید، که عیسی مسیح خود سنگ اصلی آن بناست. در او تمامی این بنا به هم می‌پیوندد و به صورت معبدی مقدس در خداوند بر پا می‌شود" (افسسیان ۲: ۱۹-۲۱).

مروری بر وعده‌های خدا به داوود (۲ سموئیل باب ۷):

آیات	متن	نکات
۱۱	"خداوند به تو اعلام می‌کند که او برایت خانه‌ای خواهد ساخت".	خدا خانواده داوود که شامل عیسی می‌شود را خواهد ساخت
۱۲	"آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پارهٔ تنّت باشد پس از تو بر خواهم افراشت و سلطنتش را استوار خواهم ساخت".	وقتی زندگی داوود تمام شد و او مُرد، خدا یکی از نوادگانش را خواهد فرستاد و پادشاهی او را بر پا خواهد کرد.
۱۳	"اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت".	آن شخص برای خدا خانه‌ای می‌سازد (سلیمان معبد را ساخت، مسیح خانه معنوی را می‌سازد). خدا پادشاهی مسیح را تا به ابد حمایت خواهد کرد (سلیمان برای همیشه فرمانروایی نکرد)
۱۴	"من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر. چون خطا ورزد، او را به عصای آدمیان و به تازیانه‌های بنی‌آدم ادب خواهم کرد".	خدا پدر آن فرزند می‌باشد که از خاندان داوود است و آن فرزند، پسر خدا می‌شود (مسیح پسر خداست). مسیح هرگز گناه نکرد، اما می‌خوانیم که او باید اطاعت را بیاموزد (عبرانیان ۵: ۸).

پادشاه یهودیان

به داوود وعده پسری داده شد که برای همیشه فرمانروایی می‌کند. قسمت‌های دیگر کتاب مقدس نشان می‌دهند که عیسی مسیح آن پادشاه خواهد بود. مردان خردمندی که به پرستش عیسی جوان آمده بودند پرسیدند: "کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟" (متی ۲: ۲). وقتی مسیح دستگیر شد و نزد پیلاتس برده شد، پیلاتس از او پرسید "آیا تو پادشاه یهودی؟". مسیح پاسخ داد: "تو خود چنین می‌گویی" (مرقس ۱۵: ۲). این یک روش یهودی برای تایید است. مسیح به زمین بازمی‌گردد تا پادشاه یهودیان شود و بر اورشلیم حکمرانی کند و کتاب مقدس آن را کرسی داوود توصیف کرده است.

پادشاهی که تمام دنیا را در بر خواهد گرفت

عیسی مسیح در هنگام بازگشت به زمین تنها پادشاه یهودیان نخواهد بود. پادشاهی آینده خدا بر اورشلیم است ولی کل زمین را در بر خواهد گرفت و مسیح بر تمامی امت‌ها بعنوان پادشاه فرمانروایی خواهد کرد. خدا درباره او در مزامیر باب ۷۲ می‌گوید:

"باشد که از دریا تا به دریا فرمان براند و از نهر تا به کرانه‌های زمین... باشد که همه پادشاهان در برابرش سر فرود آرند و همه قومها خدمتش کنند" (مزامیر ۷۲: ۱۱ و ۸).

امیدی برای ایمانداران واقعی

در باب ۲ اعمال رسولان پطرس رسول به ما می‌گوید مرده بود و در قبر بود (آیه ۲۹) و به آسمان نرفته بود (آیه ۳۴). ابراهیم، داوود و بسیاری از ایمانداران با این باور از دنیا رفتند که زمان بازگشت مسیح از قبرها برخیزانده خواهند شد و به آنها زندگی جاودان بر روی زمین داده خواهد شد. اما در عبرانیان ۱۱: ۳۹-۴۰ می‌بینیم که زندگی جاودان فقط برای آن افراد ایماندار نیست و به ما نیز تعلق خواهد گرفت:

"اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ‌یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند. زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند" (عبرانیان ۱۱: ۳۹-۴۰).

خدا از ما می‌خواهد که پیغام خوش نجاتش را بپذیریم تا بتوانیم در برکت عظیم وعده داده شده به تمام ایمانداران سهیم باشیم.

خلاصه

- به داوود فرزندی خاص وعده داده شد که از تخت سلطنت او (سلطنت خدا برای همیشه پادشاهی کند).
- فرزند خاص داوود عیسی مسیح است. عیسی از طریق مادرش مریم از نوادگان داوود است.
- وعده‌های خدا به داوود در هنگام بازگشت عیسی مسیح محقق خواهد شد. عیسی مسیح بازمی‌گردد تا بر تخت داوود در اورشلیم فرمانروایی کند و پادشاهی خدا را با برقرار سازد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۱ تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۲) "آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود رحلت کنی، کسی را که از نسل تو و یکی از پسران خودت باشد پس از تو بر خواهم افراشت و سلطنتش را استوار خواهم ساخت. اوست که برای من خانه‌ای بنا خواهد کرد، و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت."

۱ سموئیل باب ۱۷

پرسش‌های بخش چهارم

درس ۱۲: وعده‌های خدا به ابراهیم

۱-۱۲ وقتی ابرام که بعدها ابراهیم نامیده شد در اور زندگی می‌کرد خدا به او چه گفت؟

۲-۱۲ الف) خدا وعده داد که فرزندان ابراهیم امتی بزرگ خواهند بود. منظور کدام امت است؟

ب) نام فرزندان وعده داده شده به ابراهیم و سارا که از این امت پدید آمد چه بود؟

۳-۱۲ الف) کدام سرزمین برای همیشه به ابراهیم وعده داده شد؟

ب) آیا سرزمین وعده داده شده به ابراهیم بر زمین بود یا آسمان؟

پ) آیه‌ای بیاورید که نشان دهد سرزمین وعده داده شده هم برای ابراهیم بود و هم برای فرزندان او.

ت) آیا ابراهیم سرزمین وعده را دریافت کرد؟

ث) آیا خدا عهد خود را می‌شکند؟

ج) ابراهیم چه زمانی سرزمین وعده داده شده را دریافت خواهد کرد؟

۴-۱۲ الف) خدا به ابراهیم گفت که با اسحاق چه کند؟

ب) به نظر شما چرا خدا از او خواست که چنین کاری کند؟

پ) از روش برخورد ابراهیم چه می‌آموزیم؟

ت) به نظر شما چرا ابراهیم فکر می‌کرد که خدا اسحاق را از مردگان برخواند؟

۵-۱۲ اعمال رسولان ۳: ۲۵-۲۶ قسمتی از سخنرانی پطرس برای یهودیان است:

الف) عهدهایی که با ابراهیم بسته شد و در آیه ۲۵ نقل شده را بنویسید.

ب) آن نسل خاص که با خود برکت می‌آورد چه کسی خواهد بود؟

پ) آن برکت چیست؟

ت) چه عبارتی در آیات نشان می‌دهد که این برکت تنها برای یهودیان نیست؟

۶-۱۲ چگونه می‌توانیم در وعده‌های ابراهیم شریک شویم؟

درس ۱۳: یهودیان در تاریخ (بخش اول)

- ۱-۱۳ از کدام شخصیت کتاب مقدس ۱۲ قوم اسرائیل تشکیل می‌گردد؟
- ۲-۱۳ برادران یوسف با او چه کردند و چرا؟
- ۳-۱۳ موسی مردی بود که توسط خدا انتخاب شد تا مردم اسرائیل را از مصر خارج کند. او چگونه مردی بود (اعمال رسولان ۱۲: ۳ را ببینید)؟
- ۴-۱۳ قوانینی که خدا از طریق موسی در کوه سینا برای مردم فرستاد برای تقدیس آنها بود. الف) چرا جدا بودن از دیگر امت‌ها برای آنها مهم بود؟
- ب) چرا جدا بودن ایمانداران از دیگر انسان‌های دنیا مهم است؟
- پ) مثال‌هایی از اینکه مسیحیان از چه طریقی می‌توانند از دیگران جدا باشند بنویسید.
- ۵-۱۳ شنبه روز سبت یهودیان بود. مهم است که یک روز را در هفته برای پرستش جدا کنیم. آیا آن روز باید روز سبت باشد؟
- ۶-۱۳ زمانی که اسرائیل خدا را بعنوان پادشاه نپذیرفت، اولین پادشاه آنان که بود؟

۷-۱۳ الف) چرا خدا اجازه داد که مردمانش بعنوان اسیر وارد سرزمین‌های دیگر شوند؟

ب) مردمان یهودا به چه سرزمین‌هایی برده شدند؟

پ) چه مدت در آنجا ماندند؟

ت) زمانی که به سرزمین خود بازگشتند چه کردند؟

۸-۱۳ ۴۰ سال بعد از مرگ مسیح چه اتفاقی برای یهودیان افتاد؟

درس ۱۴: یهودیان در تاریخ (بخش دوم)

۱-۱۴ پس از زمان مسیح، یهودیان برای حدود ۲۰۰۰ سال در سرتاسر دنیا پراکنده شدند.

الف) کدام قسمت از کتاب مقدس نشان می‌دهد که آنها در این زمان در عذاب هستند؟

ب) چرا یهودیان اشتیاق زیادی داشتند که کشوری برای خود داشته باشند؟

پ) آنها اکنون در کدام سرزمین مستقر هستند؟

۱۴-۲ جدول زیر را کامل کنید تا معنای پیشگویی وادی استخوان‌های خشک و مَثَل درخت زیتون را توضیح دهید:

معانی	نشانه
امت اسرائیل که بدون امید در سرتاسر دنیا پراکنده شدند	استخوان‌های خشک شده و پراکنده
	استخوان‌ها به هم متصل شده، ابتدا اسکلت و بعد جسدی را ساختند
تولد دوباره معنوی امت	
	درخت زیتون
از بین بردن بنی‌اسرائیلی که به خدا اعتقاد ندارند	
	شاخه‌هایی به درخت وحشی زیتون پیوند زده می‌شوند
	برخی از شاخه‌های اصلی نیز برگردانده می‌شود

۱۴-۳ زکریا ۱۲: ۱۰ در مورد بنی اسرائیلی که در زمان بازگشت مسیح زنده هستند چه می‌گوید؟

۴-۱۴ کدام آیات در زکریا باب ۱۴ جملات زیر را نشان می‌دهد؟

الف) تمامی امت‌ها به نبرد با اورشلیم می‌آیند

ب) خدا برای اسرائیل می‌جنگد

پ) عیسی مسیح به کوه زیتون بازمی‌گردد.

ت) افرادی که در مقابل اورشلیم می‌جنگند به شدت بیمار می‌شوند

ث) افراد باقی مانده برای پرستش پادشاه به اورشلیم می‌روند.

درس ۱۵: وعده‌های خدا به داوود

۱-۱۵ الف) خدا به داوود چه وعده‌هایی داد؟

ب) فرزند داوود، یعنی سلیمان پس از او حکمرانی کرد و برای خدا خانه‌ای ساخت (معبد). چگونه می‌دانیم که وعده‌های خدا به داوود در سلیمان به حقیقت نپیوست؟

پ) در وعده خدا به داوود فرزند خاص کیست؟

ت) این پسر بر تخت پادشاهی داوود حکمرانی خواهد کرد. پادشاهی داوود کجا بود؟

ث) مریم باکره از نوادگان داوود پادشاه بود. در لوقا ۱: ۳۲ خدا به او وعده داد تا چه چیزی را به پسرش بدهد؟

ج) وعده‌ای که در لوقا ۱: ۳۲ داده شده است چه زمانی به حقیقت خواهد پیوست؟

۲-۵ در اولین آیه عهد جدید عیسی مسیح بعنوان فرزند داوود و فرزند ابراهیم معرفی شده است. چه موارد خاصی در ارتباط با این دو شخص وجود دارد؟

۳-۱۵ الف) اکنون داوود کجاست؟

ب) هنگام بازگشت عیسی مسیح برای داوود چه اتفاقی خواهد افتاد؟

درس شانزدهم: پدر و پسر

مطالعه اشعیا باب ۴۵

رستگاری هدیه‌ای از سوی خدا

رستگاری هدیه‌ای از جانب خدا و تنها از طریق فرزندش عیسی مسیح به دست می‌آید:

"در هیچ کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم" (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

کتاب مقدس در مورد رابطه خاص خدا و پسرش می‌نویسد. ما باید در این مورد به درستی تعلیم یابیم تا توانایی درک فداکاری مسیح را داشته باشیم.

خدا یکتاست

کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدای آسمان تنها خدای حقیقی و زنده است. در تثنیه باب ۶: ۴ می‌خوانیم: "بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست".

خدا خود می‌گوید:

"خداوند می‌فرماید: شما شاهدان من هستید و خادم من که شما را برگزیده‌ام تا مرا بشناسید و به من ایمان آورید و دریابید که من او هستم. پیش از من خدایی مصور نشده و پس از من نیز نخواهد بود. من، آری من، یهوه هستم و جز من نجات‌دهنده‌ای نیست" (اشعیا ۴۳: ۱۰-۱۱).
 "من یهوه هستم و دیگری نیست؛ به جز من خدایی نیست اگرچه مرا نمی‌شناسی، تو را تجهیز خواهم کرد" (اشعیا ۴۵: ۵).

پولس رسول می‌گوید:

"بر خدای یکتا، آن پادشاه سرمدی، نامیرا و نادیدنی، تا ابدالابد حرمت و جلال باد؛ آمین" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۷).

شکوه و قدرت خدا فرای تصور ما است اما خدا مهربان و رحیم است. او عیسی مسیح را فرستاد تا گناهان کسانی را که واقعا به خدا و فرزندش ایمان می‌آورند از بین ببرد.

پسر خدا

کتاب مقدس به وضوح این واقعیت را بیان می‌کند که عیسی مسیح پسر خداست.

"... تا ایمان آورید که عیسی همان مسیح، پسر خداست و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید" (یوحنا ۲۰: ۳۱).

"مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح" (۱ پطرس ۱: ۳).

خدا از همه چیز آگاه است و حتی درباره آینده نیز می‌داند (اشعیا ۴۶: ۸-۱۱). خدا می‌دانست که آدم و حوا گناه خواهند کرد. بنابراین از همان آغاز نقشه فرستادن فرزندش را کشید. به همین خاطر است که پیشگویی‌های زیادی از مسیح در عهد عتیق وجود دارد. پس مسیح از همان ابتدا در ذهن و نقشه خدا قرار داشت. وعده‌های خدا به ابراهیم و داوود وجود مسیح در نقشه خدا را از سالیان قبل از میلاد تایید می‌کند.

مسیح از قبل وجود نداشت - زندگی او از زمان تولدش آغاز شد.

وقتی تولد اتفاق می‌افتد زندگی جدید آغاز می‌شود. تولد عیسی مسیح هم اینگونه بود. برخی بر این باورند که عیسی پیش از تولدش از مریم در آسمان می‌زیست. اما کتاب مقدس اینگونه نمی‌گوید. کتاب به ما می‌آموزد که عیسی بخشی از نقشه خدا از همان ابتدا بود اما حیاتش هنگام تولدش آغاز شد. عیسی قبل از میلادش زندگی نمی‌کرد.

اول پطرس ۱: ۲۰	معنی
"او پیش از آفرینش جهان انتخاب شد اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد."	عیسی در نقشه و ذهن خدا از زمان پیدایش بود اما سالیان بعد به وقوع پیوست

خدا به ارمیا نبی گفت:

"پیش از آنکه تو را در رحم نقش بندم، تو را شناختم و پیش از آنکه به دنیا بیایی، تو را جدا کردم و تو را بر قومها نبی قرار دادم" (ارمیا ۱: ۵).

دقیقا همانطور که ارمیا قبل از میلادش در نقشه خدا بود، عیسی مسیح نیز همانگونه بود. در ابتدای عالم خدا از ایمانداران واقعی خبر داشت آنها در ذهن خدا بودند، اگرچه هنوز حضور واقعی نداشتند. این همان نکته‌ای است که پولس رسول در مورد ایمانداران واقعی می‌گوید:

"زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدّس و بی‌عیب باشیم و در محبت" (افسیان ۱: ۴).

بنابراین زمانی که کتاب مقدس از همین شیوه بیان در مورد عیسی مسیح استفاده می‌کند به این معنا نیست که او قبل از تولدش حضور داشت بلکه نشان می‌دهد عیسی مسیح در ذهن خدا بعنوان کسی که در زمان مناسب متولد می‌شود حضور داشت:

"اما چون زمان مقرر به کمال فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زنی زاده شد و زیر شریعت به دنیا آمد" (غلاطیان ۴: ۴).

تا زمان تولد فرزند مریم، عیسی یک موجود زنده نبود. ۲ تیموتائوس ۱: ۹-۱۰ را نیز مشاهده فرمایید. دلایل دیگر برای باور این واقعیت که مسیح قبل از میلادش وجود نداشت به شرح زیر است:

- تا قبل از میلاد مسیح چیزی در مورد گفته‌هایش و یا کارهایی که انجام داد در کتاب نمی‌خوانیم (عبرانیان ۱: ۲).
- نامش عیسی، فقط هنگام تولد داده شد (اشعیا ۴۹: ۱).
- در عهد عتیق هیچ نشانه‌ای مبنی بر زندگی کردن پسر خدا در آسمان و پس از آن ظاهر شدنش بر روی زمین نمی‌بینیم.
- مستندات آنی که در مورد تولد او وجود دارد، هیچ نشانی از حضور او قبل از میلاد ندارد.

عیسی پیش از مرگ ذاتی انسانی داشت

به دلیل اینکه عیسی مسیح توسط قدرت خدا، یا همان روح‌القدس متولد شد، بنابراین پسر خداست: "فرشته پاسخ داد روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن مولود مقدّس و پسر خدا خوانده خواهد شد" (لوقا ۱: ۳۵).

چون مسیح مادری زمینی به نام مریم داشت، پس از ذاتی همانند ما نیز برخوردار بود. کتاب مقدس به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد که مسیح با ذاتی انسانی متولد شد. مسیح خود را پسر انسان معرفی کرد. پطرس رسول در اعمال رسولان ۲: ۲۲ می‌گوید:

"ای قوم اسرائیل، این را بشنوید: چنانکه خود آگاهید، عیسای ناصری مردی بود که خدا با معجزات و عجایب و آیاتی که به دست او در میان شما ظاهر ساخت، بر حقانیتش گواهی داد" (اعمال رسولان ۲: ۲۲).

در عبرانیان ۲: ۱۷ می‌خوانیم که عیسی "لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود". در همین باب می‌خوانیم "چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند او نیز همچنان در هر دو شریک شد" (آیه ۱۴). آیات بالا ضرورت داشتن ذات انسانی برای مسیح را نشان می‌دادند. آیات زیر به توصیف دلایل می‌پردازد:

آیات	نکات
"هرچند پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت و چون کامل شد، همه آنان را که از او اطاعت می‌کنند، منشاء نجات ابدی گشت" (عبرانیان ۵: ۸-۹).	اگر عیسی با ذاتی همانند ذات خدا متولد می‌شد، دیگر نیازی نبود تا اطاعت را بیاموزد. پس به دلیل داشتن ذات انسانی قابلیت وسوسه و گناه در او بود. عیسی تنها می‌توانست با شکست دادن وسوسه و آزمایش‌ها بر گناه غلبه کند.
"زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند" (عبرانیان ۴: ۱۵).	عیسی مسیح در طول زندگی‌اش بر زمین همانند ما مورد وسوسه قرار گرفت. اما هرگز گناه نکرد و به این خاطر مسیح همانند ما برای گناه وسوسه شد تا مشکلات ما را کامل درک کند.
"اما عیسی را می‌بینیم که اندک زمانی پایین‌تر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد" (عبرانیان ۲: ۹).	فرشتگان موجوداتی فناپذیر و بسیار فراتر از انسان‌ها هستند. اما چون مسیح ذات انسانی داشت اندکی از فرشتگان کمتر شد و تنها به این خاطر بود که او دارای ذات انسانی بود. پس قادر بود بمیرد.

دیدن خدا برای مردان و زنان غیرممکن است. پس عیسی مسیح ذات خود را به ما نشان داد. به نقل قول از اشعیا نبی، متی ۱: ۲۳ در مورد عیسی می‌گوید:

"باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عِمانوئیل خواهند نامید که به معنی 'خدا با ما' است" (متی ۱: ۲۳).

عیسی مسیح به دلیل شخصیت و روش زندگی خداگونه‌اش دقیقاً به ما نشان داد که خدا چگونه است. به همین خاطر اینگونه توصیف شد: "خدا با ما". عیسی بسیار فراتر از مردی معمولی بود.

"زیرا خشنودی خدا در این بود که با همه کمال خود در او ساکن شود" (کولسیان ۱: ۱۹).

عیسی مسیح به دلیل عشق خود به پدر بر تمامی گناهان غلبه کرد و رابطه خاص او با پدرش دلیل اصلی این واقعیت بود. ولی ما می‌دانیم که غلبه بر گناه برای او بسیار سخت بود. او مصمم بود که در تمامی جهات زندگی‌اش خواسته‌های پدر را انجام دهد و نه خواسته‌های خود. به دلیل اینکه مسیح توانست بر گناه و مرگ غلبه کند، ما نیز می‌توانیم امید به زندگی جاودان داشته باشیم.

عیسی ذات انسانی داشت. تنها به این دلیل او مورد آزمایش قرار گرفت و بر گناه غلبه کرد و بر روی صلیب مرد.

مسیح ذاتی خدایی داشت

عیسی مسیح پس از رستاخیزش ذاتی با شکوه همانند پدر به دست آورد (ذاتی جلال یافته). این واقعیت بدین معنا است که او نمی‌تواند گناه کنند و هرگز نمی‌میرد. خدا او را به مرحله‌ای بالاتر از فرشتگان رسانید و اکنون او بر دست راست خدا در آسمان نشسته است. هیچ چیز بزرگتری غیر از خدا در دنیا وجود ندارد. در اعمال رسولان ۲: ۳۶ پطرس به یهودیان می‌گوید:

"که خدا این عیسی را که شما بر صلیب کشیدید، خداوند و مسیح ساخته است" (اعمال رسولان ۲: ۳۶).

خدا به مسیح در همه چیز قدرت داد. مسیح بعد از رستاخیزش گفت:

"تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است" (متی ۲۸: ۱۸).

عیسی مسیح قبل از مرگ	عیسی مسیح اکنون
وسوسه شد و قادر به گناه بود	وسوسه نمی‌شود و گناه نمی‌کند
فانی بود. پس درد را احساس می‌کرد، مریض می‌شد و می‌میرد	جاودانه است. هرگز نمی‌میرد و دردهای فیزیکی را احساس نمی‌کند.
اندکی از فرشتگان کمتر بود	عظیم‌تر از فرشتگان است

در جدول زیر خلاصه‌ای از فیلیپیان ۲: ۶-۱۱ آورده شده است:

نکات	فیلیپیان ۲: ۶-۱۱
<p>عیسی مسیح به شکل خدا بود. چون خدا پدر او بود و او همیشه کلام خدا را بیان می‌کرد، نه کلام خود و پذیرفته بود که خدا از او بزرگتر است. مانند یک انسان متولد شد، اما از خود خادمی برای همه ساخت.</p>	<p>"او که هم ذات با خدا بود از برابری با خدا به نفع خود بهره‌ن جست، بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان درآمد."</p>
<p>مسیح شرم و عذاب صلیب را پذیرفت و پدر را در همه چیز، حتی مرگ بر روی صلیب اطاعت کرد.</p>	<p>"و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید."</p>
<p>به دلیل فرمانبرداریش خدا به مسیح برتری داد و از تمام موجودات خواست که فرزندش را ستایش کرده و به او جلال بخشند، این کار باعث جلال بخشیدن به خدا نیز می‌گردد.</p>	<p>"پس خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه نامها بدو بخشید، تا به نام عیسی هر زانویی خم شود، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح 'خداوند' است، برای جلال خدای پدر."</p>

ایده‌های اشتباه

عده زیادی از مردم نسبت به تعالیم کتاب مقدس بی‌اعتنا هستند و به تثلیث اعتقاد دارند. این افراد می‌پندارند که خدا همیشه سه شخص است: خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس که همه با هم برابرند. تثلیث ادعا می‌کند که مسیح خدای پسر است و همچنین از قبل وجود داشت. (در مورد روح‌القدس و عطایای آن در درس ۲۰ خواهیم خواند).

کلمه تثلیث و واژه‌های "خدای پسر" و "خدای روح‌القدس" در کتاب مقدس وجود ندارد. ما همه شاهد تعالیم صریح کتاب مقدس در مورد یگانگی خدا و فرزند او عیسی مسیح بوده‌ایم. از آنجا که فرزند مطیع، همیشه نزد پدر عزیز است، عیسی مسیح نیز نزد خدا اینگونه بود. مسیح هرگز خود را با

خدا یکی نخواند بلکه خود را در همه چیز وابسته به پدر می دانست. او گفت:

"آمین، آمین، به شما می گویم که پسر از خود کاری نمی تواند کرد مگر کارهایی که می بیند پدرش انجام می دهد؛ زیرا هر چه پدر می کند، پسر نیز می کند" (یوحنا ۵: ۱۹).

(یوحنا ۳: ۳۵)، (یوحنا ۵: ۳۰)، (یوحنا ۷: ۱۶)، (یوحنا ۸: ۲۸)، (یوحنا ۱۲: ۴۹-۵۰)، (یوحنا ۱۴: ۲۴-۲۸) را نیز مطالعه فرمایید.

در یوحنا ۱۰: ۳۰ عیسی می گوید: "من و پدر یکی هستیم". منظور عیسی این نبود که آن دو برابر می باشند. چون در آیه قبل گفت: "پدر من از همه بزرگتر است" (یوحنا ۱۰: ۲۹). منظور مسیح این بود که پدر و او در ذهن و هدف متحدند. و دعا کرد که یارانش نیز اینگونه باشند:

"تا همه یک باشند، همان گونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان کن که آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده ای" (یوحنا ۱۷: ۲۱).

در این آیات از انجیل یوحنا مسیح توضیح می دهد که خدا از او بزرگتر است. در اول قرن تیان ۱۱: ۳ که پس از رستاخیز مسیح نوشته شد مشاهده می کنید که خدا همچنان بزرگتر است. حتی پس از هزاره:

"هنگامی که همه چیز مطیع او گردید، خود پسر نیز مطیع آن کس خواهد شد که همه چیز را زیر پاهای او نهاد، تا خدا کل در کل باشد" (۱ قرن تیان ۱۵: ۲۸).

ایده اشتباه تثلیث در کتاب مقدس آموزش داده نشده است. این نظریه بی اعتنایی به کار بزرگ مسیح در رستگاری ماست. اگر بر طبق ادعای تثلیث مسیح خدای پسر بود او با ذاتی همانند خدا متولد می شد. پس در برابر گناه وسوسه نمی شد و بر روی صلیب نمی مرد.

عیسی مسیح، میانجی

عیسی مسیح همانند پلی میان خدا و انسانهاست. بنابراین او یک میانجی است:

"زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است" (اول تیموتائوس ۲: ۵).

مسیحیان به واقع سپاسگزار فداکاری عیسی مسیح هستند.

خلاصه

- تنها یک خدا وجود دارد.
- عیسی مسیح پسر خداست و از مریم زاده شد، او خدای پسر نیست.
- عیسی مسیح قبل از مرگش همانند ما ذاتی انسانی داشت. اما چون خدا پدر او بود بسیار فراتر از یک انسان معمولی بود.
- عیسی مسیح پس از رستاخیزش ذاتی همانند خدا دریافت کرد و از فرشتگان فراتر رفت. او اکنون دست راست خدا در آسمان نشسته است. غیر از خدا هیچ موجود بزرگتر دیگری در کل دنیا وجود ندارد.

آیاتی برای مطالعه

(۱ تیموتائوس ۲: ۵) "زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است."

تثنیه ۶: ۱-۱۵

متی ۱: ۱۸-۲۵

۲ تیموتائوس ۱: ۹-۱۰

عبرانیان باب ۲

درس هفدهم: زندگی مسیح

مطالعه: لوقا باب ۲

پیام خدا به مریم

لوقا ۱: ۳۰-۳۳

"اما فرشته وی را گفت: ای مریم، مترس! لطف خدا شامل حال تو شده است. اینک آبستن شده، پسری خواهی زایید و نامش را عیسی خواهی نهاد. او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود. او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را هرگز زوالی نخواهد بود."

چه پیغام شگفت‌انگیزی فرشته برای مریم باکره آورد. او پسر خدا را به دنیا خواهد آورد. فرشته به او گفت که خدا از قدرت خود، یعنی روح‌القدس استفاده خواهد کرد تا پسر را به دنیا آورد و احتیاج به وجود هیچ مردی نیست. نوزاد عیسی نامیده خواهد شد و به معنی "خدا نجات می‌دهد" می‌باشد. چون او آمد تا مردم را از گناهانشان نجات دهد (متی ۱: ۲۱).

تولد عیسی در دو باب اول متی و لوقا ثبت شده است. این باب‌ها هیچ نکته‌ای مبنی بر وجود عیسی در آسمان پیش از تولدش نشان نمی‌دهند و این عقیده با کتاب مقدس در مورد تولد عیسی مسیح همخوانی ندارد. زندگی و اعمال عیسی مسیح در انجیل‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا ثبت شده است. در مورد زندگی او از زمان تولد تا تعمید که سی ساله بود چیز زیادی نمی‌بینیم. ولی به ما گفته شده که او بعنوان یک کودک در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد (لوقا ۲: ۵۲). کتاب مقدس هرگز در مورد مسیح اینگونه نمی‌گوید که او پیش از تولد، انسانی کامل بود و در آسمان زندگی می‌کرد و این صرفاً عقیده اشتباه بعضی از مردم است.

تعمید عیسی مسیح

عیسی توسط یحیی تعمید دهنده در رود اردن تعمید داده شد. تعمید تنها به معنی پاشیدن آب نیست. بلکه غوطه‌ور شدن کامل در آب را می‌طلبد. زمانی که عیسی از آب بیرون آمد روح‌القدس را دریافت کرد و صدایی از آسمان شنید: "تو پسر محبوب من هستی و من از تو خشنودم" (مرقس ۱: ۱۰-۱۱). از این طریق خدا موافقت خود را اعلام کرد. مسیح با تعمید گرفتن خود اهمیت تعمید را به ما

نشان می‌دهد. او پس از تعمید به بیابان رفت، جایی که ابلیس او را تجربه کرد (متی ۴: ۱).

آیا عیسی واقعا توسط ابلیس مورد وسوسه قرار گرفت؟

کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که وسوسه از ذهن خود ما زاییده می‌شود (یعقوب ۱: ۱۳-۱۵). هیچ موجود قدرتمند شریری وجود ندارد که باعث وسوسه کردن انسانها شود. پس در بیابان چه اتفاقی افتاد؟

در وسوسه اول به مسیح گفته شد تا سنگ را به نان تبدیل کند (متی ۴: ۲-۴). چون عیسی ۴۰ روز چیزی نخورده بود، بنابراین بسیار گرسنه بود. عیسی مسیح برای پیدا کردن غذا احتیاج به نیرویی شیطانی نداشت. روح‌القدس به او داده شده بود، پس می‌توانست وسوسه شود و آن را آزمایش کند. اما می‌دانست که قدرت خدا فقط جهت انجام خواسته‌های خدا به کار برده می‌شود و کاملا اشتباه بود اگر برای اجرای خواسته‌های خود از آن استفاده می‌کرد، حتی اگر بسیار گرسنه بود.

متی ۴: ۸-۹

"دیگر بار، ابلیس او را بر فراز کوهی بس بلند برد و همهٔ حکومت‌های جهان را با تمام شکوه و جلالشان به او نشان داد و گفت: اگر در برابرم به خاک افتی و مرا سجد کنی، این همه را به تو خواهم بخشید."

نگاهی دقیق‌تر بر دو وسوسه دیگر نشان می‌دهد که شخص شیطانی وجود نداشت. اگر بخواهیم کلمات را دقیق معنا کنیم مشکلات آغاز خواهد شد.

برای مثال در وسوسه‌ای که در متی ۴: ۸-۹ آمده:

الف: هیچ کوهی وجود ندارد که از آن بتوان تمام دنیا را دید. جهان گرد است و عیسی در واقعیت نمی‌توانست در چنین جایی باشد.

ب: عیسی مسیح کتاب مقدس را خوب می‌شناخت. او آگاه بود که جهان به خدا تعلق دارد و هیچ شخص دیگری توانایی پیشنهاد مالکیت آن را ندارد. در عهد عتیق می‌خوانیم: "زمین و هرآنچه در آن است از آن خدا است" (مزامیر ۲۴: ۱) و "آن متعال است که در حکومت بشری حکم می‌راند و آن را به هر که بخواهد می‌بخشد" (دانیال ۴: ۳۲).

در لوقا در مورد این وسوسه‌ها می‌خوانیم که پادشاهی جهان به عیسی مسیح در لحظه‌ای داده خواهد شد (لوقا ۴: ۵). این نشان می‌دهد که وسوسه در ذهن او بود. مسیح می‌دانست که در پادشاهی آینده خدا قادر خواهد بود بر تمامی جهان حکمرانی کند. پس در ذهن خود توانست پادشاهی جهان را تصور

کند. استفاده از روح‌القدس برای تصاحب چیزی که خدا در آینده به او وعده داده بود بسیار وسوسه‌انگیز بود. اما مسیح می‌دانست که باید از خواسته‌های پدرش اطاعت کند تا به او کمک کند که بر گناه غلبه کرده و با مرگ خود بر روی صلیب رستگاری را به ارمغان بیاورد.

لوقا ۴: ۹-۱۱

"آنگاه ابلیس او را به شهر اورشلیم برد و بر فراز معبد قرار داد و گفت اگر پسر خدایی، خود را از اینجا به زیر افکن. زیرا نوشته شده است درباره تو به فرشتگان خود فرمان خواهد داد تا نگاهبان تو باشند. آنها تو را بر دستهایشان خواهند گرفت مبادا پایت را به سنگی بزنی."

در وسوسه‌ای که در لوقا ۴: ۹-۱۱ آمده است، می‌خوانیم که ابلیس مسیح را به اورشلیم برد. آیا واقعا مسیح یک موجود شیطانی را از صحرا تا اورشلیم دنبال می‌کرد؟ و به خاطر حرف او به بالای معبد می‌رود و منتظر وسوسه‌اش می‌ماند و سپس می‌گوید: "گفته شده است خداوند خدای خود را میازما" (لوقا ۴: ۱۲)؟

اگر یک ابلیس واقعی وجود داشت، مسیح او را شناسایی کرده و هرگز دنبال او نمی‌رفت. این وسوسه طبیعتا در ذهن او اتفاق افتاده است. چون می‌دانست فرشتگان خدا از او محافظت می‌کنند. پس به این فکر افتاد که انداختن خود از بالای معبد به سمت پایین روش خوبی برای جلب توجه و اثبات این واقعیت بود که او پسر خداست. این باعث می‌شد که آسانتر به دیگران تعلیم دهد. اما مسیح می‌دانست که سوءاستفاده از حمایت خدا اشتباه است. پس پیشنهاد ما این است که این وسوسه‌ها در ذهن مسیح اتفاق افتاد.

مکتوبات از شیطان یا ابلیس بعنوان سنبلی از قدرت ذات انسانی استفاده کرده و وسوسه‌ای که باعث گناه کردن می‌شود را به تصویر می‌کشد. وسوسه مسیح در بیابان نشان می‌دهد که او نیز همانند ما ذاتی انسانی داشت و دقیقا همانند ما وسوسه می‌شد. اما هرگز خود را به وسوسه‌ها نباخت و گناه نکرد. مسیح هر وسوسه را با کلام کتاب مقدس پاسخ داد (متی ۴: ۴ و ۷ و ۱۰). ما می‌توانیم از این قسمت درس بزرگی بگیریم. باید کتاب را بخوانیم و بگذاریم پیام آن بر ما تاثیر گذاشته و برای گرفتن تصمیم درست در هنگام وسوسه‌ها به ما کمک کند.

بشارت مسیح

مسیح بعد از تعمید و وسوسه شدن در بیابان "شهر به شهر و روستا به روستا می‌گشت و به پادشاهی خدا بشارت می‌داد. آن دوازده تن نیز با وی بودند" (لوقا ۸: ۱).



بشارت‌های عمومی او سه سال و نیم طول کشید و با مرگش بر روی صلیب پایان یافت. در آغاز مسیح شاگردان زیادی را به خود جلب کرد (شاگردان به معنای کسانی هستند که از معلم چیزی یاد می‌گیرند). دوازده نفر از آنها بعنوان شاگردان خاص انتخاب شدند. بعدها آنها به نقاط مختلف فرستاده شدند تا در امر تعلیم به مسیح کمک کنند و رسولان نامیده شدند (رسول به معنای فرستاده است).

تعالیم مسیح

۱. مسیح مستقیماً به مردم تعلیم می‌داد - در متی باب‌های ۵-۷ موعظه بالای کوه بیان شده است که در آن مسیح روش زندگی مورد قبول خدا را به ما نشان می‌دهد. اولین درسی که مسیح به ما می‌دهد درس فروتنی است. او می‌گفت:

"خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است" (متی ۵: ۳).

چون عیسی از پادشاهی آسمان سخن گفته، برخی می‌پندارند پادشاهی در آسمان است. اما کتاب مقدس هرگز در مورد پادشاهی در آسمان سخن نمی‌گوید. آیه ۵ نشان می‌دهد که پادشاه درستکاران بر زمین خواهد بود: "خوشا به حال حلیمان، زیرا آنان زمین را به میراث خواهند برد". عبارت "پادشاهی آسمان" فقط در انجیل متی بیان شده و به پادشاهی خدا اشاره دارد (متی ۱۹: ۲۳-۲۴ را ببینید و همچنین متی ۸: ۱۱ را با مرقس ۱۳: ۲۸-۲۹ مقایسه کنید). از پادشاهی خدا بعنوان پادشاهی آسمانی یاد شده است. چون زمانی خواهد بود که اراده خدا بر زمین انجام می‌شود، همانطور که همیشه بر آسمان انجام شده است.

در موعظه بالای کوه مسیح به مردم اینگونه تعلیم داد:

- باید به دشمنان خود عشق بورزند.
- نباید دیگران را قضاوت کنند.
- نگاه همراه با شهوت و زنا خطاست.
- هر وقت کمکی می‌کنند باید در خلوت باشد.
- باید با ایمان به خدا زندگی کنند تا به او جلال بخشند.

- نگران امور دنیوی نشوند و به حمایت خدا اعتماد کنند.
- به دنبال پادشاهی خدا باشند و این مهمترین چیز در زندگیشان باشد.

در متی ۷: ۱۳-۲۳ مسیح هشدار داد:

- که فقط تعداد خاصی وارد پادشاهی خدا می‌شوند. کسانی که اراده او را اجرا می‌کنند.
- افراد زیادی ممکن است در پادشاهی پذیرفته نشوند (حتی اگر ادعا کنند که در نام خدا کارهای زیادی انجام داده‌اند).

۲. **مسیح با مَثَل‌ها تعلیم می‌داد** - مَثَل، داستانی از زندگی هر روزه است که درسی معنوی به همراه دارد. در متی باب ۱۳ مَثَل‌های فراوانی در مورد پادشاهی آینده یافت می‌شود. مسیح با مَثَل‌ها سخن می‌گفت تا شاگردان واقعی را از آنانی که فقط به جهت معجزه‌هایش به سمت او آمده بودند جدا سازد. آنانی که در جستجوی حقیقت خدا بودند به معنای معنوی مَثَل‌های گفته شده توسط عیسی فکر می‌کردند. اگر می‌خواهیم یکی از شاگردان واقعی باشیم ما نیز باید در مورد معنای مَثَل‌ها بیندیشیم.

۳. مسیح با پیشگویی‌ها تعلیم می‌داد

مسیح در مورد نابودی معبد در اورشلیم و پراکنده شدن یهودیان هشدار داده بود. همینطور در مورد نشانه‌هایی که در جهان قبل از بازگشت او اتفاق می‌افتد نیز سخن گفته بود (درس ۸ را ببینید)

۴. **مسیح از طریق روش زندگی خود تعلیم می‌داد** - پسر خدا در اصطبل به دنیا آمد. هیچ خانه‌ای برای خود نداشت و هیچ زندگی با شکوهی نیز برای خود فراهم نکرد. او گفت:

"روباهان را لانه‌هاست و مرغان هوا را آشیانه‌ها، اما پسر انسان را جای سر نهادن نیست" (لوقا ۹: ۵۸).

مسیح با تدریس کتاب مقدس و درمان بیماران به مردم کمک می‌کرد. او به ما آموخت که چگونه همسایه خود را مانند خود دوست بداریم و همینطور چگونه به دشمن خود محبت کنیم.

او درست قبل از مرگش پاهای شاگردان خود را شست. این کار معمولا توسط غلامان انجام می‌شود. اگرچه او پسر خالق بزرگ دنیا بود اما همیشه فروتن بود و به مردم خدمت می‌کرد.

مسیح اکثر اوقات خود را صرف عبادت پدر آسمانی خود می‌کرد. قبل از انتخاب دوازده شاگرد خاصش تمام شب را دعا کرد. این دعاها هرگز در ملاء عام نبود، تا ثابت کند چه انسان خوبی است و با سران مذهبی که اینگونه دعا می‌کردند مخالفت می‌کرد. مسیح اینگونه تعلیم می‌داد:

"خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگترین حکم است دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: همسایهات را همچون خویشتن محبت نما" (متی ۲۲: ۳۷-۳۹).

مسیح اینگونه بود. او مثالی است از روش زندگی که خدا از ما می‌خواهد. او شخصیت خدا را به ما نشان داد.

معجزات مسیح

عیسی از روح‌القدس برای اجرای معجزات عظیمی استفاده می‌کرد. آب را به شراب تبدیل کرد، به روی دریا راه رفت، به هزاران نفر با کمی نان و کمی ماهی غذا داد. او از روح‌القدس نه برای خود بلکه برای کمک به دیگران استفاده می‌کرد. او از این قدرت هرگز جهت جلب توجه و یا فخر فروختن استفاده نکرد. معجزاتش نشانه‌ای بودند که ثابت کند او از جانب خدا آمده است. معجزات نشان می‌دادند که خدا از طریق مسیح کارهایش را انجام می‌دهد و مسیح روش او را تعلیم می‌دهد (اعمال رسولان ۲: ۲۲).

انجیل پر از معجزات شگفت‌انگیز و درمان بیماران است. مسیح دلش برای افرادی که رنج می‌کشیدند می‌سوخت و به آنها کمک می‌کرد. او حتی مرده را هم زنده کرد. این معجزات نشانه‌ای بودند که عیسی مسیح نجات از گناه و مرگ را به ارمغان می‌آورد (مرقس ۲: ۱۰).

آماده شدن برای مرگ

مسیح به همراه سه شاگرد خود به بالای کوهی رفت تا دعا کند (متی ۱۷: ۱-۱۳). همانطور که او دعا می‌کرد شاگردان به او نگاه می‌کردند. او "متبدل گشت" (ظاهرش تغییر کرد) و صورت و لباس‌هایش می‌درخشیدند. شخصیت‌های عهد عتیق، یعنی موسی و الیاس نیز ظاهر شدند و در مورد نزدیک شدن مرگش به روی صلیب با او سخن گفتند. تمام چیزی که شاگردان دیدند ظاهر جلال یافته عیسی مسیح و تصویری از مسیح در پادشاهی خدا بود. همانطور که عیسی به مرگش نزدیک می‌شد، به پادشاهی خدا نیز امیدوارتر می‌شد.

عیسی مسیح از پیشگویی‌های عهد عتیق می‌دانست که مرگش ظالمانه خواهد بود. (برای مثال مزامیر باب ۲۲ و باب ۶۹ و اشعیا باب ۵۳). او به یارانش هشدار داد که عذاب می‌کشد و می‌میرد و همینطور به آنان گفت که از مردگان بر خواهد خواست (لوقا ۹: ۲۲).

سران مذهبی مسیح را همیشه برای انجام کارهای اشتباه فریب می‌دادند تا او را مقصر نشان دهند. مسیح از تنفر آنها خبر داشت. آنها دو بار تلاش کردند تا او را سنگسار کنند. اما "هنوز زمان او نرسیده

بود." اگرچه وقتی "زمان صعود عیسی به آسمان نزدیک می‌شد، با عزمی راسخ رو به سوی اورشلیم نهاد" (لوقا ۹: ۵۱). مسیح مرگ خود را پذیرفت و می‌دانست که این تنها راهی است که مردم می‌توانند از گناهان خود نجات یابند ولی فقط زمانی می‌توانست به آنها کمک کند که خودش هیچ گناهی نمی‌کرد. او هر روز با گناه دست و پنجه نرم می‌کرد. کارهای خودخواهانه و همچنین کارهایی که باعث عذاب دیگران می‌شد را نمی‌پذیرفت. خود را موظف کرد تا همیشه اراده خدا را بجا آورد. او برای ما مثالی بزرگ به جا گذاشت و به شاگردانش گفت که باید از او پیروی کنند.

"اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید" (لوقا ۹: ۲۳).

این بدین معناست که ما باید هر روزه از طریق خدمت به خدا او را متابعت کنیم. یکی از این خدماتها کمک کردن فداکارانه به دیگران است. در متلی از متی ۲۵: ۳۱-۴۶ مسیح در مورد داوری در آینده سخن گفت. کسانی که به پادشاهی خدا وارد می‌شوند به دیگران به گونه‌ای خدمت کرده‌اند که گویا به مسیح خدمت می‌کردند.

خلاصه

- مسیح یک مثال شگفت‌انگیز برای ما به جا گذاشت تا در زندگی مان آن را دنبال کنیم. او شخصیت خدا را به ما نشان داد.

آیاتی جهت مطالعه:

(لوقا ۱: ۳۲) "او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود".

متی باب‌های ۵ و ۶ و ۷

متی ۲۵: ۳۱-۴۶

لوقا باب ۹

درس هجدهم: مرگ مسیح

مطالعه: مرقس باب‌های ۱۴ و ۱۵

مشکل گناه

گناه بدترین مشکل انسان‌ها و ریشه اصلی تمام درگیری‌های دنیاست. گناه، انسان‌ها را از خدا جدا کرده و به مرگ حتمی سوق می‌دهد. برای انسان‌ها غیرممکن است که با تلاش خودشان بر گناه پیروز شوند. حتی درستکارترین انسان نیز هرگز نمی‌تواند مشکل گناه را حل کند و هر چقدر هم که شخصی خوب باشد، باز هم از جلال خدا قاصر است (رومیان ۳: ۲۳).

کتاب مقدس پاسخ خدا را در مورد گناه بشر بیان کرده است. خدا یگانه فرزند خود، عیسی مسیح را قربانی گناهان بشر کرد. زیرا این تنها راهی بود که انسان می‌توانست بر گناه غلبه کند. عیسی مسیح در این امر از پدر اطاعت کرده و جان خود را در جهت قربانی شدن برای گناهان ما داد. این فداکاری به قیمت تمام زندگی او تمام شد. او به تمام خواسته‌های خود پشت پا زد تا فقط خواست پدر را به جا آورد. مرگ بر روی صلیب آخرین اطاعت پر جلالی بود که از زندگی فداکارانه مسیح دیدیم. چون مسیح تا آخر بی‌گناه ماند، بنابراین توانست بر گناه پیروز شود. او همچنین این فرصت را برای شاگردان واقعی‌اش فراهم کرد تا گناهانشان بخشیده شود و برای همیشه بر مرگ پیروز شوند.

رنج‌های مسیح

در کتاب مقدس شاهد ناعادالتی‌های انجام شده در حق مسیح، به سخره گرفتن او، شلاق زدن و تنبیه کردنش بودیم. زمانیکه عیسی بر روی صلیب بود، مادرش نیز آنجا بود و مسیح حتی شاهد پریشانی مادرش نیز بود و بسیار زجر کشید. او عمیقا اندوهگین بود. وقتی فهمید که مردمانش، یعنی یهودیان او را نپذیرفتند، می‌دانست که مجازات می‌شوند. در بعضی از متون عهد عتیق در مورد رنج‌های مسیح می‌خوانیم. در مزامیر باب ۲۲ حال مسیح را به هنگام به صلیب کشیدنش حس می‌کنیم. علاوه بر درد زیاد، او شرم صلیب را نیز متحمل شد.

"اما من کرمی بیش نیستم و انسان نی. عار آدمیانم و تحقیر شده قوم. هر که بر من می‌نگرد ریشخندم می‌کند. دهان کج می‌کنند و سر جنبانیده، می‌گویند: بر خداوند توکل دارد. پس بگذار او خلاصی‌اش دهد. گر به او رغبت دارد رهایی‌اش بخشد" (مزامیر ۲۲: ۶-۸).

"قوتم چون تکه سفالی، خشکیده است و زبانم به کامم چسبیده. مرا به خاک مرگ نشانده‌ای. سگان مرا احاطه کرده‌اند. دسته اوباش گردم حلقه زده‌اند. دستها و پاهایم را سوراخ کرده‌اند" (مزامیر ۲۲: ۱۵-۱۶).

وقایعی که به صلیب کشیده شدن مسیح ختم شد

فریسیان و صدوقیان، رهبران مذهبی یهودیان در زمان مسیح بودند. این دو گروه اکثرا با هم اختلاف نظر داشتند. اما چون هر دو از یهودیان متنفر بودند با هم هماهنگ شده تا مسیح را نابود سازند. آنها به محبوبیت، قدرت و اقتدار مسیح حسادت می‌کردند. از اینکه تعداد زیادی از مردم به او گوش دهند و تحت تاثیر معجزات او قرار گیرند، متنفر بودند. واضح بود که هیچ انسان عادی توانایی انجام این معجزات را نداشت و این‌ها نشانه‌هایی بودند که ثابت می‌کرد مسیح پسر خداست. اما سران مذهبی نمی‌خواستند واقعیت را ببینند و حسادت و نفرت، چشمانشان را کور کرده بود.

عیسی برای عید پَسَخ^۳ در اورشلیم بود، سران مذهبی می‌خواستند قبل از اینکه مردم متوجه شده و اعتراض کنند، بدون سر و صدا او را دستگیر کنند. زمانیکه یهودا اسخریوطی که یکی از دوازده شاگردان عیسی بود، پیشنهاد خیانت به مسیح را به آنان داد، آنها فرصت مناسبی بدست آوردند. یهودا آنان را به سمت باغ جتسیمانی کشاند. جایی که مسیح و شاگردانش در آنجا تنها بودند (یوحنا ۱۸: ۱-۳).

عیسی دستگیر شد و نزد سران مذهبی آورده شد. آنها نتوانستند دلیل واقعی برای صادر کردن حکم مرگ وی پیدا کنند. پیدا کردن خطا و اشتباه در زندگی یک انسان بی‌گناه غیرممکن است و در نهایت کاهن اعظم (رئیس کهنه) گفت:

"به خدای زنده سوگندت می‌دهم که به ما بگویی آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟" (متی ۲۶: ۶۳).

وقتی عیسی مسیح تایید کرد که پسر خداست او را به کفرگویی متهم کردند. بر طبق شریعت موسی مجازات کفرگویی مرگ بود. البته این یک اتهام اشتباه بود و مسیح کفر نمی‌گفت. بلکه حقیقت را نشان داد. در آن زمان رومیان بر اسرائیل حکومت می‌کردند. سران یهود مسیح را نزد والی پنتیوس پیلاتس بردند و خواستند که او مصلوب شود. این روشی بود که رومیان مجرمین را مجازات می‌کردند. اما پیلاتس هیچ جرمی برای مسیح نیافت. وقتی فهمید که مسیح از شهر هیروودیس آمده است او را نزد هیروودیس برگرداند. بین هیروودیس و پیلاتس بار دیگر روابط دوستانه برقرار شد:

"در آن روز، هیروودیس و پیلاتس بنای دوستی با یکدیگر نهادند، زیرا پیشتر دشمن بودند" (لوقا ۲۳: ۱۲).

پیلاتس می‌دانست که مسیح بی‌گناه است. او همیشه به یهودیان می‌گفت که نه خود و نه هیروودیس هیچ جرمی برای مسیح نیافتند (لوقا ۲۳: ۴ و ۱۴-۱۵ و ۲۲). پیلاتس می‌دانست که یهودیان به خاطر

^۳ یا عید فصَح (در ترجمه قدیم)

حسادتشان خواستار مرگ مسیح بودند. آنها به پیلاتس گفتند چون مسیح ادعای پادشاهی دارد پس تهدید بزرگی برای امپراطوری روم خواهد بود. پس آزاد کردن او بی‌وفایی به امپراطوری است. پیلاتس علی‌رغم میل باطنی‌اش تسلیم شد و اجازه داد قاتلی به نام باراباس^۴ آزاد شود و به جای او عیسی کشته شود. این عظیم‌ترین بی‌عدالتی بود. پیلاتس مسیح را به دست سربازان رومی داد تا او را به صلیب بکشند. این دردناکترین و زجر آورترین مرگ تاریخ بود.

هم رومیان و هم یهودیان در مرگ مسیح دخالت داشتند و نقشه خدا از ازل، نجات انسان‌ها توسط فرزندش بود و می‌دانست که این شیرین اینگونه برخورد می‌کنند. بعدها پطرس به یهودیان گفت:

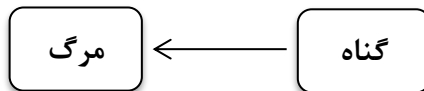
"آن مرد بنا بر مشیت و پیشدانی خدا به شما تسلیم کرده شد و شما به دست بی‌دینان بر صلیب کشیده، کشتید" (اعمال رسولان ۲: ۲۳).

هیچ راه دیگری نبود

مسیح می‌دانست که قصد پدر از آوردن او به این دنیا، آوردن رستگاری بود. در طول زندگی‌اش، حتی در زمان زجر کشیدن‌ها و مرگش بر روی صلیب کاملاً مطیع پدر بود. مسیح گفت که می‌خواست "اراده فرستنده خود را به جا آورد و کار او را به کمال رساند" (یوحنا ۴: ۳۴). در باغ جتسیمانی وقتی مسیح با بزرگترین آزمایش زندگی‌اش که درباره فرمانبرداری پدر بود مواجه شد، ۳ مرتبه به درگاه پدر دعا کرد: "ای پدر من، اگر ممکن نیست این جام نیاشامیده از من بگذرد، پس آنچه اراده‌توست انجام شود" (متی ۲۶: ۳۹-۴۴). اگر ممکن بود خدا پسرش را از این درد رهایی می‌داد، اما تنها راه همین بود. وقتی که مسیح بر روی صلیب به مرگ نزدیک می‌شد گفت: "تمام شد" (یوحنا ۱۹: ۳۰). او کاری که خدا به او محول کرده بود را به انجام رسانید (یوحنا ۱۷: ۴).

چرا مسیح مُرد؟

آدم گناه کرد، پس مُرد. مرگ مجازات گناه است و این قانون خداست. دقیقاً همانطور که بعد از کار، مزد می‌گیریم، بعد از گناه نیز مرگ را دریافت می‌کنیم. ما همه گناهکاریم، پس همه لایق مرگ هستیم.



مسیح بر روی صلیب مُرد تا گناهان دنیا را از بین ببرد. این اراده پدر بود و مسیح تا لحظه مرگ از آن اطاعت کرد. اگرچه فناپذیری او نیز باعث مرگ او شد. اگر مسیح بر روی صلیب نمی‌مُرد، می‌توانست

^۴ بارابا (در ترجمه قدیم) (لوقا ۲۳: ۱۸)

بعدا به روشی دیگر بمیرد. مسیح همچنان همانند ما وسوسه شد و حتی در بعضی موارد بسیار بیشتر از ما، اما هرگز گناه نکرد. در عبرانیان ۴: ۱۵ می‌خوانیم که "مسیح از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند".

اگرچه مسیح ذات فانی آدم را داشت، اما لایق مرگ نبود چون کاملاً بی‌گناه بود. بنابراین خدا، بدون شکستن قانون خود او را از مرگ برخیزانید. زیرا "مزد گناه مرگ است". مسیح مُرد تا رستگاری خود را بدست آورد و همین‌طور این فرصت را برای ما نیز مهیا کند.

<p>ما همه می‌میریم:</p> <p>همه ذات فانی آدم را داریم</p> <p>و</p> <p>همه گناه‌کاریم.</p>	<p>مسیح از مرگ برخیزانیده شد:</p> <p>مسیح ذات فانی آدم را نیز داشت</p> <p>اما</p> <p>گناه نکرد.</p>
--	---

عیسی در مورد مزد گناه با پدرش موافق بود. به همین خاطر گناه نکرد. او می‌دانست که تنها راه غلبه بر مرگ، غلبه بر گناه در خود است و همین‌طور آگاه بود که اگر بی‌گناه بماند پدر او را پس از مرگ رستاخیز خواهد داد. پس از رستاخیزش، خدا به مسیح ذاتی جدید داد. ذاتی همانند خود که قادر به گناه نیست و هرگز نمی‌میرد. رومیان ۶: ۹ می‌گوید:

"زیرا می‌دانیم چون مسیح از مردگان برخیزانیده شده است، دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد" (رومیان ۶: ۹).

ما چطور؟

مسیح در زمان عید پَسَخ مُرد. در عید پَسَخ هر خانواده اسرائیلی بره‌ای را کشته و خون آن را بر در خانه‌های خود می‌زدند تا از مرگ نجات یابند (خروج باب ۱۲). این نکته در مورد مرگ مسیح نیز صدق می‌کند (۱ قرن‌تیا ۵: ۷). او یک قربانی قابل قبول بود. او همانند بره‌ای بی‌عیب و نقص بود (۱ پطرس ۱: ۱۹). خدا قربانی قابل قبول خود را برای کسانی که اعتقاد داشتند داد: مسیح "بره خداست که گناه جهان را بر می‌دارد" (یوحنا ۱: ۲۹). پیش از میلاد مسیح اشعیا نبی گفت:

"حال آنکه به سبب نافرمانی‌های ما بدنش سوراخ شد و به جهت تقصیرهای ما له گشت. تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد و به زخمهای او ما شفا می‌یابیم. همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد" (اشعیا ۵۳: ۵-۶).

رومیان ۵: ۶-۸ در مورد عشق خدا برای فدا کردن فرزندش برای گناهکاران می‌گوید:

"هنگامی که ما هنوز ناتوان بودیم، مسیح در زمان مناسب به‌خاطر بی‌دینان جان داد. حال آنکه به ندرت ممکن است کسی به خاطر انسانی پارسا از جان خود بگذرد، هر چند ممکن است کسی را این شهامت باشد که جان خود را برای انسانی نیک بدهد. اما خدا محبت خود را به ما این‌گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد" (رومیان ۵: ۸-۶).

یوحنا ۱۵: ۱۳ عشق مسیح را نشان می‌دهد که زندگی خود را برای نجات دیگران داد:

"محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند" (یوحنا ۱۵: ۱۳).

خدا و پسرش هر کاری که می‌توانستند در حق ما انجام دادند. خدا یگانه فرزندش را برای ما قربانی کرد. مسیح از زندگی‌اش بخاطر ما گذشت. ما باید درک کنیم که گناهکاریم و محتاج نجات هستیم. فقط زمانی ارزش فداکاری مسیح و کار بزرگ خدا را درک می‌کنیم که متوجه شویم چقدر گناهکاریم.

مصلوب شدن مسیح به مردم اجازه داد تا به خدا نزدیک شوند

گناه، بشر را از خدا جدا می‌کند. گناهان ما تنها از طریق فداکاری مسیح بخشیده می‌شوند. بنابراین مانع میان ما و خدا از بین رفته است و می‌توانیم به او نزدیک شویم. در کتاب مقدس این عمل بعنوان **مصالحه** نام برده شده است و از این طریق می‌توانیم توسط عیسی مسیح که میانجی ما در آسمان است با خدا رابطه‌ای خاص برقرار کنیم. در ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۹ پولس رسول بطور واضح نشان می‌دهد که خدا توسط فرزندش در حال برقراری مصالحه میان خود و گناهکاران است. این پیغام مصالحه توسط رسولان تعلیم داده می‌شد:

"به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان مردم را به حسابشان نمی‌گذاشت و پیام آشتی را به ما سپرد" (۲ قرن‌تیا ۵: ۱۹).

صلیب خود را بر می‌داریم

مصلوب شدن در قلب انجیل است و منبع اصلی رستگاریست که توسط عشق خدا فراهم شده و توسط عشق فرزندش امکان‌پذیر شده است. بخشش هدیه‌ای است از جانب خدا به کسانی که از گناهان خود توبه کرده و با ایمان و تعמיד به سمت خدا می‌آیند:

"توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آموزش گناهان خود تعמיד بگیرید که عطای روح‌القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

اما چیزی فراتر از تعמיד نیاز است. مسیح گفت:

"اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگردد و از پی من بیاید" (مرقس ۸: ۳۴).

جمله "صلیب خود را برداشتن" به این معناست که باید هر روز خود را قربانی کنید. اگر قصد پیروی از مسیح را دارید تنها او را خشنود سازیم. باید برای متوقف کردن گناه، تمام تلاشمان را انجام دهیم و همراه مسیح در زندگی تازه قدم برداریم. پولس رسول می‌گوید:

"آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نَفَس را با همهٔ هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند" (غلاطیان ۵: ۲۴).

مصلوب کردن جسم به معنای از بین بردن تمام خواسته‌هایی است که باعث گناه می‌شود. باید تلاش کنیم تا گناه بر زندگی مان حکمرانی نکند.

پندهایی از مصلوب شدن

۱. مصلوب شدن مسیح یک اتفاق وحشتناک بود و عمل زشت انسان‌ها در به صلیب کشیدن یگانه فرزند خدا را نمایان کرد. مصلوب شدن خبثت انسان‌ها و زشتی و گناه را نشان می‌دهد.
۲. همینطور عشق فراوان خدا به شاگردان واقعی مسیح را نشان می‌دهد. پولس رسول می‌گوید:

"او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما فدا ساخت، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟" (رومیان ۸: ۳۲).
۳. هزینه زیادی پرداخت شد تا ایمانداران واقعی زندگی جاودان یابند و به قیمت از بین رفتن یک زندگی کاملاً پاک بود. پطرس رسول در نامه‌ای به ایمانداران می‌گوید:

"زیرا می‌دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدرانمان به ارث برده بودید، باز خرید شده‌اید نه به چیزهای فانی چون سیم و زر بلکه به خون گرانبه‌ای مسیح، آن بره بی‌عیب و بی‌نقص" (۱) پطرس ۱: ۱۸-۱۹).
۴. مسیح یک مثال خوب برای رفتار کردن به ما داد.
 - او هرگز در مقابل حرف‌های شریرانه مردم اعتراض نکرد (۱ پطرس ۲: ۲۱-۲۳).
 - او کسانی را بخشید که او را به صلیب کشانیده بودند (لوقا ۲۳: ۳۵).
 - با وجود اینکه در زجر و درد بود، اما باز به بقیه فکر می‌کرد (یوحنا ۱۹: ۲۶-۲۷ و لوقا ۲۳: ۲۷-۳۱).
 - او با اعتماد کامل در همه چیز پدر را مطابعت کرد.

خلاصه

۱. ما همه گناهکاریم و لایق مرگ.
۲. خدا با عشق خود یگانه فرزند خود را قربانی گناهان ما کرد.
۳. عیسی مسیح با از بین بردن زندگی خود در کار پدر سهیم شد.
۴. خدا مسیح را از مرگ برخیزانید چون بی گناه بود و لایق مرگ نبود. خدا به او زندگی جاودان داد.
۵. به واسطه فداکاری مسیح گناهان ما نیز می تواند بخشیده شود. پس می توانیم در امید به یافتن زندگی جاودان در پادشاهی خدا شریک باشیم.
۶. ما باید به گناهان خود پی برده توبه کنیم و با مسیح در راه زندگی تازه قدم برداریم.

آیاتی جهت مطالعه:

(رومیان ۵: ۸) "اما خدا محبت خود را به ما این گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد".

(۲ قرن تیان ۵: ۱۵)

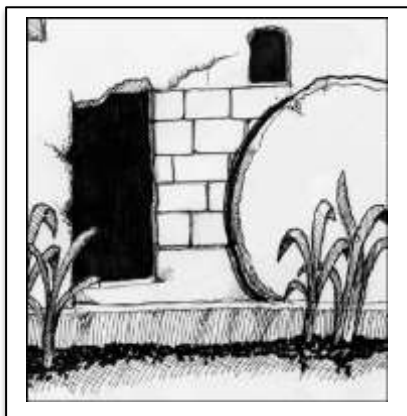
(۲ قرن تیان ۵: ۱)

(۱ پطرس باب ۱)

درس نوزدهم: رستاخیز و عروج عیسی مسیح

مطالعه: یوحنا باب ۲۰

روز سوم



صبح زود اولین روز کاری هفته بود. سومین روز بعد از مرگ مسیح تعدادی از زنان که یاران مسیح بودند با اندوهی فراوان بر سر قبر او رفتند و همراه خود کمی سبزیجات معطر (ادویه) جهت مسح جسد او بردند. اما نمی‌دانستند که چگونه می‌توانند سنگ بزرگی که مقبره را پوشانده بود حرکت دهند. وقتی رسیدند سنگ کنار زده شده بود و داخل مقبره خالی بود. فرشتگان ظاهر شده و به آنها گفتند:

"چرا زنده را در میان مردگان می‌جوئید؟ او اینجا نیست، بلکه برخاسته است" (لوقا ۲۴: ۵-۶).

زنان رفتند و شاگردان را مطلع ساختند. پطرس و یوحنا به سمت مقبره دویدند تا با چشمان خود ببینند. مقبره خالی بود و کفن مسیح درون آن بود.

یکی از زنان، یعنی مریم مجدلیه، به مقبره بازگشته و گریست، با وجود پیغام فرشتگان او می‌پنداشت که جسد مسیح دزدیده شده است. سپس مسیح آمد و با او صحبت کرد. اما مریم مجدلیه خیال می‌کرد که او باغبان است (یوحنا ۲۰: ۱۴-۱۸). مسیح ناگهان گفت: "مریم". پس اسم او را صدا کرده و او دانست که مسیح است. او واقعا زنده بود.

آیا مسیح واقعا از مردگان برخاست؟

برخی برخاستن مسیح از مردگان را باور ندارند و دلایل زیر قسمتی از توجیهات‌شان در جهت نفی رستاخیز می‌باشد:

۱. مردم می‌گویند: "مسیح بر روی صلیب نمرد و فقط اینگونه به نظر می‌رسید که او مرده است و کمی بعد در قبر بهبود یافت".

اما... کتاب مقدس می‌گوید که مسیح بر روی صلیب مرد. سربازان رومی پاهای آن دو نفری که همراه مسیح به صلیب کشیده شده بودند را شکستند تا زودتر بمیرند. اما پاهای مسیح را نشکستند. چون می‌دانستند که او مرده است (یوحنا ۱۹: ۳۱-۳۳). همچنین شخصی به نام یوسف که اهل رامه بود از پیلاتس خواست تا جسد مسیح را برای خاک سپاری به او بدهند. وقتی پیلاتس از یوزباشی رومی پرسید تا از مرگ مسیح مطمئن شود، یوزباشی مرگ او را تایید کرد (مرقس ۱۵: ۴۳-۴۵). در آن زمان یوزباشی‌ها می‌توانستند تشخیص دهند که کسی بر صلیب مرده یا هنوز زنده است.

۲- مردم می‌گویند: "شاگردان جسد او را دزدیدند".

اما... این درست نیست. سران مذهبی یهود برای پیشگیری از این اتفاق بر سر مقبره او، نگهبان گذاشته بودند. آنها می‌ترسیدند که شاگردان مسیح، جسد او را دزدیده و ادعای رستاخیز او را کنند (متی ۲۷: ۶۲-۶۶). زمانیکه فرشته ظاهر شد و سنگ جلو مقبره عیسی را برداشت، نگهبانان هیچ قدرتی نداشتند و پس از این ماجرا رهبران به نگهبانان رشوه دادند تا بگویند که شاگردان جسد مسیح را دزدیده‌اند (متی ۲۸: ۴-۲ و ۱۱-۱۵).

در کتاب مقدس هیچ اشاره‌ای به دزدیده شدن جسد توسط شاگردان نشده است. برای شاگردان حرکت دادن سنگی بزرگ که ورودی مقبره را بسته بود، در حضور نگهبانان غیرممکن بود. بعد از مرگ مسیح، شاگردان غمگین و ناامید بودند و به شدت ترسیده بودند. به حدی ترسیده بودند که توان فریفتن سران یهودی را نداشتند.

شاگردان تا زمان رویت مسیح زنده بودن او را باور نمی‌کردند (یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۰) و وقتی نظرشان تغییر کرد که از زنده بودن او اطمینان حاصل کردند. آنها با تعلیم دادن در مورد رستاخیز، زندگی خود را به خطر انداختند و تعدادی از آنها به خاطر ایمانشان مردند. اگر جسد مسیح را دزدیده بودند، هرگز اینگونه مقاومت نمی‌کردند.

۳- مردم می‌گویند: "او جسم خود را ترک کرده و بعنوان روح ظاهر شد".

اما... عیسی مسیح با یک جسم از مردگان برخاست و فقط روح نبود. توما سوراخ‌های روی دست مسیح را که توسط سرباز رومی هنگام مصلوب کردن ایجاد شده بود دید. مسیح به او گفت که این سوراخ‌ها را لمس کند (یوحنا ۲۰: ۲۷).

عیسی مسیح به شاگردانش گفت: "آنها از فرط شادی و حیرت نمی‌توانستند باور کنند. پس به ایشان گفت: چیزی برای خوردن دارید؟ تکه‌ای ماهی بریان به او دادند. آن را گرفت و در برابر چشمان ایشان خورد" (لوقا ۲۴: ۳۹). سپس عیسی از شاگردان غذا خواست و جلو چشم آنها غذا خورد (لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳).

۴- مردم می‌گویند: "آن زنان به مقبره اشتباهی رفتند."

اما... چون زنان هنگام تدفین در آن مکان حضور داشتند پس دقیقاً می‌دانستند که مقبره کجاست (لوقا ۲۳: ۵۵). مرقس ۱۶: ۶ نشان می‌دهد که زنان به همان مقبره رفته و فرشته با آنها صحبت می‌کرد. برخی از زنان و شاگردان کفن خالی را در مقبره دیدند.

سران مذهبی نمی‌خواستند که مردم فکر کنند مسیح برخاسته است. اگر این اتفاق واقعاً نیفتاده بود، می‌توانستند جسد را نشان داده و اشتباه زنان را آشکار کنند. سران می‌دانستند که مقبره اشتباه نیست. چون نگهبانان خودشان نیز آنجا حضور داشتند.

قبول رستاخیز مسیح نیازمند ایمان است. حتی توماس نیز در ابتدا باور نداشت و تا زمانی که او را ندیده بود قانع نشد. مسیح به او گفت: "خوشابحال آنانی که ندیده ایمان آورند" (یوحنا ۲۰: ۲۹).

در برخاستن فرزند بی‌گناه خدا از مرگ هرگز شکی نبوده است. مرگ مجازات گناه است. خدا مسیح را برخیزانید. چون او کاملاً بی‌گناه بود و سزاوار مرگ نبود.

"ولی خدا او را از دردهای مرگ رها کرده، برخیزانید، زیرا محال بود مرگ بتواند او را در چنگال خود نگاه دارد" (اعمال رسولان ۲: ۲۴).

آیا زمان پادشاهی خدا فرا رسیده است؟

وقتی مسیح قبل از مرگش وارد اورشلیم شد، شاگردان زیادی دور او جمع شدند و او را ستایش کردند.

"هوشیعیان، مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید مبارک است. پادشاهی پدر ما داوود که فرا می‌رسد. هوشیعیان در عرش برین" (یوحنا ۱۲: ۱۳ و مرقس ۱۱: ۹-۱۰).

آنها دریافتند که مسیح همان فرزند وعده داده شده به داوود بود. همچنین آنها مطلع بودند که مسیح پادشاهی خدا را بر زمین برقرار و بر آن فرمانروایی خواهد کرد. اما می‌پنداشتند که این اتفاق در زمان حضور او می‌افتد و نه در آینده.

به طور مشابه، شاگردان نیز زمانی که متوجه زنده بودن مسیح شدند، امیدوار بودند که او پادشاهی خدا را بی‌درنگ برقرار خواهد کند. در طول آن ۴۰ روز، قبل از عروج مسیح به آسمان، با آنان در مورد پادشاهی سخن گفت (اعمال رسولان ۱: ۳). آنها پرسیدند:

"خداوند، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل بازخواهی گردانیدی؟" (اعمال رسولان ۱: ۶).

مسیح پاسخ داد:

"بر شما نیست که ایام و زمان‌هایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است بدانید" (اعمال رسولان ۱: ۷).

باید کارهایی قبل از برقراری پادشاهی خدا انجام می‌شد. شاگردان باید به مناطق مختلف دنیا رفته و کلام خدا را تعلیم می‌دادند. تمام این اتفاقات ۲۰۰۰ سال پیش افتاد. اما تعلیم کلام تا به امروز ادامه دارد. این تاخیر، فرصتی فراهم کرده تا افراد بیشتری به سمت خدا بیایند:

"اما ای عزیزان، از این نکته غافل مباشید که نزد خداوند یک روز همچون هزار سال است و هزار سال همچون یک روز. برخلاف گمان برخی، خداوند در انجام وعده‌اش تأخیر نمی‌ورزد، بلکه با شما بردبار است، چه نمی‌خواهد کسی هلاک شود بلکه می‌خواهد همگان به توبه گرایند. اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که در آن آسمان‌ها با غریوی مهیب از میان خواهد رفت و اجرام سماوی سوخته شده فرو خواهد پاشید، زمین و همه کارهایش عیان خواهد شد" (۲ پطرس ۳: ۸-۱۰).

صعود عیسی مسیح به آسمان

زمانی که عیسی مسیح همراه با شاگردانش در نزدیکی اورشلیم بر روی کوه زیتون بود، به آسمان نزد پدر خود برده شد. همانطور که شاگردان صعود او به سمت آسمان را می‌نگریستند دو فرشته با آنها سخن گفتند. کلام فرشتگان در اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱ در مورد بازگشت مسیح به ما می‌گوید:

اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱

"هنگامی که می‌رفت و شاگردان به آسمان چشم دوخته بودند، ناگاه دو مرد سفیدپوش در کنارشان ایستادند و گفتند: ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین‌گونه که دیدید به آسمان رفت."

عیسی مسیح به شکل جسمانی خود به آسمان برده شد (به یاد داشته باشید که او روح نبود). عیسی مسیح به همان شکل جسمانی باز خواهد گشت. دقیقاً همان گونه که به آسمان رفت به زمین بازمی‌گردد. او دوباره می‌آید تا بعنوان پادشاه بر کل زمین فرمانروایی کرده و پادشاهی اسرائیل را نیز برقرار سازد.

عیسی مسیح در جایگاهی متعالی رستاخیز پیدا کرد

پس از رستاخیز، عیسی مسیح با شکوهی عظیم به جایگاه متعالی رسید. خدا تمام قدرت را به او داد (متی ۲۸: ۱۸). او هم اکنون در آسمان و دست راست پدر نشسته است. به غیر از خدا هیچ موجود بزرگتری در کل دنیا وجود ندارد. پطرس رسول می‌گوید:

۱ پطرس ۳: ۲۲ "که به آسمان رفت و اینک به دست راست خداست و فرشتگان و ریاستها و قدرتها مطیعش گشته‌اند."

۱ پطرس ۱: ۲۱ "به واسطه او به خدا ایمان آورده‌اید به خدایی که او را از مردگان برخیزانید و جلال بخشید، بدان سان که ایمان و امیدتان بر خداست."

اعمال رسولان ۲: ۳۶
"..... خدا این عیسی را که شما بر صلیب کشیدید خداوند و مسیح ساخته است."

عیسی مسیح این قدرت را دارد تا به افراد پذیرفته شده زندگی جاودان عطا کند:

"زیرا همان‌گونه که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می‌بخشد" (یوحنا ۵: ۲۱).

ما نیز می‌توانیم به همراه فرشتگانی که عیسی مسیح را ستایش می‌کنند، به او بپیوندیم و بگوییم:

"و با صدای بلند چنین می‌گفتند: آن بره ذبح شده سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش" (مکاشفه ۵: ۱۲).

اهمیت رستاخیز عیسی مسیح

تمامی پیغام کتاب مقدس به رستاخیز عیسی مسیح وابسته است. اگر مسیح که بی‌گناه بود از مردگان برخیزانده نمی‌شد، پس هیچ شخص دیگری نیز برخیزانده نخواهد شد. پولس رسول در اول قرن‌تین باب ۱۵ به ایمانداران توضیح می‌دهد. او می‌گوید که بدون رستاخیز عیسی مسیح، ایمان آنها بی‌ارزش است و گناهانشان بخشیده نمی‌شود. پس در این صورت کسانی که مردند بدون امید هلاک شدند:

"و اگر مسیح برنخاسته، ایمان شما باطل است و شما همچنان در گناهان خود هستید" (۱ قرن‌تین ۱۵: ۱۷).

چه تصویر غم‌انگیزی! خدا را شکر که می‌دانیم حقیقت ندارد. عیسی مسیح از مردگان برخاست. بنابراین پولس اینگونه ادامه می‌دهد:

نظریات	اول قرن‌تین ۱۵: ۲۰-۲۳
عیسی مسیح اولین شخصی بود که از مردگان برخیزانده شد. دیگران از او پیروی خواهند کرد.	"اما مسیح برآستی از مردگان برخاسته و نوبر خفتگان شده است."
مرگ توسط آدم به نسل بشر رسید. رستاخیز از مردگان توسط عیسی مسیح امکان‌پذیر شد.	"زیرا همان‌گونه که مرگ از طریق یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز از طریق یک انسان پدیدار گشت."
همه می‌میرند، چون همه نوادگان آدم هستند. آنانی که از آن مسیح هستند دوباره زنده خواهند شد. مسیح اولین کسی بود که برای زندگی جاودان برخیزانده شد. کسانی که به او تعلق دارند، زمان بازگشت وی جاودانگی را دریافت می‌کنند.	"زیرا همان‌گونه که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. ما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند."

رستاخیز مسیح ضمانتی برای برخیزانده شدن ایمانداران است. بدین معنا که اگر قبل از بازگشت مسیح بمیریم ما نیز می‌توانیم از مردگان برخاسته و زندگی جاودان را دریافت کنیم. اگر به عیسی مسیح تعلق داشته باشیم، جایی در پادشاهی خدا بر روی زمین به ما داده خواهد شد. تنها با تعمید از آن مسیح می‌شویم (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹).

چگونه مردگان برخیزانده می‌شوند؟ با چه جسمی؟

این سوالی بود که مردم در زمان پولس قصد فهمیدن آن را داشتند (۱ قرنیتان ۱۵: ۳۵). همانطور که عیسی مسیح هنگام رستاخیز جسم داشت، پس ایمانداران واقعی نیز به همراه جسم خود برخیزانده می‌شوند و روح نخواهند بود.

زمانی که عیسی مسیح از مردگان برخاست، جسمی فناپذیر به او داده شد. هنگامی که به ایمانداران واقعی مکانی در پادشاهی خدا داده شود، جسم آنها تغییر می‌کند (۱ قرنیتان ۱۵: ۵۱-۵۴).

فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱ می‌گوید کسانی که ذهنشان درگیر مسائل آسمانی است، منتظر بازگشت مسیح هستند تا جسم آنها تغییر کند:

"حال آنکه ما تَبَعَةُ آسمانیم و با اشتیاق تمام انتظار می‌کشیم که نجات‌دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند. او با نیرویی که وی را قادر می‌سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید" (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

هم اکنون ما جسم فانی داریم. به همین دلیل احساس خستگی می‌کنیم، از دردها رنج می‌بریم و مریض می‌شویم. اینها همه بخشی از مجازات گناه است. کسانی که مکانی در پادشاهی خدا به آنها داده شود، جاودانه می‌شوند. جسم آنها تغییر کرده و از درد و بیماری مبرا بوده و هرگز نخواهند مرد. چه پیشنهاد شگفت‌انگیزی خدا به ما داده است:

- گناهانمان توسط عیسی مسیح بخشیده می‌شود.
- همانند او از مردگان برخیزانده می‌شویم.
- همانند او جسم جاودانی دریافت خواهیم کرد.
- مکانی در پادشاهی خدا بر روی زمین به ما داده خواهد شد.

پس تعجب آور نیست که پولس رسول خدا را برای نعماتی که داده است، شکرگزاری می‌کند:

"اما شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد" (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۷).

این پیغام خوش رستگاری است. مسیح از شاگردانش خواست تا این پیغام را به تمام دنیا تعلیم دهند. ما نیز می‌خواهیم این پیغام را به شما و دیگران برسانیم.

خلاصه

- خدا عیسی مسیح را از مردگان برخیزانید چون او بی‌گناه بود و سزاوار مرگ نبود.
- عیسی مسیح با همان جسم از مردگان برخیزانده شد و روح نبود.
- عیسی مسیح پس از رستاخیزش جلال یافت.
- او به آسمان برده شد تا همراه پدر باشد. او اکنون بر دست راست پدر نشسته است. غیر از خدا هیچ موجود بزرگتر دیگری وجود ندارد.
- عیسی مسیح همانطور که به آسمان رفت به زمین باز خواهد گشت.
- اگر از آن مسیح باشیم ما نیز از مردگان برخیزانده شده و زندگی جاودان دریافت خواهیم کرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۲: ۲۴) "ولی خدا او را از دردهای مرگ رها کرده، برخیزانید، زیرا محال بود مرگ بتواند او را در چنگال خود نگاه دارد".

(متی باب ۲۸)

(لوقا باب ۲۴)

(اعمال رسولان باب ۱).

پرسش‌های بخش پنجم

درس ۱۶: پدر و پسر

۱-۱۶ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کنید:

الف) مریم مادر عیسی بود.

ب) یوسف پدر عیسی بود.

پ) عیسی قبل از تولدش در آسمان بود.

ت) خدا قبل از پیدایش می‌دانست که مسیح را خواهد فرستاد.

ث) مسیح قبل از مرگش همانند ما ذاتی انسانی داشت.

ج) مسیح در کتاب مقدس به نام "خدای پسر" خوانده شده است.

(جملات نادرست را به درستی بازنویسی کنید).

۲-۱۶ پیش از مرگ مسیح درجه اهمیت اینگونه بود:

(خدا، فرشتگان، مسیح، انسان، حیوان)

درجه اهمیت آنها در زمان حال چگونه است؟

۱. ۲. ۳. ۴. ۵.

۳-۱۶ سه واقعیتی که مزامیر ۱۰۳: ۸ و ۱۳ و ۱۴ به ما در مورد خدا می‌گوید را بنویسید.

۴-۱۶ مسیح در یوحنا ۱۴: ۲۸ در مورد رابطه‌اش با خدا چه می‌گوید؟

۵-۱۶ اول قرن‌تین ۱۵: ۲۸ جایگاه مسیح را در انتهای هزاره توضیح می‌دهد. آیا او:

الف) بزرگتر از خدا خواهد بود.

ب) برابر با خدا خواهد بود.

پ) کوچکتر از خدا خواهد بود.

۶-۱۶ مسیح گفت: "من و پدر یک هستیم" (یوحنا ۱۰: ۳۰). از آنجایی که خدا همیشه از مسیح

بزرگتر است پس آنها چگونه یکی هستند؟

۷-۱۶ مکاشفه ۱۳: ۸ در مورد بره کشته شده در زمان پیدایش دنیا سخن می‌گوید.

الف) آن بره چه کسی است؟

ب) او حدوداً چه زمانی مرد؟

پ) منظور آیه از گفتن اینکه او از زمان پیدایش دنیا مرد چیست؟

۸-۱۶ الف) منظور از ذات انسانی چیست؟

ب) ذات خدا چه تفاوتی با ذات ما دارد؟

پ) آیا انجام گناه پیش از به صلیب کشیده شدن برای مسیح امکانپذیر بود؟

درس ۱۷: زندگی در مسیح

۱-۱۷ الف) آیا مسیح در زمان عهد عتیق زنده بود؟

ب) آیا یک قدرت شریک در بیابان با مسیح سخن می‌گفت؟

اگر جواب شما به قسمت دوم منفی است، توضیح دهید که چه اتفاقی افتاد؟

۲-۱۷ در موعظه بالای کوه عیسی مسیح درباره موارد زیر چه تعالیمی داد؟ می‌توانید به متی مراجعه کنید.

الف) دلیل انجام دادن کارهای نیکو (۵: ۱۶)

ب) شهوت (۵: ۲۷-۲۸)

پ) دشمنان ما (۵: ۴۳-۴۸)

ت) صدقه دادن (۶: ۱-۴)

ث) مال و ثروت (۶: ۱۹-۲۱)

ج) خدمت به دو ارباب (۶: ۲۴)

(چ) غصه خوردن و مهمترین چیز در زندگی (۶: ۲۵-۳۴)

(ح) قضاوت دیگران (۷: ۱-۵)

(خ) معلمین (انبیا) دروغین (۷: ۱۵-۲۳)

۳-۱۷ چگونه باید از روش زندگی مسیح درس بگیریم؟

درس ۱۸: مرگ مسیح

۱-۱۸ درستی یا نادرستی جملات زیر را درباره عیسی مسیح مشخص کنید:

(الف) او از زمان تولد ذاتی خدایی داشت.

(ب) او مرد چون ذات فانی آدم را به ارث داشت.

(پ) او اکنون ذات انسانی دارد.

(ت) او غیریهودی بود.

(ث) او به اراده خود رنج صلیب را برای ما تحمل کرد.

(ج) او با قربانی کردن خود بخشش گناهان را برای ما امکان پذیر ساخت.

(چ) هم اکنون گناه کردن برای او غیرممکن است.

(ح) او یک قربانی برای خشنود کردن خدای خشمگین بود.

(خ) او تنها گناه کسانی را از بین می برد که توبه کرده، تعمید گرفته و سخت می کوشند که او را پیروی کنند.

۲-۱۸ چرا فرمانروایان و سران یهودی می‌خواستند مسیح را به مرگ بکشانند؟

۳-۱۸ دوم قرن‌تیا ۵: ۱۵ برای شما به چه معناست؟

۴-۱۸ قربانی شدن مسیح فاصله‌ای که توسط گناه میان خدا و انسان ایجاد شده بود را از بین برد. کلام کتاب مقدس در این باره چیست؟

درس ۱۹: رستاخیز و عروج عیسی مسیح

۱-۱۹ چه کسی مسیح را از مردگان برخیزانید؟

۲-۱۹ مسیح پس از مرگش به جایگاه پر شکوهی ترفیع یافت. او هم اکنون کجاست؟

۳-۱۹ الف) آیا زمانی که مسیح از مردگان برخیزانده شد جسم داشت؟

ب) آیا زمانی که به زمین بازمی‌گردد نیز جسم دارد؟

۴-۱۹ اول قرن‌تیاں ۱۵: ۵۱ می گوید "همه نخواهیم خوابید، بلکه همه دگرگون خواهیم شد".

الف) این آیه به چه معناست؟

ب) مربوط به چه کسانی می‌شود؟

پ) چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

۵-۱۹ مسیح به خاطر ذات انسانی خود مرد. چرا باید از مردگان برخیزانده می‌شد؟

درس بیستم: روح القدس خدا

مطالعه: مرقس باب ۱

روح خدا

وقتی در شب به آسمان می‌نگریم و ماه و ستارگان را می‌بینیم به وسعت باورنکردنی دنیا پی می‌بریم. خدا دنیا را با روح خود خلق کرد:

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. زمین بی‌شکل و خالی بود و تاریکی بر روی ژرفا و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت خدا گفت: روشنایی باشد و روشنایی شد" (پیدایش ۱: ۳-۱).

ارمیا به ما می‌گوید که قدرت خدا عامل اصلی خلقت زمین بود:

"مَنَم که به نیروی عظیم و بازوی افراشته خود زمین را با مردمان و حیواناتی که بر آنند آفریدم و آن را به هر که در نظرم پسند آید، می‌بخشم" (ارمیا ۲۷: ۵).

مزامیر باب ۳۳ آفرینش را اینگونه توصیف می‌کند:

"به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و همه لشکر آنها، به دم دهان او. آبهای دریا را همچون توده گرد می‌آورد و ژرفا را در خزانه‌ها ذخیره می‌کند. تمامی اهل زمین از خداوند بترسند، همه مردم جهان او را حرمت بدارند. زیرا او گفت و شد؛ امر فرمود و بر پا گردید" (مزامیر ۳۳: ۶-۹).

فقط خدا می‌توانست این کلام را بگوید و اراده‌اش با قدرت روحش تحقق یابد. زمانی که خدا گفت و "روشنایی شد" در کلامش قدرت محض بود. مزامیر باب ۳۳ نیز به ما همین را می‌گوید:

"به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و همه لشکر آنها، به دم دهان او" (مزامیر ۳۳: ۶).

خدا توسط روح خود جهان را زنده نگاه می‌دارد. خدا دنیا را خلق نکرد تا رهاش کند:

"خدایی که جهان و هر آنچه را در آن است آفرید، مالک آسمان و زمین است و در معابد ساخته دست بشر ساکن نمی‌شود. داستان بشری نمی‌تواند خدمتی به او بکند، چنانکه گویی به چیزی محتاج باشد، زیرا خود بخشنده حیات و نفس و هر چیز دیگر به جمیع آدمیان است. او همه اقوام بشری را از یک انسان پدید آورد تا در سرتاسر زمین ساکن شوند؛ و زمانهای تعیین شده برای ایشان و حدود محل سکونتشان را مقرر فرمود. تا مردمان او را

بجویند و چه بسا که در پِی‌اش گشته، او را بیابند، هر چند از هیچ یک از ما دور نیست. زیرا در اوست که زندگی و حرکت و هستی داریم... " (اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۸).

"روح خدا مرا آفریده است و نَفَسِ قادر مطلق مرا حیات می‌بخشد" (ایوب ۳۳: ۴).

مزامیر ۱۰۴: ۱۰-۱۵ و آیات ۲۷-۳۰ و اشعیا ۴۲: ۵ را نیز ببینید.

خدا توسط روحش همه جا وجود دارد و همه چیز را می‌داند

با وجود بزرگی دنیا خدا همه جا وجود دارد:

"خداوند می‌فرماید: آیا کسی می‌تواند خود را چنان پنهان کند که من او را نبینم؟ آیا من آسمان و زمین را پر نمی‌سازم؟ این است فرمودهٔ خداوند" (ارمیا ۲۳: ۲۴).

نه تنها خدا همه جا حضور دارد، بلکه همه چیز را نیز می‌داند. او حتی از افکارمان نیز آگاه است. پس هیچ چیز را نمی‌توانیم از او مخفی کنیم:

"خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای. تو از نشستن و برخاستنم آگاهی و اندیشه‌هایم را از دور می‌دانی. تو راه رفتن و آرامیدنم را سنجیده‌ای و با همهٔ راه‌هایم آشنایی... از روح تو کجا بروم؟ از حضور تو کجا بگریزم؟ اگر به آسمان فرا روم، تو آنجایی و اگر درهاویه بستر بگسترم، تو آنجا نیز هستی" (مزامیر ۱۳۹: ۱-۳ و ۷-۸).

خدا چگونه می‌تواند آسمان‌ها و زمین را پر کند و همه چیز را بداند؟ به واسطه روحش. به همین دلیل داوود در مزامیر باب ۱۳۹ می‌گوید: "از روح تو کجا بروم؟"

خدا به واسطه روح خود با مردم ارتباط برقرار می‌کند

در زمان کتاب مقدس خدا به واسطه روحش، ذهن انبیا را در جهت گفتن کلامش هدایت می‌کرد:

"دل‌های خویش را همچون سنگ خارا ساختند مبدا شریعت و کلامی را که خداوند لشکرها به روح خود به واسطهٔ انبیای پیشین فرستاده بود، بشنوند. پس خشم عظیمی از جانب خداوند لشکرها صادر شد" (زکریا ۷: ۱۲).

روح خدا، قدرت اوست که توسط آن همه چیز را کنترل می‌کند. به واسطه آن است که همه چیز را می‌داند و همه جا حضور دارد. در زمان کتاب مقدس، خدا از روح خود در جهت اجرای نقشه‌ها و هدف‌هایش استفاده می‌کرد. هر کاری که خدا انجام می‌دهد توسط روحش است.



الهامات و روح خدا

خدا از قدرتش برای کنترل ذهن افرادی که کتاب را می‌نوشتند نیز استفاده می‌کرد تا کلام او را بنویسند. به این عمل "الهام گرفتن" می‌گویند. توسط این الهامات، خدا نویسنده حقیقی کتاب مقدس است:

"... هیچ وحی کتب مقدس زائیده تفسیر خود نبی نیست. زیرا وحی هیچ‌گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند" (۲ پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

این متن تنها در مورد پیشگویی مردم از آینده نیست. در کتاب مقدس پیشگویی به معنای کلام خداست که می‌تواند هم در مورد آینده و حال و یا گذشته باشد.

حداقل ۳۵ نفر که در مکان‌های مختلفی زندگی می‌کردند کلام کتاب را نوشتند. کتاب تقریباً در یک برحه زمانی ۱۶۰۰ ساله نوشته شده است. اگر این کتاب کلام الهام گرفته از خدا نبود، ما کتابی پر از عقاید و استناداردهای مختلف داشتیم. اما فقط یک پیغام در تمام کتاب، از پیدایش تا مکاشفه، موجود است و این نشانه‌ایست که کتاب مقدس کلام خداست.

روح القدس و عیسی مسیح

روح خدا گاهی روح القدس نامیده می‌شود. بیشترین ارجاعات به روح القدس در عهد جدید است. کلمه مقدس به معنای "جدا شده" است و نشان می‌دهد که قدرت خدا کاملاً متفاوت از شرارت‌های انسان‌ها است. در ترجمه‌های قدیمی‌تر کتاب مقدس از واژه "شیخ مقدس" هم به جای روح القدس استفاده می‌شد. "شیخ" واژه‌ای قدیمی برای روح است. اما امروزه ممکن است اشتباه برداشت شود. روح القدس قدرت خداست که توسط آن اهدافش در راستای رستگاری مردم به تحقق می‌پیوندد. بنابراین در نهایت انسان‌ها نیز همانند خدا مقدس می‌شوند.

اولین کاربرد عهد جدید از واژه "روح القدس" به هنگام تولد عیسی مسیح بود. مریم باکره "از روح القدس حامله شد" (متی ۱: ۱۸).

عیسی مسیح به هنگام تعمید در رود اردن روح القدس را بی هیچ محدودیتی دریافت کرد (یوحنا ۳: ۳۴). خدا از طریق روحش توانایی‌های محدودی از قبیل معجزه، به افراد انتخاب شده‌ای در زمان کتاب مقدس داد. اما هیچکس همانند مسیح روح القدس را دریافت نکرد. عیسی مسیح هرگز از روح القدس در جهت خواسته‌های خود استفاده نکرد، بلکه همیشه آن را برای اهداف خدا به کار برد (اعمال رسولان ۲: ۲۲). او برای کمک به تعلیماتش از معجزات استفاده می‌کرد. این معجزات نشانه‌ای بودند که او پسر خداست و همین‌طور بیانگر این واقعیت بود که خدا از طریق او کارهایش را انجام می‌داد و او راه خدا را تعلیم می‌داد (اشعیا ۶۱: ۱-۲).

خدا به وسیله قدرت خود پسرش را از مردگان برخیزانید و به او تعالی بخشید (افسیان ۱: ۱۹-۲۲).

به شاگردان عطایای روح القدس داده شد

عیسی مسیح به یارانش وعده داد که پس از رفتن او به آسمان، آنها عطایای روح القدس را دریافت خواهند کرد. او به آنان گفت که در اورشلیم بمانند و "منتظر آن وعده پدر باشید که آنها بعد از اندک ایامی به روح القدس تعمید خواهند یافت" (اعمال رسولان ۱: ۴-۵).

این وعده در روز پنتیکاست به حقیقت پیوست (اعمال رسولان باب ۲). این ماجرا حدوداً ۱۰ روز پس از عروج عیسی مسیح به آسمان اتفاق افتاد. می‌خوانیم که چگونه روح القدس به همراه صدایی آمد: "چون صدای وزیدن باد شدید" و خانه‌هایی که اطراف شاگردان بودند لرزید. زبانه‌های آتش اطراف شاگردان دیده شد. این نشانه‌ای بود که روح القدس به آنها داده شده است. پس از این آنها توانایی‌هایی از قبیل انجام معجزات و سخن گفتن به زبان‌های مختلف را داشتند. این توانایی‌های خاص گاهی اوقات "عطایای روح القدس" نامیده می‌شوند (عبرانیان ۲: ۴).

عیسی مسیح به شاگردانش آموزش داد تا پس از عروج او به آسمان تعلیمات وی را ادامه دهند. آنها برای انجام این کار به عطایای روح القدس نیاز داشتند. برای مثال باید به خاطر می‌آوردند که مسیح هنگام بشارت و موعظه‌هایش چه می‌کرد و چه می‌گفت تا آنها هم بتوانند از همان راه استفاده کنند. مسیح به شاگردانش گفت:

"این چیزها را زمانی به شما گفتم که هنوز با شما هستم. اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد" (یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶).

در اینجا از روح‌القدس به معنای تسلی دهنده یاد شده است. کلمه اصلی یونانی به معنی "کسی که برای کمک می‌آید" است. روح‌القدس کمکی را که شاگردان نیاز داشتند آورد.

چرا عیسی مسیح در مورد روح‌القدس به گونه‌ای صحبت می‌کرد که گویی یک انسان است؟

وقتی آیه می‌گوید: "او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد"، اینطور به نظر می‌رسد که روح‌القدس یک شخص است. پس چرا مسیح گاهی از روح‌القدس همانند یک شخص یاد می‌کرد؟ چنین زبان مشابهی در رومیان ۹: ۱۷ نیز به کار برده شده است:

"زیرا کتاب به فرعون می‌گوید: تو را به همین منظور به پا داشتم تا قدرت خود را در تو ظاهر سازم..." (رومیان ۹: ۱۷).

طبیعتاً کتاب یک شخص نیست و نمی‌تواند "حرف بزند". این کلام خداست که در کتاب ثبت شده است. لوقا ۱۱: ۴۹ نیز از زبانی مشابه استفاده می‌کند:

"از این رو حکمت خدا می‌فرماید... (لوقا ۱۱: ۴۹).

بطور مشابه مزامیر ۶۵: ۱۳ می‌گوید:

"... وادی‌ها به غله پوشیده شده است؛ بانگ شادی بر می‌آورند و می‌سرایند" (مزامیر ۶۵: ۱۳).

دره‌ها نمی‌توانند بانگ زده و بسرایند. این روش مزامیر برای توصیف یک صحنه زیبا می‌باشد. امثال ۳: ۱۳-۱۹ نیز مثالی دیگر است و در مورد حکمت به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویی زنی درستکار و زیباست. کتاب مقدس از آن جهت این روش را بکار می‌برد تا واقعی بودن مسائل را نشان دهد. بنابراین وقتی مسیح نیز از این روش استفاده می‌کند به ما نشان می‌دهد که چقدر روح‌القدس واقعی است.

روح‌القدس از خدا جدا نیست

برخی افراد به اشتباه فکر می‌کنند که روح‌القدس شخصی متفاوت از خداست. آنها از واژگانی همانند "خدای روح‌القدس" استفاده می‌کنند که در کتاب مقدس هرگز وجود نداشته است. روح خدا یک موجود جدا از او نیست. قسمتی از خود اوست. همانطور که قدرت ما نیز قسمتی از خود ماست. چطور می‌توانیم خدا را از قدرت، حکمت و درکش جدا کنیم؟ همانطور که در ارمیا ۵۱: ۱۵ می‌خوانیم آنها اشخاصی جدا نیستند:

"اوست که زمین را به نیروی خویش بساخت و جهان را به حکمت خویش استوار کرد و آسمانها را به عقل خویش گسترانید" (ارمیا ۵۱: ۱۵).

اگر روح‌القدس شخصی جدا از خدا بود، پس روح‌القدس (و نه خود خدا) پدر عیسی مسیح می‌باشد (متی ۱: ۱۸) و این به واقع صحیح نیست.

روح خدا و ما

برای درک روح خدا باید خدا را بشناسیم. اما هرگز قادر به انجام این کار توسط ذهن فانی خود نیستیم. روح خدا بسیار فراتر از قدرت اوست. نحمیا ۹: ۲۰ می‌گوید که خدا "روح نیکوی خود را" داد تا مردم اسرائیل را با کمک‌های موسی هدایت کند. روح خدا سرشار از خوبی است و به نحوی که او از آن استفاده می‌کند نشان می‌دهد که او رحیم و بخشنده است. این همان رفتاری است که انسانها باید در زندگی خود بکار ببرند.

امروزه دیگر کسی به عطایای روح‌القدس (توانایی‌های خاص) نیاز ندارد (در درس بعد در این مورد بیشتر توضیح داده می‌شود). امروزه خدا توسط کلامش، که همان کتاب مقدس است، با ما سخن می‌گوید. کتاب مقدس به وسیله روح‌القدس نوشته شده است. وقتی کلام خدا را می‌خوانیم و اجازه می‌دهیم که بر ما تاثیر گذاشته و ما را راهنمایی کند. او کم‌کم ما را به شخصی شبیه مسیح تبدیل خواهد کرد. اینگونه می‌توان گفت: که کلام خدا در ما عمل می‌کند. پولس رسول به ایمانداران تسالونیکي گفت:

"نیز ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه برآستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می‌کند" (۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳).

آیات زیر اهمیت کلام خدا را نشان می‌دهند. همانطور که ما برای شروع زندگی تازه از روح خدا متولد می‌شویم:

"زیرا تولد تازه یافته‌اید، نه از تخم فانی بلکه تخم غیرفانی، یعنی کلام خدا که زنده و باقی است" (۱ پطرس ۱: ۲۳).

"او چنین اراده فرمود که ما را با کلام حق تولید کند تا همچون نوبر آفریده‌های او باشیم" (یعقوب ۱: ۱۸).

ما ذاتا گناهکاریم. پولس رسول در رومیان ۸: ۵-۷ می‌گوید:

"آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می‌اندیشند، اما آنان که روحانی‌اند، به آنچه از روح است. طرز فکر انسان نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در حاکمیت روح قرار دارد،

حیات و سلامتی است. زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد" (رومیان ۸: ۵-۷).

پولس از کلمه جسم برای بیان تفکر انسانی استفاده کرد. او از کلمه روح برای امور مربوط به خدا که از طریق روح‌القدس در کتاب بیان شده است استفاده کرد. ما باید بر جسم خود (تفکر شریر انسانی) غلبه کرده و آنرا با تفکر خدایی جایگزین کنیم. اعمال کتاب مقدس در زندگی، ما را به انسان‌هایی با ذهن خدایی تبدیل می‌کند. به این وسیله روح خدا بر ما نیز ظاهر می‌شود. پولس به ایمانداران تعمیدی می‌گوید:

"اما شما نه در حاکمیتِ نَفْس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد و اگر کسی روحِ مسیح را نداشته باشد، او از آنِ مسیح نیست. اما اگر مسیح در شماست، هرچند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است" (رومیان ۸: ۹-۱۰).

در نهایت ما باید به خاطر داشته باشیم که خدا توسط روح خود همه جا حضور دارد و از همه چیز آگاه است و ما هرگز قادر به پنهان کردن گناهان خود از او نیستیم:

"زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده‌تر از هر شمشیر دو دم و چنان نافذ که نَفْس و روح و مفاصل و مغزِ استخوان را نیز جدا می‌کند و سنجشگر افکار و نیت‌های دل است. هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است" (عبرانیان ۴: ۱۲-۱۳).

خلاصه

- روح خدا قدرت اوست که از طریق آن همه چیز را هدایت می‌کند. به واسطه این قدرت جهان خلق شد و زنده نگاه داشته می‌شود.
- خدا به واسطه روح خود همه جا حضور دارد و از همه چیز آگاه است.
- عیسی مسیح توسط روح‌القدس به دنیا آمد. او روح را بدون هیچ محدودیتی دریافت کرد.
- شاگردان نیز عطایای روح‌القدس (یا توانایی‌های خاص) را دریافت کرده که شامل قدرت انجام معجزات و سخن گفتن به زبان‌های گوناگون می‌شد.
- در زمان کتاب مقدس خدا از روح خود جهت برقراری ارتباط با مردم استفاده می‌کرد.
- امروزه خدا از طریق کلامش که همان کتاب مقدس است و توسط قدرتش نوشته شده است با ما سخن می‌گوید.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۱۳۹: ۱-۲) "خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای. تو از نشستن و برخاستنم آگاهی، و اندیشه‌هایم را از دور می‌دانی."

مزامیر ۱۰۴

یوحنا ۱۴

اعمال رسولان ۱۰: ۳۴-۴۳

غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶

درس بیست و یکم: عطایای روح القدس

مطالعه: اعمال رسولان باب ۸

عطایای روح القدس به شاگردان داده می شود

در درس ۲۰ آموختیم که ده روز پس از عروج عیسی مسیح به آسمان در روز پنتیکاست، روح القدس به شاگردان داده شد و دلیل آن به یاد آوردن حرفها و اعمالی بود که مسیح انجام می داد تا آنان نیز بتوانند به همان طریق به مردم تعلیم دهند. شاگردان توانایی انجام معجزات را نیز داشتند (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸). مسیح به آنها اینطور تعلیم داده بود: "در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید" (مرقس ۱۶: ۱۵). این وظیفه بسیار بزرگی بود که آنها می بایست بدون سرورشان انجام می دادند. به طور قطع مردم دوست نداشتند به سخنان افراد کم سواد گوش دهند که درباره مردی بشارت می دهند که پس از سه روز از قبر برخیزانده شده است. همانطور که مسیح برای اثبات اینکه پسر خداست، از معجزات استفاده می کرد، آنان نیز برای اثبات این حقیقت که توسط خدا و عیسی مسیح فرستاده شده اند، از این معجزات بهره می گرفتند. معجزات آنها نشانه ای بود که ثابت کند پیام آنها از سوی خداست. عیسی مسیح قبل از عروج به آسمان به آنها گفت:

"اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان" (اعمال رسولان ۱: ۸).

در مرقس ۱۶: ۲۰ می خوانیم:

"پس ایشان بیرون رفته، در همه جا موعظه می کردند و خداوند با ایشان عمل می کرد و کلام خود را با آیاتی که همراه ایشان بود، ثابت می نمود" (مرقس ۱۶: ۲۰).

روز پنتیکاست

زمانی که شاگردان روح القدس را دریافت کردند به سرعت به سمت اورشلیم رفته و به یهودیانی که برای عید پنتیکاست جمع شده بودند، تعلیم دادند. مردم از کشورهای مختلفی آمده بودند و شاگردان به زبان های آنان سخن می گفتند. همه مبهوت و متعجب شده و به یکدیگر می گفتند:

"پس حیران و بهت زده گفتند: مگر اینها که سخن می گویند جملگی اهل جلیل نیستند؟ پس چگونه هر یک می شنویم که به زبان زادگاه ما سخن می گویند؟" (اعمال رسولان ۲: ۷-۸).

افراد زیادی متوجه شدند که شاگردان به زبان هایی سخن می گفتند که هرگز آن را نیاموخته بودند،

بنابراین می‌دیدند که روح خدا عمل می‌کند. این قدرت سخن گفتن به زبان‌های مختلف به شاگردان کمک می‌کرد تا کلام خدا را به تمامی ملت‌ها تعلیم دهند، بنابراین عطایای روح‌القدس به آنها کمک می‌کرد تا بتوانند کلام را تعلیم دهند.

عطایای روح‌القدس برای برپایی کلیساهای اولیه نیز به کار برده شد

در نتیجه آن تعلیمات در روز پنتیکاست، تا ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند (اعمال رسولان ۲: ۴۱) و این شروع شکل‌گیری کلیساهای مسیحی بود. این گروه بزرگ ایماندار برای پرستش درست خدا به یک راهنما احتیاج داشتند. آنها نمی‌توانستند از عهد جدید بیاموزند، چون هنوز نوشته نشده بود. پس عطایای روح‌القدس به ایمانداران اولیه داده شد تا به آنها در راه‌اندازی کلیساهای اولیه کمک کند.

در اول قرن‌تین ۱۲: ۴-۲۲ پولس رسول نشان داده است که چگونه افراد مختلف، عطایای مختلفی دریافت کردند. او در ادامه خاطر نشان کرد که هر فرد باید در راستای خدمت به دیگران کاری کند. در آیه ۲۸ می‌گوید:

"خدا قرار داد در کلیسا، اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلّمان؛ بعد قدرت معجزات، سپس عطایای شفا دادن و امداد و مدیریت و سخن گفتن به انواع زبانهای غیر" (۱ قرن‌تین ۱۲: ۲۸).

زمان‌های خاص

این یک زمان خاص در راستای تحقق اهداف خدا بود. فقط چند مناسبت این چنینی دیگر در کتاب مقدس وجود دارد که خدا به مردمانش قوت می‌دهد. به همین خاطر است که به افراد انتخاب شده، توانایی و قدرت خاص می‌دهد تا برای انجام کارهای ویژه به آنها کمک کند. تا زمانیکه آن کار ویژه تمام نشود، قدرت و توانایی خاص نیز به پایان نخواهد رسید.

عهد جدید تحت تاثیر الهامات روح‌القدس نوشته شده است. امروزه ما می‌توانیم در عهد جدید درباره زندگی مسیح، آموزه‌های شاگردان و نامه‌هایی که شاگردان به کلیساهای اولیه نوشتند، بخوانیم. اما ایمانداران اولیه که تعمید داشتند هیچ نسخه مکتوبی نداشتند. به همین دلیل به رسولان، انبیا و معلّمان با توانایی‌های خاص نیاز بود.

عطایای روح‌القدس در آن زمان به دلایل زیر به آنها داده شد:

- برای اثبات این حقیقت که کتاب مقدس به درستی تدریس می‌شود.
- برای حمایت از کار بشارتی

- برای پایه گذاری و تاسیس کلیساهای اولیه.
- برای کمک به نوشتن عهد جدید.

زمانی که مسیحیت به ثبت رسید و عهد جدید کامل شد، این عطایا پس گرفته شدند و امروزه هیچ شخصی نمی‌تواند عطایای روح‌القدس را داشته باشد.

شاگردان عطایا را به ایمانداران تعمیدی دادند

ایمانداران تعمیدی عطایا را با گذاشتن دست شاگردان، از آنها دریافت می‌کردند، در اعمال رسولان باب ۸ انجام این کار را توسط پطرس رسول و یوحنا می‌بینیم. ایماندارانی به نام فیلیپس (نه فیلیپس رسول) در سامریه مشغول تعلیم بود. او معجزات زیادی اجرا کرد تا تعلیماتش را ثابت کند (اعمال رسولان ۸: ۶). داستان در جدول زیر ادامه پیدا می‌کند:

نکات	متن کتاب	اعمال رسولان
فیلیپس پیام خوش را بشارت داد (خبر خوش پادشاهی خدا و فداکاری مسیح). افراد زیادی ایمان آوردند و تعمید گرفتند.	اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند.	۱۲:۸
شخصی به نام شمعون ایمان آورد و تعمید گرفت. شمعون یک جادوگر بود (آیه ۹) و با شعبده‌هایش مردم سامری را فریب می‌داد اما از معجزات راستین فیلیپس متحیر شده بود و درک کرد که او از روح خدا قدرت می‌گیرد.	حتی شمعون نیز ایمان آورد و پس از تعمید یافتن پیوسته فیلیپس را همراهی می‌کرد و از دیدن آیات و معجزات عظیم که به ظهور می‌رسید، غرق در حیرت بود.	۱۳:۸

<p>همه رسولان هنوز در اورشلیم بودند (باب ۱ آیه ۱). پطرس و یوحنا برای کمک به فیلیپس باید به سامره می‌رفتند. رسولان دعا کردند که ایمانداران تازه تعمید یافته نیز عطایای روح القدس را دریافت کنند.</p>	<p>چون رسولان در اورشلیم آگاه شدند که سامیریان کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد آنان فرستادند. آن دو به سامیره آمده، برای ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند.</p>	<p>۸: ۱۴-۱۵</p>
<p>با وجود اینکه شمعون و دیگران تعمید گرفته بودند، اما روح القدس را دریافت نکردند. این نشان می‌داد که روح القدس به طور خودکار به همه ایماندارانی که تعمید می‌گرفتند داده نمی‌شد.</p>	<p>زیرا هنوز بر هیچ‌یک از ایشان نازل نشده بود، بلکه تنها به نام عیسی‌ای خداوند تعمید یافته بودند و بس.</p>	<p>۸: ۱۶</p>
<p>ایمانداران تعمیدی جدید، روح القدس را از طریق پطرس و یوحنا (نه از طریق فیلیپس) دریافت کردند.</p>	<p>پس پطرس و یوحنا دستهای خود را بر آنان نهادند و ایشان روح القدس را یافتند.</p>	<p>۸: ۱۷</p>
<p>با وجود اینکه شمعون روح القدس را از رسولان دریافت کرده بود نمی‌توانست آن را به دیگران منتقل کند و او می‌خواست توانایی این کار را بدست آورد.</p>	<p>چون شمعون دید که با دست نهادن رسولان روح القدس عطا می‌شود، مبلغی پیش آورد و به رسولان گفت: به من نیز این اقتدار را ببخشید تا بر هر که دست بگذارم، روح القدس را بیابد.</p>	<p>۸: ۱۸-۱۹</p>
<p>پطرس به او گفت که در اشتباه است که سعی در خریدن عطایای روح القدس دارد. این بدین معنا بود که با وجود اینکه او روح القدس را دارا بود، اما باز هم اشتباه می‌کرد.</p>	<p>پطرس گفت: زرت با خودت نابود باد! زیرا پنداشتی عطای خدا را می‌توان با پول خرید.</p>	<p>۸: ۲۰</p>

از این قسمت می‌آموزیم که به شمعون عطایای روح‌القدس داده شده بود، نمی‌توانست آن را به شخص دیگری بدهد. بطور مشابه فیلیپس هم که دارای توانایی‌های زیادی در انجام معجزات بود، نمی‌توانست آن را به دیگران منتقل کند. در عوض پطرس و یوحنا باید راه زیادی از اورشلیم می‌رفتند تا عطایای روح‌القدس را به نوایمانان تعمیدی بدهند. این امر ثابت می‌کند که تنها افراد اندکی، بلکه فقط رسولان قادر به انتقال عطایای روح‌القدس به دیگران بودند. پس از مرگ آنها، عطایا نمی‌توانست به شخص دیگری منتقل شود. بنابراین بعد از مدتی به آرامی ناپدید شد. امروزه عطایای روح‌القدس وجود ندارد.

کرنلیوس

اعمال رسولان باب ۱۰ نشان می‌دهد که پطرس رسول چگونه توسط خدا آموزش داده شد تا یک یوزباشی رومی که نامش کرنلیوس بود را ملاقات کند. او شخصی بود که برای رستگاری فراخوانده شده بود. تا آن زمان تنها یهودیان تعمید داده شده بودند. زمانی که پطرس با او و غیریهودیان دیگر صحبت می‌کرد، "روح‌القدس بر همه آنان که پیام را شنیدند نازل شد" (اعمال رسولان ۱۰: ۴۴). غیریهودیان شروع به صحبت به زبان‌های دیگر کردند. پطرس و همه کسانی که با او بودند "چون دیدند روح‌القدس حتی بر غیریهودیان نیز فرو ریخته است، در حیرت افتادند" (اعمال رسولان ۱۰: ۴۵). این یک نشانه بزرگ از سوی سرورمان بود که غیریهودیان نیز می‌توانستند مسیحی شوند. به همین خاطر پطرس دریافت که آنان نیز باید با آب تعمید بگیرند.

این تنها موردی است که عطایای روح‌القدس قبل از تعمید به شخصی داده می‌شد. این یک مورد خاص بود که به پطرس نشان می‌داد غیریهودیان نیز می‌توانند تعمید بگیرند. همانطور که باب ۸ اعمال رسولان نشان می‌دهد، عطایا فقط مختص ایمانداران تعمیدی بوده و به صورت خودکار در اثر تعمید به افراد داده نمی‌شد.

پایان هدایا

در انتهای قرن اول مسیحیت پایه‌گذاری شد و نوشتن عهد جدید نیز کامل گردید و بعد از آن خدا توسط کلامش که نوشته شده بود، یعنی کتاب مقدس، مردم را هدایت و راهنمایی می‌کرد. بنابراین عطایای روح‌القدس از آنها گرفته شد. پولس رسول نشان می‌دهد که عطایا موقتی بوده اند. او می‌گوید که آنها داده شدند:

"تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم" (افسیان ۴: ۱۲-۱۳).

عبرانیان ۶: ۵ عطایا را بعنوان "قوات عالم آینده" توصیف می‌کند، که نشان می‌دهد در پادشاهی خدا عطایای بیشتری خواهد بود. بنابراین اگر عطایا پس گرفته شدند، در زمان بازگشت مسیح دوباره داده خواهند شد. پس امروزه ما در زمانی هستیم که آنها وجود ندارند. پولس به قرن‌تین اینگونه نوشت:

"محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد" (۱ قرن‌تین ۱۳: ۸).

آیه ۸ نشان می‌دهد که عطایای روح‌القدس پس گرفته شدند. آیه ۱۳ نشان می‌دهد که ایمان، امید و محبت باقی می‌ماند:

"و حال، این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگترینشان محبت است" (۱ قرن‌تین ۱۳: ۱۳).

بنابراین ما بیشتر از عطایای روح‌القدس، به امید و ایمان نیازمندیم. اما هنگام بازگشت مسیح دیگر به آنها احتیاجی نداریم. (چون امید ما بازگشت مسیح است و ایمان داریم که این اتفاق خواهد افتاد). پس در زمان بین ایام رسولان و بازگشت عیسی مسیح، عطایای روح‌القدس گرفته شده و وجود ندارد. ما نباید از این واقعیت که عطایای روح‌القدس موقتی بودند متعجب شویم. در متی باب ۱۰ می‌خوانیم که مسیح به دوازده شاگردش قدرت انجام معجزات را داد. این قدرت زیاد با آنها نماند. چون در پنتیکاست دوباره به آنها داده شد.

آیا کسی امروزه عطایای روح‌القدس را دارد؟

بعضی ادعا می‌کنند که امروزه عطایا را در اختیار دارند. به خصوص بیشتر افراد ادعا می‌کنند که می‌توانند به زبان‌های غیر صحبت کرده و شفا دهند. چگونه می‌توانیم این ادعا را آزمایش کنیم؟

۱. معجزات در کتاب مقدس همیشه در لحظه صورت می‌گرفت و درست بوده و هرگز با شکست مواجه نمی‌شدند. کوران بینا می‌شدند و شلان قادر به ایستادن بودند و همه به طور کامل درمان می‌شدند. حتی مردگان نیز زنده می‌شدند. اما امروزه هیچ شخصی نمی‌تواند مردگان را زنده کند و معجزاتی همانند مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸ انجام دهد:

"و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود: به نام من دیوها را بیرون خواهند کرد و به زبانهای تازه سخن خواهند گفت و مارها را با دستهایشان خواهند گرفت و هر گاه زهری گشوده بنوشند، گزندگی به آنها نخواهد رسید و دستها بر بیماران خواهند نهاد و آنها شفا خواهند یافت" (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸).

۲. عطایای روح‌القدس برای کمک به کلیساهای واقعی داده شد. همچنین نشان می‌داد که کلیساهای راستین به کلام خدا ایمان داشته و آن را بشارت می‌دهند. امروزه اکثر افرادی که ادعا می‌کنند عطایا را دارند، آموزش‌هایی می‌دهند که در کتاب مقدس تعلیم داده نشده است. بنابراین ادعای آنها بی‌اساس است. مسیح درباره کسانی که به دروغ ادعا می‌کنند که عطایای روح‌القدس را دارند، هشدار جدی می‌دهد (متی ۷: ۲۱-۲۳).

"نه هر که مرا 'سرورم، سرورم' خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آوَرَد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟" اما به آنها به صراحت خواهیم گفت، "هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید ای بدکاران" (متی ۷: ۲۱-۲۳)

عطایای روح‌القدس هرگز مردم را مجبور به کار درست نکرد

افراد خاصی در کتاب مقدس عطایا را از خدا دریافت کردند. اگرچه هیچ کدامشان به خاطر عطایا انسان بهتری نشدند. در عهد عتیق به مردم این عطایا داده شد تا به آنان در ساخت خیمه کمک کند. اما با این وجود آنها از خدا نافرمانی کردند و در صحرا مردند. پولس رسول و پطرس رسول هر دو عطایا را داشتند. اما هرگز برای انجام بهترین چیز با هم موافق نبودند. پولس، پطرس را به نشان دادن مثال‌های اشتباه و به اشتباه انداختن مردم متهم می‌کرد. پس حتی رسولان نیز که عطایا را داشتند اشتباه می‌کردند (غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴). عطایای روح‌القدس هرگز به مردم داده نشد تا آنها به انسان‌هایی عادل تبدیل شوند. ما زمانی عادل محسوب می‌شویم که با اختیار خود راه خدا را انتخاب کرده و آن را اطاعت کنیم. فقط در چند مورد در کتاب، خدا شرایطی مهیا کرد تا مردم قادر به انجام معجزات باشند. حتی افراد بزرگ خدا مانند ابراهیم و داوود هیچ معجزه‌ای نداشتند و با این وجود خدا آنان را عادل معرفی کرد. این تاثیر کلام خدا بر زندگی ماست که می‌تواند ما را تغییر داده تا تبدیل به شخصی شویم که خدا را خشنود می‌سازد.

خدا همچنان در کار است

روح خدا همچنان در کار است. تمام مخلوقات را زنده نگاه داشته است. ایوب ۳۴: ۱۴-۱۵ نشان می‌دهد که اگر حمایت خدا از مخلوقاتش نبود همه چیز از بین می‌رفت. خدا توسط روح خود تمام اتفاقات جهان را کنترل کرده و هدفش را به تحقق می‌رساند و همچنین توسط روح خود پاسخگوی دعای ایمانداران نیز می‌شود. اگرچه خدا دیگر به زنان و مردان توانایی‌های خاص و قدرت روح‌القدس را نمی‌دهد. خدا از طریق کلامش با ما سخن می‌گوید. پس احتیاج به هیچ رابط دیگری نداریم.

خلاصه

- عطایای روح‌القدس به افراد انتخاب شده خاصی در زمانی خاص داده شد تا به آنها برای انجام کارهایی مشخص برای خدا کمک کند.
- وقتی آن کارها به اتمام رسید، قدرت و توانایی‌های خاص نیز به اتمام رسید.
- امروزه هیچ کس عطایای روح‌القدس را ندارد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۱ قرن‌تیاں ۱۳: ۸) "محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد"

(۱ قرن‌تیاں ۱: ۱۲-۱۳)

درس بیست و دوم: گناه و عواقب آن (قسمت اول)

مطالعه: پیدایش باب‌های ۲ و ۳

گناه چیست؟

گناه سرپیچی از فرمان خداست:

"هر کس در گناه زندگی می‌کند برخلاف شریعت عمل می‌کند؛ گناه به‌واقع مخالفت با شریعت است" (۱ یوحنا ۳: ۴).

کتاب بطور واضح نشان می‌دهد که همه گناهکاریم: "پارسایی نیست، حتی یکی" (رومان ۳: ۱۰). عبارتی که کتاب مقدس برای گناه استفاده می‌کند "از دست دادن نشانه" است. یک کماندار ممکن است هنگام پرتاب تیر نشانه‌ای را که در نظر گرفته بود، از دست بدهد. ما نیز همین‌گونه هستیم. وقتی گناه می‌کنیم نشانه را از دست می‌دهیم. نشانه مثال کاملی است که توسط عیسی مسیح برای ما مشخص شده است. او استانداردهای خدا را با روش زندگی خود به ما نشان داد. مثال او هدفی است که باید برای زندگی خود در نظر بگیریم. وقتی از استانداردهای خدا دور می‌شویم گناه می‌کنیم: "زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند" (رومان ۳: ۲۳).

اکثر ما مرتکب جرایم بزرگی از قبیل قتل، زنا و دزدی نشده ایم. پس خود را گناهکار نمی‌دانیم و بر این باوریم که انسان‌های خوبی هستیم و نزد خدا قابل قبولیم. ما خودمان را فریب می‌دهیم. هر وقت که نشانه را از دست بدهیم، چه کم و چه زیاد، گناه کرده ایم. "هر عمل نادرستی گناه است..." (۱ یوحنا ۵: ۱۷). غلاطیان باب ۵ فهرستی از گناهان را فراهم کرده است که شامل خشم، حسد، مستی و تمام ناراستی‌هایی که ما آن را گناه به حساب نمی‌آوریم، می‌شود. باید به هشدارها دقت کنیم. با وجود ادامه این اعمال نمی‌توانیم در پادشاهی خدا حضور داشته باشیم.

"اعمال نَفَس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی و هرزگی؛ بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد" (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱).

گفتن سخن باطل و دروغ نیز گناه محسوب می‌شود:

"اما اکنون باید همهٔ اینها را از خود دور کنید، یعنی خشم، عصبانیت، بدخواهی، ناسزاگویی و سخنان زشت را از دهان خود. به یکدیگر دروغ مگویید، زیرا آن انسانِ قدیم را با کارهایش از تن به در آورده‌اید" (کولسیان ۳: ۸-۹).

وقتی مرتکب این اعمال می‌شویم یعنی گناه کرده‌ایم و بر ضد خدا هستیم. زیرا از فرمان او سرپیچی می‌کنیم. خدا کاملاً بی‌گناه است و ما با گناه کردن، خود را از او جدا می‌کنیم (اشعیا ۵۹: ۲).

گناه فقط اعمال اشتباه نیست، وقتی کار درست را انجام نمی‌دهیم نیز گناه کرده‌ایم.

"بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است" (یعقوب ۴: ۱۷).

خواندن کتاب مقدس، بخشنده بودن و مهربانی، ملاقات بیماران و کمک به دیگران، خدا را خشنود می‌سازد. ما باید تلاش کنیم تا در زندگی خود به خدا جلال بخشیم.

خواسته‌های انسانی (شهوات)

ما به همراه خواسته‌های اساسی برای بقای نسل بشریت در درونمان بدنیا آمده‌ایم. برای مثال احتیاج به حس گرسنگی داریم، اما گرسنگی ما نباید تبدیل به حرص شود. روابط جنسی طبیعی است و قسمتی از ازدواج می‌باشد. اما اگر خواسته‌های ما خارج از غالب ازدواج باشد و به رابطه‌هایی بیرون از ازدواج پناه ببریم، گناه کرده‌ایم. وقتی خودخواه شویم و راه خود را فراموش کنیم، گناه می‌کنیم. ما باید خواسته‌های خود را کنترل کنیم و در غیر اینصورت گمراه می‌شویم:

"از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ حسرت چیزی را می‌خورید، اما آن را به دست نمی‌آورید. از طمع مرتکب قتل می‌شوید، اما باز به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید. جنگ و جدال بر پا می‌کنید، اما به دست نمی‌آورید، از آن رو که درخواست نمی‌کنید. آنگاه نیز که درخواست می‌کنید، نمی‌یابید، زیرا با نیت بد درخواست می‌کنید تا صرف هوس رانیهای خود کنید. ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیا است، خود را دشمن خدا می‌سازد" (یعقوب ۴: ۱-۴).

ما باید خود را همانطور که خدا می بیند ببینیم.

"همه راههای انسان در نظر خودش درست است اما خداوند است که دلها را می آزماید" (امثال ۲: ۲۱).

"دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار بیمار..." (ارمیا ۱۷: ۹).

تنها زمانی متوجه نیاز خود به رستگاری می شویم که به گناهکار بودن خود پی برده باشیم.

گناه از کجا به وجود آمد؟

ابتدا خدا اولین مرد، یعنی آدم را خلق کرد. او از خاک زمین شکل گرفت.

"آنگاه یهوه خدا آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی او نفس حیات دمید و آدم موجودی زنده شد" (پیدایش ۲: ۷).

خدا آدم را در باغ زیبای عدن قرار داد و برای او همسری آورد. خدا به آدم تنها یک دستور ساده داد:

"و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد" (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

آدم و حوا برای پیروی از فرمان خدا قدرت انتخاب داشتند. آنها می توانستند ایمان به خدا را انتخاب کنند و یا از فرمان او سرپیچی کرده و میوه درخت ممنوعه را بخورند. آنها با قدرت اختیار خلق شده بودند. خدا صرفاً عروسکی بدون قدرت اختیار خلق نکرد. هدف خدا این بود که آنها راه او را با قدرت خود و از روی عشق و احترام انتخاب کنند. مار تنها یک حیوان بود که خدا به او اجازه صحبت داد. او به حوا دروغ گفت، مار به آنها گفت که اگر میوه ممنوعه را بخورند، نخواهند مرد و در عوض همانند خدا عارف نیک و بد خواهند شد. مار برای خوردن میوه به حوا اصرار نکرد. آدم و حوا هر دو قدرت اختیار داشتند. نافرمانی از خدا و خوردن میوه ممنوعه انتخاب خودشان بود. بنابراین مرتکب گناه شدند.

مرگ مجازات گناه است

خدا به آدم گفته بود که اگر سرپیچی کند با مرگ مجازات می شود. پس هر دو محکوم به مرگ شدند. آدم و حوا طی مرور زمان تبدیل به موجوداتی فانی شدند و پس از آن کار سخت و خستگی را تجربه کردند و قبل از مرگ از بیماری رنج بردند. مرگ آدم هیچ تفاوتی با مرگ ما نداشت. ما همه از نوادگان آدم هستیم و ذات او را داریم و ما نیز به خاطر گناهانمان می میریم:

"پس، همان گونه که گناه به واسطهٔ یک انسان وارد جهان شد و به واسطهٔ گناه، مرگ آمد و بدین سان مرگ دامنگیر همهٔ آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند" (رومیان ۵: ۱۲).

مرگ چیست؟

بعد از گناه آدم، خدا گفت: ".... تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی؛ چرا که تو خاک هستی و به خاک بازخواهی گشت" (پیدایش ۳: ۱۹). خدا آدم را از خاک زمین ساخت. پس از مرگ آدم و حوا بدنشان پوسیده شده و به خاک تبدیل شد. هیچ بخشی از بدنشان به حیات خود ادامه نداد. مرگ مجازات خدا برای گناه و همچنین پایان زندگی می‌باشد. آیات زیر نشان می‌دهد که زمان مرگ ما چه اتفاقاتی می‌افتد. این آیات نشان می‌دهد کسانی که مردند نمی‌توانند فکر کرده و چیزی را حس کنند. آنها دیگر وجود ندارند.

آیات	متن
مزامیر ۱۴۶: ۴	چون روح او بیرون می‌رود، او به خاک برمی‌گردد و در همان روز تدبیرهایش نابود می‌شود.
جامعه ۹: ۵	از آن رو که زندگان می‌دانند که خواهند مرد، اما مردگان هیچ نمی‌دانند و ایشان را دیگر پاداشی نیست، زیرا که یادشان فراموش می‌شود.
مزامیر ۶: ۵	زیرا مردگان، تو را یاد نتوانند کرد. کیست که درهاویه تو را بستاید؟
مزامیر ۳۹: ۱۳	دیده از من بگیر، تا دیگر بار لبخند بر لبان آرم پیش از آنکه رخت بریندم و دیگر نباشم.
مزامیر ۱۱۵: ۱۷	مردگان نیستند که خداوند را می‌ستایند و نه آنان که به دیار خاموشی فرو می‌روند.

وقتی خدا حزقیای پادشاه را از مرگش مطلع ساخت او بسیار غمگین شد. او می‌خواست زنده بماند چون می‌دانست در مرگ نابودی است. او گفت:

"زیرا که هاویه سپاس تو نتواند گفت و مرگ تو را نتواند ستود. آنان که به گودال فرو می‌شوند به امانت تو امید نتوانند داشت" (اشعیا ۳۸: ۱۸).

حزقیای می‌دانست که پس از مرگش قادر به ستایش خدا نخواهد بود. به همین خاطر در آیه ۱۹ گفت: "زندگان، آری زندگانند که تو را سپاس می‌گویند".

به ما گفته نشده که داوود پادشاه بعد از مرگش به آسمان رفت (اعمال رسولان ۲: ۳۴). با وجود اینکه او **دلخواه خدا**^۵ خوانده شده بود. هیچ کدام از ما پس از مرگ به آسمان نمی‌رویم. ما به قبر می‌رویم، جایی که جسم مان پوسیده می‌شود.

هیچ "روح فناپذیری" وجود ندارد

کلمه روح اغلب در کتاب مقدس به چشم می‌خورد. افراد زیادی به اشتباه بر این باورند که قسمتی از آنان هرگز نمی‌میرد (و آن را روح می‌نامند). آنها اعتقاد دارند روح‌شان پس از مرگ به آسمان می‌رود و گمان می‌کنند که روح فناپذیر است (نمی‌میرد). اما کتاب مقدس هرگز از روح فناپذیر سخن نگفته است. واژه "روح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی‌شود، هیچ جاودانگی و یا "جرقه‌ای خدایی" در انسان‌ها وجود ندارد. هیچ بخشی از انسان وجود ندارد که پس از مرگ به زندگی ادامه دهد. تنها بدن انسان است و پس از مرگ بدن زنده نمی‌ماند. آیاتی که در بالا دیدید این موضوع را نشان می‌دهد.

همه این‌ها چیزی را که در جامعه ۳: ۱۹-۲۰ به ما گفته شده است را ثابت می‌کند:

"زیرا که وقایع بنی آدم مثل وقایع بهایم است برای ایشان یک واقعه است؛ چنانکه این می‌میرد به همانطور آن نیز می‌میرد و برای همه یک نفس است و انسان بر بهایم برتری ندارد چونکه همه باطل هستند. همه به یکجا می‌روند و همه از خاک هستند و همه به خاک رجوع می‌نمایند" (جامعه ۳: ۱۹-۲۰).

میان مرگ یک انسان و حیوان هیچ تفاوتی وجود ندارد. مرگ پایان زندگی برای هر دوی آنهاست. پس از مرگ هیچ کدام از آنها وجود ندارند.

همه ما به خاطر گناه به مرگ محکومیم. پس از مرگ زندگی نمی‌کنیم. بعضی بر این باورند که روحشان پس از مرگ وارد جسم یک شخص دیگر و یا یک حیوان و یا یک شی می‌شود. این از تعالیم

^۵دلخواه خدا (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲)، موافق دل خدا (۱ سموئیل ۱۳: ۱۴)

کتاب مقدس نیست. اگر بعد از مرگ حیاتی وجود داشت، پس هیچ نیازی به فداکاری مسیح برای ما نبود. اما کتاب مقدس به ما می‌گوید که ما به غیر از مسیح هیچ امید زندگی نداریم. اگر این واقعیت را درک نکنیم پس هرگز متوجه عذابی که مسیح بخاطر ما متحمل شد نمی‌شویم. مسیح مرد تا ما را از مرگ رهایی بخشد.

خلاصه:

- گناه سرپیچی از فرامین خدا و شکست خوردن در راه درست اوست.
- خدا آدم را از خاک زمین آفرید، در بینی او دمید تا به او زندگی بخشد.
- خدا به آدم یک فرمان داد. آدم و حوا با قدرت اختیار خلق شدند و قابلیت انتخاب در اطاعت کردن از خدا را داشتند.
- آدم و حوا از خدا سرپیچی کرده و تبدیل به موجودات فانی شدند. مرگ مجازات گناه است.
- ما همه از نوادگان آدم بوده و ذات او را به ارث برده‌ایم. همه گناهکار و لایق مرگ می‌باشیم.
- مرگ پایان زندگیست. مردگان قادر به تفکر و یا احساس کردن نیستند. هیچ قسمتی از انسان بعد از مرگ به زندگی ادامه نمی‌دهد.
- عبارت "روح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی‌شود.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۱۴۶: ۴) "چون روح او بیرون می‌رود، او به خاک برمی‌گردد و در همان روز تدبیرهایش نابود می‌شود."

(اشعیا باب ۳۸)



درس بیست و سوم: گناه و عواقب آن (قسمت دوم)

مطالعه: اعمال رسولان باب ۲

پس از مرگ چه اتفاقی می‌افتد؟

- عقاید زیادی در مورد اتفاقات پس از مرگ وجود دارد. در اینجا چند نمونه را می‌بینید:
- برخی به تناسخ در جسمی تازه معتقدند (به این معنی که انسان‌ها در جسم شخص دیگر و یا چیز دیگری زندگی می‌کنند).
- برخی بر این باورند که انسانهای خوب به بهشت می‌روند و شریران برای همیشه در جهنم عذاب می‌کشند.
- برخی معتقدند که مرگ انتهاست و بعد از آن هیچ امیدی نیست.
- برخی معتقدند که روزی می‌آید که مردگان برخیزانده شده و داوری می‌شوند و به ایمانداران زندگی جاودان داده می‌شود.

کتاب مقدس چه می‌گوید؟

مرگ مجازات گناه و پایان زندگی و آگاهی انسان می‌باشد. کسی که می‌میرد، دیگر قادر به تفکر و یا احساس کردن چیزی نیست. پس از مرگ، شخص دیگر وجود ندارد و هیچ قسمت از بدنش به زندگی ادامه نمی‌دهد:

"از آن رو که زندگان می‌دانند که خواهند مرد، اما مردگان هیچ نمی‌دانند و ایشان را دیگر پاداشی نیست، زیرا که یادشان فراموش می‌شود. دیری نمی‌پاید که از محبت و نفرت و حسادتشان هیچ اثری باقی نمی‌ماند و دیگر تا به ابد در هر آنچه زیر آفتاب رُخ می‌دهد سهمی نخواهند داشت" (جامعه ۹: ۵-۶).

به نکات زیر در متن دقت کنید:

- مردگان هیچ نمی‌دانند.
- برای آنها دیگر پاداشی نیست.
- یاد ایشان فراموش می‌شود.
- هم محبت، هم نفرت و هم حسد ایشان نابود شده است.
- در هیچ کدام از فعالیت‌های انسانی دیگر شرکت نخواهند کرد.

کتاب مقدس بطور واضح نشان می‌دهد که مرگ، پایان زندگی است. اما آیا بدین معناست که بعد از قبر هیچ امید دیگری وجود ندارد؟

وعده رستاخیز و زندگی جاودان

امیدی وجود دارد که تنها از طریق عیسی مسیح به حقیقت می‌پیوندد. مسیح می‌گوید:

"... زیرا اگر ایمان نیاورید که من هستم در گناهانتان خواهید مرد" (یوحنا ۸: ۲۴).

ما به سبب زندگی عاری از گناه مسیح و مرگ او، می‌توانیم امید زندگی پس از مرگ را داشته باشیم.

"زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد. زیرا خدا پسر را به جهان فرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند" (یوحنا ۳: ۱۶-۱۷).

ما چون گناه می‌کنیم، می‌میریم. اما گناهانمان از طریق مسیح بخشیده می‌شود. کسی که اینگونه توصیف شده است: "این است بره خدا که گناه از جهان بر می‌دارد" (یوحنا ۱: ۲۹). زمانی که گناهانمان کاملاً بخشیده شود، نخواهیم مرد و همانند مسیح از مردگان برخیزانده شده و زندگی جاودان را دریافت خواهیم کرد.

یوحنا ۶: ۳۹-۴۴ را بخوانید. عیسی مسیح در این آیات سه بار از برخیزانده شدن مردگان در "روز آخر" (زمانی که به زمین بازمی‌گردد) سخن گفت. به آیه ۴۰ دقت کنید:

"زیرا اراده پدر من این است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، از حیات جاویدان برخوردار شود و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید" (یوحنا ۶: ۴۰).

افراد درستکار در پادشاهی خدا صاحب حیات جاودان می‌شوند و عیسی مسیح به آنان می‌گوید:

"بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من و پادشاهی‌ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود" (متی ۲۵: ۳۴).

امید مسیحیان، برخیزانده شدن از مردگان و داشتن حیات جاودان در پادشاهی خدا در زمان بازگشت مسیح است.

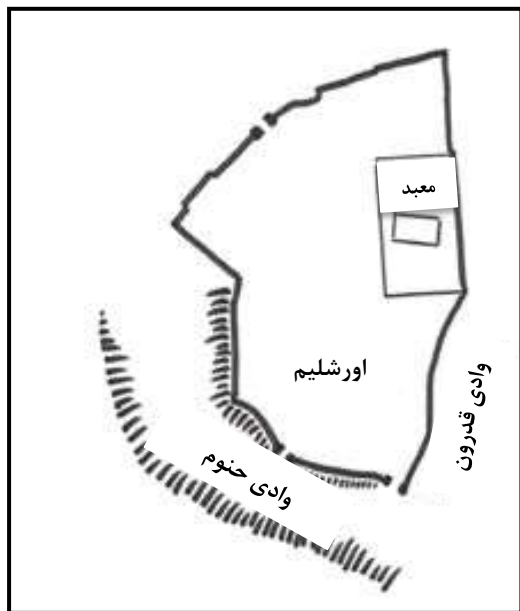
جهنم چیست؟

همانطور که می‌دانیم پس از مرگ زندگی انسان‌ها متوقف می‌شود. از آن جایی که افراد مرده قدرت درک و یا حس کردن چیزی را ندارند، بنابراین نمی‌توانند با عذاب در جهنم زجر بکشند. پس منظور کتاب مقدس از کلمه "جهنم" چیست؟ دو کلمه یونانی در عهد جدید به معنای جهنم ترجمه شده اند. یکی "جهننا" و دیگری "حادس" است. این دو کلمه معنای متفاوتی دارند ولی هیچ کدام از آنها به معنای جایی که شریران پس از مرگ در آن عذاب بکشند نیست.

۱. جهننا:

جهننا بعنوان سمبلی برای نابودی کامل شریران است. اما محلی برای عذاب آنها نیست. افرادی که در داوری مسیح پذیرفته نشوند برای همیشه عذاب نمی‌کشند.

کلمه جهننا در کتاب مقدس نباید به معنی جهنم ترجمه شود. جهننا مکانی است در خارج از اورشلیم و به معنی "وادی پسران حنوم" می‌باشد (اشعیا ۱۵: ۸). این دره توسط یهودیان کاملاً شناخته شده بود. در آن مکان شرارت‌های زیادی وجود داشت. مکانی بود که بعضی از پادشاهان یهود فرزندان خود را بجهت قربانی کردن برای بت‌ها می‌سوزاندند. (۲ پادشاهان ۲۳: ۱۰، ۲ تواریخ ۲۸: ۳ و ارمیا ۳۲: ۳۵). اینگونه خدا مردم یهود را در آنجا مجازات کرد (ارمیا ۷: ۳۰-۳۴). در زمان مسیح، وادی حنوم، مکانی بود که یهودیان زباله‌ها، اجساد، انسانها و حیوانات و مجرمین را در آن می‌سوزاندند. عیسی مسیح با جمع‌آوری تمامی این ایده‌ها، کلمه "جهننا" را بکار برد تا سمبلی برای از بین رفتن کامل شرارت باشد.



مرقس ۹: ۴۳-۴۸ "گر دست تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن. زیرا تو را بهتر آن است که علیل به حیات راه یابی تا آنکه با دو دست به دوزخ روی، به آتشی که هرگز خاموش نمی‌شود. جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد و اگر پایت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن. زیرا تو را بهتر آن است که لنگ به حیات راه یابی، تا آنکه با دو پا به دوزخ افکنده شوی. جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد و اگر چشمت تو را می‌لغزاند، آن را به در آر، زیرا تو را بهتر آن است که با یک چشم به پادشاهی خدا راه یابی، تا آنکه با دو چشم به دوزخ افکنده شوی، جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد."

کلمه "جهنم" در مرقس ۹: ۴۳-۴۸ همان کلمه "جهنما" است. زبان استفاده شده در این قسمت مردم را به اشتباه می‌اندازد و به اشتباه اینگونه برداشت می‌شود که وقتی ظالمان می‌میرند مجازات شده و برای همیشه می‌سوزند. ما می‌دانیم که این حقیقت ندارد، چون مردگان نمی‌توانند چیزی را حس کنند و دیگر وجود ندارند.

آتشی که در میان این دره بود به دلیل زیاد بودن زباله‌ها هرگز خاموش نمی‌شد. اما یک کاغذ هرگز برای همیشه نمی‌سوزد و در عرض چند دقیقه سوختنش متوقف شده و از بین می‌رود. اگرچه آتش همچنان زباله‌ها را می‌سوزاند و خاموش نمی‌شود. هرچه زباله بیشتری اضافه شود آتش بیشتر دوام می‌آورد. "جهنما" بعنوان نمادی برای نابودی کامل شرارت است و مسیح هم هرگز نگفت که شیران برای همیشه می‌سوزند.

مرقس باب ۹ از نظر معنای لغوی درست نیست. زیرا مسیح هرگز نمی‌پذیرد که کسی چشم خود را در آورد، حتی اگر باعث گناه شود. مسیح از زبان تصویری استفاده کرده است. اما منظور او چه بود؟

کسی که وسوسه دزدی در او به وجود آمده لازم نیست دستش را قطع کند، اما باید آمادگی ایجاد تغییرات جدی برای دوری از وسوسه دزدی را داشته باشد. اگر به دزدی ادامه دهد در پادشاهی نخواهد بود. او هنگام بازگشت مسیح در روز داوری رد شده و برای همیشه خواهد مرد. او هرگز دوباره زندگی نخواهد کرد و نابودی‌اش کامل می‌شود.

به طور مشابه شخصی که با شهوت به زن دیگران نگاه می‌کند نباید چشمش را در بیاورد، بلکه باید سعی در از بین بردن آن شهوت از زندگی خود داشته باشد. این بدین معناست که او باید محل کار و یا

زندگیش را تغییر داده تا دیگر با آن زن روبرو نشود. ممکن است به اندازه در آوردن چشم سخت باشد ولی از نپذیرفته شدن در داوری حتما بهتر است. اگر رد شود کاملا نابود می‌شود. دقیقا همانند زبانه‌هایی که در وادی حنوم سوخته می‌شوند. عیسی مسیح از زبان تصویری استفاده می‌کرد تا اهمیت از بین بردن وسوسه در زندگی را به ما ثابت کند.

"که هر چند شیرین چون علف برویندو بدکاران جملگی بشکفند، برای این است که تا به ابد هلاک گردند" (مزامیر ۹۲: ۷).

۲. حادس:

این کلمه یونانی به "قبر" یا مکانی که مردگان در آن دفن می‌شوند اشاره دارد. این کلمه در ترجمه فارسی کتاب مقدس به روش‌های متفاوت ترجمه شده است. برای مثال در جدول زیر سه آیه متفاوت آورده شده است و در هر سه آیه کلمه حادس به سه روش متفاوت ترجمه شده است.

۱ قرن تیان ۱۵: ۵۵	اعمال رسولان ۲: ۲۷	لوقا ۱۶: ۲۳
ای گور، پیروزی تو کجاست؟ و ای مرگ، نیش تو کجا؟	زیرا جانم را در هاویه ^۶ و نخواهی نهاد و نخواهی گذاشت سرسپرده ^۶ تو فساد ببیند.	اما چون چشم در جهان مردگان گشود، خود را در عذاب یافت. از دور، ابراهیم را دید و ایلعازر را در جوارش.

بعضی از انسان‌ها اشتباه برداشت کرده و فکر می‌کنند کلمه حادس به معنای جهنم است. اما در واقع این کلمه در زبان یونانی به معنای قبر می‌باشد. کلمه یونانی "حادس" و کلمه عبری "شئول" در عهد عتیق معنایی مشابه دارند.

شئول

شئول کلمه‌ای عبری می‌باشد و همانند کلمه یونانی حادس به معنای "قبر" و یا "گودال" است. این کلمه نیز بعضی اوقات در عهد عتیق "هاویه" ترجمه شده است. بعنوان مثال در مزامیر ۱۶: ۱۰ داریم:

"زیرا جانم را در هاویه^۶ و نخواهی نهاد و نخواهی گذاشت سرسپرده^۶ تو فساد را ببیند" (مزامیر ۱۶: ۱۰).

۶ کلمه "هاویه" در فرهنگ لغت فارسی به معنای "جهنم" یا "دوزخ" می‌باشد.

اما این ترجمه اشتباه می باشد. زیرا این کلمه عبری در اصل به معنای قبر می باشد.

در مزامیر ۴۹: ۱۵ نویسنده اطمینان حاصل می کند که خدا او را از مردگان برخواهد خیزاند:

"اما خدا جان مرا از جنگال **هاویه** فدیة خواهد داد، و مرا نزد خود خواهد پذیرفت. سیلاه"
(مزامیر ۴۹: ۱۵).

باز هم کلمه شئول در اینجا هاویه ترجمه شده که نمی تواند درست باشد. زیرا این شخص یکی از خادمین ایماندار خدا است و اعتقاد دارد که خدا او را از شئول بیرون خواهد آورد. بنابراین این کلمه نمی تواند به معنای مکانی پر از آتش باشد که شیران در آنجا تا ابد شکنجه می شوند. این کلمه به معنای قبر است. زیرا آن مرد نیز می دانست پس از مرگ به آنجا (قبر) خواهد رفت.

نگاهی دقیق تر بر اعمال رسولان ۲: ۲۷

"زیرا جانم را در **هاویه** وا نخواهی نهاد، و نخواهی گذاشت سرسپرده تو فساد ببیند" (اعمال رسولان ۲: ۲۷).

معنی این آیه چیست؟ این آیه توسط پطرس رسول پس از صعود مسیح به آسمان گفته شد. او از کلام داوود پادشاه در مزامیر باب ۱۹ استفاده کرد. پطرس توضیح داد که داوود برخاستن مسیح از مردگان را پیش بینی می کرد:

"پس آینده را پیشاپیش دیده، درباره رستاخیز مسیح گفت که جان او درهاویه وا نهاده نشود و پیکرش نیز فساد نبیند" (اعمال رسولان ۲: ۳۱).

به داوود الهام شده بود تا بنویسد که مسیح در هاویه^۷ باقی نمی ماند. او از مردگان برخیزانده خواهد شد و بدن او پوسیده نخواهد شد. مسیح برای سه روز در قبر ماند. وقتی می دانیم مسیح پس از مرگ آنجا بود پس چگونه هاویه می تواند مکانی باشد که گناهکاران در آن مجازات می شوند؟ خواندیم که بدن او در مقبره گذاشته شد. پس باز اثباتی است برای این واقعیت که کلمه هاویه در این آیه "قبر" است.

در مکاشفه ۲۰: ۱۳ تصویری از رستاخیز و داوری وجود دارد که می گوید:

^۷ کلمه اصلی در این آیه به زبان یونانی "حادس" می باشد که به هاویه ترجمه شده است و هاویه نیز در فرهنگ لغت فارسی به معنای جهنم یا دوزخ می باشد.

"دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهانِ مردگان^۸ نیز مردگان خود را پس دادند و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد" (مکاشفه ۲۰: ۱۳).

می‌بینیم که در جهانِ مردگان، مرگ وجود دارد. گاهی مردم اینطور فکر می‌کنند جهانِ مردگان جایی تاریک است و ارواح در آنجا قرار دارند. اما می‌دانیم که این درست نیست. چون کتاب مقدس به ما می‌گوید که "مردگان هیچ نمی‌دانند" (جامعه ۹: ۵). آنها هیچ آگاهی از محیط اطراف خود ندارند. همانطور که دیدیم جهانِ مردگان برابر با همان کلمه یونانی قبر است.

جهنم		
شئول	حادس	جهنا
کلمه‌ای در عهد عتیق، اشاره به قبر	کلمه‌ای در عهد جدید، به معنای قبر	کلمه‌ای در عهد جدید، به معنی وادی حنوم. مکانی بیرون از اورشلیم بعنوان نمادی برای نابودی شرارت استفاده شد

^۸ کلمه ای که در زبان یونانی به کار برده شده است "حادس" می باشد که در اینجا "جهانِ مردگان" ترجمه شده است.

خلاصه:

- کتاب مقدس به ما می‌آموزد که مرگ پایان زندگی و آگاهیست.
- هنگام بازگشت مسیح ... مردگان برخیزانده شده و به ایمانداران واقعی زندگی جاودان بر روی زمین داده خواهد شد.
- جهنم (گرفته شده از شئول یا حادس) به قبر اشاره دارد. مکانی که مردگان سوزانده می‌شوند.
- جهنما نباید به معنی جهنم در کتاب مقدس بکار رود زیرا فقط نام مکانی خارج از اورشلیم است. مکانی بود که نشانه شرارت و مجازات خدا در میان یهودیان بود. در زمان مسیح مکانی بود که زباله‌های شهری، جسد انسانها، حیوانات و مجرمان در آن سوزانده می‌شد.
- جهنما بعنوان نمادی از نابودی کامل شرارت استفاده شده است.

آیاتی برای مطالعه:

(۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۲۲-۲۳) "زیرا همان گونه که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هر کس به نوبهٔ خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند."

(۱ قرن‌تیاں باب ۱۵)

(۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۰).

پرسش‌های بخش ششم

درس ۲۰: روح القدس خدا

۱-۲۰ جاهای خالی را پر کنید، ممکن است در بعضی موارد به بیشتر از یک کلمه نیاز داشته باشید.

شیخ مقدس به _____ القدس نیز معروف است. این ق _____ خداست. خدا از روح خود استفاده کرد تا آسمان‌ها و زمین را _____. خدا از روح خود استفاده کرد تا ذهن کسانی را که کتاب مقدس را نوشتند، هدایت کند. این امر به نام ا _____ شناخته می‌شود. مسیح با قدرت روح القدس بر _____ به دنیا آمد. روح القدس در زمان ت _____ به او داده شد. مسیح از این قدرت برای اجرای _____ استفاده کرد. _____ تسلی دهنده بود و آمد تا به _____ تدریس کند و تمام کارها و گفته‌های مسیح در طول زندگیش بر روی زمین را برای آنها یادآوری کند. ما در مورد داده شدن روح القدس به رسولان در اعمال رسولان باب _____ می‌خوانیم. روح القدس زمانی به آنان داده شد که عیسی مسیح به _____ عروج کرده بود.

۲-۲۰ آیا روح القدس یک انسان است؟

۳-۲۰ توضیح دهید که چرا خواندن کتاب مقدس راهی است که ما می‌توانیم از طریق آن روح القدس را دریافت کنیم.

۴-۲۰ آیا اعتقاد دارید که روح القدس بر زندگی شما تاثیر گذاشته است؟ اگر جوابتان مثبت است چگونه؟

درس ۲۱: عطایای روح القدس

۱-۲۱ الف) زمانی که در روز پنتیکاست روح القدس به شاگردان داده شد، آنها توانایی انجام چه کاری را به دست آوردند؟

ب) مردم اورشلیم در آن زمان چگونه از این موضوع استفاده کردند؟

۲-۲۱ الف) چرا عطایای روح القدس در قرن اول داده شد؟

ب) عطایا تا چه مدت باقی ماندند؟

۳-۲۱ منظور از هدیه سخن گفتن به زبانها چیست؟

۴-۲۱ چه کسانی قابلیت انتقال عطایای روح القدس به دیگران را داشتند؟

۵-۲۱ آیا معتقدید که عطایای روح القدس امروزه نیز وجود دارند؟

۶-۲۱ چه چیز از همه عطایا مهم تر است (۱ قرن تیان باب ۱۳)؟

۷-۲۱ خدا امروزه چگونه با روحش عمل می کند؟ با بله و خیر جواب دهید.

الف) خدا به دعاهاى ایمانداران پاسخ می دهد.

ب) خدا به انسانها قدرت انجام معجزات را می دهد.

پ) خدا خلقتش را زنده نگاه می دارد.

ت) خدا اتفاقات دنیا را کنترل می‌کند.

ث) انسانها به زبانهای مختلف سخن می‌گویند.

۸-۲۱ ما امروزه چه چیزی برای راهنمایی در اختیار داریم که مسیحیان اولیه از آن محروم بودند؟

درس ۲۲: گناه و عواقب آن (قسمت اول)

۱-۲۲ آدم چگونه خلق شد؟

۲-۲۲ آیا مار حوا را مجبور به خوردن میوه درخت ممنوعه کرد؟

۳-۲۲ همانند ما، آدم و عیسی نیز قدرت انتخاب داشتند. آنها می‌توانستند به فرامین خدا گوش کنند یا از آن سرپیچی کنند.

الف) چرا آدم نافرمانی کرد؟

ب) چرا مسیح اطاعت کرد؟

۴-۲۲ مجازات آدم به دلیل سرپیچی از خدا چه بود؟

۵-۲۲ منظور کتاب مقدس از گناه چیست؟

۶-۲۲ از گناهانی که ایمانداران ممکن است برای انجام آن وسوسه شوند چند مثال بزنید؟

۷-۲۲ آیا انسان‌ها روح فناپذیر دارند؟

درس ۲۳: گناه و عواقب آن (قسمت دوم)

۱-۲۳ چرا همه مردان و زنان می‌میرند؟

۲-۲۳ وقتی کسی می‌میرد چه اتفاقی برای او می‌افتد؟

۳-۲۳ آیا هیچ قسمتی از انسان پس از مرگ به زندگی ادامه می‌دهد؟

۴-۲۳ آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟ اگر موافقید پاسخ دهید:

الف) در کجا خواهد بود؟

ب) چه زمانی خواهد بود؟

پ) چگونه می‌توانیم در آن سهیم باشیم؟

۵-۲۳ کلمه "جهنما" گاهی به معنای "جهنم" ترجمه شده است و گاهی معنای مختلفی دارد.

معنای دیگر آن چیست؟

۶-۲۳ کتاب مقدس می‌گوید مسیح در هاویه بود (اعمال رسولان ۲: ۳۱). منظور چیست؟

۷-۲۳ الف) چرا در وادی حنوم در زمان مسیح همیشه آتش روشن بود؟

ب) مسیح از آن برای نمایش چه چیزی استفاده کرد؟

آیا آتشی برای عذاب شرارت پس از مرگ وجود دارد؟

۸-۲۳ چرا مرگ مسیح برای ما مهم است؟

۹-۲۳ مرگ مسیح چه تاثیری بر شیوه زندگی ما دارد؟

درس بیست و چهارم: فیض، عامل نجات

مطالعه: رومیان باب ۵

فیض

فیض خدا محبت رایگانی است که به بندگانش عطا فرموده و هیچ انسانی شایسته فیض خدا نیست. هدیه خدا با آوردن عیسی مسیح برای بخشش گناهان و نجات نشان داده شده است.

"اما خدا محبت خود را به ما این‌گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد" (رومیان ۵: ۸).

فیض خدا، لطف اوست که هیچ یک از ما لایق آن نیستیم.

خدا فیض خود را به پولس رسول نیز نشان داد. با وجود اینکه او مسیحیان را آزار می‌داد اما خدا او را بخشید (اعمال رسولان ۸: ۳). پولس بعدها نوشت:

"زیرا من در میان رسولان کمترینم و حتی شایسته نیستم رسول خوانده شوم، چرا که کلیسای خدا را آزار می‌رسانیدم. اما به فیض خدا آنچه هستم، هستم و فیض او نسبت به من بی‌ثمر نبوده است. برعکس، من از همه آنها سخت‌تر کار کردم، اما نه خودم، بلکه آن فیض خدا که با من است" (۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۹-۱۰).

فکر اشتباه

افراد زیادی بر این باورند که با اعمال خود می‌توانند نجات را دریافت کنند. این حقیقت ندارد. پولس رسول گفت با وجود اینکه در راه مسیح اعمال زیادی انجام دادم اما می‌دانست که این اعمال او را نجات نخواهند داد. رستگاری هدیه خدا است و هدیه دریافت نمی‌شود اما مزد دریافت می‌شود. پولس به ما گفت که ما مرگ را نیز دریافت می‌کنیم:

"زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است" (رومیان ۶: ۲۳).

همانطور که قبلاً خواندیم همه ما به خاطر گناهانمان لایق مرگ هستیم. اما خدا توسط فیض خود رستگاری را برای ما به ارمغان آورد. خدا رستگاری را در قبال انجام کارهای خوب در زندگی‌مان به ما

نمی‌دهد. اعمال و رفتار پسندیده ما، برکت خدا را دریافت نمی‌کند. چون تنها بخشش گناهان و زندگی جاودان عطایای خداست. این دو به هیچ وجه دریافت و یا خریده نمی‌شوند:

"خدا ما را نجات داده و به زندگی مقدّس فرا خوانده است. این نه به سبب اعمال ما، بلکه به خاطر قصد و فیض خود اوست، فیضی که در مسیح عیسی از ایام ازل به ما عطا شده بود" (۲ تیموتائوس ۱: ۹).

پولس رسول می‌گوید:

"زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست - و نه از اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد" (افسیسیان ۲: ۸-۹).

افسیسیان ۱: ۷ توضیح می‌دهد:

"در او، ما به واسطه خون وی رهایی یافته‌ایم، که این همان آمرزش گناهان است، که آن را به اندازه غنای فیض خود" (افسیسیان ۱: ۷).

پولس رسول خدا را برای این هدیه، یعنی عیسی مسیح، که می‌تواند ما را از گناهان نجات دهد، شکر می‌گوید:

"سپاس بر خدا برای عطای وصف ناپذیرش" (۲ قرنتیان ۹: ۱۵).

اهمیت ایمان

پولس در افسسیسیان ۲: ۸ (که در بالا آمده) به ما می‌گوید که "به وسیله ایمان" و توسط فیض خدا نجات یافته‌ایم. این بدین معنی است که ما فقط به شرط داشتن ایمان به خدا نجات خواهیم یافت. عبرانیان ۱۱: ۶ به ما می‌گوید:

"و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد" (عبرانیان ۱۱: ۶).

کلمات ایمان و اعتقاد در عهد جدید، از یک ریشه یونانی می‌آید و بنابراین معنی مشابهی دارند که اعتماد را در بر دارد. این امر در فهم کلمه ایمان که در کتاب مقدس استفاده شده است به ما کمک می‌کند. ایمان داشتن به خدا به معنای باور داشتن و اعتماد به او و وعده‌هایش است به همین خاطر ما تمام زندگی خود را با اعتماد کامل به خدا می‌سپاریم. درست همانند کودکی که به پدرش وابسته است ما نیز باید یاد بگیریم که در هر چیزی به خدا اعتماد کنیم.

ایمان، اعتقاد و اعتماد به خداست که در نهایت منجر به اعتماد کامل به او و وعده‌هایش می‌شود.

در درس ۱۲ به دو مثال از ایمان شگفت‌انگیز ابراهیم پرداختیم. در مثال اول ابراهیم به خدا اعتماد کرد و بدون اینکه بداند به کجا می‌رود سرزمین خود را ترک کرد. در مثال دوم ابراهیم در حال آماده شدن برای قربانی کردن فرزند خود اسحاق بود. طبق آموزش‌هایی که خدا به او داده بود، او باور داشت که اسحاق از مردگان برخیزانده خواهد شد.

ابراهیم با اطاعت، ایمان خود را ثابت کرد. او دستورات خدا را به همان شکل که به او گفته شده بود اجرا کرد. این درس مهمی برای ماست: ایمان واقعی در اطاعت از خدا، خود را نشان می‌دهد. اگر حقیقتاً به خدا ایمان داریم، کارهایی را که از ما خواسته انجام داده و راه‌های او را پیروی می‌کنیم. ایمانی که باعث نشود ما از گناهان خود گذشته و راه مسیحی را پیروی کنیم، ایمان واقعی نیست:

"پس ایمان به تنهایی و بدون عمل، مرده است" (یعقوب ۲: ۱۷).

ایمان به خدا و وعده‌هایش حاصل مطالعه کلام او و تلاش برای فهم تعالیم است (رومیان ۱۰: ۱۳-۱۷).

ایمان و عدالت

چون گناه می‌کنیم، پس می‌میریم. ما برای درستکار ظاهر شدن در نگاه خدا و نجات خود قادر به انجام هیچ کاری نیستیم. عدالت فقط از جانب خدا می‌آید. خدا توسط فیض خود گناهانمان را می‌بخشد و اگر به او ایمان داشته باشیم با ما طوری رفتار می‌کند که گویی عادلیم. پیدایش ۱۵: ۶ می‌گوید: "آبرام به خداوند ایمان آورد و او این را برای وی پارسایی به شمار آورد".

(رومیان ۴: ۲-۵) "اگر ابراهیم بر پایه اعمال پارسا شمرده شده بود، می‌توانست فخر کند؛ اما در نظر خدا چنین نیست. زیرا کتاب چه می‌گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد. اما کسی که کار می‌کند، مزدش حق او شمرده می‌شود، نه هدیه. اما آن که کاری نمی‌کند، بلکه به خدایی توکل می‌دارد که بی‌دینان را پارسا می‌شمارد، ایمان او برایش پارسایی به شمار می‌آید".

در عهد جدید در رومیان ۴: ۲-۵ در مورد ابراهیم می‌خوانیم و همین پیام باز تکرار می‌شود. واژه "به اعمال شمرده شد" به معنای نزد خدا عادل شمرده شدن است. خدا گناهان ابراهیم را بخشید و به خاطر ایمانش او را عادل شمرد. ایمان به خدا برای نجات ضروری است. کمی بعد در همین باب پولس رسول در مورد ایمان ابراهیم می‌گوید:

"اما او به وعده خدا از بی‌ایمانی شک نکرد، بلکه در ایمان استوار شده، خدا را تجلیل نمود. او یقین داشت که خدا قادر است به وعده خود وفا کند. به همین سبب، برای او پارسایی شمرده شد" (رومیان ۴: ۲۰-۲۲).

پس از صحبت در مورد ابراهیم، پولس رسول در مورد عدالت توضیح می‌دهد:

"بلکه در حق ما نیز، تا برای ما نیز شمرده شود، ما که ایمان داریم به او که خداوندان عیسی را از مردگان برخیزانید. او به خاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و به جهت پارسا شمرده شدن ما، از مردگان برخیزانیده شد" (رومیان ۴: ۲۴-۲۵).

دقت کنید که عادل شمرده شدن ما تنها توسط کار بزرگ عیسی مسیح است. ما باید باور داشته باشیم که عیسی برای ما مرد و باید قربانی شدن او را قبول کنیم. اگر به خدا و وعده رستگاری او از طریق عیسی مسیح ایمان بیاوریم، پس توسط فیض او عادل شمرده خواهیم شد:

"زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند. اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می‌شوند" (رومیان ۳: ۲۳-۲۴).

گناه ما را از خدا دور کرد. اگر نزد خدا عادل شمرده شویم با او به صلح و آرامش می‌رسیم، در دعاهايمان به او نزدیک شده و از رابطه خود با او لذت می‌بریم. اینگونه ما فیض خدا را دریافت کرده‌ایم:

"پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده‌ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم. ما توسط او و از راه ایمان به فیضی دسترسی یافته‌ایم که اکنون در آن استواریم و به امید سهیم شدن در جلال خدا فخر می‌کنیم" (رومیان ۵: ۱-۲).

شاگردان در زمان عهد عتیق

اگر ایمان داشتن به کاری که مسیح برای نجات ما انجام داد ضروری است، پس کسانی که پیش از مسیح زندگی می‌کردند چگونه نجات یافتند؟ برخی از افرادی که در عهد عتیق در مورد مسیح آگاهی داشتند نام او (عیسی) را نمی‌دانستند اما او را بعنوان پسر وعده داده شده خدا، مسیح و بره او می‌شناختند. آنها از کلام خدا دریافتند که همه به نجات محتاج هستند و خدا این امر را توسط مرگ

انسانی بی‌گناه که "بره خدا" خواهد بود به تحقق خواهد رسانید. او زندگی خود را برای نجات بشریت خواهد داد (پیدایش ۲۲: ۸ - اشعیا باب ۵۳). پولس رسول نیز در اعمال رسولان ۲۶: ۲۲-۲۳ این امر را تایید می‌کند:

"اما تا به امروز، خدا مرا یاری کرده و اکنون اینجا ایستاده‌ام و به همه، از خرد و بزرگ، شهادت می‌دهم. آنچه می‌گویم چیزی نیست جز آنچه پیامبران و موسی گفتند که می‌بایست واقع شود: اینکه مسیح باید رنج ببیند و نخستین کسی باشد که از میان مردگان برمی‌خیزد، تا روشنایی را به این قوم و دیگر قومها اعلام کند" (اعمال رسولان ۲۶: ۲۲-۲۳).

بنابراین ابراهیم و شخصیت‌های دیگر عهد عتیق به کار بزرگ عیسی مسیح باور داشتند. اگرچه افتخار خواندن کتاب مقدس که سرشار از اعمال و توضیحاتی درباره زندگی مسیح است نصیب آنها نشد. غلاطیان ۳: ۸ به ما می‌گوید که کتاب مقدس به ابراهیم آموزش داده شد و ما می‌خوانیم که مسیح به یهودیان می‌گوید:

"پدر شما ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند و آن را دید و شادمان شد" (یوحنا ۸: ۵۶).

زمانی که ابراهیم طبق دستور خدا مشغول آماده کردن فرزند خود اسحاق برای قربانی کردن بود، خدا بره‌ای را برای او محیا کرده تا به جای فرزندش قربانی کند (پیدایش ۲۲: ۱۳). این بره نشانی از عیسی مسیح بود. از طریق این سمبل خدا قربانی کردن مسیح را به ابراهیم نشان داد.

آیا رفتار ما اهمیتی دارد؟

اگر نجات به واسطه فیض خدا و نه اعمال ما مهیا شود، پس رفتار ما چه اهمیتی دارد؟ آیا می‌توانیم خود را خوشنود ساخته و هر کاری را که می‌پسندیم با زندگی خویش انجام دهیم؟ آیا می‌توانیم از خدا فیض طلب کرده ولی به گناه ادامه داده و زندگیمان را در راه خدمت به او تغییر ندهیم؟

بدیهی است که رفتار ما مهم است. کمی قبل دیدیم که برای دریافت فیض خدا به ایمان نیازمندیم و ایمان حقیقی تنها در پیروی از خدا وجود دارد. پولس رسول پرسید:

"پس چه گوییم؟ آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض افزون شود؟" (رومان ۶: ۱).

به عبارتی دیگر سوال پولس این است که آیا مردم باید به گناه ادامه داده تا فرصت بیشتری برای فیض خدا دریافت کنند؟ او جواب این سوال را در آیه بعدی می‌دهد:

"هرگز! ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟" (رومان ۶: ۲).

ایمانداران در زمان تعمید باید "در گناه بمیرند" و باید با تمام تلاش خود گناه را متوقف کنند. پولس به ایمانداران تعمیدی می‌گوید:

"به همین‌سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده‌انگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده. پس مگذارید گناه در بدنهای فانی شما فرمان براند تا امیال آن را اطاعت کنید" (رومیان ۶: ۱۱-۱۲).

اگر واقعا به خدا و پیشنهاد رستگاری‌اش از طریق عیسی مسیح ایمان داریم، اعمال ما باید این را نشان دهد. به خدا بیشتر خدمت می‌کنیم چون شاکر فیض او هستیم و همه تلاش خود را در پیروی از مثال عیسی مسیح انجام می‌دهیم. بنابراین به یک پیرو واقعی تبدیل می‌شویم. افرادی که برای پیروی از خدا و مسیح تلاش نمی‌کنند شاگردان واقعی نیستند. اگر ایمان آنها واقعی بود، پس اطاعت می‌کردند. آنها ایمان واقعی نداشته و مطمئنا به فیض نیز دسترسی نخواند داشت.

نمی‌توانیم ادعا کنیم ایمانداریم ولی کاری برای آن انجام ندهیم. زندگی در راه مسیح به معنی مقابله با گناهان است و همینطور شامل اعمال نیکو نیز می‌شود که باعث خوشنودی خداست. اینگونه می‌توانیم ایمان واقعی را در زندگی خود نشان دهیم. اگرچه متوجه شدیم که این اعمال به خودی خود ما را عادل محسوب نمی‌کند و فیض بدست نمی‌آید.

شاگردی

تعمید شروعی نو می‌باشد. وقتی تعمید می‌گیریم تمام گناهان گذشته ما بخشیده می‌شوند. اگرچه با وجود تلاش، باز هم اشتباه می‌کنیم و افکار اشتباه را در ذهن خود می‌پرورانیم. اما ایمانداران تعمیدی می‌توانند توسط عیسی مسیح نزد خدا آیند و در دعاهایشان به شکست‌های خود اعتراف کنند. اگر تاسف آنها واقعی باشد خدا آنها را خواهد بخشید. پس شاگردان هرگز نباید منصرف شوند. با عشق و کمک پدر آسمانی خود، در نهایت مکانی در پادشاهی خدا می‌یابند. مسیح به پیروانش گفت:

"خشنودی پدر شما این است که پادشاهی را به شما عطا کند" (لوقا ۱۲: ۳۲).

هدیه خدا به ایمانداران

در این قسمت بعضی از برکات خدا را می‌بینید که توسط فیض به ایمانداران تعمیدی داده خواهد شد تا آنها نیز از شاگردی مسیح لذت ببرند:

- بخشیده شدن تمامی گناهان (افسیان ۱: ۷)
- آرامش ذهن (فیلیپیان ۴: ۷)
- دسترسی به خدا توسط مسیح در دعاها (رومیان ۸: ۳۴)
- رابطه‌ای نزدیک با خدا، عیسی مسیح و ایمانداران دیگر (۱ یوحنا ۱: ۳)
- شادی (یوحنا ۱۵: ۱۱)
- خرسندی (۱ تیموتائوس ۶: ۶ - فیلیپیان ۴: ۱۱)
- دختران و پسران خدا بودن (۱ یوحنا ۳: ۱-۲)
- امید در این دنیای پر از شرارت
- و همینطور برکت زندگی جاودان در زندگی خدا.

خلاصه:

- فیض خدا، لطفی است که خدا به بندگانش نشان می‌دهد و هیچکس شایسته آن نیست. این امر به صورت شگفت‌انگیزی در هدیه خدا، یعنی عیسی مسیح نشان داده شده که توسط آن بخشش گناهان و رستگاری به ارمان آورده شد.
- هیچکس نمی‌تواند خود را نجات دهد و تنها توسط فیض خداست که با ایمان نجات می‌یابیم.
- ایمان به خدا به معنای اعتقاد به او و وعده‌هایش است. ایمان از طریق خواندن کتاب مقدس به وجود می‌آید.
- اگر ایمانمان واقعی باشد در رفتارها و اعمالمان آن را نشان می‌دهد.

آیاتی جهت مطالعه:

(رومیان ۵: ۱-۲) "پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده‌ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم. ما توسط او، و از راه ایمان، به فیضی دسترسی یافته‌ایم که اکنون در آن استواریم و به امید سهیم شدن در جلال خدا فخر می‌کنیم."

(مزامیر باب ۳۲)

(رومیان ۳: ۲۱-۲۸)

(رومیان باب ۴)

(تیتوس ۲: ۱۱-۱۳)

(غلاطیان باب ۳).

درس بیست و پنجم: رستاخیز از مردگان

مطالعه: اول قرن‌تین باب ۱۵

کلمه "رستاخیز" به معنای بازگشت دوباره به زندگی است.

مسیح مرده را زنده کرد و از رستاخیز آینده سخن گفت.

عیسی مسیح در سال‌های خدمتش سه نفر را از مردگان برخیزانید: پسر بیوه زن، دختر فرمانروا و دوستش ایلعازر. ایلعازر و خواهرانش، مریم و مارتا در بیت عنیا، روستای کوچکی در نزدیکی اورشلیم زندگی می‌کردند. آنها پیروانی بودند که خود را وقف عیسی مسیح کرده بودند. وقتی ایلعازر مریض شد، خواهرانش شخصی را فرستادند تا عیسی را بیاورد. چون مسیح در رفتنش کمی تاخیر داشت، ایلعازر بر اثر بیماری درگذشت و قبل از رسیدن مسیح دفن شد. عیسی مسیح می‌دانست که این آخرین فرصت برای نشان دادن قدرت خدا قبل از مرگش خواهد بود. وقتی مسیح رسید، مارتا گفت:

"سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد" (یوحنا ۱۱: ۲۱).

مسیح به او گفت: "برادرت بر خواهد خاست". مارتا می‌دانست وقتی مسیح بازگردد مردگان را بر می‌خیزاند. پس گفت:

"می‌دانم که در روز قیامت بر خواهد خاست" (یوحنا ۱۱: ۲۴).

عیسی مسیح برای اثبات این امر که کار بزرگ او موجب نجات شده و تنها راه رستاخیز از مردگان و زندگی جاودان است، به مارتا گفت:

"قیامت و حیات مَتم" (یوحنا ۱۱: ۲۵).

عیسی مسیح برای نشان دادن قدرت خود در زنده کردن مردگان در حضور کسانی که در آنجا بودند به سمت قبر رفت و با صدای بلند فریاد زد: "ایلعازر بیرون بیا". ایلعازر پس از چهار روز از قبر زنده بیرون آمد. در آن لحظه به ایلعازر زندگی جاودان داده نشد. کمی بعد او دوباره مرد و هنوز نیز در قبر است. اما همانطور که مارتا به مسیح گفت، او در قیامت و روز بازپسین برخیزانده می‌شود. مسیح از این معجزه استفاده کرد تا رستاخیز را به مردم آموزش دهد. انجیل یوحنا باب ۱۱ را برای خود بخوانید.

مسیح از مردگان برخاست

کمی بعد از آن اتفاق، مسیح به طرز ظالمانه‌ای کشته شد. وقتی پس از سه روز از قبر برخاست،

شاگردانش آنچه را که می‌دیدند، باور نمی‌کردند. آنها گمان می‌کردند که روح می‌بینند. اما مسیح به آنها ثابت کرد که به همراه یک جسم برخیزانده شده است:

"دست و پایم را بنگرید. خودم هستم! به من دست بزنید و ببینید؛ شبخُ گوشت و استخوان ندارد، اما چنانکه می‌بینید من دارم. این را گفت و دستها و پاهای خود را به ایشان نشان داد. آنها از فرط شادی و حیرت نمی‌توانستند باور کنند. پس به ایشان گفت: چیزی برای خوردن دارید؟ تکه‌ای ماهی بریان به او دادند. آن را گرفت و در برابر چشمان ایشان خورد" (لوقا ۲۴: ۳۹-۴۳).

اکنون آنها متقاعد شده بودند که مسیح دوباره زنده شده است. آنها شاهد یکی از بزرگترین معجزات زمان خود بودند. خدا، مسیح را از مرگ برخیزانید. اما این رستاخیز با رستاخیز ایلعازر تفاوت زیادی داشت. زیرا مسیح هم برخیزانده شده بود و هم زندگی جاودان دریافت کرده و دیگر هرگز نخواهد مُرد. او اولین شخصی بود که هدیه زندگی جاودان را از خدا دریافت کرد و کتاب مقدس او را اینگونه توصیف می‌کند: "نخست زاده از مردگان" (کولسیان ۱: ۱۸). داوود در مورد خود می‌گوید: "اینک تا ابدالآباد زنده هستم" (مکاشفه ۱: ۱۸).

مسیح مردگان را برخیزانده و به آنها زندگی جاودان خواهد داد

زمانی که مسیح به زمین بازگردد، مردگان را برخیزانده و به مردمان خدا از تمامی ایام، عمر جاودان خواهد داد. در مکاشفه ۱: ۱۸ در ادامه می‌بینیم:

"...کلیدهای مرگ و جهانِ مردگان در دست من است" (مکاشفه ۱: ۱۸).

جهانِ مردگان اشاره به قبر دارد (درس ۲۳). این آیه می‌گوید که مسیح کلید قبرها را دارد. بدین معنا که مسیح با دادن زندگی جاودان به مردگان، آنها را از قبری که در آن دفن شده‌اند نجات خواهد داد:

"زیرا همان‌گونه که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می‌بخشد" (یوحنا ۵: ۲۱).

اما مسیح همه را بر نمی‌خیزاند. او می‌آید تا کسانی که کلام را شنیده‌اند را داوری کند. بنابراین تنها کسانی که کلام را شنیده‌اند، اعم از نیکوکار و شریر برخیزانده خواهند شد. دانیال ۱۲: ۲ می‌گوید:

"و بسیاری از آنان که در خاکِ زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲: ۲).

پولس رسول نیز تایید می‌کند که نیکوکاران و شریبران هر دو برخیزانده خواهند شد:

"اما نزد شما اعتراف می‌کنم که با پیروی از طریقتی که آنان بدعتش می‌خوانند، خدای پدرانمان را عبادت می‌کنم و به هرآنچه نیز که در تورات و کتب پیامبران نوشته شده، اعتقاد دارم. من هم مانند ایشان امید بر خدا دارم و معتقدم برای نیکان و بدان قیامتی در پیش است" (اعمال رسولان ۲۴: ۱۴-۱۵).

مسیح توضیح می‌دهد:

"...زیرا زمانی فرا می‌رسد که همه آنان که در قبرند، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده باشند، برای قیامتی که به حیات می‌انجامد، و آنان که بدی کرده باشند، برای قیامتی که مکافات در پی دارد" (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹).

تنها ایمانداران واقعی در پادشاهی خدا پذیرفته شده و زندگی جاودان دریافت خواهند کرد. در مورد روز داوری در درس بعد می‌خوانیم.

رستاخیز و زندگی جاودان برای ایمانداران هنگام بازگشت مسیح

امید به رستاخیز، امید کتاب مقدس است:

"زیرا همان‌گونه که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند" (۱ قرن‌تیا ۱۵: ۲۲-۲۳).

ایمانداران واقعی در تمامی ایام با این امید که روزی برخیزانده خواهند شد، از دنیا رفته اند. نویسنده نامه به عبرانیان فهرستی از کسانی آماده کرده است که:

"همه در ایمان درگذشتند، در حالی که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط آنها را از دور دیده و خوشامد گفته بودند. ایشان تصدیق کردند که بر زمین بیگانه و غریبند" (عبرانیان ۱۱: ۱۳).

کمی بعد و در همین باب توضیح می‌دهد:

"اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ‌یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند. زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند" (عبرانیان ۱۱: ۳۹-۴۰).

حتی یک نفر از کسانی که در عبرانیان باب ۱۱ از آنها صحبت شده، هنوز زنده نشده و زندگی جاودان را دریافت نکرده اند. هنگامی که مسیح بازگردد، همه پرستش‌کنندگان واقعی خدا با هم این برکت را دریافت خواهند کرد.

به ابراهیم وعده رستاخیز داده شد

در درس ۱۲ در مورد وعده‌های بزرگ خدا به ابراهیم توضیح داده شد. یکی از وعده‌ها این بود که سرزمینی که در آن زندگی می‌کرد را برای همیشه به ارث ببرد. آن سرزمین کنعان بود که امروز به اسرائیل معروف است. در پیدایش ۱۳: ۱۵ خدا به ابراهیم وعده داد:

"سراسر این سرزمین را که می‌بینی تا ابد به تو و نسل تو خواهم بخشید" (پیدایش ۱۳: ۱۵).

قبل از به وقوع پیوستن این وعده، ابراهیم مُرد و عهد جدید نیز این امر را تایید می‌کند (اعمال رسولان ۷: ۵). پس زمانی وعده خدا به حقیقت می‌پیوندد که ابراهیم از مردگان برخیزانده شود و در ادامه ابراهیم باید زندگی جاودان داشته باشد تا بتواند برای همیشه مالک سرزمین باشد. ابراهیم این را درک کرده بود. به همین دلیل نامش در میان نام کسانی است که در عبرانیان باب ۱۱ مطرح شده است و گفته که همگی "در ایمان مردند" و به امید روزی بودند که برخیزانده شوند.

مسیح به یهودیان در مورد روز رستاخیز گفت که یعقوب، اسحاق و ابراهیم را در پادشاهی خدا خواهند دید اما خودشان وارد پادشاهی نمی‌شوند (لوقا ۱۳: ۲۸). اگرچه یهودیان متون عهد عتیق را خواندند، اما رفتارشان در مقابل خدا درست نبود. آنها نیز در میان افرادِ برخیزانده شده برای داوری هستند (آنها شرارت کرده اند) پس در پادشاهی خدا پذیرفته نمی‌شوند. این برای ما نیز یک هشدار است.

امید مشترک همه ایمانداران

تمامی ایمانداران حقیقی عیسی مسیح، امید به رستاخیز و زندگی جاودان را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. زمانیکه مسیحیان اولیه می‌مُردند، دوستان ایماندارشان به گونه‌ای در مورد آنها صحبت می‌کردند که گویا خفته اند. چون همانطور که مردم بعد از خواب بیدار می‌شوند، ایمانداران حقیقی نیز از خوابِ مرگ بیدار شده و زندگی جاودان دریافت خواهند کرد. پولس رسول اینگونه نوشت که بعضی از آن ۵۰۰ شاگردی که عیسی مسیح را پس از رستاخیزش دیده بودند، "به خواب رفته اند" (۱ قرنیتیان ۱۵: ۶). پولس نیز باور داشت که از مردگان برخیزانده خواهد شد. به همین دلیل نوشت:

"و خدا به نیروی خود، هم خداوند را برخیزانید و هم ما را برخواهد خیزانید" (۱ قرن تیان ۶: ۱۴).

زندگی‌ای بهتر از زندگی امروز

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که نواقص زیادی دارد. زندگی پر از مشکلات است: جنگ، بیماری، قحطی، مرگ عزیزان، سالخوردگی، بیماری‌های سخت همانند ایدز، بلایای طبیعی، استرس، دغدغه‌های مالی، بیکاری، ظلم و بسیاری دیگر. فکر داشتن یک زندگی جاودان با این همه مشکلات به هیچ وجه زیبا نیست. اما هدیه خدا اینگونه نیست.

زندگی جاودانی که عیسی مسیح به پیروان خود وعده داده است بسیار متفاوت از زندگی پر دغدغه‌ای می‌باشد که امروزه داریم. کلمات زیبایی مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷ زندگی جاودان ایمانداران را در پادشاهی خدا توصیف می‌کند:

"و دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد و هرگز تشنه نخواهند گردید و دیگر تابش خورشید به رویشان نخواهد بارید و نه تابش هیچ گرمای سوزان دیگر. زیرا که بره از مرکز تخت شبان آنان خواهد بود و آنان را به چشمه‌های آب حیات رهنمون خواهد شد و خدا هر قطره اشکی را از چشم آنان خواهد سترد" (مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷).

عیسی مسیح در مورد کسانی که جاودانه می‌شوند می‌گوید:

"زیرا هنگامی که مردگان برخیزند، نه زن می‌گیرند و نه شوهر اختیار می‌کنند؛ بلکه همچون فرشتگان آسمان خواهند بود" (مرقس ۱۲: ۲۵).

جسم‌شان همانند جسم عیسی مسیح، پس از رستاخیز تغییر کرده و فناپذیر می‌شود. آنها هرگز پیر نشده و هرگز درد و رنج نخواهند کشید و نخواهند مُرد و از سلامتی کامل و انرژی بی‌حد خود لذت خواهند برد. پولس رسول اینگونه نوشت:

"...با اشتیاق تمام انتظار می‌کشیم که نجات‌دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند. او با نیرویی که وی را قادر می‌سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید" (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

زندگی جاودان تنها نصیب کسانی خواهد شد که گناهانشان بخشیده شده است. مسیح در طول زندگی‌اش گناه نکرد، اما همانند ما ذات انسانی داشت. زمانی که برخیزانده شد، تغییر یافته و ذاتی

همانند ذات خدا به او داده شد. این از عجایب زندگی جاودان است. کسانی که این هدیه بزرگ را از خدا دریافت می‌کنند به دو شکل تغییر خواهند یافت تا ذات خدا را با او شریک شوند (۲ پطرس ۱: ۴):

۱. جسم فانی آنها به جسمی فناپذیر تبدیل خواهد شد - آنها دیگر هرگز نمی‌میرند.
۲. ذهنشان تغییر خواهد کرد - دیگر هرگز نمی‌توانند گناه کنند.

چه اتفاقی برای ایمانداران واقعی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند، می‌افتد؟

پولس در مورد ایمانداران واقعی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند و اتفاقیاتی که برایشان می‌افتد، اینطور توضیح می‌دهد:

نکات	۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴-۱۷
<p>ما می‌دانیم که مسیح از مردگان برخاست. این امر ضمانتی است که دیگران نیز می‌توانند از قبر برخیزانده شوند. (به کلمه "خفته اند" توجه کنید).</p>	<p>۱۴) زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مرد و برخاست، پس به همین‌سان خدا آنان را نیز که در عیسی خفته‌اند، با وی باز خواهد آورد.</p>
<p>زمان بازگشت مسیح، تا زمان برخیزاندن همه مردگان، هیچ انسان زنده‌ای مسیح را نخواهد دید.</p>	<p>۱۵) این را به واسطه کلام خود خداوند به شما می‌گوییم: کسانی از ما که هنوز زنده‌اند و تا آمدن خداوند باقی می‌مانند، به یقین از خفتگان پیشی نخواهند گرفت.</p>
<p>عیسی مسیح با قدرت خدا از آسمان به پایین می‌آید و اولین کاری که انجام می‌دهد زنده کردن مردگان است.</p>	<p>۱۶) زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست.</p>
<p>کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده‌اند و مردگانی که برخیزانده شدند به همراه هم به هوا برده شده تا او را ملاقات کنند و پس از آن همیشه با عیسی مسیح خواهند بود.</p>	<p>۱۷) پس از آن، ما که هنوز زنده و باقی مانده‌ایم، با آنها در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم و بدین‌گونه همیشه با خداوند خواهیم بود.</p>

آیه ۱۶ در مورد برخیزاندن مردگان صحبت می‌کند. این درس نشان می‌دهد که رستاخیز یکی از تعالیم مهم کتاب مقدس است. اما همچنان افرادی به اشتباه بر این باورند که روح انسان‌های درستکار بعد از مرگشان به آسمان خواهد رفت. اما اگر انسان‌ها پس از مرگ به آسمان برده می‌شدند، در این صورت دیگر نیازی به رستاخیز نبود. هر دو تفکر صحیح نیست. کتاب مقدس به ما می‌آموزد که عیسی مسیح به زمین بازمی‌گردد و مردگان را بر می‌خیزاند و در پادشاهی خدا به آنها زندگی جاودان خواهد داد.

توجه کنید که در آیه ۱۷ پولس از زندگی با عیسی مسیح در آسمان سخن نمی‌گوید، بلکه می‌گوید که با او در هوا ملاقات خواهد کرد. او در مورد نحوه ملاقات ایمانداران واقعی با عیسی مسیح توضیح می‌دهد. فارغ از اینکه در کجای دنیا زندگی می‌کنند. اما کسانی که با مسیح ملاقات کردند، در هوا نمی‌مانند. آیه ۱۶ می‌گوید که مسیح از آسمان به پایین می‌آید. ما می‌دانیم که مسیح به زمین بازمی‌گردد (اعمال رسولان ۱: ۱۱). پس اگر قرار باشد ایمانداران واقعی برای همیشه با او باشند باید بر روی زمین زندگی کنند. کلمه یونانی که در آیه ۱۷ آمده و "ربوده شدن" ترجمه شده است، در کتاب اعمال رسولان ۸: ۳۹ نیز به کار برده شده تا نشان دهد چگونه فیلیپس پس از تعمید دادن خواجه‌سرای حبشی، برای ادامه کار بشارتی خود به جایی دیگر برده شد.

مهیا کردن خود برای بازگشت دوباره مسیح

اول قرن‌تیاں ۱۵: ۵۱-۵۸ را دوباره بخوانید. در این قسمت پولس رسول از زمانی سخن می‌گوید که ایمانداران واقعی در تمامی سنین، عمر جاودانه را دریافت خواهند کرد. همه ایمانداران امیدوار به بازگشت مسیح هستند و برای اینکه این اتفاق زودتر به حقیقت پیوندد، دائماً در دعا می‌باشند. همانطور که منتظر آمدن آن روز هستیم، پولس رسول به ما می‌گوید: "ثابت و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید" (۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۵۸).

خلاصه:

- عیسی مسیح اولین کسی بود که از مردگان برخیزانده شد و زندگی جاودان را دریافت کرد. کتاب مقدس او را "نخست زاده از مردگان" توصیف می‌کند.
- عیسی مسیح قدرت برخیزاندن مردگان را دارد. زمانیکه او به زمین بازگردد، کسانی که کلام را شنیده‌اند، اعم از شریر و نیکوکار، رستاخیز داده خواهند شد.
- در زمان داوری، مسیح به همه کسانی که ایماندار واقعی بودند و در هر سنی که هستند، زندگی جاودان خواهد داد. این اتفاق هم شامل کسانی خواهد شد که در آن زمان زنده‌اند و هم مردگانی که برخیزانده شده‌اند.

آیاتی جهت مطالعه:

(یوحنا ۵: ۲۷-۲۸) "از این سخنان در شگفت مباحثید، زیرا زمانی فرا می‌رسد که همه آنان که در قبرند، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده باشند، برای قیامتی که به حیات می‌انجامد، و آنان که بدی کرده باشند، برای قیامتی که مکافات در پی دارد".

(۱ تسالونیکیان باب ۴)، (عبرانیان باب ۱۱)، (یوحنا باب ۱۱)، (متی ۲۲: ۲۳-۳۳).



درس بیست و ششم: روز داوری

مطالعه: متی باب ۲۵

باید از خدا اطاعت شود



وقتی مردم اسرائیل پس از ترک مصر در صحرا بودند، خدا به موسی یاد داد که مذبح و متعلقاتش را بسازد. این مذبح (خیمه ملاقات) مکانی بود که خدا مردمانش را در آنجا ملاقات می‌کرد. مهمترین وسیله‌ای که در آن قرار داشت صندوقچه خدا بود و سینه صندوقچه از طلا پوشیده شده بود. در تصویر می‌بینید که احتمالا به چه شکل بوده است. به عصاها برای جابجایی‌اش توجه کنید.

حدود ۵۰۰ سال بعد، پادشاه داوود تصمیم گرفت صندوقچه خدا را به شهر جدیدش، یعنی اورشلیم منتقل کند تا بار دیگر مرکز پرستش اسرائیل شود. صندوقچه در ارابه‌ای نو گذاشته و توسط گاو کشیده می‌شد و شخصی بنام عزه آن را هدایت می‌کرد. در طول راه گاو لغزید و عزه دست خود را دراز کرد و صندوقچه را ثابت نگاه داشت:

"اما خشم خداوند بر عژه افروخته شد و خدا او را به خاطر بی‌حرمتی‌اش زد و او همان‌جا کنار صندوق خدا مرد" (۲ سموئیل ۶: ۷).

در صورتی که به نظر می‌رسید هدف عزه تنها جلوگیری از صدمه دیدن صندوقچه خدا بود. چرا مجازاتش در این حد شدید بود؟ چون خدا گفته بود که صندوقچه را همیشه با عصاها بردارند (خروج ۲۵: ۱۴). صندوقچه سمبلی از حضور خدا بود که هرگز نباید لمس می‌شد. مجازات لمس صندوقچه مرگ بود (اعداد ۴: ۱۵). خدا مقدس و خالص است و تنها از راه‌هایی که خود گفته است قابل دسترس است. عزه با لمس صندوقچه از خدا سرپیچی کرد. خدا خالق و نگهدارنده زندگی ما می‌باشد و از ما انتظار دارد که صادق بوده و او را اطاعت کنیم. نمی‌توانیم راه رسیدن به خدا را به شوخی بگیریم. باید همانطور که خدا از ما خواسته، در پی او باشیم و نه از راه‌های دلخواه خودمان. کمی بعد داوود در مورد مرگ عزه گفت:

"بیهوه خدایمان بر ما خروشید، چرا که با او درباره‌ی شیوه‌ی درست انجام این کار مشورت نکردیم" (۱ تواریخ ۱۵: ۱۳).

خدا مقدس و بزرگ است و احترام و فرمانبرداری شایسته اوست.

روز داوری

درس مهمی که می‌شود از مرگ عزه گرفت این است: کسانی که خدا را اطاعت نکرده و صادق نباشند مجازات خواهند شد. به همین خاطر هنگام بازگشت مسیح، روز داوری دقیقاً پس از برخاستن مردگان است. پولس رسول به ایمانداران در قرن‌تس نوشت:

"زیرا همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است، سزا یابد" (۲ قرنتیان ۵: ۱۰).

خدا بخشنده و مهربان است اما در عین حال خدای عدالت و حقیقت نیز هست. در خروج ۳۴: ۶-۷ خدا اینگونه توصیف شده است:

"...بیهوه، بیهوه، خدای رحیم و فیاض، دیر خشم و آکنده از محبت و وفا، پایدار در محبت برای هزار پشت و آمرزنده تقصیر و نافرمانی و گناه. اما تقصیرکار را هرگز بی‌سزا نمی‌گذارد..." (خروج ۳۴: ۶-۷).

اولین قسمت این متن بخشندگی خدا را توصیف می‌کند. قسمت دوم نشان می‌دهد که او گناهکارانی را که توبه نکنند، نمی‌بخشد. پولس رسول نیز به طور مشابه در مورد "مهربانی و سختی خدا" صحبت می‌کند (رومیان ۱۱: ۲۲). تثنیه ۲۹: ۱۸-۲۰ نشان می‌دهد انسان‌هایی وجود دارند که خدا نمی‌تواند آنها را ببخشد. او بعنوان خدای عادل هرگز گناه را نادیده نگرفته و آن را بی‌سزا نمی‌گذارد. او کسانی را که از اطاعت خدا سر باز می‌زنند را مجازات خواهد کرد. همچنین تنها راهی که برای از بین بردن کامل گناه و مشکلات بوجود آمده توسط آن بر روی زمین وجود دارد، نابودی شیران توسط خداست.

داور عادل

خدا وظیفه قضاوت را به عهده عیسی مسیح گذاشته است (یوحنا ۵: ۲۵-۳۰). نامه دوم تیموتائوس ۴: ۸ عیسی مسیح را بعنوان "داور عادل" توصیف کرده است، زیرا با عقل و خرد خدا داوری خواهد کرد. مردم فقط می‌توانند بر طبق دیده‌ها و شنیده‌های خود داوری کنند. اما عیسی مسیح از افکارشان اطلاع دارد (یوحنا ۲: ۲۴-۲۵) و هرگز خطا نمی‌کند. اشعیا باب ۱۱ که قبل از میلاد مسیح نوشته شده است، درباره کار آینده مسیح پیشگویی می‌کند:

"و لذت او در ترس خداوند خواهد بود. بر حسب آنچه به چشم ببیند، داوری نخواهد کرد و بر وفق آنچه به گوش شنود، حکم نخواهد داد؛ بلکه بینوایان را به عدالت داوری خواهد کرد و برای ستمدیدگان زمین به انصاف حکم خواهد داد. جهان را به عصای دهانش خواهد زد و شیران را به نَفَس لبهایش خواهد کشت" (اشعیا ۱۱: ۳-۴).

چه کسانی داوری خواهند شد؟

مسیح تمام کسانی که زندگی کرده‌اند را داوری نخواهد کرد. این تصمیم بر عهده خداست که چه کسانی داوری می‌شوند. کتاب مقدس به ما می‌گوید کسانی که کلام را شنیده و درک کرده‌اند و فرصت انجام کاری برای آن داشته‌اند، در جایگاه داوری توسط مسیح حاضر خواهند شد تا اتفاقات زندگیشان را توصیف کنند. از ۲ تیموتائوس ۴: ۱ متوجه می‌شویم که این اتفاقات شامل کسانی می‌شود که:

- مرده بودند و برخیزانده شده‌اند.
- هنگام بازگشت مسیح زنده‌اند.

بنابراین عیسی مسیح هنگام بازگشت دوباره اش، افرادی را که کلام را خوانده و درک کرده‌اند از تمامی سنین برای داوری جمع خواهد کرد. این افراد شامل کسانی می‌شود که:

- پیام نجات خدا را پذیرفته و او را اطاعت کردند.
- پیام نجات خدا را پذیرفته ولی راه او را نرفته‌اند.
- با آگاهی کامل پیام نجات خدا را نپذیرفته‌اند.

این افراد کلام خدا را کامل شنیده‌اند. بدین معنا که پیام نجات خدا را درک کرده و فرصت انتخاب داشته‌اند تا پیام مسیح را قبول و یا رد کنند. آنها بر اساس عکس‌العمل‌شان در زندگی داوری می‌شوند. در یوحنا ۳: ۱۷-۱۸ به ما گفته شده است:

"زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند. هر که به او ایمان دارد محکوم نمی‌شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم‌اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است" (یوحنا ۳: ۱۷-۱۸).

چه اتفاقی خواهد افتاد؟

حال نگاهی می‌اندازیم به سرنوشت این ۳ گروه:

(۱) افرادی که پیام نجات را نشنیده اند، (۲) عادلان، (۳) شیران

۱. کسانی که پیام نجات خدا را نشنیده اند:

کسانی که کلام خدا را نشنیدند، برای نپذیرفتن آن محکوم نمی‌شوند. این بر خلاف عدالت است. پس کسانی که بدون شنیدن پیام خدا مردند برخیزانده نمی‌شوند:

"و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲: ۲).

مردگانی که برخیزانده نشوند، مرده می‌مانند - آنها هلاک شده و برای همیشه در مرگ باقی می‌مانند. اشعیا نبی در مورد کسانی که از مردگان برخیزانده نخواهند شد، می‌گوید:

"ای یهوه خدای ما، اربابانی غیر از تو بر ما حکم راندند، اما ما تنها نام تو را یاد می‌داریم. آنان مرده‌اند و دیگر زنده نخواهند شد، ارواحند و دیگر بر نخواهند خاست. آنان را جزا داده و نابود کرده‌ای و یادشان را از خاطرها زدوده‌ای" (اشعیا ۲۶: ۱۳-۱۴).

باب ۴۹ کتاب مزامیر این انسانها را "بدون فهم" توصیف کرده است. چون نسبت به کلام خدا بی‌اعتنا هستند و نشان می‌دهد که همانند بهایم هلاک می‌شوند:

"چون بینی کسی توانگر شود و شوکت خانه‌اش افزون گردد، تو را باکی نباشد زیرا چون بمیرد چیزی با خود نخواهد برد و شوکتش همراه او فرو نخواهد رفت. هر چند در زمان حیات، خویشان را مبارک پندارد و هر چند چون کامروا باشی همگان تو را می‌ستایند اما به جرگه پدران خود خواهد پیوست، که روشنایی را دیگر هرگز نخواهند دید! آدمی در توانگری‌اش فهم ندارد، او چارپایان را ماند که از میان می‌روند" (مزامیر ۴۹: ۱۶-۲۰).

البته زمان بازگشت مسیح افراد زیادی وجود دارند که کلام را نمی‌فهمند. آنها در جایگاه داوری مسیح ظاهر نمی‌شوند. هنگام حکمرانی مسیح، کسانی که موفق به نجات یافتن از اتفاقات و بلایای زمان آخر هستند، بعنوان افراد فانی در پادشاهی خدا زندگی خواهند کرد. پس به آنها فرصتی داده خواهد شد تا کلام را یاد بگیرند. اگرچه کسانی که نجات نیافته‌اند هلاک می‌شوند. آنها می‌میرند و برای همیشه در قبر می‌مانند (درس ۷ و ۱۱ را ببینید).

۲. افرادی که مسیح آنها را می‌پذیرد:

کسانی که در کرسی داوری پذیرفته شده اند، زندگی جاودان را دریافت می‌کنند. آنها تغییر کرده و ذاتی همانند ذات خدا دریافت می‌کنند. ذهنشان هرگز برای افکار اشتباه وسوسه نخواهد شد و نبرد با گناه پایان می‌پذیرد. جسمشان جاودانه خواهد شد و دیگر درد، خستگی و یا هیچ یک از ضعف‌های انسانی را حس نخواهند کرد. زمان بزرگی برای به هم پیوستن ایمانداران خواهد بود. چون پولس رسول برای اطاعت از خدا بسیار تلاش کرد گفت:

"جنگ نیکو را جنگیده‌ام، مسابقه را به پایان رسانده و ایمان را محفوظ داشته‌ام. اکنون تاج پارسایی برایم آماده است، تاجی که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا خواهد کرد - نه تنها به من، بلکه به همه آنان که مشتاق ظهور او بوده‌اند" (۲ تیموتائوس ۴: ۷-۸).

۳. افرادی که مسیح آنها را رد می‌کند:

کتاب مقدس در مورد جزئیات مجازات کسانی که در داوری پذیرفته نشده‌اند به ما چیزی نمی‌گوید. اما به ما گفته شده آنها متوجه خواهند شد که چقدر نادان بودند که برکات شگفت‌انگیز خدا را از دست دادند و این باعث عذاب وجدان می‌شود:

"در آنجا گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود، زیرا ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیا را در پادشاهی خدا خواهید دید، اما خود را محروم خواهید یافت" (لوقا ۱۳: ۲۸).

از این قسمت در می‌یابیم که بخشی از مجازات آنها اینگونه خواهد بود که جلال پادشاهی خدا را می‌بینند و می‌دانند که قسمتی از آن نخواهند بود و پس از آن برای همیشه می‌میرند.

عیسی مسیح در یکی از مَثَل‌ها، روز داوری را با درو کردن مقایسه می‌کند که در آن بذره‌های خوب (که نشان دهنده عدالت است) از بذره‌های بد (که نشان دهنده شرارت است) جدا می‌شوند. از بذرها به خوبی مراقبت می‌شود. اما علف‌های هرز در آتش نابود خواهد شد (متی ۱۳: ۳۶-۴۳). پولس رسول در نامه دومش به تسالونیکیان درسی مشابه داده است:

"و شما را که رنج می‌برید با ما آرام بخشد. این زمانی واقع خواهد شد که خداوند عیسی همراه با فرشتگان نیرومند خویش با آتشی فروزان از آسمان ظهور کند. او خدانشناسان و نافرمانان به انجیل خداوند ما عیسی را کیفر خواهد داد. جزای ایشان هلاکت جاودانی از حضور خداوند و از جلال قدرت او خواهد بود" (۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۹).

عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۷ به ما هشدار می‌دهد:

"زیرا اگر پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند؛ آنچه می‌ماند، انتظار هولناک مجازات و آتشی مهیب است که دشمنان خدا را فرو خواهد بلعید" (عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۷).

مسیح نیز می‌گوید:

"اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد" (متی ۱۰: ۳۳).

کسانی که نزد عیسی مسیح پذیرفته نشده‌اند شامل کسانی می‌شوند که تعمیم داشته و به جامعه مسیحیت تعلق دارند اما "اعمالی که لایق توبه" است را بجا نیاوردند. (اعمال رسولان ۲۶: ۲۰). این هشدار برای همه ماست.

انسان‌ها داوری می‌شوند	
رد شده ↓ نابودی	پذیرفته شده ↓ زندگی جاودان

ایمانداران، خادمین مسیح هستند

در زمان عهد جدید، اگر مردی برده‌ای را می‌خرید، برده کاملاً از آن او می‌بود. برده دیگر نمی‌توانست به فکر خودش باشد. او فقط یک وظیفه در زندگی داشت و آن شاد کردن اربابش بود. ایمانداران تعمیمی باید همانند آن برده در خدمت اربابشان عیسی مسیح باشند. اما دلیل خدمتشان باید تنها اطاعت از خدا باشد. ما مسیح را دوست داریم، نه به این دلیل که از او می‌ترسیم. مسیح زندگی خود را بر روی صلیب بجهت بخشیده شدن گناهان ما قربانی کرد. پس پولس به ایمانداران نوشت:

"آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح‌القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خرید شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید" (۱) قرنتیان ۶: ۱۹-۲۰).

چون ایمانداران به عیسی مسیح تعلق دارند نمی‌توانند خود را خشنود کنند. آنها با روش زندگی خود مسئولیت مسیح را بر دوش دارند. زمانیکه عیسی مسیح بازگردد به ایمانداران پاداش داده و کسانی را که گمراه شده‌اند مجازت خواهد کرد. متی ۲۵: ۱۴-۳۰ شامل مَثَلی است که مسیح در مورد خادم گفته است. اربابی به خادم وفادارش گفت:

"آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهیم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو" (متی ۲۵: ۲۱).

اما کسی که به ارباب خود بی‌اعتنایی کرده بود مجازات شد:

"این خادم بی‌فایده را به تاریکی بیرون افکنید، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود" (متی ۲۵: ۳۰).

متی ۲۴: ۴۵-۵۱ را نیز بخوانید.

ترس یا محبت؟

بعضی از آیات کتاب مقدس به ایمانداران هشدار می‌دهد که در مورد ظاهر شدن در جایگاه داوری مسیح مطمئن نباشند. بعضی از متون دیگر آنها را به داشتن اعتماد کامل تشویق می‌کند. هیچ تناقض واقعی وجود ندارد. هیچکس نمی‌تواند به درستکاری خود مطمئن باشد. اما ایمانداران واقعی عیسی مسیح می‌توانند به قدرت نجات خدا اعتماد کامل داشته باشند. ایمانداران به تدریج یاد می‌گیرند که عاشق خدا باشند و به او اعتماد کنند. تا اگر خادمین وفاداری برای مسیح باشند خدا با خشنودی کامل پادشاهی را به آنان می‌دهد. نامه اول یوحنا ۴: ۱۷-۱۸ می‌گوید:

"محبت این چنین در میان ما به کمال رسیده است تا در روز داوری اطمینان داشته باشیم، زیرا ما در این دنیا همان‌گونه‌ایم که او هست. در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می‌گیرد و کسی که می‌ترسد، در محبت به کمال نرسیده است" (۱ یوحنا ۴: ۱۷-۱۸).

خدا آنقدر به ما محبت کرد که ما باید هر کاری می‌توانیم برای خدمت به او انجام دهیم و مثال‌هایی که توسط مسیح به ما نشان داده است را پیروی کنیم. اگر عاشق خدا باشیم دیگر از هیچ چیز ترس نخواهیم داشت.

خلاصه:

- پس از بازگشت مسیح، بعد از رستاخیز، روز داوری خواهد بود.
- عیسی مسیح داوری عادل است و با عقل و خرد خدا داوری خواهد کرد.
- مسیح تمام کسانی که کلام را شنیده و درک کرده‌اند را برای داوری جمع خواهد کرد. اعم از مرده و یا زنده، شریر و یا عادل.
- کسانی که توسط مسیح پذیرفته می‌شوند، زندگی جاودان دریافت خواهند کرد.
- کسانی که در داوری رد می‌شوند تا ابد عذاب وجدان را متحمل شده و برای همیشه خواهند مرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۰) "زیرا همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است، سزا یابد".

(۲ قرن‌تیاں باب ۵).

درس بیست و هفتم: زندگی جاودان

مطالعه: یوحنا باب ۳

فناپذیری و جاودانگی

خدا آدم را از خاک زمین آفرید و در بینی او نفس حیات دمید و بدین شکل اولین انسان خلق شد. ولی آدم گناه کرد و تبدیل به موجودی فانی شد، چون مجازات گناه مرگ است (رومیان ۶: ۲۳). همه ما موجودات فناپذیری هستیم چون از نوادگان آدم هستیم و ما نیز همانند او گناه کرده‌ایم (رومیان ۵: ۱۲) خدا به گناهکاران اجازه زندگی جاودان نمی‌دهد.

زندگی که امروزه از آن لذت می‌بریم به زودی تمام خواهد شد درست همانند مه و یا بخار:

"شما حتی نمی‌دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما چیست؟ همچون بخاری هستید که کوتاه زمانی ظاهر می‌شود و بعد ناپدید می‌گردد" (یعقوب ۴: ۱۴).

در عوض خدا جاودانه است. مزامیر باب ۹۰ به ما می‌گوید که خدا "از ازل بوده و تا به ابد خواهد بود". این بدین معناست که خدا همیشه وجود داشته است. اما اگر در قید زمان باشیم این را درک نخواهیم کرد. مزامیر باب ۹۰ ذات خدا را با ذات انسان مقایسه کرده است:

ذات فانی انسان (مزامیر ۹۰: ۱۰)	ذات جاودانه خدا (مزامیر ۹۰: ۲)
"روزهای عمر ما هفتاد سال است و اگر قوی باشیم، هشتاد سال. اما مایهٔ فخری در آنها جز محنت و اندوه نیست زیرا به سرعت می‌گذرند و پرواز می‌کنیم."	"پیش از آنکه کوه‌ها زاده شوند، یا تو زمین و جهان را به وجود آوری، از ازل تا به ابد تو خدایی."

او در اول تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶ می‌گوید که خدا:

"که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید، همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب ارباب است. او را که تنها وجود فناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ‌کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و توانایی باد. آمین" (۱ تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶).

به نظر می‌رسد هدف این آیه‌ها این است که خدا تنها وجود جاودان است. ولی می‌دانیم که مسیح بر

گناه غلبه کرد و اکنون جاودانه است. همچنین فرشتگان نمی‌میرند (لوقا ۲۰: ۳۵-۳۶). آیاتی که در بالا ذکر شد بیان می‌کند که خدا تنها منبع جاودانگی است. او تنها کسی است که همیشه وجود داشته است و می‌تواند به دیگران جاودانگی ببخشد. او مسیح را از مردگان برخیزانید و او را جاودانه کرد. فرشتگان نیز جاودانگی خود را از خدا دارند. بنابراین بجز خدا در حال حاضر تنها مسیح و فرشتگان جاودانه اند. خبر خوب این است که ما نیز به واسطه نجاتی که مسیح برایمان به ارمغان آورده امکان جاودانه شدن را داریم. ما می‌خوانیم:

"ولی اکنون با ظهور نجات‌دهنده ما مسیح عیسی عیان گشته است - همان که به واسطه انجیل، مرگ را باطل کرد و حیات و فناپذیری را آشکار ساخت" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰).

زندگی جاودان برای همه نیست

وعده زندگی جاودان تنها به کسانی داده شده است که محبت خدا را پذیرفته باشند. همه ما حق انتخاب داریم:

"خدا به هر کس بر حسب اعمالش سزا خواهد داد. او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقا، حیات جاویدان خواهد بخشید؛ اما بر خودخواهان و منکران حقیقت و شرارت‌پیشگان، خشم و غضب خود را فرو خواهد ریخت. هر کس که مرتکب اعمال بد شود دچار رنج و عذاب خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی. اما هر که نیکویی کند، از جلال و حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی" (رومیان ۲: ۶-۱۰).

اگر به جای جاودانگی در پی خواسته‌های خود باشیم، دیگر هیچ امیدی به زندگی آینده نیست. زندگی جاودان هدیه خداست.

هیچ یک از ما، هر چقدر هم نیکوکار، لایق آن نیستیم. بعنوان یک گناهکار تنها می‌توانیم برای هفتاد و یا هشتاد سال انتظار لذت بردن از خوشی‌های این دنیا را داشته باشیم. مگر اینکه با امید زندگی جاودان در عیسی مسیح به گور رویم. در غیر این صورت تجزیه شده و به خاک بر می‌گردیم و در برکت زندگی در پادشاهی شریک نمی‌شویم.

تمام شخصیت‌های بزرگ کتاب مقدس که وعده‌های خدا را باور کردند این امید را داشتند. پولس و یوحنا همانند دیگر رسولان نیز به امید زندگی جاودان بودند (تیتوس ۱: ۱-۲ و ۱ یوحنا ۲: ۲۵). عبرانیان باب ۱۱ افراد زیادی از عهد عتیق را نام می‌برد که در انتظار زمان بهتری در آینده بودند.

زندگی جاودان توسط عیسی مسیح به ایماندارانی داده می‌شود که در داوری پس از رستاخیز حضور

دارند. مسیح گفت:

"و اراده فرستنده من این است که از آن کسان که او به من بخشیده، هیچ یک را از دست ندهم، بلکه آنان را در روز بازپسین برخیزانم. زیرا اراده پدر من این است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، از حیات جاویدان برخوردار شود و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید" (یوحنا ۶: ۳۹-۴۰).

"روز بازپسین" روز بازگشت مسیح خواهد بود:

"زیرا پسر انسان در جلال پدر خود به همراه فرشتگانش خواهد آمد و به هر کس برای اعمالش پاداش خواهد داد" (متی ۱۶: ۲۷).

پولس رسول از امید خود می نویسد:

"اکنون تاج پارسایی برایم آماده است، تاجی که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا خواهد کرد - نه تنها به من، بلکه به همه آنان که مشتاق ظهور او بوده اند" (۲ تیموتائوس ۴: ۸).

زندگی جاودان، زندگی ابدی، فناپذیری

عبارات "زندگی جاودان" و "زندگی ابدی" از یک ریشه یونانی می آیند و معنای مشابهی دارند. زندگی جاودان تفاوت کمی با فناپذیری دارد.

- فناپذیری هدیه خدا برای زندگی ابدیست و کاملاً متضاد با وضعیت فانی اکنون ما دارد. (۱ قرنیتیان ۱: ۵۳).
- عبارت "زندگی ابدی" به کیفیت زندگی ایمانداران واقعی اشاره دارد که فناپذیر شده اند. ایده "زندگی در آینده" نیز شامل آن می شود.

زمان بازگشت مسیح، ایمانداران واقعی مکانی در پادشاهی خدا دریافت کرده و جاودانه می شوند. ذهن آنها نیز تغییر یافته و از گناه و وسوسه آزاد شده و تنها با اراده و قوانین خدا پر خواهد شد. در آن زمان آنها به واقع خدا را خواهند شناخت و هماهنگ با او زندگی خواهند کرد. منظور کتاب مقدس از زندگی جاودان همین است. کیفیتی از زندگیست که شخصیت شگفت‌انگیز خدا را نشان می‌دهد و روشی از زندگی که مسیح به ما نشان می‌دهد.

اگرچه اکنون ما فناپذیری را دریافت نکرده‌ایم، اما حسی در ایمانداران واقعی وجود دارد که می‌توانند زندگی جاودان داشته باشند. مسیح درست قبل از مرگش دعا کرد:

"پس از این سخنان، عیسی به آسمان نگریست و گفت: پدر، ساعت رسیده است. پسر را جلال ده تا پسر نیز تو را جلال دهد. زیرا او را بر هر بشری قدرت داده‌ای تا به همه آنان که به او عطا کرده‌ای، حیات جاویدان بخشد و این است حیات جاویدان، که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند" (یوحنا ۱۷: ۱-۳).

این آیات نشان می‌دهد کسانی که ذهن خود را با امور خدایی پر می‌کنند، به نوعی در همین دنیا حیات جاودانی را یافته اند. پس اگر اکنون هماهنگ با خدا و مسیح زندگی کنیم در مورد ما گفته می‌شود که:

"و آن شهادت این است که خدا به ما حیات جاویدان بخشیده، و این حیات در پسر اوست" (۱ یوحنا ۵: ۱۱).

اگر زندگی خود را در راه خدا ادامه دهیم، خدا به واسطه فیض خود پاداش ما را با زندگی جاودان می‌دهد و همیشه هماهنگ با او خواهیم بود. پس زندگی ما هم جاودانه و هم ابدی خواهد بود. اما اگر در پی زندگی جاودان و مسیح نباشیم، خدا نیز هنگام بازگشت مسیح به ما زندگی جاودان نخواهد داد. این موضوع اهمیت ترک امور دنیوی و پرداختن به راه و روش خدا را بیان می‌کند.

تنها با خواندن و تفکر کردن در مورد پیام کتاب مقدس می‌توانیم به شناخت و محبت خدا برسیم. برای داشتن زندگی ابدی، باید این کار را انجام دهیم.

مقدسین

گناه ما را از خدا جدا می‌کند. خدا خالص و درستگار و عادل است و کاملاً از افکار و خواسته‌ها و آرزوها و روش‌های انسانی به دور است. به این نحو خدا مقدس (جدا شده) است. اگر می‌خواهیم فرزند خدا شویم باید خود را از افکار و فعالیت‌های شریانه دنیای پیرامون جدا کنیم. باید تلاش کنیم همانند خدا مقدس باشیم:

"چون فرزندی مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید؛ چرا که نوشته شده است: «مقدّس باشید، زیرا من قدّوسم» (۱ پطرس ۱: ۱۴-۱۶).

در اولین روز خلقت خدا نور را از تاریکی جدا کرد. کتاب مقدس از نور برای نشان دادن راه خدا و از تاریکی برای نشان دادن گناه استفاده کرده است (۱ یوحنا ۱: ۵-۷). همان اندازه که نور از تاریکی دور است ما نیز باید همان فاصله را با گناه حفظ کنیم:

"شب رو به پایان است و روز نزدیک شده است. پس بیاید اعمال تاریکی را به سوی نهمیم و زره نور را در بر کنیم. بیاید آن گونه رفتار کنیم که شایسته کسانی است که در روشنایی روز به سر می‌برند. پس اوقات خود را در بزمها و میگساری و هرزگی و عیاشی و جدال و حسد سپری نکنیم، بلکه عیسی مسیح خداوند را در بر کنید و در پی رضای امیال نفس خود مباشید" (رومان ۱۳: ۱۲-۱۴).

کلمه مقدسین در کتاب مقدس به معنای جدا شده است و برای توصیف ایمانداران واقعی به کار برده شده است و به این دلیل به آنها "مقدسین" گفت شده است زیرا خود را از تاثیرات شیرانه دنیای پیرامون جدا کرده‌اند و ویژگی‌های زندگی جاودان را در این دنیا نشان می‌دهند. پولس رسول آنان را اینگونه توصیف می‌کند:

"از پولس که به خواست خدا رسول مسیح عیسی است، به مقدسین ساکن در شهر آفسس، به آنان که در مسیح عیسی وفادارند" (افسیان ۱: ۱).

همچنین (اعمال رسولان ۹: ۱۳) - (اعمال رسولان ۲۶: ۱۰) و (فیلیپیان ۴: ۲۱) را ببینید. مقدسین سران و رهبرانی نیستند که کلیساها ادعا دارند.

مقدسین ایمانداران واقعی اند

"مقدس" یعنی "جدا شده"، ایمانداران واقعی همانند انسان‌های این دنیا نیستند. در عوض تلاش می‌کنند همانند خدا و عیسی مسیح باشند.

ایمانداران واقعی مقدسین خطاب می‌شوند. چون زمان بازگشت مسیح جاودانه می‌شوند و از جمعیت فانی پادشاهی خدا جدا خواهند بود. مقدسین راه خدا را به افراد فانی آموزش می‌دهند. آنها همچنین به همراه عیسی مسیح بر جهان حکمرانی کرده و جزئی از دولت او می‌شوند. آنها با عدالت، خرد و قدرت حکومت کرده و مشکلات دنیا حل خواهد شد. دولتمردان قادر به حل مشکلات نیستند. دلایل زیادی بر آن وجود دارد. برای مثال، رهبران و سران دنیا:

- همیشه صادق و عادل نیستند.
- گاهی علایق خود را بر دیگران ترجیح می‌دهند.
- به اندازه کافی باهوش نیستند تا مشکلات دنیای امروزی را حل کنند.
- منبع و یا قدرت کافی برای اجرای برنامه‌ها را ندارند.
- گاهی موفق به پیشرفت می‌شوند اما پس از مدتی پیر و یا بیمار شده و در نهایت می‌میرند.

مقدسینی که زندگی جاودان دریافت می‌کنند قادر به گناه کردن نیستند و هرگز تغییر نکرده و ضعیف نمی‌شوند. آنها به همراه مسیح در پادشاهی خدا با قدرت و عدالت فرمانروایی خواهند کرد.

مقدسین فناپذیر چه شکلی هستید؟

افراد زیادی می‌خواهند بدانند که وقتی ایمانداران واقعی فناپذیر می‌شوند به چه شکل خواهند بود. آیا قابل تشخیص خواهند بود؟ اگرچه تمام جزئیات را نمی‌دانیم. کتاب مقدس اطلاعاتی در این مورد در اختیار ما قرار می‌دهد.

عیسی مسیح پس از رستاخیزش دارای جسم بود و شاگردان قادر به لمس او بودند. اگرچه پس از ظهور معجزه آسای او در مقابلشان، برای چند لحظه پنداشتند که مسیح روح است. اما مسیح به آنان گفت:

"دست و پایم را بنگرید. خودم هستم! به من دست بزنید و ببینید؛ شبخ گوشه و استخوان ندارد، اما چنانکه می‌بینید من دارم" (لوقا ۲۴: ۳۹).

واضح است که عیسی مسیح که اکنون جاودانه است جسمی به همراه "گوشت و استخوان" داشته است. کتاب مقدس نمی‌گوید که او گوشت و خون داشته است. چون در واژگان کتاب مقدس "جان، جسد در خون است" (لاویان ۱۷: ۱۱). به عبارتی دیگر زندگی معمولی احتیاج به خون دارد. اما عیسی مسیح اکنون با قدرت خدا زندگی می‌کند.

وقتی که مسیح به مردم زندگی جاودان می‌دهد، جسم نفسانی آنها به "جسمی روحانی" تبدیل می‌شود (۱ قرنیتیان ۱۵: ۴۴-۵۳). جسم جدیدشان دیگر به خون نیازی ندارد چون توان و نیروی خود را از خدا خواهد گرفت. هرگز از بیماری و درد زجر نمی‌کشند و هرگز پیر نمی‌شوند و نمی‌میرند:

"او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد" (مکاشفه ۲۱: ۴).

شگفتی‌های زندگی جاودان

استفاده از لذت‌های خدادادی امری شگفت‌انگیز است و همچنین می‌توان از برکاتی همانند سلامتی، قدرت، صلح و آرامش، امنیت و دانش بیشتر در مورد خدا بهره‌مند شد. دیگر لزومی ندارد که مقدسین با گناه دست و پنجه نرم کنند. اگر افراد فانی امور الهی و اهداف باشکوهش را تعلیم دیده باشند و به شرط اینکه در ایمان خود باقی مانده باشند فرصت زندگی جاودان به آنها داده خواهد شد.

حتما به خاطر دارید که در قرن اول رسولان برای مدت کوتاهی عطایای روح‌القدس را دریافت کردند

(درس ۲۱). بعضی از آنها توانستند به زبانهای دیگر کلام را تدریس کنند. بعضی توانستند بیماران را درمان کرده و بیماران ذهنی را معالجه کنند. این عطایا تنها برای "اولین بار" بوده و نمونه‌ای بود از عطایای روح‌القدس که در پادشاهی خدا صاحب آن می‌شوند. چه تصویر بی‌نظیری از آینده و زمان بازگشت مسیح داریم.

زندگی جاودان هرگز به اتمام نمی‌رسد. شاید درک این موضوع برای ما سخت باشد چون با زندگی امروزی بسیار متفاوت است. برخی گمان می‌کنند شاید زندگی ابدی خسته کننده باشد. اما خدا هرگز وعده بدی نمی‌دهد.

ما قادر به درک شگفتی‌های آن زمان نیستیم. وقتی هزاره تمام شود، زمان بهتری فرا خواهد رسید. سپس رابطه کاملی بین خالق و مخلوق برقرار می‌شود. (۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۲۸). این برنامه خدا از آغاز بوده است و همان وعده زندگی جاودان می‌باشد.

خلاصه

- اکنون تنها خدا، فرشتگان و عیسی مسیح فناپذیرند.
- در داوری، عیسی مسیح به ایمانداران واقعی (مقدسین) زندگی جاودان خواهد داد.
- افرادی که جاودانه شده اند، جسم روحانی خواهند داشت و هرگز متوجه درد و رنج و بیماری نمی‌شوند و پیر نمی‌شوند و از قدرت خدا انرژی می‌گیرند.
- مقدسین ایمانداران واقعی هستند. آنها سرانی نیستند که کلیساها ادعا می‌کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(یوحنا ۳: ۱۶) "زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد".

(دانیال ۱۲: ۱-۳)

(یوحنا باب ۱۷)

(۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۵۰-۵۷).

پرسش‌های بخش هفتم

درس ۲۴: فیض عامل نجات

- ۱-۲۴ توضیح دهید چگونه می‌توانیم از گناه و مرگ همیشگی نجات یابیم؟
- ۲-۲۴ به زبان خود توضیح دهید که منظور کتاب مقدس از فیض چیست؟
- ۳-۲۴ آیا فکر می‌کنید اگر فیض خدا را بپذیرید می‌توانید بدون بخشیده شدن زندگی کرده و به انسان‌ها دروغ بگویید و یا از همه متنفر باشید؟
- ۴-۲۴ آیا می‌توانیم نجات را دریافت کنیم؟
- ۵-۲۴ برای ایمان داشتن چه باید کرد؟
- ۶-۲۴ رومیان ۴: ۱-۵ را بخوانید. آیا خدا ابراهیم را به دلیل اعمالش عادل شمرد یا به دلیل ایمانش؟

درس ۲۵: رستاخیز از مردگان

- ۱-۲۵ درست‌ترین راه توصیف ایماندارانی که مرده‌اند چیست؟ با بله یا خیر پاسخ دهید.
- الف) فوت کرده‌اند.
- ب) به آسمان رفته‌اند.
- پ) خوابیده‌اند.

۵-۲۵ جامعه ۹: ۵-۶ و ۱۰ در مورد مردگان به ما چه می‌گوید؟

۳-۲۵ منظور از رستاخیز چیست؟

۴-۲۵ الف) با دلیل ثابت کنید که مسیح پس از برخاستن از مردگان روح نبود.

ب) آیا ایمانداران پس از رستاخیز جسم خواهند داشت؟

۵-۲۵ الف) در یوحنا باب ۱۱ مریم پس از دیدن مسیح چه گفت؟

ب) مارتا در آیه ۲۴ در مورد رستاخیز چه گفت؟

پ) تفاوت بین ایلعازر و مسیح زمانی که از مرگ برخاستند چه بود؟

ت) یوحنا ۱۲: ۱۰-۱۱ در مورد کاهن اعظم چه می‌گوید؟

۶-۲۵ ابراهیم پس از رستاخیزش وارث چه سرزمینی خواهد شد؟ (درس ۱۲ به شما کمک می‌کند)

۷-۲۵ رستاخیز چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

۸-۲۵ کدام آیات در انجیل یوحنا باب ۵ در مورد مسایل زیر سخن می‌گوید؟

(الف) خدا داوری را بر عهده پسر خود گذاشته است.

(ب) زمانی می‌آید که تمامی کسانی که در قبر هستند صدای مسیح را می‌شنوند.

(پ) اگر کلام مسیح را بشنویم و به خدا ایمان بیاوریم می‌توانیم از مرگ گذشته و به سمت زندگی برویم.

درس ۲۶: روز داوری

۱-۲۶ اتفاقات زیر را به ترتیب بنویسید:

رستاخیز / بازگشت مسیح / داوری

۱. _____ ۲. _____ ۳. _____

۲-۲۶ متی ۲۵: ۳۱-۴۶ را بخوانید.

(الف) در آیه ۳۱ منظور از پسر انسان کیست؟

(ب) پادشاهی او کجا خواهد بود؟ (درس ۹ کمک می‌کند).

پ) آیه ۳۲ چه می‌گوید؟

ت) پاداش درست‌کاران چیست؟ (آیه ۳۴).

ث) این مَثَل در مورد اهمیت دادن به نیازهای دیگران است. باید از آن چه درسی بگیریم؟

۳-۲۶ چه کسانی مرده باقی می‌مانند و داوری نمی‌شوند؟

۴-۲۶ آیا منتظر هستید که عیسی مسیح در زمان بازگشتش شما را نیز برای داوری فرا خواند؟

۵-۲۶ چرا عیسی مسیح می‌تواند داور بهتری نسبت به داوران انسانی باشد؟

۶-۲۶ مجازات کسانی که مسیح آنها را نمی‌پذیرد چیست؟

۷-۲۶ از مرگ عزه چه می‌آموزیم؟

درس ۲۷: زندگی جاودان

۱-۲۷ فهرستی از کسانی که توسط خدا وعده مکانی برای پادشاهی دریافت کرده‌اند را بنویسید؟

۲-۲۷ آیا افراد زیر فانی هستند (گناهکارند و می‌میرند) یا جاودانه (فناناپذیر و بی‌گناه)؟

الف) خدا

ب) مسیح زمانی که بر روی زمین زندگی می‌کرد (قبل از مرگش)

پ) مسیح هم اکنون

ت) فرشتگان

ث) ایمانداران هم اکنون

ج) افرادی که از مرگ برخیزانده شده‌اند و منتظر داوری هستند.

چ) افرادی که در داوری به هنگام بازگشت مسیح عادل شمرده می‌شوند.

ح) افرادی که در هزاره کلام را می‌آموزند.

۳-۲۷ الف) افرادی که توسط مسیح پذیرفته شده‌اند در طول هزار سال چه می‌کنند؟

ب) آیا قادر به گناه هستند؟

پ) آیا درد و رنج را حس می‌کنند؟

۴-۲۷ معنای واژه‌های زیر چیست؟

الف) قدوس

ب) زندگی جاودان

پ) جسم روحانی

۵-۲۷ آیا می‌خواهید در پادشاهی خدا حضور داشته باشید؟ چرا؟

درس بیست و هشتم: فرشتگان

مطالعه: عبرانیان باب ۱

فرشتگان چه کسانی هستند؟

کلمه "فرشته" در کتاب مقدس به معنای "پیام‌آور" است. فرشتگان پیام‌آوران خدا هستند. آنها به هنگام پیدایش زمین حاضر بودند و برای خدا در زمین کار می‌کردند. فرشتگان موجوداتی فناپذیر هستند و قابلیت گناه را ندارند. ما از تعداد آنها اطلاعی نداریم ولی می‌دانیم که بسیارند. روزی مسیح گفت که می‌توانست "دوازده فوج از ملائکه را درخواست کند" تا به او کمک کنند. دوازده فوج برابر با ۷۲۰۰۰ فرشته است (متی ۲۶: ۵۳). فرشتگان نماینده‌های خدا هستند و با قدرت خدا در جهت اجرای خواسته‌های او عمل می‌کنند.

اعمال فرشتگان

کتاب مقدس به ما می‌گوید که فرشتگان:

- پیغام خدا را می‌رسانند.
- راهنمای مردم هستند.
- حمایت و محافظت از مردم.
- مجازات مردم.

به مثالهای هر بخش توجه کنید.

(۱) مثالهایی از رساندن پیغام خدا توسط فرشتگان

مثالهای زیادی در مورد رساندن پیغام خدا توسط فرشتگان وجود دارد. در این قسمت بخشی از آن را می‌بینید.

جزئیات	آیات
<p>خدا به ابراهیم گفت که او و ساره صاحب پسری می‌شوند. سه فرشته‌ای که ظاهر شده و این پیغام را به ابراهیم دادند درست همانند مردم عادی بودند. در شرایط مختلف آنها متفاوت هستند. به ویژه زمانی که در حال نشان دادن شکوه خدا هستند. هیچ فردی نمی‌تواند خدا را ببیند (۱ تیموتائوس ۶: ۱۶). هر وقت خدا نیاز به یک وجود قابل رویت داشته باشد، فرشتگانش را می‌فرستد.</p>	پیدایش باب ۱۸
<p>دو فرشته‌ای که با ابراهیم سخن گفته بودند، به دیدار لوط برادرزاده او رفتند تا به او هشدار دهند که خدا قصد نابودی سدوم را دارد. مردم سدوم پنداشتند که فرشتگان انسانند.</p>	پیدایش ۱۹: ۱-۵
<p>فرشته‌ای از آسمان ابراهیم را متوقف کرد تا فرزندش اسحاق را قربانی نکند و بعد فرشتگان ابراهیم را به خاطر ایمان و اطاعتش برکت دادند.</p>	پیدایش ۲۲: ۱۱ و ۱۵
<p>خدا به موسی گفت باید مردم اسرائیل را از بردگی مصر خارج کرده و به سرزمین کنعان برساند. فرشته‌ای که این پیام را رساند در بوته‌ای مشتعل بود. بعداً فرشته دیگری احکام خدا را به موسی داد (خروج باب ۱۹ - اعمال رسولان ۷: ۳۸).</p>	خروج باب ۳
<p>فرشته‌ای به جدعون گفت که خدا به او کمک می‌کند تا با دشمنان اسرائیل بجنگد و بعد فرشته در آتش قربانی که جدعون محیا کرده بود ناپدید شد.</p>	داوران ۶: ۱۱-۲۴
<p>فرشته جبرئیل به زکریا گفت که او و همسرش الیزابت صاحب پسری خواهند شد. این فرزند بعدها یحیی تعمید دهنده خوانده شد.</p>	لوقا ۱: ۱۱-۱۹
<p>فرشته جبرئیل به مریم گفت که مادر مسیح خواهد بود.</p>	لوقا ۱: ۲۶-۳۳

۲) مثالهایی از راهنمایی مردم توسط فرشتگان

- ابراهیم نمی‌خواست که فرزندش با دختری از قوم‌های نافرمان دیگر که به خدا ایمان نداشتند، ازدواج کند. پس از خدمتکارش خواست تا زنی ایماندار برایش پیدا کند. خدا از طریق فرشته‌ای، خدمتکار را به سمت رفقه هدایت کرد (پیدایش ۲۴: ۷).
- زمانی که موسی مردم اسرائیل را درون صحرا هدایت می‌کرد ستونی از ابر در روز و ستونی از آتش در شب به همراه آنها بود. فرشته خدا در آن ستون بود تا مردم را حمایت و هدایت کند. در خروج ۱۳: ۲۱ می‌خوانیم: "خداوند پیش روی قوم می‌رفت". چون فرشته نمایانگر خود خدا بود (خروج ۱۴: ۱۹ - خروج ۲۳: ۲۰-۲۱ را نیز ببینید). علی‌رغم وجود خدا در صحرا به همراه مردم اسرائیل، آنها باز هم علیه او سرکشی می‌کردند. فرشته آنها را از گناه باز نمی‌داشت.
- فرشته‌ای فیلیپس را هدایت کرد تا خواجه‌سرای حبشی را ملاقات کند و تا خواجه‌سرا بتواند به واسطه او عیسی مسیح را بشناسد (اعمال رسولان ۸: ۲۶-۳۹).

۳) مثالهایی از حمایت مردم خدا و محافظت آنان توسط فرشتگان

- دوستان دانیال پرستش مجسمه‌ای که پادشاه بابل ساخته بود را نپذیرفتند و به کوره آتش افکنده شدند. فرشته‌ای از آنان محافظت کرد (دانیال ۳: ۲۸).
- دانیال به دلیل ادامه پرستش خدا و با وجود قانونی که او را منع کرده بود، به چاه شیران افکنده شد. فرشته‌ای دهان شیران را بست و دانیال سالم خارج شد (دانیال ۶: ۱۹-۲۲).
- فرشته‌ای رسولان را از زندان رهایی داد (اعمال رسولان ۵: ۱۷-۱۹). در جایی دیگر فرشته‌ای پطرس را از زندان نجات داد (اعمال رسولان ۱۲: ۶-۱۷).

۴) مثالهایی از مجازات مردم توسط فرشتگان

- زمانی که آشوریان، اورشلیم را محاصره کرده بودند، پادشاه صادقیاً برای کمک نزد خدا دعا کرد. خدا فرشته‌ای فرستاد تا تمام آشوریان را بکشد و شهر را نجات دهد - آشوریان به خود جرأت تحقیر کردن خدا را داده بودند (۲ پادشاهان ۱۹: ۳۵).
- خدا فرشته‌ای فرستاد تا هیروودیس پادشاه را بخاطر غرور بیش از حد نابود کند (اعمال رسولان ۱۲: ۲۳).

فرشتگان به چه شکل هستند؟

فرشتگان معمولاً اعمالشان را بدون دیده شدن انجام می‌دهند. ایشع، زمانی که ارتش سوریه قصد حمله به آنان را داشت، ترسیده بود. اما می‌دانست که خدا کمکش می‌کند. وقتی از خدا خواست تا چشمان بنده خود را باز کند، ناگهان دید که تعداد زیادی از فرشتگان دور او ایستاده تا از او محافظت کنند (۲ پادشاهان ۶: ۱۷)، اما شخص دیگری قادر به دیدن فرشتگان نبود.

از قبل دیدیم که فرشتگان ظاهر شده بر ابراهیم و لوط شبیه انسانها بودند، پس بال نداشتند. همچنین مشاهده کردیم که فرشتگان می‌توانستند در ابر و آتش نیز حضور داشته باشند. همانند بوته مشتعل و ستون ابر در صحرا. با این تفاسیر واضح است که فرشتگان هیچ صورت مشخصی نداشته و می‌توانند به انتخاب خود ظاهر و یا ناپدید شوند، همانند کسی که جدعون را ملاقات کرد.

موضوع رستاخیز مسیح نشان می‌دهد که فرشتگان زمانی که جلال خدا را نشان می‌دهند می‌توانند ترسناک باشند:

"ناگاه زمین‌لرزه‌ای شدید رخ داد، زیرا فرشته‌ی خداوند از آسمان نازل شد و به سوی مقبره رفت و سنگ را از برابر آن به کناری غلتانید و بر آن بنشست. چهره‌ی آن فرشته همچون برقی آسمان می‌درخشید و جامه‌اش چون برف، سفید بود. نگهبانان از هراس دیدن او به لرزه افتاده، چون مردگان شدند" (متی ۲۸: ۲-۴).

فرشته‌ای که به فیلیپس گفت تا خواجه‌سرای حبشی را ملاقات کند همانند یک "روح" تشبیه شده است (اعمال رسولان ۸: ۲۶ و ۲۹). عبرانیان ۱: ۱۴ نیز فرشتگان را بعنوان "روح" توصیف می‌کند. کلمه روح نشان می‌دهد که آنها همانند ما، موجودات فانی نیستند. از لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶ درمی‌یابیم که فرشتگان نه گناه می‌کنند، نه می‌میرند و نه می‌توانند ازدواج کنند.

مسیح و فرشتگان

فرشتگان بطور جداگانه بر مریم، یوسف و چوپانان ظاهر شدند تا از میلاد مسیح خبر دهند. هیرودیس قصد کشتن مسیح را داشت اما فرشته به یوسف گفت تا مریم و بچه را به مصر ببرد و کمی بعد که اوضاع بهتر شد، فرشته خبر بازگشتشان را داد.

در مزامیر ۹۱: ۱۱ پیش‌گویی شده بود که فرشتگان در زندگی مسیح نقش خواهند داشت. در متی ۴: ۱۱ می‌خوانیم که پس از آزمایش شدن در صحرا، فرشتگان "آمده، خدمتش کردند". ممکن بود که فرشتگان پس از روزه گرفتن طولانی مسیح برای وی غذا نیز آورده باشند.

در باغ جتسیمانی زمانی که مسیح دریافت که مصلوب شدنش نزدیک است، برای اجرای اهداف خدا دعا کرد و خدا فرشته‌ای فرستاد تا او را تقویت کند (لوقا ۲۲: ۴۳). مسیح می‌توانست با درخواست هزاران فرشته از خدا برای نجات او، مانع دستگیری خود شود. اما او می‌خواست برای ما بمیرد و این تنها راهی بود که ما را از زندگی آلوده به گناه خود نجات می‌داد.

شاید از خدا توقع داشتیم که فرزندش را همانند فرشته خلق کند اما او در عوض همانند ما خلق شد. مسیح تنها بعنوان یک انسان می‌توانست وسوسه شده و رنج و مرگ را تجربه کند. اما فرشتگان نه گناه می‌کنند و نه می‌میرند. متون زیر در مورد مسیح قبل از مرگش است:

"از همین رو، لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود تا بتواند در مقام کاهن اعظمی رحیم و امین، در خدمت خدا باشد و برای گناهان قوم کفاره کند" (عبرانیان ۲: ۱۷).

"اما عیسی را می‌بینیم که اندک زمانی پایینتر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد" (عبرانیان ۲: ۹).

هنگام برخاستن مسیح از مردگان فرشتگان حضور داشتند. شادی آنها را تصور کنید! مسیح بر گناه و مرگ پیروز شده بود. پس به جلال و شکوه رسید و از فرشتگان نیز بالاتر رفت. او دیگر ذات انسانی نداشت:

"او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست. پس به همان اندازه که نامی برتر از فرشتگان به میراث بُرد، از مقامی والاتر از آنها نیز برخوردار شد" (عبرانیان ۱: ۳-۴).

افتخار نشستن بر دست راست خدا تنها برای عیسی مسیح است و هیچ فرشته‌ای تا کنون چنین سعادت را نداشته است (عبرانیان ۱: ۱۳). با این تفاوت که فرشتگان خادمان خدا نامیده می‌شوند:

"حال آنکه درباره فرشتگان می‌گوید فرشتگانش را بادها می‌سازد و خادمانش را شعله‌های آتش" (عبرانیان ۱: ۷).

فرشتگان گناه نمی‌کنند – آنها اراده خدا را بجا می‌آورند

هیچ فرشته‌ای وجود ندارد که گناه کند. مزامیر ۱۰۳: ۲۰-۲۱ نشان می‌دهد که همه فرشتگان اراده خدا را اجرا می‌کنند:

"ای فرشتگان خداوند، او را متبارک خوانید، ای زورآورانی که کلام او را به جا می‌آورید و فرمانبردار اوید. ای جمیع لشکریان او و ای خادمان او که اراده‌اش را به جا می‌آورید، خداوند را متبارک خوانید" (مزامیر ۱۰۳: ۲۰-۲۱).

فرشتگان می‌توانند وارد درگاه مقدس خدا شوند که ثابت می‌کند اجازه گناه کردن ندارند، چون هیچ گناهکاری نمی‌تواند زنده بماند. خدا مردم اسرائیل را به رهبری موسی از مصر خارج کرد. در ابتدا مصریان با آزادی موافقت نمی‌کردند و خدا با بلایای مختلف آنان را مجازات کرد. نویسنده مزامیر با شرح اوضاع می‌گوید که خدا:

"خشم سوزان خود را بر ایشان گسیل داشت، غضب و غیظ و تنگی را، با فرستادن فرشتگان نابودی" (مزامیر ۷۸: ۴۹).

فرشتگان شریر نبودند و گناه نمی‌کردند و تنها اعمال خدا را اجرا می‌کردند. خدا از آنها خواست تا بلایایی را بر مردم بیاورند تا مصریان را مجازات کرده و نشان دهد که کنترل همه چیز دست اوست. اما نامه دوم پطرس ۲: ۴ می‌گوید:

"زیرا اگر خدا بر فرشتگانی که گناه ورزیدند رحم نکرد، بلکه ایشان را به ته‌هاویه افکند و در سیاه چال‌های تاریک محبوس کرد تا برای داوری نگاه داشته شوند" (۲ پطرس ۲: ۴).

کلمه "فرشته" در کتاب مقدس به معنای پیام‌آور است. همچنین می‌تواند هم به پیام‌آوران آسمانی (فرشتگان) اشاره داشته باشد و هم پیام‌آوران زمینی (انسان‌هایی که پیامی داشتند). کلمه مشخص نمی‌کند که دقیقا به کدامیک اشاره دارد و برای تصمیم باید از کل متن استفاده کرد. متن نامه دوم پطرس ۲: ۴ هیچ نشانه‌ای ندارد و باعث سردرگمی شده است. ما بر این باوریم که این آیات به اتفاقات آیه ۱۶ اشاره دارد. زمانی که عده‌ای از سران اسرائیل گناه کرده و در نتیجه مردند، پس این پیام‌آوران انسان‌هایی هستند که باید آگاهی داشته و بهتر رفتار می‌کردند.

ملک (کلمه عبری) = آنجلس (کلمه یونانی) = پیام‌آور

اشاره به:

پیام‌آوران آسمانی (فرشته) یا پیام‌آوران زمینی (انسان‌ها) دارد.

فرشتگان و ایمانداران حقیقی

با اینکه فرشتگان را نمی‌بینیم، اما آنها همیشه محافظ ایمانداران واقعی هستند:

"مگر آنها جملگی روح‌هایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می‌شوند؟" (عبرانیان ۱: ۱۴).

این آیه به طور واضح نشان می‌دهد که فرشتگان از همه محافظت نمی‌کنند و تنها این امر شامل حال کسانی می‌شود که از خدا می‌ترسند. مزامیر ۳۴: ۷ این پیام شیرین را دارد:

"فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او اردو می‌زند، و آنان را می‌رهاند" (مزامیر ۳۴: ۷).

به ما گفته شده است که وقتی یک گناهکار توبه می‌کند، فرشتگان شادی می‌کنند (لوقا ۱۵: ۱۰). اگرچه فرشتگان در زندگی ایمانداران واقعی نقشی ایفا می‌کنند اما این بدین معنا نیست که ایمانداران هرگز لحظات سخت نخواهند داشت. زیرا آزمایش‌ها به ما درس می‌آموزند و ما را به خدا نزدیکتر می‌کنند. فرشتگان مانع گناه کردن ایمانداران نمی‌شوند، همانطور که فرشتگان در صحرا مانع مردم از گناه نشدند. آنها معمولاً از راه‌هایی که متوجه نمی‌شویم به ما کمک می‌کنند.

کارهای آینده فرشتگان

عیسی مسیح به زودی به زمین بازخواهد گشت. اما زمان آن را کسی نمی‌داند. حتی فرشتگان در آسمان (مرقس ۱۳: ۳۲). وقتی او بازگردد فرشتگان نیز به همراه او می‌آیند. ۲ تسالونیکیان ۱: ۷ در مورد آن زمان به ما می‌گوید:

"بدین‌گونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید" (۲ تسالونیکیان ۱: ۷).

بر طبق مثل‌هایی که مسیح گفت، فرشتگان مردم را برای حاضر شدن در محضر عیسی مسیح برای داوری جمع می‌کنند. در آن زمان قدوسین (ایمانداران واقعی) همانند فرشتگان خواهند بود. فرشتگان فناپذیرند. ایمانداران مسیح نیز می‌توانند همانند آنها باشند. همانطور که مسیح گفت:

"عیسی پاسخ داد: مردم این عصر زن می‌گیرند و شوهر می‌کنند. اما آنان که شایسته رسیدن به عصر آینده و قیامت مردگان محسوب شوند، نه زن خواهند گرفت و نه شوهر خواهند کرد و نه دیگر خواهند مرد؛ زیرا مانند فرشتگان خواهند بود. آنان فرزندان خدایند، چرا که فرزندان قیامتند" (لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶).

خلاصه:

- ۱- فرشتگان پیام‌آوران خدا هستند. آنها اراده خدا را توسط قدرت‌ش اجرا می‌کنند. فرشتگان راهنمایی می‌کنند، مجازات می‌کنند و حمایت می‌کنند.
- ۲- فرشتگان از ایمانداران واقعی حمایت می‌کنند اما جلو گناه کردن آنان را نمی‌گیرند.
- ۳- فرشتگان معمولاً اعمال خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که قابل رویت نباشد. هنگامی که دیده شدند به اشکال مختلفی بودند.
- ۴- فرشتگان فناپذیرند و قادر به گناه نیستند. ازدواج نمی‌کنند. در پادشاهی خدا، ایمانداران اینگونه خواهند بود.
- ۵- عیسی مسیح بعنوان انسان از فرشتگان پایین‌تر بود. اما پس از رستاخیزش جلال یافته و از آنها بالاتر رفت.
- ۶- فرشتگان هنگام بازگشت مسیح همراه او خواهند بود.
- ۷- کلمه فرشته در کتاب مقدس به معنای پیام‌آور انسانی نیز می‌باشد.

آیاتی جهت مطالعه:

(عبرانیان ۱: ۱۴) "مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می‌شوند؟"

مطالعه تمامی آیات این درس به یادگیری شما در مورد فرشتگان و اعمالی که برای خدا انجام می‌دهند، کمک می‌کند.

درس بیست و نهم: دیو و شیطان

مطالعه: متی ۸: ۱۴-۳۴

دیو

در کتاب مقدس کلمات "ابلیس" و "دیو" متفاوت هستند و در نسخه جدید کتاب مقدس این امر به طور واضح دیده شده است. اما در نسخه قدیمی کمی مبهم است. در درس بعد به ابلیس خواهیم پرداخت.

خدای قادر مطلق است و همه چیز را خلق کرده است. هیچ موجود نامرئی به نام دیو که انسان‌ها را به دردسر بیندازد وجود ندارد. در بعضی از متون کتاب مقدس کلمه "دیو" اشاره به "بت‌ها" دارد و در بعضی دیگر به "بیماری‌ها" اشاره می‌کند. ما به هر دو نگاهی می‌اندازیم، تا به ارتباطشان پی ببریم.

دیو بعنوان بت‌ها

مزامیر ۱۰۶: ۳۶-۳۸ "بت‌های ایشان را عبادت کردند، که برایشان دام گردید. پسران خود را برای دیوها قربانی کردند و دختران خود را نیز. خون بی‌گناه را ریختند، خون پسران و دختران خود را؛ که ایشان را برای بت‌های کنعان قربانی کردند، و زمین به خون آلوده شد."

مزامیر باب ۱۰۶ در مورد گناه اسرائیل و رحمت و محبت خدا به آنها سخن می‌گوید. امت اسرائیل خود را از دیگر امت‌ها جدا نکردند و همچنین اعمال شریرانه آنها را نیز تکرار کرده و بت‌ها را می‌پرستیدند. آنها بر این باور بودند که خدایان دروغین بر آنها حکومت می‌کردند و زندگی‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دادند. در آیات ۳۶ تا ۳۸ می‌خوانیم که بنی اسرائیل فرزندان خود را برای بت‌ها قربانی می‌کردند. توجه داشته باشید که این آیات در مورد قربانی برای "دیوها" و "بت‌ها" صحبت می‌کند. بنابراین "دیو" واژه دیگری برای "بت" بود. دیوهای اشاره شده در این قسمت بت‌های ملت‌های اطراف بودند. تثنیه ۳۲: ۱۷ نیز دیوها و بت‌ها (خدایان دروغین) را به هم مرتبط می‌کند.

اول قرن‌تین ۱۰: ۱۸-۲۱ باز به این موضوع اشاره دارد که دیوها همان بت‌ها بودند. مسیحیان قرن‌تس تنها خدای زنده و حقیقی را می‌پرستیدند. خدایان دیگر بت‌ها بودند که در این قسمت دیو خوانده شده است - اشیای بی‌جانی که مردم به پوچی آن را می‌پرستند.

دیوها بعنوان بیماری

مسیح انسان‌های زیادی را با بیماری‌های مختلف درمان کرد. برای مثال کوران بینا شدند، کران شنوا شدند و شلان راه رفتند. او بیماران زیادی که از امراض مغزی و روحی رنج می‌بردند را نیز درمان کرد که از میان آنها می‌توان به بیماری صرع نیز اشاره کرد.

در آن زمان مردم دانش کمی در مورد علم پزشکی داشتند. درک این موضوع که شخصی با مچی ورم کرده نمی‌تواند راحت راه برود، آسان بود. اما برای بیماری‌هایی همانند صرع، اسکیزوفرنی و دیگر بیماری‌های از این قبیل هیچ دلیلی نمی‌یافتند. این بیماری‌ها باعث می‌شد که با این افراد برخورد عجیبی داشته باشند. پس مردم گمان می‌کردند که این امراض توسط دیوهایی به وجود آمده که به درون بدن بیماران رفته و زندگی آنها را تغییر داده و کنترل می‌کند. وقتی مسیح این انسان‌ها را درمان می‌کرد مردم اینگونه می‌پنداشتند که او دیوها را از وجود بیماران خارج کرده است (مرقس ۱: ۳۴-۳۹).

آیات زیر در مورد شفا دادن توسط مسیح است:

"هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همهٔ بیماران را شفا داد، تا بدین‌سان، پیشگویی اِشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: او ضعف‌های ما را برگرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد" (متی ۸: ۱۶-۱۷).

این متن می‌گوید افرادی که دیو در وجودشان بود نزد مسیح می‌آمدند و او ارواح را از وجودشان خارج می‌کرد و همین‌طور ذکر می‌کند که اشعیای نبی این واقعه را پیشگویی کرده بود. اما اشعیای در مورد بیماری‌ها سخن گفته بود و هیچ حرفی از ارواح پلید و دیوها نزد ارواح پلید و دیوها نیز نوعی از بیماری‌ها بودند.

لوقا ۹: ۴۲ نشان می‌دهند که دیوها و روح پلید برابرند و قابل درمان هستند:

"در همان هنگام که پسر می‌آمد، دیو او را بر زمین زد و به تشنج افکند. اما عیسی بر آن روح پلید نهیب زد و پسر را شفا داد و به پدرش سپرد" (لوقا ۹: ۴۲).

متی ۱۷ نیز معجزه مشابهی را توضیح می‌دهد. اما هیچ اشاره‌ای به دیو نمی‌کند. در عوض در آیه ۱۵ پسر را مصروع معرفی می‌کند. در این قسمت واژه یونانی "ماه زده-دیوانه" به کار رفته است. اما نویسنده به نشانه‌های بیماری دقت کرد و دریافت که پسر از صرع رنج می‌برد. در زمان مسیح، مردم نمی‌دانستند که صرع یک بیماری مغزی است. اگر مسیح این واقعیت را به آنها می‌گفت طبیعتاً درک نمی‌کردند و می‌پنداشتند که او حرف‌های عجیب می‌زند. امروزه صرع با داروهای پزشکی کنترل

می‌شود. وقتی که لوقا در مورد دیو و ارواح ناپاک سخن می‌گوید، تنها قصد او استفاده از زبانی است که برای مردم قابل درک باشد.

متی ۹: ۳۲-۳۳ نیز در مورد مسیح که شخصی گنگ را شفا داد، سخن می‌گوید. مردم می‌پنداشتند که او دیوی در وجود خود دارد. برای آنها قابل درک نبود که چگونه انسانی با دهان و زبان قادر به سخن گفتن نیست.

زمانی که مسیح کور و گنگی را که همه دیو در وجود دارند شفا داد (متی ۱۲: ۲۲-۲۳)، افراد زیادی متوجه قدرت او شدند اما فریسیان از روی شرارت گفتند که این کار به یاری بعلزبول یا رئیس دیوها انجام می‌شود. مسیح ثابت کرد که تفکرشان احمقانه بود.

دیوها، بت‌ها و بیماری‌ها

اول پادشاهان باب ۱۸ نشان می‌دهد که مردم چگونه خدایان دروغین را می‌پرستیدند. بت پرستان (دیو پرستان) کنترل اعمال خود را از دست داده بودند. چون تحت تاثیر هیجانانگیز قرار گرفته و ساعت‌های طولانی را در حضور خدایان دروغین فریاد می‌زدند. اول پادشاهان ۱۸: ۲۸-۲۹ می‌گوید:

"پس ایشان به صدای بلند فریاد می‌کردند و مطابق رسم خود، خویشتن را با شمشیرها و نیزه‌ها مجروح می‌ساختند، چندان که خون بر بدنشان جاری می‌شد. نیمروز سپری شد و ایشان تا هنگام قربانی شامگاهی همچنان عربده می‌کشیدند، اما نه صدایی بود، نه کسی که پاسخ دهد یا توجه کند" (۱ پادشاهان ۱۸: ۲۸-۲۹).

شخصی که مبتلا به صرع و یا جنون است ممکن است همانند همین بت پرستان رفتار کند. به همین دلیل است که پنداشته می‌شد مردم با بیماری‌های عجیب توسط خدایان دروغین (دیوها) تسخیر شده اند. از آنجایی که بت‌ها و دیوها وجود واقعی ندارند (۱ قرنتیان ۸: ۴)، ارواح پلید نیز وجود ندارد. هیچ ارواح پلیدی باعث مشکلات و بیماری نمی‌شوند.

مسیح با اجسام بی‌جان سخن می‌گفت

از آنجایی که مسیح با دیوها سخن می‌گفت برخی از افراد می‌پنداشتند که آنها موجودات زنده هستند. اما وقتی یکی از خویشاوندان پطرس مریض شد و تب داشت، مسیح با تب نیز سخن گفت. او همچنین با باد و دریا (مرقس ۴: ۳۹-۴۱) و درخت انجیر (متی ۲۱: ۱۹-۲۱) سخن می‌گفت. می‌دانیم که مردگان قادر به شنیدن نیستند.

لوقا ۴: ۳۸-۳۹ "آنگاه عیسی کنیسه را ترک گفت و به خانه شمعون رفت. و اما مادرزن شمعون را تبی سخت عارض گشته بود. پس، از عیسی خواستند یاری اش کند. او نیز بر بالین وی خم شد و تب را نهیب زد، و تبش قطع شد. او بی درنگ برخاست و مشغول پذیرایی از آنها شد."

اما مسیح با دختر یایرس و ایلعازر زمانی که مرده بودند سخن گفت. سخن گفتن مسیح با این موجودات بی جان، همانند سخن گفتن او با دیوهای بود که زنده نبودند. با این نوع از سخن گفتن مسیح ثابت کرد که توانایی اجرای معجزات را دارد (اعداد ۲۰: ۸ را ببینید - در این آیات به موسی توسط خدا تعلیم داده شد که با صخره سخن گوید).

شخصی که دیو در وجود او بود تنها مشکل پزشکی داشت که در آن زمان قابل درک نبود.

شیطان

"شیطان" کلمه‌ای عبری به معنای "مخالفت کننده" است. در عهد عتیق ۱۸ بار از واژه شیطان استفاده شده که ۷ بار آن "مخالفت کننده" ترجمه شده است. "مخالفت کننده" شخصی است که سعی در مخالفت (ممانعت) با شخصی برای انجام کاری دارد. در بعضی از متون می‌بینیم که مترجم کلمه "مخالفت کننده" را استفاده کرده است. این امر به ما کمک می‌کند که معنی کلمه شیطان را درک کنیم.

۱. داوود همراه فلسطینیان ماند تا از شائول که اولین پادشاه اسرائیل بود و قصد کشتن او را داشت، فرار کند. زمانی که رهبران فلسطینی آماده می‌شدند به جنگ علیه اسرائیلی‌ها بروند گمان کردند که ممکن است داوود دشمن باشد و بر علیه آنها بجنگد. آنها گفتند:

"اما فرماندهان فلسطینیان بر او خشم گرفتند و گفتند: این مرد را باز پس بفرست تا به مکانی که برایش تعیین کرده‌ای، بازگردد. او نباید با ما به جنگ بیاید، مبادا در حین نبرد دشمن ما شود. زیرا او چگونه می‌تواند با سرور خود، شائول آشتی کند؟ آیا نه با سرهای این مردان؟" (۱ سموئیل ۲۹: ۴).

کلمه "دشمن" در این آیه همان کلمه عبری "شیطان" است و این نشان می‌دهد که یک انسان نیز می‌تواند شیطان باشد. این اسم یک انسان نیست.

۲. سلیمان پادشاه عادل بود که خدا را دوست داشت اگرچه درگیر بت پرستی شد. خدا از او عصبانی شد و دشمنانی را علیه او فرستاد. کلمه "دشمن" در اول پادشاهان ۱۱: ۱۴ همان کلمه "شیطان" است:

"پس خداوند دشمنی بر ضد سلیمان برانگیخت. او هَدَدِ آدومی، از تبار پادشاهان آدوم بود" (۱) پادشاهان (۱۱: ۱۴).

اول پادشاهان ۱۱: ۲۳-۲۵ می گوید که خدا دشمن دوم، یعنی رزون را فرستاد. هدد و رزون، هر دو همانند شیطان عمل کردند و برای سلیمان و اسرائیل مشکلات زیادی به وجود آوردند و موجب شدند تا سلیمان متوجه اشتباهاتش بشود و به سوی خدا بازگردد.

۳. در کتاب اعداد باب ۲۲ در مورد یک نبی به نام بلعام به ما گفته شده که به سفری می رفت که خدا نمی خواست. در آیه ۲۲ می گوید:

"اما خشم خدا به سبب رفتن بلعام برافروخته شد و فرشته خداوند بر سر راه برای مقابله با وی موضع گرفت" (اعداد ۲۲: ۲۲).

در اینجا کلمه "مقابله" به معنای "شیطان" است. خدا فرشته ای را فرستاد تا سد راه بلعام شود و با او مخالفت کند و او را از ادامه سفر و انجام کار اشتباه منع کند. فرشته ای که اراده خدا را انجام می داد "شیطان" و یا "مخالفت کننده با بلعام" بود. این فرشته در اینجا، یک شیطان خوب بود!

۴. متی ۱۶: ۲۳ کلمه عبری "شیطان" را استفاده می کند، چون پطرس نمی خواست عیسی به اورشلیم برود و عذاب کشیده و بمیرد. او سعی کرد مسیح را متوقف کند، بنابراین به او گفته شد: "دور شو از من ای شیطان"، چون پطرس قصد مخالفت با اراده خدا را داشت. پطرس می خواست جلوی مرگ مسیح را برای ما بگیرد و بنابراین برای مسیح، "شیطان" محسوب می شد.

کلمه شیطان به معنای دشمنی است که در حال مخالفت است. این کلمه می تواند خوب و یا بد باشد. اگر کسی شخص دیگری را از انجام کار اشتباه منع کند، شیطان خوب است، همانند کاری که فرشتگان برای بلعام کردند.

هیچ قدرت شریری به نام شیطان وجود ندارد. خدا هرگز در راستای اهداف خود شرارت این چینی را خلق نمی کند. عیسی برای درک بهتر کلمه شیطان، شاگردش پطرس را زمانی که با خواسته خدا مخالفت می کرد شیطان خطاب کرد.

شیطان یعنی "دشمن" یا "کسی که مخالفت می‌کند". هر کسی با مخالفت با شخص دیگری می‌تواند شیطان باشد. شیطان می‌تواند مانع شما در انجام کار خوب و یا بد باشد.

ما بدترین دشمنان خود هستیم

بزرگترین دشمن ما ذات گناهکار خودمان است. ما تسلیم خواسته‌های خود می‌شویم که مانع پیروی از مسیح می‌شود. این خواسته‌ها مغایر با روش الهی زندگی می‌باشند و همانند یک شیطان برای ما عمل می‌کنند. به این طریق کلمه شیطان برای خواسته‌های گناه آلود ما نیز به کار می‌رود. این امر را در مقایسه با اعمال رسولان ۵: ۳-۴ می‌بینید:

<p>آیه ۴: "چه چیز تو را بر آن داشت که چنین کنی؟ تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفتی"</p>	<p>آیه ۳: "ای حنانيا، چرا گذاشتی شیطان دلت را چنین پر سازد که به روح القدس دروغ بگویی ..."</p>
--	--

در آیه ۳ کلمه "شیطان" برای نشان دادن افکار گناه آلود بیان شده است. خواسته‌های گناه آلود او با خدا مخالفت می‌کرد. آیه ۴ کاملا نشان می‌دهد که افکار خودش بود و توسط شیطان قرار داده نشده بود. خدا حنانيا را بخاطر گناهانش با مرگ مجازات کرد. اگر واقعا شیطان دل او را پر کرده بود پس مجازاتش ناعدالتی بود. ما باید بر خواسته‌های شیرانه خود غلبه کنیم.

زهره (لوسیفر) که بود؟

اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۶ آیاتی است که معمولا توسط انسان‌هایی که به وجود موجودات شریر اعتقاد دارند نقل قول می‌شود. با مقایسه دو نسخه از کتاب مقدس در می‌یابیم که زهره تنها نام ستاره روز و یا سیاره ونوس است.

نسخه اول ^{۱۰}	نسخه دوم ^۹
ای ستاره صبح، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای. ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای.	ای زهره، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای. ای که ملتها را ذلیل می‌ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای.

⁹ Authorised Version

¹⁰ English Standard Version

اگر کل باب را مطالعه کنیم متوجه می‌شویم که زهره به پادشاه بابل اشاره دارد (آیات ۴ و ۱۶ را به دقت نگاه کنید). این پیشگویی در مورد پادشاه متکبر بابل است که از قدرت خواهد افتاد. این امر به اندازه افتادن سیاره ونوس از آسمان خاص است. مسیح از زبان تصویری مشابهی برای شهر کفرناحوم نیز استفاده کرد (متی ۱۱: ۲۳).

به طور مشابه حزقیال ۲۸: ۱۴-۱۶ به رئیس صور اشاره دارد و منظورش تمام قدرت‌های شریر نیست.

شیطان در کتاب ایوب

"در دیار عوص مردی بود ایوب نام. آن مرد بی‌عیب و صالح بود؛ از خدا می‌ترسید و از بدی اجتناب می‌کرد" (ایوب ۱: ۱). او بسیار ثروتمند بود. شیطان به خدا گفت که ایوب تنها به سبب برکاتش خدا را پرستش می‌کند. پس خدا موافقت کرد تا ایوب با دارایی‌هایش آزمایش شود تا مشخص شود که اگر برکات از او گرفته شوند او همچنان ایماندار می‌ماند.

این شیطان چه کسی بود؟ مهم است ذکر شود که خدا این مشکلات را برای ایوب به وجود آورد، نه شیطان (ایوب ۴۲: ۱۱). ایوب و همسرش این را می‌دانستند (ایوب ۲: ۹-۱۰ و ۱۹: ۲۱). ما می‌دانیم که خدا با یک قدرت شریر همکاری نخواهد کرد (مزامیر ۵: ۴ و حقوق ۱: ۱۳).

کلمه "شیطان" تنها در دو باب اول کتاب ایوب استفاده شده و اولین مرجع این است:

"روزی پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند شرفیاب شوند. شیطان نیز در میان ایشان آمد" (ایوب ۱: ۶).

این آیه بسیاری از افراد را به اشتباه می‌اندازد و می‌پندارند که شیطان در اینجا یک فرشته بد است. اما در درس ۲۸ دیدیم که فرشتگان گناه نمی‌کنند. عبارت "پسران خدا" (گاهی فرزندان خدا) در کتاب مقدس خطاب به ایمانداران استفاده شده است (مانند ۱ یوحنا ۳: ۲) و "به حضور خداوند حاضر شوند" به مردمی که خدا را ستایش می‌کنند اشاره دارد (تثنیه ۳۱: ۱۴ و یوشع ۲۴: ۱ و ۱ سموئیل ۱۰: ۱۹). به نظر می‌رسد وقتی سه دوست ایوب برای پرستش خدا آمدند، ممکن بود حسادت و تفکرات شریرانه در مورد او در سر می‌داشتند. کلمه شیطان در این قسمت استفاده شده که بیانگر افکار آنها باشد. چون آنها مخالف ایوب بودند. آن سه دوست هیچ تسکینی برای ایوب نبودند و در عوض به اشتباه به او گفتند که مشکلات او بدلیل شرارتش است. جالب است بدانیم که در بین این افراد فقط شیطان را محکوم نکرد و در نهایت از هر سه دوست خشمگین شد (ایوب ۴۲: ۷). آنها شریر بودند نه خود ایوب.

خلاصه:

- در برخی از متون کتاب مقدس کلمه دیو اشاره به بت‌ها (خدایان دروغین) دارد و در برخی دیگر به بیماری‌ها.
- در زمان کتاب مقدس بیماری‌هایی که قابل توضیح نبودند مخصوصاً بیماری‌هایی که تغییراتی در رفتار به همراه داشتند، همانند بیماری‌های روانی، دیو تلقی می‌شدند. امروزه می‌دانیم افراد مبتلا به این بیماری‌ها تنها بیمارند و با دارو درمان می‌شوند.
- هیچ موجود نامرئی به اسم دیو که موجب دردسر شود، وجود ندارد.
- کلمه شیطان به معنای دشمن و یا کسی است که مخالفت می‌کند. مخالفت کننده می‌تواند بد و یا خوب باشد.
- هیچ موجود خارق العاده شریری به اسم شیطان وجود ندارد.

آیاتی جهت مطالعه:

(متی ۸: ۱۶-۱۷) "هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همهٔ بیماران را شفا داد، تا بدین‌سان، پیشگوییِ اِشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: او ضعف‌های ما را برگرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد".

(اعداد باب ۲۲)

(۱ پادشاهان باب ۱۸)

(متی ۱۶: ۲۱-۲۸).

درس سی ام: ابلیس و گناه

مطالعه: عبرانیان ۲: ۸-۹

گناه و وسوسه

گناه از ذهن ما می‌آید. ما توسط امیال طبیعی خود برای گناه کردن وسوسه می‌شویم. اما خود وسوسه گناه نیست و بخشی از ذات انسانی است. این امر زمانی واقع می‌شود که ما تسلیم امیال اشتباه خود شده و به آنها اجازه داده تا به افکار شریر تبدیل شوند و باعث رفتاری شوند که منجر به گناه است:

"هنگامی که کسی وسوسه می‌شود، هوای نفس خود اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند. هوای نفس که آبستن شود، گناه می‌زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می‌آورد" (یعقوب ۱: ۱۴-۱۵).

مسیح از گناه سخن گفت و نشان داد که از ذهن ما می‌آید:

"زیرا این‌هاست آنچه از درون و دل انسان بیرون می‌آید: افکار پلید، بی‌عفتی، دزدی، قتل، زنا، طمع، بدخواهی، حيله، هرزگی، حسادت، تهمت، تکبر و حماقت. این بدیها همه از درون سرچشمه می‌گیرد و آدمی را نجس می‌سازد" (مرقس ۷: ۲۱-۲۳).

مسیح همچنین نشان می‌دهد که افکار پلید می‌تواند همانند اعمال اشتباه باشد:

"شنیده‌اید که گفته شده، زنا مکن. اما من به شما می‌گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است" (متی ۵: ۲۷-۲۸).

گناه نتیجه شکست ما در کنترل امیال غلط است. یعقوب اهمیت کنترل امیال را نشان می‌دهد:

"از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ حسرت چیزی را می‌خورید، اما آن را به دست نمی‌آورید. از طمع مرتکب قتل می‌شوید، اما باز به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید. جنگ و جدال بر پا می‌کنید، اما به دست نمی‌آورید، از آن رو که درخواست نمی‌کنید" (یعقوب ۴: ۱-۲).

حتی بهترین انسان نیز در کنترل امیال خود شکست می‌خورد. پولس نشان داد که انجام کارهای خوب سخت و اشتباه کردن بسیار آسان است (رومان ۷: ۱۸-۱۹). ذهن ما طبیعتاً خودپسند است نه خدا پسند. پس در نتیجه گناه می‌کنیم. چون به جای خواسته‌های خدا در پی خواسته‌های خود هستیم.

غلبه بر گناه

مسیح نیز همانند ما ذات انسانی داشت و همانند ما وسوسه می‌شد. او هم امیالی داشت که اگر کنترل نمی‌شد او را به گناه می‌کشاند. او بی‌گناه ماند چون هرگز تسلیم امیالش نشد. وسوسه‌هایش در بیابان نشان می‌دهند که عیسی به محض شنیدن آنها، متوجه شد که اشتباه است و ترجیح داد که فوراً آنها را از ذهن خود پاک کند و اجازه ندهند تا رشد کرده و به افکار و اعمال گناه آلود تبدیل شود. مثال او به ما نشان می‌دهد که منظور کتاب مقدس از غلبه بر گناه چیست. غلبه بر گناه یعنی غلبه بر خواسته‌های درونی خود.

آیاتی که در بالا ذکر شد نشان می‌دهد که گناه از درون ما و از ذهن ما می‌آید. هیچ قدرت ماورای طبیعی وجود ندارد که ما را به سمت شرارت سوق دهد. گناه کردن اشتباه ماست. چون در کنترل خواسته خود شکست خورده ایم. گفتن واژه "اشتباه می‌کنیم" برای هیچ یک از ما خوشایند نیست و سرزنش کردن دیگران آسانتر است. انجام این کار فریفتن خود است:

"دل از همه چیز فریبنده‌تر است، و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟" (ارمیا ۱۷: ۹).

تعالیم اشتباه درباره شیطان و ابلیس به این دلیل به وجود آمده است تا نشان دهد ما نیاز داریم دیگران را برای گناهانشان سرزنش کرده و مقصر بدانیم.

وقتی خدا آدم را صدا زد (پیدایش باب ۳) و از او پرسید که آیا از درخت معرفت نیک و بد خورده است، آدم پاسخ داد:

"این زن که به من بخشیدی تا با من باشد، او از آن درخت به من داد و من خوردم" (پیدایش ۳: ۱۲).

آدم سعی داشت تا خدا را به خاطر زنی که برایش خلق کرده بود سرزنش کند. زیرا آن زن میوه را به آدم داده بود و آدم نیز از میوه خورد. اما این اشتباه خود آدم بود. انتخاب آدم اشتباه بود. حوا مار را سرزنش کرد. آدم و حوا نمی‌خواستند به دلیل سرپیچی از خدا سرزنش شوند. اولین قدم برای غلبه بر گناه قبول این واقعیت است که مشکلات از درون ما می‌آید.

معنی کلمه "ابلیس"

جالب است بدانیم که کلمه ابلیس اولین بار در عهد جدید، جایی که در مورد وسوسه مسیح در صحرا به ما گفته می‌شود، استفاده شد. اگر ابلیس یک موجود با قدرت‌های شریانه است پس در زمان عهد عتیق کجا بود؟

کلمه ابلیس و شیطان هر دو در وسوسه مسیح به کار رفته‌اند. در درس ۱۷ دیدیم که وسوسه کننده مسیح، نمی‌توانست یک قدرت شریانه باشد. جهان متعلق به خداست و هیچ شخص دیگری نمی‌توانست پیشنهاد مالکیت آنرا به عیسی بدهد. اگر عیسی می‌دانست که او ابلیس است هرگز دنبال او به اورشلیم و یا هیچ جای دیگری نمی‌رفت.

کلمه "ابلیس" یک واژه یونانی (diabolos) است که به معنی "غیبت گو" و یا "تهمت زننده" می‌باشد. این واژه معمولاً در مورد کسانی به کار می‌رود که در مورد افراد دیگر غیبت می‌کنند:

"به همین‌سان، زنان سالخورده باید شیوه زندگی محترمانه‌ای داشته باشند. نباید غیبت‌گو یا بنده شراب باشند، بلکه باید آنچه را که نیکوست تعلیم دهند" (تیتوس ۲: ۳).

(۱ تیموتائوس ۳: ۱۱)، (۲ تیموتائوس ۳: ۳) را نیز ببینید. این کلمه برای یهودا اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد نیز استفاده شده است:

"عیسی به آنان پاسخ داد: مگر شما دوازده تن را من برگزیده‌ام؟ با این حال، یکی از شما ابلیسی است. او به یهودا، پسر شمعون اسخریوطی، اشاره می‌کرد، زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، پس از چندی عیسی را تسلیم دشمن می‌کرد" (یوحنا ۶: ۷۰-۷۱).

اما همین کلمه ابلیس برای گناهان انسان نیز در عهد جدید استفاده شده است.

ابلیس در کتاب مقدس برای توصیف گناهان به کار برده شده است

اول یوحنا ۳: ۴-۷ و ۸-۱۰ نظرات مشابهی دارند. مقایسه زیر برای درک بهتر کاربرد کلمه ابلیس در کتاب مقدس به ما کمک می‌کند.

اول یوحنا ۳: ۸	اول یوحنا ۳: ۵
"آن که در گناه زندگی می‌کند از ابلیس است، زیرا ابلیس از همان آغاز گناه کرده و می‌کند. از همین رو پسر خدا ظهور کرد تا کارهای ابلیس را باطل سازد."	"شما می‌دانید که او ظهور کرد تا گناهان را از میان بردارد. در او هیچ گناهی نیست."

می‌بینیم که "گناهان را بر دارد" و "اعمال ابلیس را باطل سازد" معنای مشابهی دارند.

عبرانیان ۲: ۱۴ می‌گوید که ابلیس "قدرت مرگ را دارد". این گناه است که ما را به مرگ می‌کشاند:

"پس، همان‌گونه که گناه به واسطهٔ یک انسان وارد جهان شد، و به واسطهٔ گناه، مرگ آمد، و بدین‌سان مرگ دامن‌گیر همهٔ آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند" (رومیان ۵: ۱۲).

"مزد گناه مرگ است" (رومیان ۶: ۲۳).

بنابراین ابلیس نمایانگر گناه است. آیات زیر نشان می‌دهد که کتاب مقدس در مورد ابلیس و گناه چه می‌گوید. همچنین نشان می‌دهد که گناه و ابلیس برابرند.

با ابلیس مقاومت کنید چون دشمن خداست (یعقوب ۴: ۷)	... پس گناه است (رومیان ۶: ۱۳)
ابلیس وسوسه‌کننده انسان است (متی ۴: ۱)	... پس همان امیال گناه آلود است (یعقوب ۱: ۱۳-۱۵)
ابلیس فریبنده است (مکاشفه ۱۲: ۹)	... پس گناه است (رومیان ۷: ۱۱)
ابلیس موجب مرگ می‌شود (عبرانیان ۲: ۱۴)	... و همانطور گناه (رومیان ۵: ۱۲)
ابلیس توسط مرگ مسیح نابود شد (عبرانیان ۲: ۱۴)	... و همینطور گناه (رومیان ۶: ۶)

کلمه ابلیس در عهد جدید نمایانگر گناه است

نگاهی دقیق‌تر به عبرانیان ۱۴:۲

اول یوحنا باب ۳ به ما گفت که مسیح آمد تا "اعمال ابلیس" را نابود کند. عبرانیان ۱۴:۲ به ما می‌گوید که مسیح آمد تا ابلیس و گناهانش را نابود کند.

عبرانیان ۱۴:۲	معنا
"از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود، صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد."	ایمانداران در ذات انسانی شریک‌اند و مسیح نیز ذات انسانی داشت تا به واسطه مرگ خود گناه را نابود کند.

این آیه به ما می‌گوید که عیسی مسیح بعنوان یک انسان متولد شد تا ابلیس را با مرگش نابود کند. این بدین معناست که مسیح بر امیال طبیعی خود غلبه کرده و بر گناه پیروز شد.

این آیه مسأله‌ای را برای کسانی که می‌پندارند ابلیس یک قدرت شریر است ایجاد می‌کند.

- می‌گوید که مسیح ابلیس را نابود کرده است. پس چطور مردم به اشتباه هنوز می‌پندارند که ابلیس بعنوان یک روح شریر ماورای طبیعی وجود دارد؟
- اگر ابلیس یک موجود شریر است، پس چرا این آیه تأکید می‌کند که مسیح می‌بایست ذات انسانی می‌داشت تا ابلیس را نابود کند؟
- اگر او یک موجود ماورای طبیعی بود چطور مسیح توسط مرگش توانست آن را نابود کند؟ مطمئناً برای مسیح بهتر بود که یک موجود جاودان همانند فرشتگان باشد. انسان فانی به سختی می‌تواند در این نبرد پیروز شود.

ابلیسی که مسیح نابود کرد میل به گناه در خودش بود

میل به گناه درون همه انسان‌ها وجود دارد، مسیح ذات انسانی و میل به گناه کردن را از مادرش به ارث برد. ضروری بود که او همانند ما باشد تا بتواند وسوسه گناه را تجربه کرده و بر آنها پیروز شود. به همین دلیل در این آیات تأکید شده است که ذات عیسی مسیح همانند ذات ماست. آخرین وسوسه‌ای که مسیح باید از آن می‌گذشت وسوسه مقابله با مرگ بر روی صلیب بود. با غلبه بر این وسوسه او گناه را کاملاً از بین برد. به همین دلیل این آیه به ما می‌گوید که مسیح با مرگش ابلیس را از بین برد و همینطور به همین دلیل است که ۱ یوحنا ۳:۸ به ما می‌گوید که او ظاهر شد "تا اعمال ابلیس را نابود

کند". مسیح گناه را کاملاً از بین برد. چون با مرگش ذات قابل وسوسه را از بین برد. اکنون او دیگر وسوسه نمی‌شود.

"... یک بار برای همیشه در نقطهٔ اوج تمامی اعصار ظاهر شد تا با قربانی خود، گناه را از میان بردارد" (عبرانیان ۹: ۲۶).

مسیح ابلیس را با مرگش از بین برد مسیح بر گناه غلبه کرد

مسیح زندگی کاملی داشت. او "از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند" (عبرانیان ۴: ۱۵). مسیح با غلبه بر گناه، این امر را برای ما نیز امکان‌پذیر ساخت تا گناهانمان بخشیده شود.

چرا کتاب مقدس کلمه ابلیس را استفاده می‌کند؟

کلمه ابلیس در کتاب مقدس برای نشان دادن گناه به کار رفته است. این مثالی از شخصیت بخشیدن به چیزهاست. یعنی به گونه‌ای درباره تفکرات انسان صحبت کنیم که گویی یک انسان است. اما چرا کتاب مقدس به جای کلمه گناه از کلمه ابلیس نیز استفاده کرده است و چرا به گونه‌ای ابلیس را توصیف می‌کند که گویی در مورد یک شخص با قدرت صحبت می‌کند؟ به این خاطر است که ما متوجه قدرت و فریبندگی گناه بشویم و همینطور درک کنیم که تا چه اندازه هر روزه با گناه در نبردیم. در وسوسه مسیح از زبان تصویری برای توصیف نبرد بین ابلیس و مسیح که در ذهن ما اتفاق افتاد استفاده شد.

این نبرد علیه خواسته‌هایش، به تمام قدرت او نیاز داشت. به همین خاطر است که وسوسه گناه همانند قدرت بزرگ ابلیس تشبیه شده است. این امر به ما نشان می‌دهد که تا چه اندازه باید با گناه مبارزه کنیم و به ما کمک می‌کند تا قدردان کاری باشیم که عیسی مسیح برای ما انجام داد تا بر گناه پیروز شود بدانیم.

یک خالق قدرتمند

خدا خالق قدرتمند همه چیز است. هیچ قدرت ماورای طبیعی دیگری که مخالف با او باشد در کار نیست. خدا هرگز چنین موجودی را خلق نمی‌کند. اگرچه در طول ایام مردم می‌پنداشتند که قدرت

بزرگی است که با خدا مخالفت می‌کند. پارسیان قدیم بر دو قدرت بزرگ اعتقاد داشتند. یکی خالق نور و خوبی و دیگری خالق تاریکی و بدی. در جواب به این اعتقاد غلط، خدا این پیام را فرستاد.

"من یهوه هستم و دیگری نیست؛ به جز من خدایی نیست. اگرچه مرا نمی‌شناسی، تو را تجهیز خواهم کرد، تا از محل طلوع آفتاب تا محل غروب آن، بدانند که غیر از من کسی نیست؛ من یهوه هستم و دیگری نیست؛ پدید آورنده روشنایی و خالق تاریکی، موجد سعادت و آفریننده مصیبت؛ آری من، یهوه، تمام اینها را به جا می‌آورم" (اشعیا ۴۵: ۵-۷).

خالق بزرگ تنها قدرت جهان است و همه چیز را کنترل می‌کند. گناه تنها چیزی است که مخالف خدا است و از ذهن مردان و زنان می‌آید.

هیچ قدرت شریری که بعضی آن را ابلیس و بعضی آن را شیطان می‌خوانند وجود ندارد. تفکر موجود شریر، ابلیس و یا شیطان که قرن‌ها وجود داشته با آموزه‌های کتاب مقدس که تنها خدا را جاودانه می‌داند، مغایرت دارد. خدا هرگز به موجودی که هدفش را به چالش بکشد جاودانگی نمی‌دهد (۱ تیموتائوس ۶: ۱۶). برخی به اشتباه بر این باورند که فرشته‌ای گناه کرد و تبدیل به ابلیس و یا شیطان شد. اما فرشتگان نه گناه می‌کنند و نه می‌میرند (درس ۲۸) و به ما گفته شد که با مرگ مسیح ابلیس از بین رفت.

نمادهای گناه

مار یک حیوان بود (پیدایش ۳: ۱ و ۱۴). خدا به او اجازه حرف زدن داد. همانطور که به الاغ بلعام اجازه حرف زدن داد (اعداد ۲۲: ۲۸). خدا از مار استفاده کرد تا آدم و حوا را بیازماید و آنها شکست بخوردند. مار آنها را مجبور به خوردن میوه نکرد. تنها آزمایش را فراهم کرد و آدم و حوا خود تصمیم گرفتند.

بعد از آن مار نمادی از گناه شد، همانند ابلیس که نمادی از گناه است. در درس قبل دیدیم که شیطان به معنای دشمن و یا مخالفت کننده است. اما می‌توان بعنوان یک نماد از هر چیزی که همانند گناه مخالف خداست، نیز استفاده کرد. به همین خاطر است که شیطان و یا ابلیس در وسوسه مسیح استفاده شده است. چون خواسته‌های مسیح با خواسته‌های خدا مغایرت داشتند. مکاشفه کتابی است پر از نمادهای مختلف و مار و شیطان و ابلیس که همه کنار هم قرار گرفته اند. در مکاشفه ۱۲: ۹ آخرین نابودی گناه از روی زمین را به زبانی تصویری می‌بینیم.

ما نمی‌توانیم به خود کمک کنیم، پس چه باید کرد؟

فهم این امر که گناه در نزد خدا پذیرفته نمی‌شود بسیار مهم است. گناه از ذهن ما می‌آید، پس مشکل از درون ماست. ما خود مسئول گناهانمان هستیم و نمی‌توانیم شخص دیگری را سرزنش کنیم. تنها زمانی که این امر را پذیرفتیم در می‌یابیم که به بخشش و فیض و رحمت خدا نیازمندیم. پس برای روی آوردن به خدا آماده می‌شویم و توبه می‌کنیم (برای گناهانمان عمیقا متاسف شده و بخشش می‌طلبیم) و با تعمید زندگی جدیدی را آغاز می‌کنیم. تنها از طریق توبه و تعمید است که گناهانمان کاملا بخشیده می‌شود. در مورد این امر در درس بعد بیشتر توضیح داده می‌شود.

خلاصه:

- گناه از ذهن ما می‌آید. ما توسط امیال طبیعی خودمان وسوسه می‌شویم.
- واژه ابلیس به معنای غیبت گو و تهمت زننده است. در کتاب مقدس بعنوان نمادی برای گناه به کار برده شده است. هیچ قدرت ماوراء طبیعی شریری وجود ندارد.
- مسیح در خود بر گناه پیروز شد و با مرگش ابلیس را نابود کرد.
- تنها در صورتی گناهان ما بخشیده می‌شود که توبه کرده و تعمید بگیریم.

آیاتی جهت مطالعه:

(یعقوب ۱: ۱۴-۱۵) "هنگامی که کسی وسوسه می‌شود، هوای نَفْسِ خودِ اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند. هوای نَفْسِ که آبستن شود، گناه می‌زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می‌آورد."

(مزامیر ۱۴: ۲-۳)

(یعقوب ۱: ۱۲-۲۷)

(رومیان باب ۶)

(رومیان ۷: ۱۴-۲۵)

(غلاطیان ۵: ۱۶-۲۴).

درس سی و یکم: تعمید

مطالعه: یوحنا باب ۳

تعمید، شروعی تازه



گناه ما را از خدا جدا کرده و مرگ را به همراه دارد. اگر می‌خواهیم به خدا بازگردیم باید از راه خود برگشته و به راه او برویم. تعمید راهی است که خدا برای ما بوجود آورد تا شروعی تازه داشته باشیم.

تعمید برای نجات ضروری است.

۱. تعالیم مسیح و شاگردانش: عیسی مسیح درست قبل از عروجش به آسمان به شاگردانش گفت:

"به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همهٔ خلائق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد" (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶).

پطرس رسول در روز پنتیکاست به یهودیان اینگونه آموزش داد:

"توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح‌القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

تعمید حکم عیسی مسیح و شاگردانش است و برای بخشش گناهان و نجات ضروری است.

۲. مثال کرنلیوس: کرنلیوس" و اهل خانه‌اش همگی پرهیزگار و خداترس بودند. کرنلیوس سخاوتمندانه به مستمندان صدقه می‌داد و پیوسته به درگاه خدا دعا می‌کرد" (اعمال رسولان ۱۰: ۲). شاید فکر کنید که خدمت او به خدا کامل بود و او به هیچ چیز دیگری نیاز نداشت اما پطرس رسول به او دستور داد تا تعمید بگیرد. پند این قسمت آشکار است. حتی انسان‌های متقی و خدا ترس نیز تنها به واسطه تعمید نجات می‌یابند.

۳. تعمید در عهد جدید نیز تکرار می‌شد

نکات	آیات
<p>مسیح خود تعمید گرفته بود. او به تعمید برای بخشیده شدن گناهانش نیازی نداشت. یکی از خویشان عیسی، یعنی یحیی تعمید دهنده بر این امر آگاه بود و نمی‌خواست او را تعمید دهد. اما مسیح به او گفت: "بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم". مسیح مثالی را برای پیروی به بقیه نشان داد.</p>	متی ۳: ۱۳-۱۷
<p>مسیح در تعمید دیگران نیز مداخله کرد.</p>	یوحنا ۳: ۲۲ یوحنا ۴: ۱-۳
<p>در نتیجه تعالیم رسولان در روز پنتیکاست ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند.</p>	اعمال رسولان ۲: ۴۱
<p>فیلیپس مردم را در سامره تعمید داد.</p>	اعمال رسولان ۸: ۵-۱۳
<p>فیلیپس خواجه‌سرای حبشی را نیز تعمید داد.</p>	اعمال رسولان ۸: ۲۶-۴۰
<p>سولس (که بعداً به اسم پولس رسول معرفی شد) تعمید گرفت. او در راه رفتن به دمشق برای قتل مسیحیان بود که عیسی مسیح از آسمان با او سخن گفت و بعد سولس متوجه شد که عیسی مسیح واقعا پسر خداست و او در صدد انجام کار اشتباهی بود. پس تعمید گرفته و شخص دیگری شد.</p>	اعمال رسولان ۹: ۱-۹
<p>پطرس رسول، کرنلیوس را بعنوان اولین غیریهودی ایماندار تعمید داد.</p>	اعمال رسولان باب ۱۰
<p>یک خانواده و یک داروغه در فیلیپی تعمید یافتند.</p>	اعمال رسولان ۱۶: ۲۵- ۳۳
<p>پولس رسول کریسپوس، گایوس و خانواده استیفاناس را تعمید داد.</p>	۱ قرن‌تیان ۱: ۱۲-۱۶

مردم چگونه تعمید یافتند

یونانی‌ها از واژه "Baptizo" برای توصیف رنگ کردن لباس‌ها استفاده می‌کردند. لباس کامل در رنگ غوطه‌ور می‌شد. هیچ قسمتی از پارچه نباید بیرون از مایع می‌ماند و گرنه عملیات رنگرزی کامل انجام نمی‌شد. در راستای همین عمل تعمید نیز غوطه‌ور شدن کامل در آب است. شخص تعمید گیرنده کاملاً به زیر آب می‌رود.

بعضی از کلیساها با پاشیدن آب تعمید می‌دهند که این از تعالیم کتاب مقدس نیست. تعمیدهایی که در کتاب از آنها می‌خوانیم مقدار زیادی آب در آن مداخله دارد چون شخص تعمید گیرنده کامل به زیر آب می‌رفت.

- یحیی تعمید دهند در عینون تعمید می‌داد "زیرا که در آنجا آب فراوان بود" (یوحنا ۳: ۲۳).
- مسیح در رودخانه تعمید گرفت بعد از آن او "از آب بر آمد" (مرقس ۱: ۹-۱۰).
- فیلیپس به خواجه‌سرای حبشی کمک کرد تا کار بزرگ مسیح را در یابد. به ما گفته شده است:

"همچنان که در راه پیش می‌رانند، به آبی رسیدند. خواجه‌سرا گفت: بنگر، اینک آب مهیاست! آیا تعمید گرفتن مرا مانعی است؟ فیلیپس گفت: اگر با تمام دل ایمان آورده‌ای، مانعی نیست. خواجه‌سرا گفت: ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خداست. پس خواجه‌سرا دستور داد ازابه را نگاه دارند، و فیلیپس و خواجه‌سرا، هر دو به آب درآمدند و فیلیپس او را تعمید داد. چون از آب بیرون آمدند، ناگاه روح خداوند فیلیپس را برگرفت و برد و خواجه‌سرا دیگر او را ندید، ولی با شادی راه خود را در پیش گرفت" (اعمال رسولان ۸: ۳۶-۳۹).

تعمید لازمه نجات است و به معنای غوطه‌ور شدن کامل در آب می‌باشد.

معنای تعمید

تعمید نمادی از شستن گناهان گذشته است. چون در تعمید همه گناهان بخشیده می‌شود و به ما اجازه یک شروع تازه را می‌دهد:

"حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو" (اعمال رسولان ۲۲: ۱۶).

اما تعمید چیزی فراتر از شستن گناهانمان است. همانطور که در قسمت‌هایی از رومیان باب ۶ می‌بینیم:

نکات	رومیان ۶: ۳-۴
<p>پولس با ایمانداران تعمیدی سخن می‌گوید که در عیسی مسیح تعمید گرفتند - در مرگ او با رفتن کامل به زیر آب دفن می‌شویم و این امر ما را به مرگ مسیح مرتبط می‌سازد</p> <p>همانگونه که مسیح از مردگان برخاست تا زندگی جدیدی را آغاز کند پس ما نیز پس از تعمید آغازی نو داریم.</p>	<p>آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟</p> <p>پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم</p> <p>تا همان‌گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.</p>

تعمید نمادی از مرگ، تدفین و رستاخیز مسیح است. همانطور که بدن مسیح در قبر دفن شد، بدن ما نیز در تعمید در آب دفن می‌شود. رفتن کامل به زیر آب نمادی از مرگ مسیح است. از این طریق اعتراف می‌کنیم که به خاطر گناهان خود می‌میریم و همینطور این یک نشانه از پایان زندگی است که در آن برده گناه بودیم. سپس زمانی که مسیح از قبر برخاست ما نیز از آب بیرون می‌آییم. از گناهان گذشته رها شده و زندگی جدیدی را در مسیح آغاز می‌کنیم. زندگی که وقف عیسی مسیح می‌شود.

از آنجایی که تعمید نمادی از مرگ و رستاخیز به همراه مسیح است، بدیهی است که شخص نیاز دارد که کامل به زیر آب برود تا تعمید گردد نه اینکه قطراتی آب بر او پاشیده شود. مسیح به نیقودیموس یکی از سران یهودی گفت:

"آمین، آمین، به تو می‌گویم تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی‌تواند به پادشاهی خدا راه یابد" (یوحنا ۳: ۵).

مسیح در مورد تولد در زندگی تازه‌ای که بعد از تعمید آغاز می‌شود سخن می‌گفت و توضیح داد که یک شخص نمی‌تواند در پادشاهی آینده خدا جایی داشته باشد، مگر اینکه تعمید گرفته باشد. کلمه "روح" نشان می‌دهد که تعمید فراتر از غوطه‌ور شدن فیزیکی در آب است و یک تولد روحانی است.

"تولد ی تازه" با تاثیر کلام خدا بر ذهن و قلب ماست (۱ پطرس ۱: ۲۳). تعمید زمانی تاثیرگذار است که همراه با رفتاری صادقانه باشد:

"و آن آب نمونه تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا. این تعمید به واسطه رستاخیز عیسی مسیح شما را نجات می بخشد" (۱ پطرس ۳: ۲۱).

رومیان ۶: ۵-۸ و ۱۱ "پس اگر در مرگی همچون مرگ او، با وی یگانه شده ایم، به یقین در رستاخیزی همچون رستاخیز او نیز با او یگانه خواهیم بود. زیرا می دانیم آن انسان قدیم که ما بودیم، با او بر صلیب شد تا پیکر گناه در گذرد و دیگر گناه را بندگی نکنیم. چون آن که مرده است، از گناه آزاد شده است. حال اگر با مسیح مرده ایم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد... به همین سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده نگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده".

تعمید یک نشانه ظاهری از عکس العمل ما به خداست که از قلبمان بیرون می آید. به خدا بیان می کنیم که معتقدیم گناهانمان بخشیده می شود و آرزو می کنیم که زندگی جدیدی را در عیسی مسیح آغاز کنیم و تعمید تنها به این دلیل نیست که به واسطه آن عضو یک کلیسا شویم.

قدم هایی به سوی زندگی تازه

گرفتن تعمید و شروع زندگی در عیسی مسیح مهمترین تصمیمی است که می توانیم بگیریم. تصمیمی برای زندگی است و باید با جدیت گرفته شود. راه تعمید و زندگی تازه در مسیح در مراحل زیر خلاصه می شود:

۱. شناخت و ایمان به آموزه های صحیح کتاب مقدس: شخص باید قبل از تعمید پیغام خوش را درک کرده و ایمان بیاورد (مرقس ۱۶: ۱۵)، (همینطور اعمال رسولان ۱۶: ۳۱ و ۱۸: ۸ را نیز ببینید). قبل از تعمید مردم سامره پیام انجیل به آنها تعلیم داده شد و ایمان آوردند:

"اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند" (اعمال رسولان ۸: ۱۲).

کرنلیوس و خواجه سرای حبشی نیز قبل از تعمید پیام انجیل به آنها آموزش داده شد.

۲. **توبه:** یحیی تعمید دهنده اینگونه تعلیم می‌داد: "توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است" (متی ۳: ۲). پطرس گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح‌القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸)، (و همچنین اعمال رسولان ۲: ۱۹ را نیز مطالعه کنید). توبه قبل از تعمید ضروری است. کلمه توبه در کتاب مقدس به معنای تغییری در ذهن است. وقتی کسی پیغام انجیل را می‌شنود و در می‌یابد چقدر در نظر خدا گناهکار است، برای گناهان خود متاسف شده و در پی رحمت و بخشش خدا می‌رود. آشکارا گناهان خود را نزد خدا بازگو کرده و اعتراف می‌کند که دیگر اینچنین گناه نخواهد کرد. این امر شامل تغییر کامل قلب و امیال در جهت ساختن زندگی تازه است.

۳. **بازگشت:** برگشتن و تغییر مسیر. پطرس رسول گفت: "پس توبه کنید و به سوی خدا بازگردید تا گناهانتان پاک شود" (اعمال رسولان ۳: ۱۹). شخصی که به راستی توبه می‌کند (ذهنش را عوض می‌کند)، پس در پی آن است تا زندگی خود برای شروعی جدید تغییر دهد. این پروسه تغییر از خودبین بودن به خدا بین بودن آسان نیست و تا پایان زندگی ادامه خواهد داشت.

۴. **تعمید:** شستن گناهان گذشته که مرتبط با مرگ مسیح می‌شود. در این نماد ما با مسیح می‌میریم و اقرار می‌کنیم که لایق مرگ هستیم زیرا گناهکاریم. به همین شکل با مسیح برخاسته و زندگی جدید را در راستای کلام او ادامه می‌دهیم.

۵. **زندگی تازه در مسیح:** در تعمید گناهان گذشته کاملاً بخشیده می‌شود. این پایان انسانیت گذشته ما است. ما باید خود را به شکل مسیح تغییر دهیم. این امر در عرض یک شب اتفاق نمی‌افتد و تا پایان زندگی ادامه دارد. این تغییر تا آمدن پادشاهی خدا کامل نخواهد شد. زیرا ما هنوز ذات انسانی داریم پس از تعمید نباید برده گناه شویم (رومان ۶: ۶). اگرچه پس از تعمید برای بخشش گناهی که انجام داده‌ایم دعا می‌کنیم. در مورد زندگی تازه در درس ۳۶ بیشتر توضیح خواهیم داد.

تعمید برای کودکان نیست

کتاب مقدس به طور واضح نشان داده است که یک شخص باید به کلام ایمان بیاورد. متوجه گناهکار بودنش بشود و احتیاج خود را به نجات درک کند. پس توبه کرده و تغییر زندگی را قبل از تعمید آغاز کند. یک نوزاد چگونه می‌تواند این کار را انجام بدهد؟ نوزاد توانایی تشخیص گناه در زندگی را ندارد و تغییر را احساس نمی‌کند. تعمید یک تصمیم برای انسان‌های بالغ است. هیچ مثالی از تعمید کودکان در کتاب مقدس وجود ندارد.

تعمید برای بزرگسالان است و تعمید کودکان در کتاب مقدس آموزش داده نشده است.

وارث ابراهیم از طریق تعمید

تعمید ما را وارد رابطه جدیدی با خدا و پسرش می‌کند. به واسطه تعمید در مسیح، ما عضوی از خانواده خدا می‌شویم. غلاطیان باب ۳ نشان می‌دهد که با تعمید از نوادگان ابراهیم خواهیم شد (اسرائیل معنوی). پس در نتیجه وارث وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد نیز می‌شویم (درس ۱۲ را ببینید). به همین خاطر است که می‌توانیم امیدوار به زندگی در پادشاهی خدا بر روی زمین باشیم:

"زیرا در مسیح عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خدایید. چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید. دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید. و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید" (غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹).

مردمان عهد عتیق

افرادی که قبل از مسیح زندگی می‌کردند نمی‌توانستند در مرگ او تعمید یابند. بنابراین افرادی همانند ابراهیم تعمید نگرفتند. اما همانطور که در درس ۲۴ نشان دادیم خدا به واسطه ایمان ابراهیم، او را عادل شمرد.

احکامی که خدا به موسی داد گناهکار بودن مردم اسرائیل را نشان می‌داد. قربانی کردن حیوانات نشانه قربانی شدن مسیح بی‌گناه بود. اگر مردم در زمان عهد عتیق واقعا می‌خواستند که بخشیده شوند و ایمان داشتند که خدا کمکشان می‌کند، خدا واقعا آنها را می‌بخشید:

"خوشا به حال آن که عصیان‌ش آمرزیده شد و گنااهش پوشانیده گردید. خوشا به حال آن که خداوند خطایی به حسابش نگذارد و در روحش فریبی نباشد" (مزامیر ۳۲: ۱-۲).

به واسطه مسیح دیگر نیازی نیست که احکام موسی را نگاه داریم و قربانی بگذرانیم. چون یک قربانی بی‌نقص برای ما مرد. ایمانداران اکنون می‌توانند با تعمید شریک در قربانی شدن او شوند.

خلاصه:

- تعمید برای بخشیده شدن گناهان و نجات ضروری است.
- غوطه‌ور شدن کامل در آب نمادی از شسته شدن گناهان گذشته ماست.
- تعمید نمادی از مرگ و برخاستن مسیح نیز می‌باشد. تعمید پایان زندگی قدیمی است که در آن برده گناه بودیم و شروع زندگی جدید در مسیح را نشان می‌دهد.
- ما به واسطه تعمید وارد رابطه تازه‌ای با خدا و پسرش می‌شویم و عضوی از خانواده خدا خواهیم بود.
- تعمید برای بزرگسالانی می‌باشد که گناهکار بودن خود را دریافته و توبه می‌کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(رومیان ۶: ۳-۴) "آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم."

(اعمال رسولان باب‌های ۸ و ۹ و ۱۰)

(رومیان باب ۶).

پرسش‌های بخش هشتم

درس ۲۸: فرشتگان

۱-۲۸ کلمه "فرشته" به چه معناست؟

۲-۲۸ آیا جملات زیر در مورد فرشتگان آسمانی خدا صحیح است؟

الف) آنها می‌توانند در درگاه خدا حضور یابند.

ب) بعضی از فرشتگان گناه می‌کنند.

پ) فرشتگان گاهی شبیه انسانها هستند.

ت) فرشتگان قادر به سخن گفتن نمی‌باشند.

ث) فرشتگان گاهی همانند روح توصیف می‌شوند.

ج) فرشتگان نمی‌میرند.

چ) ما می‌توانیم به فرشتگان اعتماد کنیم چون مانع گناه کردن ما می‌شوند.

ح) بعضی از فرشتگان ازدواج می‌کنند.

۳-۲۸ آیا صحیح است که کلمه فرشته گاهی به پیام‌آور آسمانی خدا و گاهی به پیام‌آور زمینی اشاره دارد؟

۴-۲۸ نشان دهید که در کدام قسمت از کتاب مقدس می‌توانیم جملات زیر را بیابیم. همه جوابها در درس موجود است:

الف) فرشته شبیه انسان بود

ب) فرشته پیامی داد.

پ) فرشتگان زیادی وجود دارند.

ت) فرشتگان می‌توانند انسان را نابود کنند.

ث) فرشته‌ای از شخصی حمایت کرد.

۵-۲۸ فرشتگان هم اکنون چه می‌کنند؟

۶-۲۸ چرا خدا مسیح را همانند انسان خلق کرد و نه همانند فرشتگان؟

۷-۲۸ چه زمانی ایمانداران شبیه فرشتگان می‌شوند؟

درس ۲۹: دیو و شیطان

۱-۲۹ مثالی از کتاب نشان دهید که فرشتگان بت بوده‌اند.

۲-۲۹ در متون زیر گفته شده که مردم در جسم خود دیو دارند. با دانش پزشکی امروزی ما بیماری‌ها را اینگونه توصیف نمی‌کنیم. در مورد مشکل آنها چه می‌توان گفت؟

الف) متی ۹: ۳۲-۳۴

ب) متی ۱۲: ۲۲-۲۳

پ) متی ۱۷: ۱۴-۲۱

۳-۲۹ الف) آیا معتقدید که دیو (روح پلید) موجوداتی نامریی هستند؟

ب) آیا معتقدید که دیوها قادر به ایجاد بیماری هستند؟

۴-۲۹ کلمه شیطان به چه معناست؟

۵-۲۹ چرا مسیح پطرس را شیطان خواند؟

۶-۲۹ برخی بر این باورند که شیطان فرشته‌ای رانده شده است. نظر شما چیست؟

۷-۲۹ مثالی از شیطان خوب از کتاب مقدس بزنید؟

۸-۲۹ شیطان در اعمال رسولان ۵: ۳-۴ چه چیزی را نشان می‌دهد؟

۹-۲۹ آیا شیطان یک موجود ماورای طبیعی شریر است؟

۱۰-۲۹ زهره (لوسیفر) چه کسی بود؟

درس ۳۰: ابلیس و گناه

۱-۳۰ ابلیس کیست؟

۲-۳۰ مسیح چگونه اعمال ابلیس را از بین برد؟

- ۳-۳۰ متی ۱۵: ۱۰-۲۰ را بخوانید. آیه ۱۹ در مورد ما چه می‌گوید؟
- ۴-۳۰ کدام متن از کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که گناه از درون ما می‌آید؟
- ۵-۳۰ یعقوب ۱: ۱۴-۱۵ در مورد وسوسه به ما چه می‌آموزد؟
- ۶-۳۰ زمانی که مسیح در بیابان وسوسه شد، چه اتفاقی افتاد؟ آیا موجود ماورای طبیعی شریری وجود داشت؟ و یا توسط امیال خودش وسوسه شده بود؟
- ۷-۳۰ آیا موجود شریری وجود دارد که با خدا مخالفت کند؟
- ۸-۳۰ چرا کتاب مقدس به گونه‌ای در مورد ابلیس سخن می‌گوید که گویی موجودی شریر است؟
- ۹-۳۰ توبه به چه معناست؟
- ۱۰-۳۰ برای اینکه توبه ما صادقانه باشد، به چه چیزی نیاز داریم؟
- ۱۱-۳۰ چرا ایمانداران باید در زندگی با گناه بجنگند؟

درس ۳۱: تعمید

- ۱-۳۱ داستان کرنلیوس در کتاب مقدس در مورد تعمید به ما چه چیزی می‌آموزد؟

۲-۳۱ یک شخص قبل از تعمیم باید به درک کاملی از کلام برسد. علاوه بر این به چه چیز دیگری نیاز است؟

۳-۳۱ با ذکر دلیل توضیح دهید که چرا پاشیدن آب بر سر کودک، تعمیم مورد قبول کتاب مقدس نیست؟

۴-۳۱ چگونه تعمیم نشانی از مرگ محسوب می شود؟

۵-۳۱ چگونه تعمیم نشانی از تولد محسوب می شود؟

۶-۳۱ رومیان ۶: ۶ به چه معناست؟

۷-۳۱ کولسیان باب ۳ در مورد زندگی جدید یک ایماندار توضیح می دهد.

الف) با توجه به آیات ۵ تا ۹ فهرستی از اعمالی که ایمانداران پس از تعمیم نباید انجام دهید تهیه کنید.

ب) با توجه به آیات ۱۰ تا ۱۷ فهرستی از ویژگی های ایمانداران و روش رفتار آنها تهیه کنید.

۸-۳۱ غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹ به ما چه می آموزد؟

درس سی و دوم: ازدواج مسیحی

مطالعه: ۱ قرن‌تین باب ۷

اولین ازدواج

ازدواج رابطه‌ای است که خدا فراهم کرده است. ازدواج یعنی پیوستن یک زن و یک مرد تا زمانی که زنده هستند. ازدواج نزدیک‌ترین رابطه هر انسانی است. در ازدواج زن و شوهر می‌توانند به همراه هم، همانطور که با گذشت در کنار هم زندگی می‌کنند، معنای واقعی عشق مسیحی و بخشش را یاد بگیرند.

خدا حوا را بعنوان همسر برای آدم خلق کرد. بنابراین آدم و حوا اولین زوج بودند. پس قانون ازدواج از همان آغاز در پیدایش باب‌های ۱ و ۲ گذاشته شده است.

قوانین ازدواج

از پیدایش ۲: ۱۸ و پیدایش ۲: ۲۱-۲۴ یاد می‌گیریم که ازدواج یک تعهد جدی و رسمی است. پس از آفرینش زن خدا او را نزد مرد آورد (پیدایش ۲: ۲۲). مسیح در متی ۱۹: ۵ به طور واضح بیان می‌کند که خدا کلمات متی ۲: ۲۴ را به آدم و حوا گفت. قطعاً خدا کسی بود که اولین ازدواج را رسمی کرد.

پیدایش ۲: ۱۸ و ۲۱-۲۴ "یهوه خدا فرمود: نیکو نیست آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم... پس یهوه خدا خوابی گران بر آدم مستولی کرد و در همان حال که آدم خفته بود یکی از دنده‌هایش را گرفت و جای آن را با گوشت پر کرد. آنگاه یهوه خدا از همان دنده که از آدم گرفته بود زنی ساخت و او را نزد آدم آورد. آدم گفت: این است اکنون استخوانی از استخوان‌هایم، و گوشتی از گوشتم؛ او زن نامیده شود، زیرا که از مرد گرفته شد از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند شد."

ترتیب کلمات خدا به آدم و حوا در "آیه ۲۴" بسیار مهم است. او گفت:

۱. مرد پدر و مادر خود را ترک می‌کند.

۲. به همسر خود می‌پیوندد.

۳. مرد و زن باید یک تن شوند.

حال به هر یک از این موارد با دقت بیشتری نگاه می‌کنیم.

۱. خدا گفت زمانی که یک مرد و زن تصمیم به ازدواج می‌گیرند، مرد باید والدین خود را ترک کرده و با همسر خود زندگی کند. این بدین معنی نیست که باید والدین را نادیده بگیرند. بلکه نشان می‌دهد که همسر اکنون مهمترین شخص خانواده‌اش است و در درجه اول باید به او اهمیت داده شود. اگرچه این امر در مورد زنان نیز صدق می‌کند. ولی در مورد آدم و حوا که پدر و مادری نداشتند صادق نیست. پس کاملاً واضح است که پیدایش باب‌های ۱ و ۲ قوانینی است که خدا برای ازدواج و برای همیشه نهاده است.

۲. مرد باید به همسر خود ببیوندد. منظور از این جمله رابطه جنسی نیست. بلکه نزدیکی در افکار، اهداف و تمام کارهایی است که می‌خواهند انجام دهند و باید چنان جدایی‌ناپذیر باشند که انگار به هم چسبیده اند. خدا زن را آفرید تا معاونی موافق مرد باشد. آنها قرار بود شریک زندگی هم شوند، به هم اهمیت داده و به خدا خدمت کنند. یک مرد و شریک زندگی آینده‌اش باید اولویتهای خود را قبل از متعهد شدن در قالب ازدواج درک کنند.

۳. مرد و زن قرار بود یک تن باشند. این امر مربوط به یگانگی جنسی است و در آخر می‌آید (۱ قرنیتیان ۶: ۱۶). تنها زمانی که آنها برای زندگی مشترک با یکدیگر متعهد شده و به هم پیوستند می‌توانند رابطه جنسی داشته باشند. حوا از دنده آدم خلق شده بود و به معنای واقعی کلمه یک تن بودند و حال با رابطه جنسی این نزدیکی تازه می‌شود. راه خاصی است که یک مرد و زن می‌توانند نزدیکی مطلق و وحدانیت در عشق را احساس کنند. این امر نشان می‌دهد که رابطه آنها باید آنقدر نزدیک باشد که احساس کنند بخشی از یکدیگر هستند. این تعالیم مستقیم خدا کاملاً مغایر با روابط جنسی مردان و زنان امروزی می‌باشد. چون آنها حقیقتاً همسر خود را نشناخته و هیچ تعهدی به زندگی و رابطه طولانی ندارند.

در پیدایش ۱: ۲۸ خدا به آدم و حوا برکت داد و به ایشان گفت: "بارور و کثیر شوید." ازدواج سرشار از عشق و امنیت در بین دو ایماندار بهترین محیط را برای یک کودک فراهم می‌سازد تا بتواند در آن رشد کرده و خدمت به خدا را فرا گیرد (ملاکی ۲: ۱۵).

بنابراین از همان آغاز خدا هدفش را برای ازدواج گذاشت. او می‌خواهد که مرد و زن با یکدیگر زندگی کرده و در تمام مراحل زندگی به همدیگر کمک کنند. او می‌خواهد که هر دو بعنوان شریکان معنوی در خدمت به خدا با یکدیگر تلاش کنند. اگر برکت فرزندان به آنها داده شود، آنها را نیز به راه عشق و خدمت به خدا بیاورند. ازدواج راه مناسبی برای پیدا کردن یک همسر خانه دار و یا مردی که مراقب

شما باشد نیست. ازدواج بسیار فراتر از زندگی یک زن و مرد با یکدیگر است.

ازدواج پیوند یک مرد و یک زن برای زندگی است (متی ۱۹: ۴-۶).

ازدواج مسیحی

همانطور که خدا ازدواج آدم و حوا را هدایت کرد، یک زوج مسیحی نیز باید در حضور خدا به هم پیوندند. عهد ازدواج آنها باید در حضور خدا و شاهدان انسانی (اقوام و دوستان) باشد. عهد آنها باید منعکس کننده آرمان خدا باشد. خدا به کسی اجازه نمی‌دهد تا رابطه ازدواجی را که او به آن برکت داده است را از بین ببرد.

"آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد" (متی ۱۹: ۶).

۱ قرن‌تیاں ۷: ۳۹ می‌گوید: "زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است". البته زمانی که یکی از شریکان ازدواج بمیرد، شریک باقی مانده می‌تواند دوباره ازدواج کند (رومیان ۷: ۲-۳).

یافتن زن یا شوهر

کتاب مقدس یک دستور کاملا واضح داده است که وقتی یک پیرو مسیح شریکی برای ازدواج انتخاب می‌کند باید از او پیروی کند.

ایمانداران تعمیدی بهتر است با ایمانداران تعمیدی ازدواج کنند.

هدف راستین ازدواج تنها زمانی بدست می‌آید که هر دو شخص متعلق به خدا بوده و برای زندگی در کنار هم بعنوان شریکان معنوی و همانند "وارث هدیه فیض‌آمیز حیات" باشند (۱ پطرس ۳: ۷). زن و شوهر باید ایمان و عشق مشابهی را نسبت به خدا با هم داشته باشند. پولس این امر را بطور واضح بیان می‌کند که یک ایماندار نباید با بی‌ایمان ازدواج کند:

"زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟ مسیح و بلیعال را چه توافقی است و مؤمن و بی‌ایمان را چه شباهتی؟" (۲ قرن‌تیاں ۶: ۱۴-۱۵).

"زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. اما اگر شوهرش درگذشت، آزاد است تا با هر که می‌خواهد ازدواج کند، البته فقط در خداوند" (۱ قرن‌تیاں ۷: ۳۹).

یک شریک بی‌ایمان می‌تواند ما را از خدا دور کند همانند اتفاقی که برای سلیمان افتاد (۱ پادشاهان ۱۱:

۱-۱). گاهی پیدا کردن شریکی که ایمان مشابه داشته باشد سخت است.

برخی از افراد که در این شرایط هستند توان مجرد ماندن را دارند (متی ۱۹: ۱۰-۱۲) و هیچ ایرادی هم بر آن نیست (مسیح نیز مجرد ماند). برخی دیگر شاید بخواهند شخصی را پیدا کنند که آمادگی یادگیری حقیقت انجیل را داشته باشد. اما زمانی می‌توانند ازدواج کنند که آن شخص نجات خدا را پذیرفته و تعمیم گرفته باشد. انتخاب یک شریک باید بعنوان موضوعی در دعاها به آن پرداخته شود.

ازدواج ایمانداران با هم باید نشانگر مسیح و کلیسای راستین باشد

همانطور که تعمیم نمادی از اتفاق بزرگتری است (مرگ و رستاخیز مسیح)، ازدواج نیز یک نماد است. رابطه بین زن و مرد باید نشان دهنده رابطه بین مسیح و کلیسا باشد:

"ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن‌گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود، تا آن را به آب کلام بشوید و این‌گونه کلیسا را طاهر ساخته، تقدیس نماید و کلیسای درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدس و بی‌عیب باشد. به همین‌سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می‌کند، خویشتن را محبت می‌نماید. زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می‌دهد و از آن نگاهداری می‌کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می‌نماید؛ زیرا اعضای بدن اویم. از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد. این راز، بس عظیم است - اما من دربارهٔ مسیح و کلیسا سخن می‌گویم باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد" (افسیان ۵: ۲۵-۳۳).

همانگونه که عیسی مسیح عاشق ایمانداران بود و به آنها اهمیت می‌داد، شوهر نیز باید عاشق همسر خود باشد و به او اهمیت بدهد. به طور مشابه زن نیز باید عشق بورزد، احترام بگذارد و همانند ایمانداران واقعی که از عیسی مسیح و نجات‌دهنده خود اطاعت می‌کنند، از شوهر خود اطاعت کند. آیه ۲۳ می‌گوید:

"زیرا شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات‌دهندهٔ آن است" (افسیان ۵: ۲۳).

این نمادها به ما کمک می‌کند که نقش متفاوت زن و شوهر را درک کنیم.

نقش شوهر در زندگی

یک شوهر مسیحی و یک زن وفادار مسیحی برکت‌های بزرگی برای یکدیگر و خانواده هستند و همینطور برای کسی که او را پرستش می‌کند. شوهر باید در عشق و فارغ از خود باشد. همانند مسیح برای کلیسا (ایمانداران واقعی).

همانطور که عیسی مسیح سر کلیساست، شوهر نیز باید سر همسرش باشد. این بدین معنا نیست که شوهر اجازه دستور دادن به زن را دارد و یا می‌تواند انتظار انجام هر کاری را که به میل خودش است داشته باشد است. مسیح اینگونه با ایمانداران برخورد نمی‌کرد. اگرچه او سرور و سر شاگردان بود ولی همانند یک خدمتگزار رفتار می‌کرد تا به آنها درس فروتنی دهد (لوقا ۲۲: ۲۷). او احتیاجات دیگران را بر احتیاجات خود مقدم می‌شمرد. این نصیحت پطرس بود:

"به همین سان، شما نیز ای شوهران، در زندگی با همسرانتان باملاحظه باشید و با آنان چون جنس ظریفتر با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه فیض‌آمیز حیاتند، تا دعاهایتان بازداشته نشود" (۱ پطرس ۳: ۷).

و سر خانواده بودن به این معناست که شوهر باید هدایت‌گری مثبت باشد. اما در عین حال در تمامی تصمیمات مهم با همسر خویش مشورت کند. شوهر باید بیشتر از همه خانواده را برای پرستش و آموزش هدایت کند. ابراهیم نیز همین کار را کرد (پیدایش ۱۸: ۱۹). بدین طریق شوهر ایماندار باید خود را سر خانواده بداند و مسئولیت زندگی در حضور خدا بر شانه‌های او باشد. او باید خانه خود را همانند کلیسا، جایی که خدا جلال یافته، بسازد.

در بعضی از کشورها زنان اکثر کارهای سخت خانواده را انجام می‌دهند. ازدواج مسیحی شراکت است و همسر نیز باید شریک کارهای زن و خانواده باشد. مرد باید همچون "ظروف ظریف تر" او را محترم بشمارد (۱ پطرس ۳: ۷). او باید همان قدر که به خودش محبت می‌کند به زوجه خود نیز محبت کند (افسیان ۵: ۲۸). این شراکت معنوی و کاربردی تجربه شیرینی برای تمام اعضای خانواده می‌شود. همکاری و شراکت در امور مثالی عالی از مسیحیت حقیقی و تشویق دیگران فراهم می‌کند.

یک زن مسیحی

به وظایف و مسئولیت‌های یک مرد مسیحی نگاه کردیم. اما زن مسیحی نیز باید نقش خود را درست ایفا کند. همانگونه که کلیسا باید عاشق مسیح باشد و به او احترام بگذارد، او نیز باید عاشق همسر خود بوده و به او احترام بگذارد. در امثال ۳۱: ۱۰-۳۱ تصویر زیبایی از "همسر شایسته" داده شده است. او کسی است که شوهرش می‌تواند به او کاملاً اعتماد کند. او کسی است که "در همه روزهای زندگی

خویش به شوهرش نیکی خواهد کرد، نه بدی" (آیه ۱۲). او برای خود و خانواده‌اش سخت کار می‌کند. مهربان و فهیم و خدا ترس است (آیه ۳۰). کتاب مقدس مثال‌های زیادی از زنان وفاداری آورده است که از همسرانشان حمایت کردند و در عین حال او را رهبر می‌دانستند. ساره به ابراهیم احترام می‌گذاشت و او را همانند سرور خود می‌دانست (۱ پطرس ۳: ۱-۶) و از او اطاعت می‌کرد.

پولس رسول نشان می‌دهد که چون شوهر نمایانگر مسیح است، زن نمایانگر کلیسای حقیقی مسیح است و نباید نقش رهبری در ازدواج داشته باشد:

"ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید، همان‌گونه که تسلیم خداوند هستید" (افسیان ۵: ۲۲).

تیتوس ۲: ۴-۵ شامل دستورات پولس در مورد زنان جوان است:

"تا بتوانند زنان جوانتر را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خویشتندار و عفیف و کدبانو و مهربان و تسلیم شوهر، تا کلام خدا بد گفته نشود" (تیتوس ۲: ۴-۵).

از آنجایی که قرار است زندگی یک خانواده مسیحی درباره خدا و بر پایه امور مربوط به او باشد، مادران علاوه بر مراقبت از فرزندان، نقش مهمی در راهنمایی و آموزش آنها درباره خدا بر عهده دارند. البته والدین، هر دو نقش خاصی در پرورش کودکان با تعالیم الهی ایفا می‌کنند. کتاب مقدس به ما می‌گوید که والدین باید:

"جوان را در رفتن به راهی که درخور اوست تربیت کن، که تا پیری هم از آن منحرف نخواهد شد" (امثال ۲۲: ۶).

روابط جنسی خارج از ازدواج

وحدانیت جنسی خصلتی است که اجازه می‌دهد زن و شوهر عشق خود را به یکدیگر از طریق خاصی بیان کنند (۱ قرنیتان ۷: ۳-۵). همچنین این امر برکتی است که توسط آن فرزندان وارد خانواده‌ای پر محبت می‌شوند. خدا این هدیه را بعنوان بخشی از ازدواج خلق کرد. پس باید خالص نگاه داشته شده و با بی‌ایمانی این رابطه به فساد کشیده نشود (عبرانیان ۱۳: ۴). مناسب ترین و تنها مکان رابطه جنسی درون ازدواج است. رابطه جنسی باید تنها میان زن و شوهر اتفاق بیافتد. وقتی دو نفر با هم رابطه جنسی دارند یک تن خواهند شد. بی‌بند و باری در رابطه جنسی اشتباه است:

"آیا نمی‌دانید کسی که با فاحشه‌ای می‌پیوندد، با او یک تن می‌شود؟ زیرا نوشته شده است: آن دو یک تن خواهند شد" (۱ قرنیتان ۶: ۱۶).

کتاب مقدس تمام روابط جنسی اشتباه را محکوم می‌کند. ۱ قرنیتان ۶: ۹-۱۰ و ۱۸ می‌گویند:

"آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی‌عفتان، بت‌پرستان، زناکاران، لواط‌گران - چه فاعل و چه مفعول، دزدان، طمع‌ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد... از بی‌عفتی بگریزید! هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که مرتکب بی‌عفتی می‌شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند" (۱ قرن‌تین ۶: ۹-۱۰ و ۱۸).

عهد عتیق نیز در مورد روابط جنسی غیراخلاقی هشدار داده است، برای مثال (امثال ۶: ۲۳-۳۵ و امثال ۷: ۴-۲۷ و تثنیه باب ۲۲). زمانی که ایمانداران تعمید می‌گیرند گناهان گذشته آنها بخشیده خواهد شد. بعضی از ایمانداران قرن‌تس چنین گناهانی داشتند. پولس برای آنها توضیح داد:

"بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده‌اید" (۱ قرن‌تین ۶: ۱۱).

خلاصه

- ازدواج رابطه‌ای است که خدا فراهم کرده است و به هم پیوستن یک مرد و یک زن تا آخر عمرشان می‌باشد.
- رابطه جنسی برکتی است از جانب خدا و تنها باید بین مرد و همسرش اتفاق بیافتد. رابطه جنسی بیرون از قالب ازدواج یا قبل از آن اشتباه است.
- یک ایماندار تعمیدی تنها باید با یک ایماندار تعمیدی ازدواج کند.
- همانگونه که مسیح عاشق ایمانداران بود، مرد نیز باید همانگونه عاشق زن خود بوده و به او اهمیت دهد.
- زن باید همانند ایمانداران واقعی نسبت به کلیسا، نسبت به همسر خود عشق و احترام و پیروی نشان دهد.
- مرد و زن باید فرزندان خود را در عشق و خدمت به خدا بزرگ کنند. مرد خانواده را به خصوص در پرستش خدا هدایت و رهبری می‌کند.

آیاتی جهت مطالعه:

(متی ۱۹: ۶) "بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد".

(افسیان باب ۵)

(امثال ۳۱: ۱۰-۳۱)

(۱ تیموتائوس باب ۳)

(کولسیان ۳: ۱۲-۲۵).

درس سی و سوم: رویارویی با مشکلات در ازدواج

مطالعه: متی باب ۱۹

هدف خدا برای ازدواج

در درس گذشته دیدیم که خدا می‌خواهد یک مرد و زن ایماندار با هم از نظر معنوی شریک شوند و تا پادشاهی خدا به یکدیگر کمک کنند. در نام خدا با هم همکاری کرده و در همه مراحل زندگی برای هم اهمیت قائل شوند. این آرمانی الهی برای ازدواج است. عشق واقعی باید منعکس کننده عشق مسیح به ایمانداران و همینطور خواست ایمانداران برای جلال دادن به او باشد. زندگی مشترک در مسیح به دیگران نشان می‌دهد که از چه برکتی لذت می‌برند. پس خدا نیز از هر سو جلال را دریافت می‌کند.

**آرمان الهی در ازدواج مسیحی برای دو ایماندار در زندگی مشترک در جهت جلال
بخشیدن به خدا می‌باشد.**

اگرچه همیشه دسترسی به این آرمان آسان نیست. سختی‌های زیادی در زندگی اتفاق می‌افتد و در این درس به تعدادی از این مشکلات می‌پردازیم. شاید این درس راهنمای خوبی در زمینه مشکلات موجود در ازدواج برای شما باشد.

یکی از زوجین تغییر دین دهد

ایمانداران تعمیدی باید با ایمانداران تعمیدی ازدواج کنند (۲ قرنیتان ۶: ۱۴)، (۱ قرنیتان ۷: ۳۹). اما کسانی که پس از ازدواج کلام را در می‌یابند چطور؟ آیا باید جدا شوند و یا در کنار شریک بی‌ایمان خود ادامه دهند؟ این یکی از مشکلات رایج در زمان رسولان بود. زمانی که کلام خدا پخش شد افراد زیادی ایمان آورده و تعمید گرفتند. اما اغلب همسرانشان بی‌ایمان باقی ماندند. آنها باید چه می‌کردند؟ آیا باید جدا شده و هر کسی راه خود را برود و یا با هم مانده و مشکلات را حل کنند؟

پولس در این شرایط ایمانداران را به با هم ماندن تشویق می‌کرد:

"به بقیه می‌گویم - من می‌گویم نه خداوند - که اگر برادری همسر بی‌ایمان دارد و آن زن حاضر است با او زندگی کند، آن برادر نباید زن خود را طلاق گوید. همچنین اگر زنی شوهر بی‌ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید شوهر خود را طلاق گوید" (۱ قرنیتان ۷: ۱۲-۱۳).

یک شخص متاهل مسئولیت‌هایی در قبال زوج خود و بچه‌ها دارد و بعنوان شاگرد مسیح باید بسیار با

ملاحظه‌تر از همیشه رفتار کند. در جهت برقرار ماندن ازدواج باید بسیار تلاش کند. اما اگر شریک بی‌ایمان خواست که جدا شود، شریک ایماندار باید قبول کند:

"همچنین اگر زنی شوهر بی‌ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید شوهر خود را طلاق گوید. زیرا شوهر بی‌ایمان به واسطه همسرش تقدیس می‌شود و زن بی‌ایمان به واسطه شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می‌будند؛ اما چنین نیست، بلکه آنان مقدّسند. اما اگر آن که بی‌ایمان است بخواهد جدا شود، بگذار چنین کند. در چنین وضعی شوهر یا زن مؤمن اجباری ندارد با او زندگی کند. ولی خدا ما را به صلح و آشتی خوانده است" (۱ قرنیتان ۷: ۱۳-۱۵).

پطرس رسول نوشت:

"به همین‌سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه برخی کلام را اطاعت نکنند، بی‌آنکه سخنی بر زبان آرید، در اثر رفتار همسرانشان جذب شوند، زیرا زندگی پاک و خداترسانه شما را مشاهده خواهند کرد" (۱ پطرس ۳: ۱-۲).

در اینجا پطرس در مورد زن ایماندار گفته که با مردی بی‌ایمان ازدواج کرده باشد. اما این نصیحت در مورد مردان ایماندار نیز صدق می‌کند. با ادامه زندگی با یکدیگر، ممکن است طرز زندگی مسیحی گونه شخص ایماندار بر روی شریک بی‌ایمانش تاثیر گذاشته و او را تشویق به پذیرش کلام کند.

بطور مشابه ایمانداران نباید بی‌ایمانان را از خانواده خود حذف کنند، همانند والدین، برادران و یا خواهران خود. ایمانداران فرصت و مسئولیتی دارند تا به آنها تعلیم داده و حقیقت مسیحیت را گسترش دهند.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که باید هرکاری برای نگاه داشتن دو زوج کنار هم و برقراری ازدواج انجام شود.

ناباروری در یکی از شریکان

متأسفانه بعضی نمی‌توانند بچه‌دار شوند. این امر ممکن است به دلیل برخی از مشکلات پزشکی باشد. این شرایط ممکن است به شدت پریشان کننده باشد. اما ایمانداران باید قبول کنند که خدا زندگیشان را کنترل می‌کند و خدا می‌داند که چه چیزی برای آنها بهتر است تا آنها را برای پادشاهی خود آماده کند (رومیان ۸: ۲۸). در بعضی از کشورها بعضی از مردان از همسران خود که توانایی بچه‌دار شدن ندارند، جدا می‌شوند. اما ایماندار واقعی این کار را نمی‌کند. همانطور که کتاب مقدس می‌آموزد، ازدواج برای یک عمر است. بچه‌دار نشدن نباید منجر به شکست ازدواج شود. خدا آنها را زن و شوهر در نظر گرفت و آنها نیز باید در نام او با هم همکاری کنند.

از طرفی دیگر گاهی زوجین تشویق می‌شوند که با وجود استطاعت مالی فرزندان زیادی داشته باشند. داشتن فرزندان و بزرگ کردن آنها مسئولیتی بزرگ است. بنابراین همانند دیگر مسائل در یک خانواده هماهنگ زن و شوهر باید با هم در این امر موافق باشند و شرایط خانواده را در نظر بگیرند.

مشکلات بین زنان و شوهران

ابیجایل نمونه‌ای از همسری وفادار در عهد عتیق بود که مشکلات زیادی در ازدواجش داشت. یکی از خدمتکارانش شوهر او (نابال) را اینگونه توصیف کرد:

"خود او چنان فرومایه است که نمی‌توان با او سخن گفت" (۱ سموئیل ۲۵: ۱۷).

با وجود این امر ابیجایل همسری عاشق و وفادار بود که سعی در انجام کارهای خوب و ماندن نزد همسرش داشت. اول سموئیل باب ۲۵ را بخوانید تا ببینید خدا چگونه به او برکت داد.

حتی اگر دو مسیحی با هم ازدواج کرده باشند، می‌توانند ناراضی باشند. این بدین خاطر است که همه ما دارای ذات انسانی بوده و به راحتی گناه می‌کنیم. پس ممکن است گاهی حرفهایی زده و یا اعمالی انجام دهیم که هیچ کمکی به طرف مقابلمان نکند. ممکن است خودخواه باشیم و همه چیز را از نظر خود بسنجیم. ممکن است در مقابل همسر خود عیب‌جو باشیم و زمانی که خود چیز زیادی برای عرضه نداریم، توقع مان بالا باشد. همیشه دیدن خطاهای دیگران از دیدن خطاهای خودمان آسان‌تر است (متی ۷: ۱-۵).

اگر یک ازدواج مسیحی شباهتش به مسیح و کلیسا را از دست دهد، زوجین باید مشکلات را مورد بحث قرار داده و برای آنها دعا کنند. زمانی که یک و یا هر دو زوج خودبین باشند و خدا را در مرکز زندگی خود نبینند، ازدواجشان با شکست روبرو خواهد شد. پس باید با خود صادق بوده و صراحتاً با

هم سخن گویند و اشتباهات یکدیگر را ببخشند. یک ایماندار تعمیدی اگر اشتباهات شریکش را نبخشد از خدا نیز نمی‌تواند انتظار بخشش گناهان خود را داشته باشد. شاگردان مسیح باید تمام تلاش خود را در جهت برقرار ماندن ازدواج انجام دهند چون این اراده و خواست خداست. طلاق راه آسانی نیست و خدا از آن نفرت دارد. پولس نوشت:

"حکم من برای متأهلان این است - نه حکم من، بلکه حکم خداوند - که زن نباید از شوهر خود جدا شود. اما اگر چنین کرد، دیگر نباید شوهر اختیار کند و یا اینکه باید با شوهر خود آشتی نماید. مرد نیز نباید زن خود را طلاق گوید" (۱ قرن بیان ۷: ۱۰-۱۱).

بی وفایی در ازدواج

تنها استثنا در قانون ازدواج در بین ایمانداران، به شرایطی اختصاص دارد که یکی از زوجین خیانت کند. از مسیح پرسیده شد که در یهودیان چه چیز دید که با طلاق موافقت کرد (در آن زمان مسئولین برگه‌ای جهت پایان ازدواج می‌دادند). مسیح گفت:

"مگر نخوانده‌اید که آفریننده جهان در آغاز ایشان را مرد و زن آفرید و گفت از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟ بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد" (متی ۱۹: ۴-۶).

مسیح از باب‌های ۲۱ و ۲۰ پیدایش نقل قول می‌کرد که در مورد اولین ازدواج بود. او نشان داد که خدا ازدواج را به هم پیوستن تلقی کرده است. چون در ادامه گفت: "پس آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد". مسیح گفت طلاق ممنوع است و تنها استثنا در ازدواج زمانی است که رابطه جنسی خارج از آن برقرار شود:

"به شما می‌گویم، هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است" (متی ۱۹: ۹).

و همچنین متی ۵: ۲۳ را نیز ببینید. بنابراین ازدواج مسیحی برای تمام عمر است.

اگر یکی از زوجین زنا کند، ازدواج تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد. اما زوجین باید سعی در حل کردن آن داشته باشند. اگر می‌خواهیم خدا نیز گناهانمان را ببخشد پس باید آمادگی بخشش اشتباه شریک مان را داشته باشیم. اگرچه زوج زناکار سعی در حل کردن مشکل نداشته باشد و زوجین مجبور به جدایی و طلاق شوند باید بسیار دقت کنند تا کمترین آسیب به اعضای خانواده برسد.

چند همسری

چند همسری گاهی در کتاب مقدس دیده می‌شود. داوود پادشاه چندین همسر داشت. سلیمان صدها همسر و معشوقه داشت. اما آرمان الهی همیشه مشخص بود و خدا گفت که یک مرد و یک زن بعنوان زن و شوهر با یکدیگر زندگی می‌کنند.

چند همسری مشکلات زیادی را برای خانواده‌ها در عهد عتیق به وجود آورد. حسادت بین دو زن یعقوب، خانواده را به دردهای زیادی انداخت. مسیح نیت خدا را بطور شفاف از آغاز بیان کرده است و گفت:

"و گفت از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟" (متی ۱۹: ۵).

بنابراین هیچکس نباید بیشتر از یک زن داشته باشد. ممکن است بسیاری از مردانی که کلام را می‌آموزند از قبل چندین همسر داشته باشند، آنها چه کنند؟ یکی را نگاه داشته و از دیگری جدا شوند و یا به همان شکل ادامه دهند؟

یاد گرفتیم که یک ایماندار تعمیدی مسئولیت بزرگی در قبال خانواده‌اش دارد. بنابراین نصیحت ما این است شخصی که چندین همسر دارد باید در قبال همه آنها احساس مسئولیت کند. باید شوهری خوب و پدری با محبت برای تمامی فرزندان‌ش باشد. ما به شما نصیحت می‌کنیم که ایمانداران تعمیدی که چندین همسر دارند، ارشد کلیسا نشوند. چون شرایطی که آنها دارند مطابق با تعالیم مسیح نیست. پولس می‌گوید:

"از این رو، ناظر کلیسا باید به دور از ملامت، شوهر وفادارِ یک زن، معتدل، خویشتندار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به تعلیم باشد" (۱ تیموتائوس ۳: ۲).

همسریابی

آموختیم که ازدواج یک هدیه بزرگ و رسمی از جانب خداست و همینطور به برخی از مشکلات رایج در ازدواج پرداختیم. واضح است که انتخاب همسر باید موضوع دعاها باشد. ابراهیم بسیار تلاش کرد تا همسری مناسب برای پسرش اسحاق بیابد و ما نیز باید همان شرایط را پیروی کرده و هدف خدا، نماد مسیح و کلیسا را در ذهن نگاه داریم.

ایمانداران واقعی بهتر است تنها با کسی ازدواج کنند که باورش‌شان مشترک است. اگرچه گاهی یافتن همسری مناسب سخت است. طبیعی است که همسری زیبا بخواهیم. اما مسئله‌ای که بسیار حائز

اهمیت است ویژگی‌های معنوی یک شخص است (امثال ۳۱: ۳۰). خدا به قلب می‌نگرد نه به ظاهر (۱ سموئیل ۱۶: ۷). ما نیز باید این چنین باشیم. ازدواج واقعی، شراکت ذهن است و هر دو طرف باید یکدیگر را کامل شناخته و قبل از ازدواج درک درستی از اولویت‌هایشان داشته باشند. این است هدف عشق ورزیدن. گاهی کسانی که در ازدواج تصمیم عجولانه گرفته‌اند سالیان زیادی را در پشیمانی تصمیم خود گذرانیده‌اند. مخصوصاً اگر با یک بی‌ایمان ازدواج کرده باشند. کتاب مقدس بی‌پرده به ما در مورد عواقب انتخاب اشتباه هشدار می‌دهد (امثال ۲۱: ۹ و ۱۹).

مراسم عروسی

در درس ۳۲ آموختیم که یک زوج ایماندار باید در حضور خدا به هم بپیوندند. عهد ازدواج آنها باید در حضور خدا و در مقابل شاهدان انسانی (اقوام و دوستان) باشد. یک ازدواج ساده مد نظر است. لازم نیست که سالن و غذای تهیه شده گران باشد. مهم‌ترین عامل این است که زوجین در ازدواج خود به دنبال برکت خدا باشند و در محضر خدا متعهد شوند که تا پایان زندگی با یکدیگر بمانند. عهدهای ازدواج بسیار مهم هستند و نباید سطحی گرفته شوند. اگر قوانین کشور اجازه دهد ایده خوبی است که ازدواج ثبت شده و گواهی برای آن صادر شود تا همه به آسانی آن را تشخیص دهند. این کار می‌تواند اشاره به این امر داشته باشد که ازدواج برای تمام عمر است.

افراد زیادی می‌خواهند در کلیسا ازدواج کنند اما به ایمان شخصی که این کار را انجام می‌دهد اهمیتی نمی‌دهند. ایمانداران تعمیدی نباید به کلیساهای دیگر رفته و توسط کسی ازدواج کنند که آموزه‌های درست کتاب مقدس را نمی‌داند.

بعضی از زوجین بر این باورند که مراسم ازدواج باید بسیار مجلل باشد اما توانایی برآورده کردن آن را نداشته، پس با هم زندگی را آغاز می‌کنند تا بعد ازدواج کنند. اما در اکثر موارد هیچ ازدواجی صورت نمی‌گیرد. با تمام ناامنی‌هایش کودکان نیز خارج از قالب ازدواج به زندگی اضافه می‌شوند.

گاهی هزینه‌های بالا وجود دارد و برای یک مرد جوان زمان زیادی لازم است تا هزینه لازم برای ازدواج با دختری که دوستش دارد را جمع آوری کند. اگر هزینه ازدواج خیلی زیاد بود، مرد تا زمانی که پول کافی ندارد باید منتظر بماند. تا زمان ازدواج این دو نفر نمی‌توانند با هم رابطه جنسی داشته باشند. البته والدین مسیحی زوجین جوان را تشویق به شروع زندگی خود در عیسی مسیح و بدون این مشکلات می‌کنند.

شاگردان مسیح باید قبل از زندگی با یکدیگر با هم ازدواج کنند. رابطه جنسی قبل از ازدواج گناه است. کتاب مقدس می‌گوید:

"زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی‌عفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد" (عبرانیان ۱۳: ۴).

برکتی از خدا

ازدواج مسیحی برکت بزرگی از خداست که باید با هم در طول زندگی از آن لذت ببرند. اگرچه مسیح هرگز نمی‌گوید که چون هر دو ایماندار هستند زندگیشان مشکلی نخواهد داشت. حل کردن مشکلات در ازدواج روابط را محکمتر کرده و شادی عظیم و خرسندی به همراه دارد. زندگی خانوادگی وقتی که درست درک و انجام شود موجب شادمانی می‌شود. همانند شادمانی در زمان بازگشت عیسی مسیح. کتاب مقدس زمانی را که عیسی مسیح بازمی‌گردد تا به ایمانداران واقعی زندگی جاودان عطا کند را با شروع یک ازدواج مسیحی مقایسه کرده است:

"به وجد آییم و شادی کنیم، و او را جلال دهیم، زیرا زمان عروسی آن بره فرا رسیده و عروسی او خود را آماده ساخته است" (مکاشفه ۱۹: ۷).

خلاصه

- ایماندارانی که در زمان یادگیری کلام، ازدواج کرده‌اند باید با همسر بی‌ایمان خود بمانند و سعی کنند راه خدا را به او نشان دهند.
- برای کسانی که ازدواج می‌کنند تنها یک همسر جایز است. اگر مردی از قبل چندین همسر دارد و بعد از آن تمعید می‌گیرد باید سعی کند همسر خوبی برای همسرانش بوده و به همه بچه‌ها اهمیت دهد و دیگر نباید ازدواج کند.
- ازدواج باید قانونی باشد و عهدهای آن در حضور خدا بسته شود. عهدهای ازدواج جدی هستند و نباید سطحی گرفته شوند.

آیاتی جهت مطالعه:

(عبرانیان ۱۳: ۴) "زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی‌عفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد."

(بیدایش باب ۲۴)

(نحمیا ۱۳: ۲۳-۲۷)

(مزامیر باب ۱۲۸)

(۱ تیموتائوس باب ۲).

درس سی و چهارم: وظایف ما در قبال قوانین کشور

مطالعه: ۱ پطرس باب ۲

نکته: کشور مکانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم و قوانین و مقررات دولتی دارد. امروزه ایمانداران واقعی مسیح در کشورهای مختلف و با قوانین مختلفی زندگی می‌کنند که برخی از آنها با قوانین خدا مغایرت دارد. این درس در مورد وظایف مسیحیان در قبال کشور و به خصوص اینکه آیا مسیحیان اجازه شرکت در سیاست و جنگ را دارند می‌باشد. درس ۹ و ۱۳ به شما کمک می‌کند تا این بخش را خوب متوجه شوید.

مردم خدا در عهد عتیق

حدود ۳۵۰۰ سال پیش زمانی که بنی اسرائیل از مصر خارج شدند، خدا آنان را در کوه سینا جمع کرد و با آنها عهدی بست. قرار بود او خدای آنها باشد و آنها امت او. قوانینی که خدا به آنها داد شامل قوانینی برای پرستش و زندگی روزانه بود. از آنجا که خدا باورها و قوانین را مشخص کرده بود، هیچ تضادی بین آنها وجود نداشت.

کمی بعد خدا پادشاهانی برای مردم اسرائیل انتخاب کرد که همان پادشاهی خدا بر روی زمین بود و سربازان پادشاه، سربازان خدا بودند. پادشاه می‌بایست تمام دستورات خدا را اجرا می‌کرد. اما مردم اسرائیل به قوانین خدا بی‌اعتنا بوده و روش‌های شیرانه اقوام دیگر را پیروی می‌کردند. پس خدا پادشاهی خود را به اتمام رساند. ابتدا قوم آشور به پادشاهی شمالی (اسرائیل) حمله کرده و مردم را به اسارت برده و بعد آنها را پراکنده کردند و پس از آن بابلی‌ها پادشاهی جنوبی (یهودا) را به اسارت بردند. پس مردم خدا در کشورهایی زندگی می‌کردند که خدایان دروغین پرستش می‌شد و برخی از قوانین با قوانین خدا مغایرت داشت.

رفتار برخی از یهودیان خدا ترس در آن شرایط سخت، به ما نشان می‌دهد چگونه در کشورهایی که قوانین آنها با قوانین خدا مغایرت دارد، زندگی کنیم.

آیا آنها باید از خدا پیروی کنند یا از حاکمان بیگانه؟

دانیال و دوستانش جزو کسانی بودند که توسط نبوکدنصر به اسارت بابل برده شدند. این اتفاق زمانی افتاد که پادشاهی جنوبی (یهودا) به پایان خود نزدیک بود. گاهی آنها می‌بایست بین اطاعت از قوانین خدا و یا بابلی‌ها یکی را انتخاب می‌کردند. مثال‌های زیر مفید است:

آیات	مشکلات	کاری که دانیال و دوستانش کردند	در نهایت چه اتفاقی افتاد
دانیال ۱: ۸-۱۶	به دانیال و دوستانش گوشتی برای خوردن داده شد که قربانی بت‌ها شده بود. آنها نمی‌خواستند گوشت را بخورند اما می‌دانستند که این کار پادشاه را ناراحت می‌کند.	آنها گوشت را نخوردند و به جای آن درخواست سبزیجات کردند.	خدا مراقب آنها بود و آنها سالم‌تر به نظر می‌آمدند.
دانیال باب ۳	نبوکدنصر دستور داد که همه بر زانوهای خود نشسته و مجسمه طلایی که بر پا کرده بود را پرستش کنند.	سه دوست دانیال چیزی غیر از خدا را پرستش نکردند.	آنها در گودال عمیق افکنده شدند ولی خدا نجاتشان داد و هیچ آسیبی به آنها نرسید.
دانیال باب ۶	دشمنان دانیال قصد کشتن او را داشتند. پس داریوش را راضی کردند تا غیر از پادشاه به حضور شخص دیگری دعا نکنند.	دانیال به دعا در درگاه خدا ادامه داد در حالی که همه او را می‌شنیدند.	درون چاه شیران انداخته شد. اما فرشته خدا از او حمایت کرد.

این مثال‌ها به ما می‌آموزند که :

- خدا را در رأس زندگی‌مان قرار دهیم.
- تنها خدا پرستش شود.
- قوانین را نگاه داریم و همیشه قوانین خدا را به جا آوریم.
- به خدا اعتماد کنیم.

دانیال و دوستانش از بهترین خادمان پادشاه بودند و به مامورین دولتی مهمی تبدیل شده بودند. آنها هرگز دردسر ساز نبودند و هرگز در پی فرصتی برای شکستن قوانین پادشاه نبودند. تنها زمانی از فرمان پادشاه سرپیچی می‌کردند که با قوانین خدا مغایرت داشت.

این برای تمام پیروان عیسی مسیح قانون مهمی است. آنها باید تمام قوانین کشور را که هماهنگ با قوانین خداست به جا آورند. دشمنان دانیال هیچ ایرادی بر رفتار او نمی‌توانستند بگیرند (دانیال ۶: ۴-۵). این امر باید برای ما نیز صدق کند.

**مسیحیان باید از قوانین کشورشان پیروی کنند، مگر اینکه این قوانین با قوانین خدا
مغایرت داشته باشد.**

مردمان خدا، امروزه

خدا تمامی ایمانداران واقعی را مردم خود می‌داند و امروزه این افراد عبارتند از یهودی و غیریهودی. درست همانند بنی اسرائیل در عهد عتیق که مردمان خاص خدا بودند و امت مقدس نامیده شدند. امروزه ایمانداران تعمیدی نیز همینگونه معرفی می‌شوند. این امر با مقایسه متنی از عهد عتیق و عهد جدید در جدول زیر قابل رویت است. با اینکه شاگردان مسیح در کشورهای مختلفی زندگی می‌کنند، کتاب مقدس آنها را امت خاص و مردمان خدا می‌داند.

مردم اسرائیل (اسرائیل حقیقی)	مردمان خدا امروزه (اسرائیل معنوی)
(خروج ۱۹: ۵-۶) "حال اگر واقعاً صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، از میان جمیع قومها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است. شما برای من مملکتی از کاهنان، و امتی مقدس خواهید بود. این است آنچه باید به بنی اسرائیل بگویید."	(۱ پطرس ۲: ۹-۱۰) "اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است. یش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید."

ایماندارانی که امروزه قسمتی از امت مقدس خدا هستند قسمتی از پادشاهی آینده خدا نیز خواهند بود و منتظر بازگشت پادشاه خود به اورشلیم هستند. پس هنگام انتظارشان نباید کاری کنند که به رابطه آنها با خدا آسیب رساند. خدا باید در همه کارها در ارجعیت باشد. پس در زمان بازگشت مسیح همه آنها فرا خوانده شده تا با هم به او خدمت کنند.

عقیده مسیحیان نسبت به حاکمان کشورشان

عیسی زمانی در اسرائیل زندگی می‌کرد که امت تحت فرمان رومیان بود. او از قوانین آنها زجر کشید و مرد. اما هرگز دردسر ساز و سیاسی نبود. با اینکه بسیاری از یهودیان بر این امید بودند تا او بتواند آنها را از رومیان آزاد کند. وقتی از مسیح پرسیدند که آیا یهودیان باید به رومیانی که از آنها متنفر بودند مالیات پردازند، او قانون مهمی را با تصویر یک سکه رومی، یا قیصر بنا کرد:

"پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا" (متی ۲۲: ۲۱).

این بدین معنی است که همانطور که قوانین ایجاب می‌کند باید مالیات را پرداخت (پولس در رومیان ۱۳: ۷ این موضوع را به وضوح بیان کرده است) و همینطور نشان می‌دهد که ما باید به قوانین حاکمان خود، همانند خدا احترام بگذاریم.

نه تنها مسیح قوانین رومیان را قبول کرد، بلکه حتی سعی نکرد سران مذهبی یهود را تغییر دهد، یعنی کسانی که از موقعیت خود در معبد سوء استفاده می‌کردند و مردم را منحرف می‌ساختند. سران مذهبی سعی داشتند جلوی تعلیم دادن و معجزه کردن مسیح را بگیرند. اما در تمام شرایطی که او آزار می‌دید و زندگی‌اش در خطر بود به ماموریت خود ادامه می‌داد. او می‌دانست که این کار خداست و بسیار مهم است.

این مثال وفاداری مسیح توسط شاگردان او نیز پیروی می‌شد. آنها نیز صادق بودند و از قوانین پیروی می‌کردند و هرگز در سیاست کشورهایی که در آن زندگی می‌کردند، دخالتی نداشتند. آنها هرگز سعی در تغییر دنیا به واسطه سیاست نبودند. وقتی مشکلی از سوی یهودیان و یا رومیان رخ می‌داد آنها قوانین خدا را در رأس می‌گذاشتند. پس زمانی که به آنها گفته شد تا دیگر بشارت ندهند، آنها پاسخ دادند:

"خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال رسولان ۵: ۲۹).

اعمال رسولان ۴: ۱۷-۲۰ را نیز ببینید. پولس به ما می‌گوید که باید مطیع قوانین خدا باشیم چون تمامی حاکمان توسط خدا انتخاب شدند (اگرچه بسیاری این را درک نمی‌کنند). توجه داشته باشید که پولس این کلمات را به ایماندارانی نوشت که در جامعه‌ای سخت زندگی می‌کردند. جایی که برده‌های زیادی با ناعدالتی روبرو بودند:

"هر کس باید تسلیمِ قدرتهای حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. قدرتهایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده‌اند. پس آن که بر علیه قدرتی عصیان کند، در حقیقت علیه آنچه خدا مقرر کرده، عصیان ورزیده است؛ و آنان که چنین می‌کنند، مجازات را برای خود می‌خرند" (رومیان ۱۳: ۱-۲).

پس اگر از قوانین کشورمان سرپیچی کنیم، از خدا سرپیچی کرده ایم. در اول تیموتائوس ۲: ۱-۲ پولس ایمانداران را تشویق به دعا برای حاکمان کشورها کرد:

"بنابراین، پیش از هر چیز، سفارش می‌کنم که درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها برای همهٔ مردم به جا آورده شود، از آن جمله برای حاکمان و همهٔ صاحب منصبان، تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را در کمال دینداری و وقار بگذرانیم" (۱ تیموتائوس ۲: ۱-۲).

قوانین یک کشور معمولاً نشان می‌دهد که آنجا مکان امنی برای زندگی است. اغلب مشکلی میان وظایف یک مسیحی در قبال کشور و در قبال خدا وجود ندارد. پس وقتی از قوانین کشور اطاعت می‌کند، از خدا اطاعت کرده است. برای مثال یک قاتل هم در قوانین کشور و هم در قوانین خدا اشتباه کرده است. اگرچه حکومت گاهی از شهروندانش انتظار دارد کارهایی انجام دهند که موافق تعالیم کتاب مقدس نیست، همانند رفتن به جنگ. شاگردان مسیح باید بین اطاعت از حکومت و یا خدا یکی را انتخاب کنند. کلام پطرس رسول مثال خوبی برای پیروی است:

"خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال رسولان ۵: ۲۹).

کارها و علایق زیادی هستند که پیروان باید از آنها اجتناب کنند که شامل ساختن سلاح‌های منفجره و نابود کننده و شغل‌های نظامی همانند نیروهای ارتش و یا پلیس می‌شود. ایمانداران همچنین باید از قبول هر نوع تعهدی خودداری کنند زیرا عیسی مسیح تنها سرپرست ایمانداران واقعی است و ما باید تنها مطیع فرامین او باشیم. کسانی که متوجه می‌شوند شغل آنها مناسب یک مسیحی نیست باید برای کمک و راهنمایی دعا کنند. خدا می‌تواند به آنها کمک کند.

مسیحیان و سیاست

اگرچه خدا در حال اجرای اهدافش بر روی زمین است (دانیال ۴: ۳۲)، واضح نیست که چگونه این کار را انجام می‌دهد و حتی معلوم نیست که چه افراد و ملت‌هایی در آن دخیل خواهند بود.

از آنجایی که مسیحیان نمی‌دانند خواست خدا در رأس کدام گروه سیاسی است، انتخاب را بر عهده خدا گذاشته و رأی نمی‌دهند. آنها هرگز در سیاست مداخله نمی‌کنند. زیرا ممکن است ناخودآگاه در

گرفتن تصمیم بر ضد خدا مداخله کرده باشند. بنابراین مداخله در دولت‌های انسانی اشتباه است، چه محلی چه ملی. چون مردمان خدا به نظام او تعلق دارند و تنها یک پادشاه، یعنی عیسی مسیح را دارند. از آنجایی که ایمانداران واقعی پیروی از مسیح را انتخاب کرده اند، چگونه می‌توانند گروه سیاسی را که در خدمت مسیح نیست برگزینند؟ ایمانداران جهت ساختن دنیایی بهتر نباید در سیاست مداخله کنند. چون سران انسانی قادر به این کار نیستند. ایمانداران می‌دانند که مسیح هنگام بازگشت خود این کار را انجام خواهد داد. پس ایمانداران واقعی از سیاست دور بوده، چه بعنوان یک فعال و چه بعنوان کسی که رأی می‌دهد و زمان خود را صرف بشارت به مردم درباره پادشاهی خدا می‌کنند.

نیاز به دور ماندن از سیاست مثل شغل‌های نامناسب هیچ ربطی به قوانین یک حکومت ندارد و مربوط به همه خادمین خدا می‌شود. آنها اکنون باید تحت قوانین مسیح زندگی کنند (۱ قرنیتان ۹: ۲۱) و خود را از دولت‌های انسانی و سیاست جدا کنند:

"از میان ایشان بیرون آیید و جدا شوید. هیچ چیز نجس را لمس نکنید و من شما را خواهم پذیرفت" (۲ قرنیتان ۶: ۱۷).

"و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛ اراده نیکو، پسندیده و کامل او" (رومیان ۱۲: ۲).

مسیحیان و جنگ

در عهد عتیق خدا از بنی اسرائیل انتظار داشت که با زندگی در سرزمین کنعان دشمنان خود را نابود کنند تا وسوسه نشوند و راه‌های شیرانه آنها را پیروی کنند (خروج ۲۳: ۳۱-۳۲). خدا به آنها یاد داد تا بجنگند. پس وظیفه آنها اطاعت بود. اما مسیح که بعد از پادشاهی خدا بر زمین زندگی می‌کرد گفت:

"شنیده‌اید که گفته شده، همسایهات را محبت نما و با دشمنت دشمنی کن. اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که به شما آزار می‌رسانند، دعای خیر کنید" (متی ۵: ۴۳-۴۴).

عهد جدید نیز مثال‌های این چنینی دارد:

"اما من به شما می‌گویم، در برابر شخص شریر ایستادگی نکنید. اگر کسی به گونه راست تو سیلی زند، گونه دیگر را نیز به سوی او بگردان" (متی ۵: ۳۹).

"برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعن نکنید... اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید. ای عزیزان، انتقام مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید. زیرا نوشته شده که خداوند می‌گوید: "انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد. برعکس، اگر دشمنت گرسنه است، به او خوراک بده! و اگر تشنه است، به او آب بنوشان! اگر چنین کنی، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت" (رومیان ۱۲: ۱۴ و ۱۸-۲۰).

زمانی که مسیح دستگیر شد به پطرس گفت که شمشیرش را کنار بگذارد و در ادامه گفت: "هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد" (متی ۲۶: ۵۲). مسیح به پیلاتس که حاکم روم بود توضیح داد که او اگر چه پادشاه است اما پادشاهیش هنوز نیامده:

"پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست" (یوحنا ۱۸: ۳۶).

مسیح توضیح داده و گفت چون پادشاهی او در آن زمان بر روی زمین نبود، به همین دلیل خادمانش جنگ نمی‌کردند. پادشاهی او خواهد آمد. پس ایمانداران نمی‌توانند درگیر جنگ برای کشورهای خود شوند. اگر این کار را کنند ممکن است برادران خود را در مسیح در کشورهای دیگر بکشند. مسیح با نپذیرفتن جنگ یک ترسو و یا صلح جو نبود. او انگیزه بالای خود را در رویارویی با مرگ بر روی صلیب نشان داد تا گناهان ما بخشیده شود. اگر چه مردمان خدا در عهد عتیق کاملاً آگاه بودند که خدا از آنها می‌خواهد که در چه جنگی شرکت کنند. مسیحیان امروزه نمی‌دانند که خدا چگونه اهدافش را با امتها به روی زمین اجرا می‌کند. اگر برای کشورشان به جنگ بروند، ممکن است با اهداف خدا بجنگند. به همین خاطر ایمانداران واقعی خواستار معاف شدن از سربازی هستند.

خلاصه:

ایمانداران باید :

- مطیع قوانین کشورشان باشند، غیر از مواقعی که با قوانین خدا مغایرت داشته باشد.
- از هر شغل و فعالیتی که ممکن است آنها را به تضاد با قوانین خدا و قوانین انسان بکشاند دوری کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(۱ پطرس ۲: ۹-۱۱) "اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدّس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است. پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. ای عزیزان، از شما تمنا دارم چون کسانی که در این جهان بیگانه و غریبند، از امیال نفسانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید."

(دانیال باب‌های ۳ و ۶)

(متی ۲۲: ۱۵-۲۲)

(رومیان باب ۱۳)

(۱ پطرس ۲: ۱۳-۱۷).

درس سی و پنجم: دعا

مطالعه: مزامیر باب ۱۰۷

افتخار دعا

خدای قادر مطلق از آسمان و زمین به واسطه کتاب مقدس با ما سخن می‌گوید. دعا راهی است که ما می‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم و قسمت مهمی از ارتباط شخصی یک ایماندار با خداست. توانایی دعا کردن نزد خدا در آسمان افتخاری است که او به انسانهای فروتن و قدردان داده است:

"خداوند چنین می‌فرماید: آسمان تخت پادشاهی من است و زمین کرسی زیر پایم! چه خانه‌ای برای من بنا می‌کنید و مکان آرمیدنم کجاست؟ این همه را دست من ساخته است و بدین‌گونه همه آنها به وجود آمده؛ خداوند این را می‌فرماید. اما این است آن که بر وی نظر خواهیم کرد: آن که فروتن است و روح توبه‌کار دارد و از کلام من می‌لرزد" (اشعیا ۶۶: ۱-۲).

ما باید با احترام کامل با خدا سخن گوییم.

چرا به دعا نیاز داریم؟

خدا همه چیز را در مورد ما می‌داند. او هر کاری که انجام می‌دهیم را می‌بیند و از افکار ما آگاه است (مزامیر ۱۳۹: ۱-۴). ما احتیاج نداریم که در مورد خود چیزی به او بگوییم. مسیح به شاگردانش گفت:

"... پدر شما پیش از آنکه از او درخواست کنید، نیازهای شما را می‌داند" (متی ۶: ۸).

اما خدا از ما می‌خواهد که در درگاه او دعا کنیم. در ادامه مسیح به شاگردانش می‌آموزد که چگونه دعا کنند. دعا ما را قادر می‌سازد که خارج از زندگی خود را ببینیم و در مورد آفریننده خود تفکر کنیم. افکارمان را به درجه معنوی بالا می‌کشاند و کمک می‌کند تا خود را همانطور که خدا می‌بیند ببینیم. دعا بخشی از پرستش ماست و به ما این موقعیت را می‌دهد که در حضور خدایی که بهترین را برای ما می‌خواهد و عاشق ماست به کارهای خود فکر کنیم. تفکر و دعا برای احتیاجات دیگران به ما کمک می‌کند تا قدر برکت‌های خود را بدانیم. پس دعا و در کنار آن سپاسگزاری از خالق برای محبت او به نفع خودمان است. یکی از دلایل دعا این است که خدا از مردم می‌خواهد تا به جای خود و یا دیگران به او اعتماد کنند.

در چه مورد باید دعا کنیم؟

متی باب ۶ مثالی از دعا که مسیح به شاگردانش یاد داد را نشان می‌دهد. او نمی‌خواست که مردم هر بار که دعا می‌کنند دقیقاً از همین کلمات استفاده کنند. اما برایشان راهنمایی فراهم کرد. دعا باید خالصانه باشد. اما اگر زیاد تکرار شود بی‌معنا می‌شود (متی ۶: ۷).

"پس شما این‌گونه دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می‌شود، بر زمین نیز به انجام رسد. نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما. و قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از آن شریر رهاییمان ده. زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آن توست. آمین" (متی ۶: ۹-۱۳).

دعا با پرستش خدا و جلال دادن به او آغاز می‌شود. ما باید بزرگی خدا را بخاطر داشته باشیم. مسیح نشان داد که ما باید برای برقراری پادشاهی خدا بر روی زمین و برای اجرای اراده او دعا کنیم. باید مشتاقانه برای پادشاهی آینده امیدوار باشیم. اما می‌دانیم که ما به شرطی بخشی از پادشاهی آینده خواهیم بود که امروزه خواسته‌های خدا را در زندگی مان بپذیریم.

احتیاجات مان بعد از پرستش خدا باید ما را به یاد هدف او بیندازد. باید آگاه باشیم که "نان روزانه" ما به غذای معنوی اشاره دارد که از کتاب مقدس می‌گیریم. باید با فهم کلام خدا از او درخواست کمک کنیم. نویسنده کتاب مقدس و نویسنده مزامیر هم این کار را کرده‌اند (مزامیر ۱۱۹: ۱۲۵).

این آیه به ما یادآوری می‌کند کسانی که بخشش خدا را می‌خواهند باید دیگران را ببخشند. (اما خدا فقط از راهی که خود مشخص کرده گناه را خواهد بخشید که آن هم از طریق قربانی شدن مسیح است که برای جزئی از آن بودن، ایمانداران باید اول تعمیم بگیرند. پس از تعمیم، خدا تنها زمانی ایمانداران را می‌بخشد که آنها نیز برای بخشش دیگران آماده باشند). داعی که مسیح به شاگردانش داد در مورد خطر وسوسه نیز هشدار می‌دهد.

نکات دیگری نیز هست که می‌توانیم وارد دعاهایمان کنیم. پولس رسول می‌گوید:

"برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید" (فیلیپیان ۴: ۶).

برای مثال، قبل از شروع یک سفر باید دعا کنیم تا خدا توسط فرشتگانش ما را در امنیت نگاه دارد. مسیح قبل از انتخاب دوازده شاگردش تمام شب را دعا کرد (لوقا ۶: ۱۲-۱۳). پس مهم‌ترین تصمیمات

زندگی را باید در قالب دعا و در نزد خدا بگیریم. در باغ جتسیمانی مسیح نزد خدا برای قدرت و تحمل سختی‌ها دعا کرد و توسط فرشته‌ای آرام گرفت. ما باید نگرانی‌ها، غمها و شادی‌های خود را در قالب دعا نزد خدا بیاوریم. تمامی زندگی ما به واسطه دعا برکت خواهد گرفت.

چگونه دعا کنیم؟

مهم است بدانیم اگر از خدا پیروی نکنیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که دعا‌های ما را بشنود. یعقوب ۵: ۱۶ به ما می‌گوید: "دعای شخص پارسا، با قدرت بسیار عمل می‌کند." اگر می‌خواهیم خدا به دعا‌هایمان گوش دهد باید در پیشگاه او عادل باشیم. امثال ۲۸: ۹ توضیح می‌دهد خدا دعای کسانی که به او اهمیت نمی‌دهند را نمی‌شنود:

"آن که از گوش فرا دادن به شریعت سر باز زند، حتی دعایش کراهت‌آور است" (امثال ۲۸: ۹).

زمانی بود که خدا دعا‌های مردم اسرائیل را به خاطر شرارت آنها نشنید:

"آنگاه که دستانتان را به دعا دراز می‌کنید، چشمانم را از شما خواهم پوشانید؛ حتی اگر دعای بسیار کنید، نخواهم شنید؛ زیرا دستان شما مملو از خون است" (اشعیا ۱: ۱۵).

ما باید طریقه صحیح دعا کردن را بیاموزیم.

۱. **باید بر طبق اراده خدا دعا کنیم.** دعا‌های ما نباید طلبکارانه باشد و از خدا بخواهیم هر چه انتظار داریم به ما بدهد. در باغ جتسیمانی مسیح اینگونه دعا کرد: "نه به خواهش من، بلکه به اراده تو" (لوقا ۲۲: ۴۲). این قانون زندگی او بود و ما نیز باید اینگونه دعا کنیم. ما با مطالعه کلام در مورد اراده خدا می‌آموزیم که این امر ما را قادر می‌سازد تا جلوی دعا‌هایی را که خدا از ما نخواست بگیرییم. یوحنا ۱: رسول نوشت:

"این است اطمینانی که در حضور او داریم که هرگاه چیزی بر طبق اراده وی درخواست کنیم، ما را می‌شنود" (۱ یوحنا ۵: ۱۴)

۲. **باید با ایمان دعا کنیم.** باید ایمان داشته باشیم که خدا دعا‌های ما را می‌شنود و قدرت پاسخگویی به آن را دارد. یعقوب ۱: ۵-۶ می‌گوید:

"اگر از شما کسی بی‌بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا می‌کند و به وی عطا خواهد شد. اما با ایمان درخواست کند و هیچ تردید

به خود راه ندهد، زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش باد به هر سو رانده می‌شود" (یعقوب ۱: ۵-۶).

اگرچه این بدان معنا نیست که هر چه از خدا بخواهیم به ما بدهد. خدا تمام مشکلات ما را در این دنیا برطرف نمی‌کند. اما پیشنهاد مکانی در پادشاهی خود را می‌دهد. اگر درست دعا کنیم خدا نیز دعای ما را خواهد شنید و به نوعی به ما جواب خواهد داد که به ما کمک کند تا رشد معنوی داشته و شخصیتی مسیح گونه یابیم و ما را برای پادشاهی آماده سازد. خدا می‌داند چه چیزی برای ما بهتر است. به همین خاطر هرچه را که بخواهیم همیشه به ما نمی‌دهد. گاهی باید مدت زمانی انتظار بکشیم و سپس خدا پاسخ درخواست ما را می‌دهد. اسحاق دعا کرد و مدت زیادی را منتظر تولد پسرانش ماند (پیدایش ۲۵: ۲۰-۲۶). گاهی خدا ما را با شرایط زندگی تادیب می‌کند اما باز می‌توانیم از او درخواست کمک نماییم، مشکلات را قبول کرده و از آنها پند گیریم.

"می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است" (رومیان ۸: ۲۸).

خدا کسانی را که صادقانه در پی او هستند دوست دارد و ما باید ایمان داشته باشیم که هر اتفاقی که برای ما امروزه می‌افتد بخاطر کارهایی است که خدا برای ما انجام می‌دهد. بنابراین باید با ایمان کامل در دعاهایمان بخواهیم که اراده او، نه اراده ما، اجرا شود و بدانیم که تنها خداست که می‌تواند در زندگی به ما کمک کند.

"چشمان خداوند، بر پارسایان است و گوش‌هایش به فریاد کمک ایشان" (مزامیر ۳۴: ۱۵).

خدا در شرایطی که تحت کنترل دارد می‌تواند ایمانداران را هدایت کند. گاهی اگر به گذشته خود نگاهی بیندازیم در می‌یابیم که خدا چگونه به دعاهایمان پاسخ داده است.

۳. طرز تفکر صحیح. وقتی در دعا به درگاه خدا می‌رویم باید فروتن باشیم. باید درک کنیم که خدا چقدر بزرگ و ما چقدر کوچک هستیم. باید کاملاً با خود رو راست بوده و با درکی عمیق از گناهان خود و نیاز بخشش از او به درگاه او برویم. مسیح مثلی از یک باجگیر و فریسی را گفت. باجگیری که حقیر شمرده شده بود سر خود را نزد خدا خم کرده و دعا کرد "خدایا بر من گناهکار رحم کن" (لوقا ۱۸: ۱۳). مسیح گفت که دعاهای او توسط خدا شنیده خواهد شد چون بسیار فروتن است. بر عکس آن فریسی که به زندگی خود بسیار مغرور بود دعاهای او شنیده نخواهد شد. مزامیر ۱۳۸: ۶ نشان می‌دهد که خدا زمانی که مغروریم به ما توجهی نمی‌کند:

"اگرچه خداوند متعال است، بر افتادگان نظر می‌کند، ولی متکبران را از دور می‌شناسد"
(مزامیر ۱۳۸: ۶).

برخی گمان می‌کنند بدون خدا از زندگی لذت خواهند برد و تنها قبل از مرگ به خدا روی می‌آورند. اما خدا از انگیزه و افکار آنها آگاه است و می‌داند که توبه آنها واقعی نیست. به هر حال اگر ناگهان بمیرند و یا تا بازگشت مسیح زنده بمانند نقشه آنها خراب خواهد شد. خدا فریب داده نمی‌شود. کتاب مقدس پر از دعا است. مانند کتاب مزامیر که ۱۵۰ دعا دارد که می‌شود از آن یاد گرفت. همچنین دعاهای مسیح و شاگردانش را نیز در اختیار داریم. اگر هر روز کتاب را مطالعه کنیم، ذهنی پرورش خواهیم داد که خدا را خشنود خواهد کرد. طرز فکر ما ساخته خواهد شد و به همین نسبت درست‌تر با خدا صحبت خواهیم کرد. کم کم متوجه می‌شویم که باید بطور کامل به او اطمینان کرده و تنها به ایده‌ها و اعمال خودمان فکر نکنیم.

چه زمانی باید دعا کنیم؟

ما می‌توانیم در هر زمان و در هر شرایطی دعا کنیم، دقیقا همانند آرزوهایمان. فرقی نمی‌کند که در خانه باشیم، در سفر یا سر کار. مسیح دوست داشت که برای دعا کردن به جای خلوتی برود و تنها باشد. اما ما می‌توانیم وسط یک شرایط اورژانسی نیز دعا کنیم. همانطور که نحمیا نیز این کار را انجام داد (نحمیا ۲: ۴). برخی افراد دوست دارند در ساعات مشخصی دعا کنند، معمولا آغاز و پایان روز (مزامیر ۹۲: ۲). نویسنده مزامیر ۵۵: ۱۷ و دانیال هر دو ۳ بار در روز دعا می‌کردند (دانیال ۶: ۱۰). پولس گفت: "همیشه دعا کنید". این بدین معنا نیست که هر دقیقه در روز با خدا صحبت کنیم، بلکه نشان می‌دهد که تمام زندگی را باید با دعا و صحبت با خدا بگذرانیم.

مسیح بعنوان کاهن اعظم و میانجی ما

وقتی خیمه در صحرا بعنوان مکانی برای عبادت ساخته شد، جلال خدا بر صندوقچه عهد می‌درخشید. هیچکس بجز کاهن اعظم اجازه ورود به درگاه خدا را نداشت و آن هم فقط یک بار در سال یعنی در روز کفاره (روزی جهت بخشایش گناهان) بود. در آن روز او تمام گناهان مردم اسرائیل را نزد خدا اقرار می‌کرد. او میانجی و تنها راه امت برای صحبت با خدا بود و این امر تا نسل‌ها طول کشید. قانون میانجی‌گری برای مردم، برای عیسی مسیح گذاشته شد و او میانجی ایمانداران است. او با مرگش راهی "تازه و زنده" را بسوی خدا گشود (عبرانیان ۱۰: ۲۰).

خدا مقدس و عادل است. پس انسانهای گناهکار نمی‌توانند بطور مستقیم با او در ارتباط باشند. اما عیسی مسیح راهی را گشود تا کسانی که تعمید گرفته‌اند بتوانند به درگاه او بیایند و در پی بخشش

باشند، با علم بر این واقعیت که: "اگر به گناهانمان اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بپامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد" (۱ یوحنا ۱: ۹). بنابراین ایمانداران تعمیدی بواسطه عیسی مسیح نزد خدا دعا می‌کنند چون او دعاهای ما را به حضور خدا می‌برد. به همین خاطر است که در آغاز و یا پایان دعاهای خود از عبارت "در نام عیسی مسیح" استفاده می‌کنیم. عیسی مسیح نیز ذاتی انسانی همانند ما داشت. پس ما را درک می‌کند و می‌تواند "هم درد ضعف‌های ما شود" (عبرانیان ۴: ۱۵).

مسیح برخیزانده شده، بر دست راست پدر است و برای کسانی که در نام او دعا می‌کنند میانجی‌گری می‌کند:

"... مسیح عیسی که مرد، بلکه برخیزانیده نیز شد و به دست راست خداست، اوست که برای ما شفاعت می‌کند" (رومیان ۸: ۳۴).

مسیح کاری فراتر از رساندن دعاهای ما به خدا انجام می‌دهد و همه اینها بخاطر عشق او به ما و قدرتی است که به او داده شده است (متی ۲۸: ۱۸). او تمام خواسته‌ها و احتیاجات ما را نزد خدا می‌برد:

"پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، جاودانه نجات بخشد زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند" (عبرانیان ۷: ۲۵).

وعده او به شاگردانش را قبل از مرگش به یاد آورید:

"آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر چه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد" (یوحنا ۱۶: ۲۳).

عیسی مسیح شفاعت پیروانش را کرده و دعاهای آنان را نزد خدا می‌برد و در زندگی آنها عمل کرده تا پاسخ دعاهایشان را بگیرند.

"او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما فدا ساخت، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟" (رومیان ۸: ۳۲).

عیسی مسیح کاهن اعظم ایمانداران تعمیدی است. او میانجی‌گری دعاهای ما را نزد خدا می‌کند و برای گناهان ما نزد خدا شفاعت می‌طلبد.

اگر در برکت خدا تعمید یافتید رابطه‌ای خاص با خدا از طریق پسرش خواهید داشت که موجب خوشحالیست. در تعمید گناهان شما بخشیده خواهد شد و خدا برای همیشه آنها را از بین خواهد برد و پس از آن اگر عمیقا متاسف شده و در پی بخشش باشید، گناهی که هر روز انجام می‌دهیم را نیز خواهد بخشید.

آیا خدا دعای غیر تعمیدی‌ها را نیز می‌شنود؟

اگرچه بدون تعمید در مسیح هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود. مهم است بدانیم که خدا دعای کسانی را که در پی شناخت او و راهپایش هستند را می‌شنود. برای مثال خدا دعای کرنلیوس و لیدیه را قبل از تعمیدشان شنید (اعمال رسولان ۱۰: ۱-۶ و ۱۶: ۱۳-۱۴). وقتی مردم از خدا بخاطر برکاتش تشکر می‌کنند و از او کمک می‌خواهند او نیز خشنود می‌شود.

اما کسانی که پیام نجات خدا را نمی‌پذیرند، نمی‌توانند از خدا انتظار شنیدن دعاهایشان را داشته باشند. گناهانشان تنها زمانی بخشیده خواهد شد که توسط تعمید به عیسی مسیح مرتبط شوند. این روشی است که خدا بنا کرده و هیچکس در مورد روشی که او برای جلال خود انتخاب کرده نمی‌تواند بحث کند. خدا به همه مخلوقاتش توجه داشته و دعای هر شخص عادل را می‌شنود اما ممکن است فوراً پاسخ ندهد و یا ممکن است پاسخ دعاهایمان را طوری دریافت کنیم که انتظار آن را نداریم.

خلاصه:

- خدا دعای همه کسانی که فروتن و عادل هستند را خواهد شنید.
- باید یاد بگیریم که درست و برای چیزهای صحیح دعا کنیم.
- پس از تعמיד، برای بخشایش گناهان به واسطه مسیح دعا می‌کنیم.
- دعاهايمان بايد شامل اين موارد باشند:
 - پرستش و احترام برای خدا و عیسی مسیح
 - درخواست برای بازگشت سریع مسیح جهت برقراری پادشاهی خدا
 - درخواست کمک برای خواندن کتاب مقدس، خدمت به خدا و تعلیم کلام
 - اعتراف به گناه نزد خدا
 - شکرگزاری از خدا برای برکتی که هر روزه از او می‌گیریم
 - درخواست کمک از خدا برای کسانی که می‌دانیم محتاج هستند
 - درخواست از خدا برای حمایت از خانواده خود و کمک برای آمدن آنها به سمت او

آیاتی جهت مطالعه:

(فیلیپیان ۴: ۶) "برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید."

(اعمال رسولان باب ۱۰)

(مزامیر باب‌های ۵۱ و ۱۰۲)

(لوقا ۱۸: ۱-۱۴)

(۱ تیموتائوس ۲: ۵)

(عبرانیان ۴: ۱۴ و ۹: ۲۴).

پرسش‌های بخش نهم

درس‌های ۳۲ و ۳۳: ازدواج مسیحی و رویارویی با مشکلات در ازدواج

۱-۳۳/۳۲ لطفاً با بله و خیر پاسخ دهید:

(الف) آیا همه مسیحیان باید ازدواج کنند؟

(ب) آیا یک ایماندار می‌تواند با یک غیر ایماندار ازدواج کند؟

(پ) اگر مرتکب زنا شویم، آیا بخشیده می‌شویم و می‌توانیم تعمید می‌گیریم؟

(ت) اگر قصد ازدواج با کسی را داریم، آیا خارج از قالب ازدواج می‌توانیم رابطه جنسی برقرار کنیم؟

(ث) آیا ازدواج باید برای تمام عمر باشد؟

(ج) آیا زوجین باید فرزند داشته باشند؟

(چ) آیا خدا از طلاق متنفر است؟

(ح) اگر یکی از زوجین پس از ازدواج ایماندار شود آیا بهتر است ازدواجشان پا برجا بماند یا اینکه باید جدا شوند؟

(خ) آیا شخصی که زنا کرده است باید او را طلاق داد؟

(د) آیا ایماندار می‌تواند در صورت زنده بودن همسر اول باز هم ازدواج کند؟

(ذ) در صورت دوست نداشتن یکدیگر آیا دو طرف می‌توانند به ازدواج ادامه ندهند؟

(ر) اگر همسر شخصی فوت کند، آیا آن شخص می‌تواند دوباره ازدواج کند؟

۲-۳۳/۳۲ ازدواج رابطه‌ای است که خدا فراهم کرده است.

(الف) چرا خدا حوا را آفرید؟

(ب) خدا حوا را چگونه خلق کرد؟

پ) پیدایش ۲: ۲۴ در مورد ازدواج به ما چه می‌آموزد؟

۳-۳۳/۳۲ دوم قرن‌تین ۶: ۱۴-۱۵ را بخوانید. چرا ازدواج یک ایماندار و یک غیرایماندار منطقی نیست؟

۴-۳۳/۳۲ اول قرن‌تین ۶: ۹-۱۰ به ما چه می‌آموزد؟

۵-۳۳/۳۲ یک مرد چگونه می‌تواند خانواده خود را هدایت کند؟

۶-۳۳/۳۲ افسسیان ۵: ۲۲-۲۳ را بخوانید. ازدواج مسیحی باید نمادی از رابطه مسیح و کلیسا باشد.

الف) این امر در مورد مسئولیت مرد نسبت به همسرش چه می‌آموزد؟

ب) و همینطور در مورد رفتار زن نسبت به شوهرش چه می‌آموزد؟

۷-۳۳/۳۲ در اول پطرس ۳: ۱-۲ به زنانی که همسر بی‌ایمان دارند چه نصیحتی شده است؟

درس ۳۴: وظایف ما در قبال امور کشور

۱-۳۴ چند شغل که ایمانداران باید از آن خودداری کنند را نام ببرید؟

۲-۳۴ چرا ایمانداران واقعی رای نمی‌دهند و در سیاست شرکت نمی‌کنند؟

۳-۳۴ منظور مسیح در یوحنا ۱۸: ۳۶ چیست؟

۴-۳۴ مسیحیان باید همیشه از قوانین کشور مطابعت کنند. تنها دلیلی که سرپیچی از فرامین را امکان پذیر می‌سازد چیست؟

۵-۳۴ فهرستی از مطالب آموزنده اول پطرس ۲: ۱۱-۱۷ را بنویسید.

۶-۳۴ از دانیال باب‌های ۱ و ۳ و ۶ در مورد او و دوستانش چه می‌آموزیم؟

۷-۳۶ مسیح در متی ۲۲: ۲۱ چه چیزی را تعلیم می‌دهد؟

درس ۳۵: دعا

۱-۳۵ اگر می‌خواهیم خدا دعاهايمان را بشنود طرز تفكرمان بايد چگونه باشد؟

۲-۳۵ برای چه اتفاقی در آینده باید دعا کنیم؟

۳-۳۵ فهرستی از مواردی که باید در دعاهايمان باشد تهیه کنید.

۴-۳۵ خدا همیشه سریعاً جواب دعاهايمان را نمی‌دهد و همین‌طور همه خواسته‌هايمان را همیشه بر آورده نمی‌کند.

الف) چرا؟

ب) این امر در مورد دعاهايمان به ما چه می‌آموزد؟

۵-۳۵ میانجی چه کسی است؟

۶-۳۵ عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶ توضیح می‌دهد که چرا مسیح کاهن اعظم ما است. این آیه در این مورد چه می‌گوید؟

۷-۳۵ عبرانیان ۱۰: ۱-۴ قربانی کردن حیوانات طبق شریعت موسی را تعریف می‌کند. چرا قربانی مسیح بهتر است؟

۸-۳۵ الف) دوم سموئیل ۱۱: ۱-۷ را بخوانید. بطور مختصر توضیح دهید که داوود چگونه گناه کرد؟

ب) مزامیر باب ۵۱ پس از گناه داوود نوشته شده است. این آیه چه چیزی را نشان می‌دهد؟

پ) گناهانمان چگونه بخشیده می‌شود؟

ت) آیا ایمانداران پس از تعمید گناه می‌کنند؟ اگر اینگونه است پس گناهان چگونه بخشیده می‌شوند؟

درس سی و ششم: زندگی تازه در مسیح

مطالعه: افسسیان باب ۴

شروعی تازه

در تعمید زندگی روحانی جدیدی آغاز می‌شود. زندگی قدیمی ما زمانی پایان می‌پذیرد که دفن می‌شویم: "در مرگ او تعمید یافتیم". سپس همانند مسیح که "به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد" ما نیز از آب برخاسته و زندگی جدیدی را در مسیح آغاز می‌کنیم (رومیان ۶: ۴). در تعمید با خدا پیمان می‌بندیم تا زندگی خود را در راه خدمت به او تغییر دهیم. این تصمیمی است برای وقف زندگی خود به خدا. این تغییر بزرگ در زندگی، نیازمند عزم و تلاش زیادی است و تنها با کمک خدا امکان‌پذیر می‌باشد. اما این تغییرات همه با هم و در یک لحظه انجام نمی‌شود و معمولاً با شکست نیز مواجه می‌شویم. وقتی از خدا طلب بخشش می‌کنیم، خدا ما را بخاطر مسیح می‌شنود:

"پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد" (عبرانیان ۴: ۱۶).

طرز فکری تازه

در درس ۲۷ آموختیم که خدا خالص و عادل است و همینطور از افکار، امیال، آرزوها و روش‌های انسانی کاملاً به دور است. بنابراین وقتی خود را وقف خدا کنیم او از ما می‌خواهد که از راه دنیا جدا شده و خود را در اختیار قوانین و روش‌های او قرار دهیم. پس روش جدید زندگی به طرز فکری جدید نیز نیاز دارد:

"پس چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید، آنچه را که در بالاست بجوید، آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است. به آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است. زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. چون مسیح که زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد. پس، هرآنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید، یعنی بی‌عفتی، ناپاکی، هوی و هوس، امیال زشت و شهوت‌پرستی را که همان بت‌پرستی است" (کولسیان ۳: ۱-۵).

در غلاطیان ۵: ۱۶-۲۴ پولس باز نشان می‌دهد که چگونه افکار ما باید تغییر کند. "جسم" نشان دهنده افکار گناه آلود ماست و "روح" افکار خداییست. پولس نشان می‌دهد که این دو با یکدیگر در مغایرت هستند:

"زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم و این دو با یکدیگر منازعه می‌کنند بطوری که آنچه می‌خواهید نمی‌کنید" (غلاطیان ۵: ۱۷).

غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ ثمره روح	غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ اعمال جسم
"اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست."	"اعمال نفس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛ بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد."

این بدین معناست که همیشه در زندگی روحانی ما کشمکش‌هایی وجود خواهد داشت، چون ثمره روح به نسبت اعمال جسم (روشهای دنیا) بسیار متفاوت هستند.

پولس رسول این تغییر را همانند در آوردن لباسی کهنه و پوشیدن لباسی نو تشبیه کرد. او در افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴ به ما می‌گوید:

"شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید ... و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد" (افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴).

جدول زیر انسانیت کهنه که باید دور انداخته و انسانیت جدیدی که باید بپوشیم را نشان می‌دهد:

افسیان ۴: ۲۵ تا ۵: ۲۱

چیزهایی که باید بیوشیم	چیزهایی که باید دور بیاندازیم
راست بگوئید	دروغ را ترک کنید
به دست‌های خود کار نیکو کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد	دزد دیگر دزدی نکند
آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند	دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود
با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است	هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید
پس چون فرزندان عزیز به خدا اقتدار کنید و در محبت رفتار نمایید چنانکه مسیح هم ما را محبت نمود و خویشان را برای ما به خدا هدیه داد	مباد که در میان شما از بی‌عفتی یا هر گونه ناپاکی یا شهوت‌پرستی حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایستهٔ مقدسین نیست
بلکه شکرگزاری	گفتار زشت و بیهوده‌گویی و سخنان مبتذل نیز به هیچ روی زیبنده نیست
الحال در خداوند نور می‌باشید، پس چون فرزندان نور رفتار کنید زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست	شما زمانی تاریکی بودید
بلکه وقت را دریابید و بفهمید که اراده خداوند چیست	نادان نباشید
با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید	مست شراب مشوید

اراده خدا و یا اراده ما

پرستش خدا در روزهای یکشنبه و بی‌اعتنایی به او در روزهای دیگر آسان است اما قابل قبول نیست. پرستش‌های ما زمانی قابل قبول است که صادقانه باشد. افرادی که در مسیح عیسی هستند برخورد بسیار متفاوتی نسبت به دیگر انسانهای اطرافشان دارند. درک کتاب مقدس زمانی ارزشمند است که به آنها عمل کنیم.

در متی ۷: ۱۵-۲۳ مسیح می‌گوید که درخت بیمار نمی‌تواند میوه بیاورد و همچنین بوته خار نمی‌تواند انگور داشته باشد. با این مثال او نشان می‌دهد کسانی که از درون پر از شرارت هستند هرگز نمی‌توانند یک مسیحی واقعی باشند و توسط خدا پذیرفته نمی‌شوند:

"نه هر که مرا 'سرورم، سرورم' خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد" (متی ۷: ۲۱).

مسیح انتخاب کرد که اراده پدر را بجا آورد و این بسیار سخت بود. کسانی که اراده خدا را بجا می‌آورند جایگاهی در پادشاهی خدا هنگام برقرار شدن آن بر روی زمین به آنها داده خواهد شد.

گاهی شاید در درستی انجام کاری شک کنید. برای آن دعا می‌کنید اما باز هم اطمینان نمی‌یابید. چون کتاب مقدس هم به نظر می‌آید که چیزی درباره آن نگفته است. برای کمک به خود می‌توانیم از خودمان بپرسیم که اگر مسیح بر روی زمین بود این کار را انجام می‌داد؟ اگر مسیح آن کار را انجام نمی‌داد پس شاگردانش نیز نباید آن را انجام دهند.

عضوی از خانواده جهانی بودن

به واسطه فیض خدا در تعمیم ما دختران و پسران خدا می‌شویم (۲ قرن‌تین ۶: ۱۸). این یک امر شگفت‌انگیز است که خدای قادر مطلق چنین رابطه نزدیکی را با ما می‌خواهد. ولی ما زمانی می‌توانیم به این رابطه با خدا و عیسی مسیح ادامه دهیم که "در نور قدم برداریم" و از تاریکی گناه خودداری کنیم (۱ یوحنا ۱: ۶-۷).

کریستادلفینی‌ها روابطی جهانی دارند. همه آنها عیسی مسیح را بعنوان سر خود و کتاب مقدس را بعنوان راهنما و تنها قدرت پذیرفته‌اند. به همین خاطر خواندن روزانه آن مهم است. در درس بعد بیشتر در مورد آن توضیح خواهیم داد. دعاهاى شخصی و در جمع نیز ضروریست.

مسیح می‌دانست که شاگردانش به راحتی کاری را که او بواسطه مرگش برای آنها انجام داده را فراموش می‌کنند. در شام آخر سخنانی را با آنها در میان گذاشت. او به آنها گفت که مرگش را چگونه

یادآوری کنند. (لوقا ۲۲: ۱۴-۲۰). نان و شراب نمادی است تا پیروان تعمیدی بخاطر آورند که مسیح چگونه زندگی خود را برای آنها قربانی کرد. نان نشانی از بدن عیسی و شراب نشانی از خون اوست. به پیروان مسیح دستور داده شده که با این نمادها همیشه مرگ او را یادآوری کنند. کریستادلفینی‌ها یک بار در هفته برای انجام این کار دور هم جمع می‌شوند.

محبت و خدمت به یکدیگر

در شام آخر، مسیح "از شام برخاست و ردا از تن به در آورد و حوله‌ای برگرفته، به کمر بست. سپس آب در لگنی ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله‌ای که به کمر داشت" (یوحنا ۱۳: ۴-۵).

شستن پا کار خدمتکاران بود اما مسیح این کار را انجام داد. پس از آن گفت:

"من با این کار، سرمشقی به شما دادم تا شما نیز همان‌گونه رفتار کنید که من با شما کردم" (یوحنا ۱۳: ۱۵).

او با محبت و فروتنی به شاگردانش خدمت کرد. پس ما نیز باید به یکدیگر خدمت کرده و شبیه انسان‌هایی شویم که خدا می‌خواهد در پادشاهی خود داشته باشد.

"خوشا به حال حلیمان، زیرا آنان زمین را به میراث خواهند برد" (متی ۵: ۵).

مسیح قبل از مرگش به شاگردانش گفت و امروزه نیز به پیروانش می‌گوید:

"حکم من این است که یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت کرده‌ام" (یوحنا ۱۵: ۱۲).

او آنقدر ما را دوست داشت که بخاطر ما زیر بار مرگی دردناک و شرم آور رفت. او زندگی خود را به جهت ما داد. یوحنا‌ی رسول می‌گوید:

"محبت را از آنجا شناخته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد، و ما نیز باید جان خود را در راه برادران بنهیم" (۱ یوحنا ۳: ۱۶).

محبت به یکدیگر، همانطور که مسیح به ما محبت کرد یک چالش بزرگ است. همه ما می‌دانیم که باید چگونه با هم رفتار کنیم اما عمل به آن بسیار دشوار است. بسیار زمان می‌برد تا انسانیت کهنه ما از بین برود. بعضی از ما مغروریم، یعنی زود خشمگین شده و دمدمی مزاج و حساس هستیم. هر کدام از ما خطاهایی داریم. اینها مواردی هستند که باید با آنها بجنگیم. در عین حال محبت مسیح را نیز باید به دیگران نشان دهیم. تصویری از محبت مسیحی در اول قرن‌تیمان باب ۱۳ وجود دارد. آیات ۴ تا ۷

را می‌بینید:

"محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ به آسانی خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد؛ محبت از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند" (۱ قرنیتیان ۱۳: ۴-۷).

محبت به همسایه و دشمنان

امروزه افراد زیادی به دنبال حق خود هستند و کسانی که بر پای خود ایستاده‌اند مورد ستایش قرار می‌گیرند. انسانها بهترین را برای خود می‌خواهند، حتی اگر به قیمت عذاب دادن دیگران باشد. اما مسیحیان باید به دیگران کمک کنند، حتی اگر باعث عذاب کشیدن خودشان باشد. روزی فقیهی نزد مسیح آمد و از او پرسید حکم اعظم کدام است؟ مسیح به او گفت:

"عیسی پاسخ داد: خداوند: خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگترین حکم است. دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما" (متی ۲۲: ۳۷-۳۹).

داستانی که مسیح در مورد همسایه خوب در لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷ گفت را بخوانید. اگر کسی محتاج است باید به او کمک کنیم، حتی اگر آن شخص دشمن ماست. نباید تعلق کرده و تفکر کنیم که آیا از او خوشمان می‌آید یا خیر و یا آیا او واقعا نیازمند کمک است و یا نه. مسیح نیز گفته است:

"پس با مردم همان‌گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند. این است خلاصه تورات و نوشته‌های انبیا" (متی ۷: ۱۲).

"شنیده‌اید که گفته شده، همسایه‌ات را محبت نما و با دشمنت دشمنی کن. اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که به شما آزار می‌رسانند، دعای خیر کنید" (متی ۵: ۴۳-۴۴).

بزرگترین کاری که می‌توانیم برای دیگران انجام دهیم دادن خبر خوب پادشاهی خداست. همانطور که خدا ما را دعوت کرده تا راه او را حفظ کنیم و شادی پادشاهی را با دیگران سهیم شویم، پس ما نیز باید دیگران را برای سهیم شدن دعوت کنیم.

رفتار مسیحی و پول و سلامتی و زمان

مسیح هشدار داد: "هیچ کس دو ارباب را خدمت نتواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و به دیگری مهر خواهد ورزید، و یا سرسپرده یکی خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. نمی‌توانید هم بنده خدا باشید، هم بنده پول" (متی ۶: ۲۴).

پولس نشان داد که ما باید از آنچه که داریم راضی و خشنود باشیم (۱ تیموتائوس ۶: ۶-۱۰). پس پیروان واقعی مسیح قمار نمی‌کنند (۱ تیموتائوس ۶: ۱۷) و یا رشوه نمی‌گیرند (خروج ۲۳: ۸). پول و امکانات توسط خدا به ما داده می‌شود (۱ توتاریخ ۲۹: ۱۴-۱۶) و ما نباید از آنها سوءاستفاده کنیم. باید برای زندگی بهتر و خدمت به خدا از آن استفاده کنیم.

به طور مشابه سلامتی و قدرت ما نیز از سوی خداست. پس کسانی که در مسیح‌اند نمی‌توانند در فعالیت‌هایی شرکت کنند که به سلامتی آنها آسیب زده و یا زندگی عزیزانشان را تحت تأثیر می‌گذارد. پس برای مثال از سیگار کشیدن، نوشیدن الکل و زیاده روی در آن و مصرف مواد مخدر باید دوری کنند. کسانی که درگیر این اتفاقات هستند می‌دانند که ترک آن تا چه اندازه سخت است. اما با عزمی راسخ و کمک گرفتن از عیسی مسیح می‌توان آن را بدست آورد. زمان نیز توسط خدا به ما داده شده است و باید به درستی از آن استفاده شود (افسیان ۵: ۱۶). پولس می‌گوید:

"و به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست" (۲ قرنتیان ۵: ۱۵).

رومیان ۱۴: ۷-۸ و اول پطرس ۴: ۱-۹ را نیز ببینید.

عیسی مسیح، راهنمای ما

زندگی تازه یک چالش بزرگ است. اما مسیح راهنمای ما در طول آن خواهد بود. همانطور که او نجات‌دهنده ما بود و به واسطه او گناهانمان بخشیده شد. او همراه ماست و هرگز نمی‌گذارد تنها به سراغ مشکلات برویم. او دعای ایمانداران واقعی را به درگاه خدا می‌برد و اینگونه در زندگی ما سهیم خواهد بود و در تمامی غم‌ها و شادی‌های ما خواهد بود و ما را برای زندگی با او در پادشاهی خدا آماده می‌کند.

خلاصه:

زندگی تازه در مسیح یعنی:

- خواندن هر روزه کلام خدا
- دعا و ستایش خدا و پسرش
- یادآوری مرگ مسیح بواسطه نان و شراب
- پیروی از مثال‌های مسیح، تا بتوانیم:
 - به برادران و خواهران خود در مسیح محبت کنیم
 - به دیگران هر وقت که می‌توانیم کمک کرده، بخصوص به واسطه تدریس کلام
 - شرکت نکردن در فعالیت‌هایی که در این دنیا ما را از خدا دور می‌کند
 - مهمتر از همه با تمام وجود به خدا محبت کنیم

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۷) "پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است."

(لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷)

(لوقا ۲۲: ۱۴-۲۰)

(رومیان باب ۶)

(۱ قرن‌تیاں باب ۱۳)

(۱ قرن‌تیاں ۱۱: ۲۳-۲۸).

درس سی و هفتم: مطالعه روزانه کتاب مقدس

مطالعه: مزامیر ۱۱۹: ۸۹-۱۱۲

کتاب مقدس - متفاوت از کتابهای دیگر

کتاب مقدس چشمه‌ای عمیق از آبی شفاف است. چشمه‌ای آنقدر عمیق که هرگز به کف آن نمی‌رسید. هر چه بیشتر بخوانید، بیشتر می‌باید. هرگز به آنجایی نمی‌رسید که همه چیز را بدانید و دیگر احتیاج به خواندن نداشته باشید. ببینید مردم کلام را چگونه یافته اند:

۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳	اعمال رسولان ۱۷: ۱۱-۱۲
<p>"نیز ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه براستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می‌کند."</p>	<p>"اینان از مردمان تسالونیکی نجیب‌تر بودند، زیرا پیام را با اشتیاق پذیرفتند و هر روز کتب مقدس را بررسی می‌کردند تا ببینند آیا براستی چنین است. بدین‌گونه، بسیاری از یهودیان و نیز شماری کثیر از زنان و مردان سرشناس یونانی ایمان آوردند."</p>

چرا باید کتاب مقدس را بخوانیم؟

- چطور می‌توانیم در مورد خدا بدانیم، مگر اینکه کلامش را خوانده باشیم؟
- راه‌های خدا با راه‌های ما بسیار متفاوت است. چگونه می‌توانیم درست و غلط را در زندگی از هم تشخیص دهیم و چگونه می‌توانیم بدانیم که خدا از ما چه می‌خواهد مگر اینکه از کتاب مقدس راهنمایی بگیریم؟
- چگونه می‌توانیم از مثال‌های عیسی مسیح پیروی کنیم، مگر اینکه در مورد زندگی‌ش بخوانیم؟
- خدا دعاهای کسی که کلامش را نمی‌خواند، نمی‌شنود (امثال ۲۸: ۹). پس باید به کلام احترام گذاشته و آن را بخوانیم.
- ایمان برای نجات ما ضروری است. مطالعه روزانه کتاب مقدس ایمان ما را افزایش می‌دهد و ما را از نظر روحی بنا می‌کند. ما نیاز داریم "در فیض و شناخت خداوند و نجات‌دهنده‌ی ما عیسی مسیح نمو کنید، که او را از حال تا ابدالآباد جلال باد! آمین" (۲ پطرس ۳: ۱۸).

- مطالعه کتاب مقدس به ما کمک می‌کند تا دریابیم که چه اندازه گناهکاریم و باید بر ضد امیال اشتباه خود بجنگیم.
- مطالعات به یادمان می‌آورد که خدا و عیسی مسیح برای ما چه کردند که این امر ما را قادر می‌سازد به دیگران محبت کنیم.
- از انجیل امید زندگی به ما می‌رسد.
- به ما کمک می‌کند تا ذهن خود را با امور خوب و معنوی و سودمند پر کنیم و ما را به خدا نزدیک‌تر می‌کند (فیلیپیان ۴: ۸-۹).

تثنیه ۶: ۱-۹ نشان می‌دهد که کتاب مقدس باید بخشی از زندگی هر روزه ما باشد. در کادر زیر می‌بینید که کلام خدا می‌بایست همیشه با مردم باشد. باید در طول روز در مورد آن با یکدیگر صحبت کنند و مطمئن شوند که کودکان نیز آنها را می‌آموزند. این آیات به ما نشان می‌دهد هر کجا که هستیم و هر کاری که می‌کنیم به خرد خدا برای راهنمایی خود نیازمندیم. این امر ما را از شرارت اطرافمان جدا می‌کند. اگر به قضاوت خود اطمینان داشته باشیم شکست می‌خوریم:

"با تمام دل خود بر خداوند توکل کن، و بر عقل خویش تکیه منما؛ در همه راههای خود او را در نظر داشته باش، و او طریق‌هایت را راست خواهد گردانید. خویشتن را حکیم مپندار؛ از خداوند بترس و از شرارت دوری کن". (امثال ۳: ۵-۷)

(تثنیه ۶: ۴-۹) "بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست. یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن و این سخنان که من امروز تو را امر می‌فرمایم، بر دل تو باشد. آنها را به دقت به فرزندان بیاموز، و حین نشستن در خانه و رفتن به راه، و هنگام خوابیدن و برخاستن، از آنها گفتگو کن. آنها را چون نشان بر دست خود ببند و چون علامت بر پیشانیت بگذار. آنها را بر چارچوب در خانه خود و بر دروازه‌های خویش بنگار".

پولس اهمیت خواندن کلام خدا را در زندگیمان به ما می‌گوید:

"تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد" (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷).

پس کتاب مقدس به ما می‌آموزد و ما را اصلاح کرده و با عدالت تربیت می‌کند. حتی مسیح هم به درک کاملی از صحف نیاز داشت (البته او فقط عهد عتیق را داشت) اما چقدر خوب آنرا می‌دانست. کلام خدا راه حل تمام مشکلاتش بود. مسیح عهد عتیق را می‌خواند. پس ما نیز باید آن را بخوانیم.

خواندن تمامی کتاب

از اولین آیه پیدایش تا آخرین آیه مکاشفه از الهامات خداست. بخشی از آن مانند مزامیر و انجیل‌ها برای خواندن جالب هستند و برخی از افراد تا زمانی که کتاب‌هایی مثل روت و یا استر را تمام نکرده‌اند نمی‌توانند کتاب را زمین بگذارند. زندگی داوود پر از ماجرا بود. اما بخش‌های دیگر شرارت و جنگها را توضیح می‌دهد و ما از خواندن آنها زیاد لذت نمی‌بریم. بعضی از باب‌ها فهرستی از اسامی و مکانها دارند. اگر به انتخاب خودمان بود تنها باب‌های جذاب را می‌خواندیم. بعضی از ما فقط عهد جدید را می‌خوانیم و به همین خاطر متوجه مهمترین تعالیم کتاب مقدس همانند وجود شرارت در درون ما، قدوسیت عظیم خدا و احترام و اطاعت از او نمی‌شویم.

دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ می‌گوید که تمامی کتب مفید هستند. افراد نیازهای متفاوتی دارند. روحیات و شرایط و تجربیات متفاوتی نیز دارند و کتاب مقدس همه را خشنود می‌سازد. ما بدون درک عهد عتیق نمی‌توانیم عهد جدید را به خوبی درک کنیم. اولین آیه عهد جدید در مورد "عیسی مسیح پسر داوود، پسر ابراهیم" سخن می‌گوید. عهد عتیق است که به ما جزئیات وعده‌های ابراهیم و داوود را نشان می‌دهد و عهد جدید تنها به آن وعده‌ها مراجعه کرده و ارتباط آن به عیسی مسیح را به ما نشان می‌دهد.

نیاز مطالعه هر روزه کتاب مقدس

خدا برای جسم ما غذایی که بدان محتاجیم را فراهم می‌کند. اما ذهن ما نیز به غذا نیاز دارد. غذای روح، همان کلام خداست. ما به این غذا هر روزه نیازمندیم و گرنه جسم ما بلافاصله از جهان تغذیه می‌کند. اگر همراه با دعا و تمرکز پیغام کتاب مقدس را بخوانیم، موجب می‌شود که درک ما از روش‌های خدا بیشتر شده و باعث خشنودی بیشتر خدا می‌شویم. نویسنده مزامیر گفت:

"شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم. تمامی روز تفکر من است" (مزامیر ۱۱۹: ۹۷).

برای اینکه مطمئن شویم که تمام کتاب را می‌خوانیم، باید برای آن برنامه‌ریزی کنیم. همراه کتاب مقدس، کریستادلفینی‌ها تقویم مطالعه‌ای دارند که شما را هر سال یکبار به عهد عتیق و دو بار به عهد جدید می‌برد. کریستادلفینی‌های تمام دنیا از این برنامه استفاده کرده و کلام را هر روز می‌خوانند. اما اگر شما هنوز مطالعه هر روزه را آغاز نکرده اید پس تقویم مطالعه کتاب مقدس کریستادلفین این برنامه را به شما معرفی می‌کند.

شگفتی‌های کلام خدا

وقتی کلام را می‌خوانیم اکتشافات جالبی از آن به عمل می‌آید. در اینجا چند مثال را می‌بینید:

۱. زمانی که از ابراهیم خواسته شد تا پسرش اسحاق را قربانی کند (پیدایش باب ۲۲)، این واقعه قربانی شدن تنها پسر خدا را به یاد ما می‌آورد. همانطور که اسحاق چوب‌های جایگاه قربانی را خودش حمل کرد، مسیح نیز صلیب خود را بر دوش خود آورد. مسیح بره خدا بود که برای ما قربانی شد و ابراهیم در نهایت قوچی را قربانی کرد. ارتباطات دیگری نیز وجود دارد تا بتوانیم درک کنیم که چقدر قربانی کردن پسر برای ابراهیم سخت بود. پس می‌توانیم درک کنیم دیدن مرگ پسر چقدر برای خدا سخت بود.

۲. اسحاق در کوه موریا به ابراهیم برگردانده شد. کوهی که بعدها قسمتی از اورشلیم شد و معبد بزرگی که سلیمان ساخت بر آن واقع شد (۲ تواریخ ۳: ۱).

۳. شباهت‌های زیادی بین زندگی یوسف و عیسی مسیح وجود دارد. به همین خاطر می‌گوییم که یوسف نیز مانند مسیح بود. برای مثال هر دو پسران عادل بودند و برادران خود را که آنها را نپذیرفته بودند بخشیدند. یوسف در زندان انداخته شد و مسیح در قبر گذاشته شد. پس از آن یوسف نجات‌دهنده بزرگی برای برادران و تمام مردم سرزمینی که برای غذا به مصر آمده بودند شد. بدون او آنها می‌مردند. مسیح نیز نجات‌دهنده یهودیان و غیریهودیان است.

۴. همانطور که ایلیا قبل از الیشع آمد، یحیی تعمید دهنده نیز قبل از مسیح آمد. ایلیا و یحیی خصوصیات ظاهری مشابه و روش‌های زندگی مشابهی داشتند و هر دو راه را برای انبیاپی بزرگتر که پس از آنها می‌آمد، آماده می‌کردند (متی ۱۱: ۱۴). الیشع نیز مانند مسیح بود چون معجزات زیادی از قبیل غذا دادن به انسانها و زنده کردن پسر مرده انجام داد.

۵. هزاران سال طول کشید تا مردم نیاز به بهداشت را درک کنند. اما احکامی که خدا به موسی برای مردم داد، قوانین بهداشتی زیادی را شامل می‌شد. آنها به کمک آن قوانین از دیگر امتهای سالم‌تر ماندند (تثنیه ۷: ۱۵).

۶. فهرست اسامی، اطلاعاتی را برای درک بهتر فراهم می‌کند. برای مثال فهرستی طولانی از اسامی در باب ۱ متی به ما نشان می‌دهد که عیسی مسیح از نسل زنان زیادی است که شامل راحاب (زن بدکاره غیریهودی)، روت (یک غیریهودی دیگر) و بتشبع کسی که داوود با او زنا کرد نیز می‌شود. آیا می‌توانستیم چنین کسانی را در نسل پسر گرانبها انتخاب کنیم؟ خدا با خرد خود ایمان زنان

غیریهودی را به ما نشان می‌دهد که از سرگذشت آنها بسیار مهم‌تر بود. فهرستی که در لوقا باب ۳ آمده از نسل مسیح تا آدم را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که آدم یک انسان واقعی بود.

۷. دوم سموئیل ۱۲: ۱۳ نشان می‌دهد که داوود با بتشیع زنا کرد و چگونه نقشه مرگ همسر او را کشید. درک این موضوع که چطور داوود به سادگی بخشیده شد برای ما سخت است اما مزامیر باب‌های ۳۲ و ۵۱ تأسف عمیق او را نشان می‌دهد.

درس‌هایی برای زندگی

در اول قرن‌تین باب ۱۰ پولس به زمان موسی اشاره دارد. زمانی که مردم در صحرا بودند و حضور خدا با آنها بود و می‌خواست آنها را به سرزمین وعده برساند. اما در خصوص مردم گفت:

"با این همه، خدا از بیشتر آنان خرسند نبود، پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد. حال، این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی باشد برای ما، تا ما همچون آنان در پی بدی نباشیم" (۱ قرن‌تین ۱۰: ۵-۶).

پس ما از این مثال‌ها یاد می‌گیریم که نباید:

- امیال شریانه داشته باشیم (آیه ۶)
- به دنبال لهو و لعب باشیم (آیه ۷)
- زناکار باشیم (آیه ۸)
- مسیح و همچنین خرد خدا را آزمایش کنیم (آیه ۹)
- گله‌مند باشیم (آیه ۱۰)

اطمینان از اینکه هرگز خدایان سنگ و چوب را نخواهیم پرستید برای ما آسان است. اما عهد جدید آزمندی را نیز نوعی بت‌پرستی می‌داند. هر چیزی که زندگی ما را بیشتر از خدا پر کند، برای ما به بت تبدیل خواهد شد. پولس رسول این نکته را تکرار می‌کند:

"این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می‌بریم که غایت همهٔ اعصار تحقق یافته است. پس آن که گمان می‌کند استوار است، به‌هوش باشد که نیفتد" (۱ قرن‌تین ۱۰: ۱۱-۱۲).

درس‌های زیاد دیگری را می‌توانیم از رفتار نادرست بنی اسرائیل در زمان موسی یاد بگیریم. اما متنی که علاقه آنها را به پرستش خدا و جزئیات جالبی که منتهی به زندگی مسیح می‌شود و ۱۵۰۰ سال

بعد را نشان می‌دهد موجود است. درس‌های این چینی در کتاب مقدس بسیار زیاد است.

روش‌هایی که به مطالعه کتاب مقدس کمک می‌کند

۱. **نشانه گذاری و حروف بزرگ:** وقتی کتاب برای اولین بار نوشته شد، هیچ نشانه گذاری و حروف بزرگی نداشت. گاهی مترجمان اشتباهاتی داشتند. لوقا ۲۳: ۴۳ مثالی از این قبیل است. این آیه شامل کلماتی است که مسیح به دزدی که با او مصلوب می‌شد گفت. چون آن مرد درک بالایی از کلام را نشان داد مسیح به او گفت که در فردوس با او خواهد بود. این بدان معنا بود که در پادشاهی خدا خواهد بود. این آیه سوء تفاهم زیادی به وجود آورده است. چون مترجمان گمان کردند که آن دزد به فردوس می‌رود. به همین خاطر نوشته است:

"عیسی پاسخ داد: آمین، به تو می‌گویم، امروز با من در فردوس خواهی بود" (لوقا ۲۳: ۴۳).

با گذاشتن ویرگول بعد از کلمه "امروز" حس کاملاً تغییر می‌کند. مسیح نمی‌توانست به آن مرد قول فردوس را در آن روز داده باشد. چون می‌دانست که برای ۳ روز به قبر می‌رود و همچنین مترجم با بزرگ نوشتن کلمه فردوس، خوانندگان را به اشتباه انداخته است. آن کلمه صرفاً به معنای باغ بود. ما می‌دانیم که مسیح زندگی را در آینده و بر روی زمین به او وعده داد که همان باغ عدن خواهد بود که آدم و حوا در آن گناه کردند.

۲. **به متن دقت کنید:** همیشه ایده خوبیست که به کل متن (آیه‌های قبل و بعد) دقت کنید. این امر به شما نشانه‌هایی برای درک بهتر می‌دهد. مثلاً می‌توانید راحت‌تر درک کنید که چرا مسیح مَثَلی را در بخشی گفته است.

۳. **پاورقی‌ها:** بعضی از کتاب‌ها پاورقی و یا حاشیه‌نویس دارند. زیر کلمه شماره کوچکی وجود دارد و بعد در مورد آن شماره در پاورقی و یا در حاشیه توضیح داده شده است. در این قسمت می‌توانید باب و یا آیات مرتبط با آنچه که خوانده اید را ببینید.

۴. **از نقشه استفاده کنید:** بعضی از کتاب‌های مقدس نقشه مرجع به همراه دارند. اگر در حین خواندن مکان‌ها را در نقشه پیدا کنید باعث می‌شود سرزمین اسرائیل را بهتر شناخته و داستان را نیز بهتر درک کنید.

چگونه کتاب خود را بخوانیم؟

- **کتاب را با دعا بخوانید:** ما به کمک خدا برای فهم کلامش نیازمندیم و او همیشه آماده کمک است. پس درخواست آن را فراموش نکنیم.
 - **خواندن و عمل کردن:** خدا توسط کلامش به ما آموزش می‌دهد. اما تنها خواندنش کافی نیست. یعقوب می‌گوید که "باید به‌جای آورنده کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید" (یعقوب ۱: ۲۲). مسیح از کسانی حرف می‌زند که او را سرور می‌خوانند، اما به فرمانش عمل نمی‌کنند (متی ۲۵: ۳۱-۴۶ را بخوانید).
 - **کتاب را با ذهنی فروتن بخوانیم:** خدا به کسی که با ذهنی فروتن و آماده نزد او می‌آید یاد می‌دهد. او با کسانی که فکر می‌کنند همه چیز را می‌دانند، کاری ندارد.
- "این همه را دست من ساخته است، و بدین‌گونه همه آنها به وجود آمده؛ خداوند این را می‌فرماید. اما این است آن که بر وی نظر خواهیم کرد: آن که فروتن است و روح توبه‌کار دارد، و از کلام من می‌لرزد" (اشعیا ۶۶: ۲).
- خدا این کلام را برای ما نوشته است. چطور به خود جرأت بی‌اعتنایی می‌دهیم؟

خلاصه:

کتاب مقدس را باید به این صورت بخوانیم:

- با دعا، از خدا بخواهید برای درک آنچه می‌خوانید کمکتان کند و به درس‌هایش عمل کنید.
- باید هر روز مطالعه کنید و مطمئن شوید که مطالعه شما همه بخش‌های کتاب را در بر می‌گیرد.
- با ذهن باز بخوانید و اجازه دهید که به شما آموزش دهد.
- در مورد آیات با دقت تأمل کرده و مطمئن شوید که آنرا درک کرده اید.
- با ذهنی فروتن در پی راه‌های زندگی که خدا از شما خواسته باشید.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۱۱۹: ۱۸) "چشمانم را بگشا تا از شریعت تو شگفتی‌ها ببینم."

(مزامیر باب ۱۹)

(مزامیر ۱۱۹: ۱-۴۰)

(مرقس ۸: ۳۴-۳۸).

درس سی و هشتم: مشارکت با هم ایمانان

مطالعه: اول قرن‌تین باب ۳

مشارکت چیست؟

چون عیسی مسیح زندگیش را با کلام خدا پر کرد و هرگز گناه نکرد، از مشارکت با پدرش لذت برد. آنها از یک ذهن و یک هدف بودند. به همین خاطر است که مسیح می‌گوید من و پدر یک هستیم (یوحنا ۱۷: ۱۱). آنها یکی بودند زیرا یک طرز فکر داشتند، نه بخاطر اینکه بخشی از تثلیث بودند (درس ۱۶). آنها یکی بودند چون مسیح اراده خدا را کاملاً بجا آورد.

مسیح دعا کرد و در مورد پیروانش گفت: "بیش از این در جهان نمی‌مانم، اما آنها هنوز در جهانند؛ من نزد تو می‌آیم. ای پدرِ قدّوس، آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده‌ای حفظ کن، تا یک باشند، چنانکه ما هستیم" (یوحنا ۱۷: ۱۱). او می‌خواست که ایمانداران با او و پدر یکی باشند. وقتی تعمید می‌گیریم به پسران و دختران خدا تبدیل می‌شویم. او رابطه‌ای نزدیک با ما در زندگی می‌خواهد. اکنون ایمانداران تعمیدی می‌توانند با خدا و پسرش مشارکت کنند چون سعی در اجرای اراده خدا دارند. اما هنوز مرتکب گناه می‌شوند. مشارکت کامل زمانی پدید می‌آید که جاودانه شده باشند و دیگر قادر به گناه کردن نباشند و با خدا یکی شده باشند.

اعضای خانواده خدا یک وجه مشترک دارند، آنها بخاطر خدا و پسرش با هم مشارکت می‌کنند. ما با تفکر در زندگی روزمره به این درک می‌رسیم و می‌بینیم که مردم بخاطر علائق و تجربیات مشترک با هم دوست می‌شوند. بطور مشابه ایمانداران واقعی با یکدیگر بخاطر ایمان و امید مشترک و روش زندگی که متفاوت از بقیه است با هم مشارکت دارند. مشارکت مسیحی بر پایه ایمان در کلام خداست و از آنجایی که این امر برای ایمانداران واقعی بسیار حائز اهمیت است، بر آنها بسیار تأثیر گذاشته و به سبب آن با دیگر ایمانداران نیز مشارکت مستحکمی دارند.

بنابراین مشارکت کتاب مقدسی رابطه‌ای خاص با خدا و عیسی مسیح به واسطه ایمان و تعمید است و به رابطه‌ای مستحکم با وجه مشترک پسران و دختران خدا بودن می‌انجامد. بنابراین هدفی مشترک و راه زندگی خواهد بود. در تمام دنیا مردان و زنان وقتی عضو خانواده خدا هستند با هم مشارکت می‌کنند. مشارکت مسیحی تنها به معنای کنار آمدن با یکدیگر نیست بلکه رابطه‌ایست روحانی که بر پایه ایمان مشترک بر خداست.

مشارکت یعنی اشتراک. مشارکت کتاب مقدسی یعنی مشترک بودن در ایمان، امید و پرستش خدا با هم.

مقدس بودن

یوحنا ی رسول در مورد مشارکت در اولین نامه‌اش نوشته است. او توضیح می‌دهد که ایمانداران واقعی کسانی هستند که حقیقت را در مورد عیسی مسیح باور داشته و سعی دارند که به آن عمل کنند. مشارکت مسیحی تنها زمانی بین مردم وجود دارد که آنها رابطه‌ای نزدیک با خدا داشته باشند.

نکات	۱ یوحنا ۱: ۳-۷
<p>خوانندگان یوحنا می‌توانند به واسطه آنچه از مسیح آموخته‌اند با او و دیگر ایمانداران مشارکت داشته باشند.</p> <p>مشارکت با خدا و عیسی مسیح اساس مشارکت ایمانداران با یکدیگر است.</p> <p>چون خدا عادل مطلق است نمی‌توانیم هم با او در مشارکت بوده و هم خود را خشنود سازیم. ما باید تلاش کنیم تا بر طبق اصول صحیح زندگی کنیم.</p> <p>در پی روش‌های خدا می‌توانیم مشارکت با کسانی که در نور هستند را بیاموزیم</p> <p>و از بخشش گناهان لذت خواهیم برد</p>	<p>ما آنچه را دیده و شنیده‌ایم به شما نیز اعلام می‌کنیم تا شما نیز با ما رفاقت داشته باشید</p> <p>رفاقت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. ما این را به شما می‌نویسیم تا شادی‌مان کامل گردد</p> <p>خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست. اگر بگوییم با او رفاقت داریم، حال آنکه در تاریکی گام می‌زنیم، دروغ می‌گوییم و به راستی عمل نمی‌کنیم.</p> <p>اما اگر در نور گام برداریم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر رفاقت داریم</p> <p>و خون پسر او عیسی ما را از هر گناه پاک می‌سازد</p>

برای لذت بردن از مشارکت با خدا و پسر او می‌بایست از دنیا جدا باشیم. عهد جدید به پیروان مسیح دستور می‌دهد تا جدا از دنیا زندگی کنند. این به معنای ترک دنیا نیست، این کار غیرممکن است. بلکه به معنای متفاوت بودن از دنیاست و اینکه باید از روش‌های غیر خدایی دوری کنیم، همانند ابراهیم (عبرانیان ۱۱: ۸-۱۳). مسیح برای پیروانش دعا کرد تا توسط خدا از شریر حفظ شوند. در ادامه می‌گوید:

"آنها به این دنیا تعلق ندارند، چنانکه من نیز تعلق ندارم. آنان را در حقیقت تقدیس کن. کلام تو حقیقت است" (یوحنا ۱۷: ۱۶-۱۷).

مسیح و شاگردانش دنیا را مکانی برای شرارت تلقی کرده بودند (۱ یوحنا ۲: ۱۵-۱۷). مکانی شده بود پر از انسانهایی که هیچ میلی در راستای امور خدایی نداشتند و کارهایی انجام می‌دادند که زندگی را برای یک مسیحی واقعی که فرامین خدا را انجام می‌دهد، سخت می‌کرد. یعقوب ۴: ۴ می‌گوید: "هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد". مردم دنیا معیارها و روش‌های زندگی متفاوتی دارند. آن چیز که برای ما حایز اهمیت است توجه آنها را جلب نمی‌کند. ما هرگز وقایع زندگی خود را برای مردم دنیا بازگو نمی‌کنیم. پس داشتن برادران و خواهران در مسیح که در عشق به کلام خدا با هم شریک هستند در معیارهای ما به ما کمک می‌کند. افرادی که باورهای مذهبی اشتباهی دارند و همینطور کسانی که به خدا احترام نمی‌گذارند می‌توانند باعث منحرف شدن ایمانداران واقعی از خدا شوند.

آدم و حوا

آدم و حوا برای هم ساخته شده بودند و قرار بود به یکدیگر کمک و از هم حمایت کنند (پیدایش ۲: ۱۸ را ببینید). ازدواج آنها نشانی از مشارکت در تمام نعمات خدا و لذت بردن از کنار هم بودن و همکاری و شکر برای برکات خدا می‌باشد. این مشارکت بدین خاطر وجود داشت که هر دوی آنها با خدا یکی بودند. زن، مرد و خدا با هم هماهنگ بودند.

وقتی آدم و حوا قانون خدا را شکستند (پیدایش باب ۳)، مشارکت آنها با خدا نیز شکسته شد. خدا مقدس است و گناه را نمی‌پذیرد و همینطور گناهکاران نیز نمی‌توانند به درگاه خدا حضور یابند. آدم و حوا باید باغ عدن و همینطور رابطه نزدیک خود با خدا را ترک می‌کردند. گناه آنها بر روابط انسانی نیز تأثیر گذاشت. آدم، حوا را برای اتفاقی که افتاده بود سرزنش می‌کرد. این درسی برای ماست. تنها زمانی که ما "در روشنایی راه می‌رویم چون او در روشنایی است با یکدیگر مشارکت داریم". گناهان ما را از مشارکت با خدا بازداشته (اشعیا ۵۹: ۲) و تأثیر زیادی بر مشارکت ما با خواهران و برادران دارد.

مشارکت در پنتیکاست

عکس العمل شگفت‌انگیزی در مقابل تعالیم رسولان وجود داشت. بسیاری به مرگ، رستاخیز و تعالیم مسیح ایمان آورده و تعمید گرفتند. آنها از مشارکت با یکدیگر لذت بردند. چون همگی آموزه‌های رسولان را پذیرفته بودند و اکنون هدف و روش زندگی متفاوتی داشتند. آنها مشارکت خود را با شریک کردن در اموال خود و مراسم عشای ربانی در خانه‌های خود نشان دادند.

"آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند... مؤمنان همه با هم به سر می‌بردند و در همه چیز شریک بودند. املاک و اموال خود را می‌فروختند و بهای آن را بر حسب نیاز هر کس بین همه تقسیم می‌کردند. ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می‌آمدند و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند" (اعمال رسولان ۲: ۴۲ و ۴۴-۴۶).

این مثال ایمانداران قرن اول در مشارکت، مراسم عشای ربانی و دعا امری است که کریستادلفینی‌ها امروزه باید از آن پیروی کنند. آنها معیارهای متفاوتی از مردم دنیا داشته، بنابراین به دنبال کسانی با اهداف مشترک هستند. هر هفته اعضا در مکانی مشترک همدیگر را ملاقات کرده تا خدا را پرستش کنند و همانطور که مسیح از آنها خواسته بود، فداکاری او را با اجرای مراسم نان و شراب یادآور شوند.

مراسم عشای ربانی

پیروان مسیح اگر می‌خواهند در حقیقت و عشق رشد کنند باید با هم در تماس باشند (عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵). مراسم عشای ربانی برای به خاطر آوردن عیسی مسیح و نجات بزرگ او در مرکز مشارکت مسیحیان قرار دارد. با خوردن تکه‌ای از نان و نوشیدن جرعه‌ای از شراب ما بهای سنگینی را که مسیح با مرگش بر روی صلیب برای نجات ما پرداخت کرد به یاد می‌آوریم. این امر ما را تشویق می‌کند تا عهدی را که در تعمید خود بستیم به یاد آوریم، یعنی خدمت به خدا و نه خشنودی خود. اکنون زمانی است که باید از خود بپرسیم آیا واقعا در نور راه می‌رویم؟ اجرای این مراسم ساده بسیار ضروری است. در این مورد در اول قرن‌تین ۱۱: ۲۶-۲۹ نیز می‌خوانیم.

وقتی با طلب بخشش از پسر خدا در فداکاری او تمرکز می‌کنیم، با شرکت در این مراسم به خدا نزدیکتر می‌شویم. نان و شراب نماد بدن و خون مسیح است. هیچ جادو و رمزی در نان و شراب نیست. برای مثال بر طبق باور غلط بعضی ایمانداران نان به بدن واقعی مسیح تبدیل نمی‌شود.

(۱ قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶-۲۹) "زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که بازآید. پس هر که به شیوه‌ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود. ما هر کس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید. زیرا هر که بدون تشخیص بدن بخورد و بنوشد، در واقع محکومیت خود را خورده و نوشیده است."

مسیح به یارانش گفت: "این را به یاد من به جا آرید" (لوقا ۲۲: ۱۹) که تنها به ایمانداران واقعی اجازه می‌دهد تا این کار را برای یادآوری انجام دهند. بنابراین کریستادلفینی‌ها تنها با دیگر اعضای تعمیدی این کار را انجام می‌دهند (۲ قرن‌تیاں ۶: ۱۴-۱۸). آنها درک کرده‌اند که مشارکت با افرادی که ایمان مشترک به کتاب مقدس داشته و اهداف را همانگونه که هست قبول کرده‌اند، بسیار حایز اهمیت است (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳-۱۴ و تیتوس ۲: ۱ را ببینید). اگر با تعمید در مسیح یک کریستادلفینی شوید کریستادلفینی‌های دیگر، برادران و خواهران شما خواهند شد (بیاد آورید که کریستادلفین به معنای برادران در مسیح است). عضوی از این خانواده شدن لذتی بزرگ است. کریستادلفینی‌ها در مسیح یکی هستند (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۸).

ما در مورد مراسم عشای ربانی با مسیحیان قرن اول در روز اول هفته هم نظر هستیم (اعمال رسولان ۲۰: ۷ و اول قرن‌تیاں ۱۶: ۲). پس کریستادلفینی‌ها نیز معمولاً در روز یکشنبه‌ها این امر را انجام می‌دهند. این واقعه با سبت (شنبه) متفاوت است.

روح و راستی

زنی سامری از مسیح پرسید که آیا مردم باید برای پرستش به کوه جرزیم بروند (نزدیک مکانی که صحبت می‌کردند) و یا باید به اورشلیم بروند. مسیح به او جوابی داد که برایش غافلگیر کننده بود او گفت: "مکان هیچ اهمیتی ندارد" و در ادامه افزود:

"اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جوایای چنین پرستندگانی است" (یوحنا ۴: ۲۳).

هفتاد سال پس از میلاد مسیح، حدود چهل سال بعد از به صلیب کشیدن مسیح اورشلیم و کوه جرزیم نمی‌توانستند مکانی برای پرستش استفاده شوند. چون ارتش روم سرزمین اسرائیل را از بین برده و

تمام مکانهای مذهبی را نابود کرده بودند. آن دسته از یهودیانی که از جنگ نجات یافته بودند و فرار نکرده بودند به اسارت برده شده و بعنوان برده فروخته شدند. پس اگر مذهب آنها بر پایه مکان‌های مقدس و معبد‌ها می‌بود می‌بایست عبادت خدا برای همیشه فراموش می‌شد. مسیح نشان داد که پرستش واقعی هیچ ارتباطی به مکانها و معابد ندارد. در عوض بر پایه ایمان، راستی و احترام است.

"روح و راستی" این نقل قول ترکیب بسیار مهمی است. افرادی امروزه ادعا می‌کنند که روح را داشته و یا توسط آن هدایت می‌شوند. اما وقتی با آنها صحبت می‌کنید به زودی در می‌یابید که آنها اطلاعی از تعالیم حقیقی کتاب مقدس ندارند. ممکن است بر این باور باشند که پس از مرگ به بهشت می‌روند. در صورتی که کتاب مقدس به طور واضح نشان می‌دهد که پادشاهی خدا بر روی زمین برقرار خواهد شد و یا ممکن است بر این باور باشند که عیسی مسیح بخشی از تثلیث است. در صورتی که کتاب مقدس می‌آموزد که زندگی مسیح با تولد او و توسط قدرت خدا یعنی "روح القدس" بر مریم آغاز شد. افرادی که ادعا بر مالکیت این روح دارند و حقیقت کتاب را نمی‌دانند حتما در اشتباه هستند.

پرستندگان واقعی امروزه توسط مکان‌های بزرگ پرستش و کلیساها متحیر نمی‌شوند. کلیسای واقعی نه به ساختمان، بلکه به مردم اهمیت می‌دهد و تعداد آنها اصلا مهم نیست. آنچه حائز اهمیت است این است که آنها بر چه باوری هستند و چگونه خدا را می‌پرستند. داشتن روحی پاک و درست بسیار خوب است، اما این روح از ایمان به حقیقت کتاب و انجام دستورات خدا بدست می‌آید.

مکان زندگی خدا

ایمانداران واقعی مکانی برای زندگی خدا هستند. او می‌خواهد هر روز در آنها زندگی کند. پولس به کلیسای قرنتس گفت:

"آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟" (۱ قرنتیان ۳: ۱۶).

(همچنین افسسیان ۲: ۱۹-۲۲ را نیز ببینید). مکان کلیساها اهمیتی ندارد. مسیح هرگز کلیسایی ساخت و معبد عظیم در اورشلیم را لانه دزدان توصیف کرد. او می‌خواست که شاگردانش از او پیروی کنند و نه از کاهن معبد. شام آخر او در اتاقی در اورشلیم برگزار شد و رسولان پس از آن برای پرستش آنجا جمع می‌شدند (اعمال رسولان ۱: ۱۳). خدمت‌های شاگردان در کلیسای اولیه در خانه‌ها (کولسیان ۴: ۱۵) و یا اتاق‌های اجاره‌ای (اعمال رسولان ۲۸: ۲۳-۳۱) صورت می‌گرفت.

پرستش با هم و یا جدا

بجای کلمه کلیسا، کریستادلفینی‌ها از کلمه اکلیزیا استفاده می‌کنند (کلمه‌ای یونانی برای کلیسا در کتاب مقدس که به معنای افراد فراخوانده شده است). کلمه کلیسا در کتاب مقدس به ساختمان اشاره نمی‌کند بلکه به افرادی که از سرتاسر دنیا فرا خوانده شده اند اشاره دارد. آنها با یکدیگر ملاقات کرده تا مراسم عشای ربانی را اجرا کرده، کلام خدا را مطالعه کنند و همینطور در جلساتی برای آموزش کلام به افراد غیر تعمیدی شرکت کنند. بعضی از اکلیزیایها فعالیت‌هایی برای کودکان نیز دارند.

همانند ایمانداران قرن اول هیچ کشیشی وجود ندارد. چون عیسی مسیح کاهن اعظم ماست. مردان ایماندار (برادران در مسیح) در مسئولیت خدمت با هم شریک می‌شوند. در مراسم نان و شراب یکی از برادران جلسه را هدایت می‌کند، سرود را آماده کرده و مطالعات و دعاها را مشخص کرده و به دیگران نیز برای کمک در این خدمت مسئولیت‌هایی محول می‌کنند. برادر دیگر سخنرانی کوتاهی برای دلگرمی و تشویق حضار انجام داده که به آن "موعظه" می‌گویند. وقتی افراد حاضر در شرایط کاملا مناسبی برای یادآوری مسیح قرار گرفتند، مراسم نان و شراب با هم انجام می‌شود. دقیقا همانگونه که سالیان پیش مسیح در شام آخر آن را بجا آورد (لوقا ۲۲: ۱۴-۳۰ را بخوانید).

معمولا در زمان مراسم نان و شراب پول‌هایی نیز جمع آوری می‌شود و این فرصتی است برای افرادی که می‌خواهند کمک کنند (۱ قرن ۱۶: ۱-۳). هیچکس نمی‌داند که هر فرد چه مقدار کمک می‌کند. این امر همانند عمل مشارکت و یا تشکر از خدا برای محبت او که عیسی مسیح را برای ما فرستاد، حائز اهمیت است. از پول‌های جمع آوری شده به روش‌های مختلفی استفاده می‌شود که شامل پشتیبانی از آموزش و یا حمایت از اعضای که تنها و یا بیمار هستند می‌شود.

اگر کریستادلفینی‌ها تنها باشند، در تنهایی خود مراسم نان و شراب را بجا می‌آورند. اما همچنان با تمام کریستادلفینی‌های دنیا که در همان روز این مراسم را بجا می‌آورند در مشارکت هستند. اینگونه اگر تمامی ایمانداران را فرا خوانیم و با هم مشارکت داشته باشیم، موجب خشنودی خدا شده و به طبع باعث رشد اکلیزیایی جدید از پرستندگان می‌باشیم.

خلاصه:

- مشارکت رابطه‌ای خاص است که یک ایماندار به واسطه ایمان و تعمیم خود از خدا و مسیح لذت می‌برد. این امر منجر به رابطه بین افرادی می‌شود که ایمان و روش زندگی مشابهی دارند.
- ایمانداران واقعی نمی‌توانند با کسانی که حقیقت کلام را نپذیرفته‌اند در مشارکت باشند.
- ما باید به وسیله تمرکز، دعا و مطالعه کتاب مقدس در پی مشارکت با خدا و عیسی مسیح باشیم.
- نزدیکترین مشارکت با خدا، مسیح و دیگر ایمانداران زمانی برقرار می‌شود که ما نان و شراب را در مراسم عشای ربانی با هم اجرا کنیم.
- مشارکت کاملی با خدا در پادشاهی او بر روی زمین برگزار خواهد شد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ قرن‌تیاں ۶: ۱۶) "و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است؟ زیرا ما معبد خدای زنده‌ایم. چنانکه خدا می‌گوید: بین آنها سکونت خواهم گزید و در میانشان راه خواهم رفت، و من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من خواهند بود."

(۱ یوحنا باب ۱)

(۱ قرن‌تیاں باب ۱۰).

پرسش‌های بخش دهم

درس ۳۶: زندگی تازه در مسیح

۱-۳۶ از اول قرن‌تین باب ۱۳ استفاده کرده چند مثال زده و بگویید که چگونه می‌توانیم عشق مسیحی را در زندگی هر روزه نشان دهیم؟

۲-۳۶ الف) مسیح برای شاگردانش چه کرد؟ (یوحنا باب ۱۳)

ب) معمولا چه کسی این کار را انجام می‌دهد؟

پ) دو چیزی که می‌شود از این اتفاق آموخت را بگویید.

۳-۳۶ چه درسی می‌توان از مَثَل سامری نیکو گرفت؟ (لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷)

۴-۳۶ چرا بشارت به بی‌ایمانان بهترین راه کمک به آنهاست؟

۵-۳۶ لوقا ۹: ۲۳-۲۶ را بخوانید.

الف) منظور از اینکه هر روز باید صلیب خود را بر دوش بکشیم چیست؟

ب) آیه ۲۶ به ما چه می‌آموزد؟

۶-۳۶ متی ۱۸: ۲۱-۳۵ را بخوانید.

الف) مسیح به خاطر سوال پطرس در آیه ی ۲۱ این مثال را زد. سوال او چه بود؟

ب) در آیه ۲۴ آن مرد بدهی زیاد خود را نمی‌توانست بپردازد. پادشاه با مهربانی قرض او را بخشید. پادشاه نشان‌دهنده خداست که تمام گناهان ما را در تعمید می‌بخشد. سپس آن مرد چه کرد؟

پ) چگونه می‌توانیم همانند او رفتار کنیم؟

ت) مهمترین پندی که در این مَثَل وجود دارد چیست؟

درس ۳۷: مطالعه روزانه کتاب مقدس

۱-۳۷ دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ به ما چه می‌آموزد؟

۲-۳۷ چرا خواندن تمام کتاب مقدس (که شامل تمام عهد عتیق نیز می‌شود) مهم است؟

۳-۳۷ به اشعیا ۶۶: ۱-۲ نگاه کنید. اگر می‌خواهیم که خدا در تمام زندگی در کنارمان باشد باید چگونه برخورد کنیم؟

۴-۳۷ یعقوب ۱: ۲۲-۲۵ چه پیغامی به ما می‌دهد؟

۵-۳۷ الف) کتاب مقدس در مورد ذات ما چه می‌گوید؟ آیا ما ذاتا خوب هستیم یا گناهکار؟

ب) چه پیغام امیدوار کننده‌ای به ما می‌دهد؟

پ) سه شخصیت در کتاب مقدس نام برده که روش صحیح زندگی آنها، مثال خوبی است که بخواهیم از آنها الگوبرداری کنیم.

ت) چرا خواندن هر روزه کتاب مقدس مهم است؟

۶-۳۷ اشعیا باب ۵۵ را بخوانید.

الف) با توجه به آیات ابتدایی این باب، یادگیری در مورد خدا و رستگاریش برای ما به چه قیمتی تمام خواهد شد؟

ب) چه زمانی باید به دنبال خدا باشیم؟ (آیه ۶)

پ) اگر به سمت خدا برویم چه اتفاقی می‌افتد؟ (آیه ۷)

ت) آیات ۸ و ۹ به ما چه می‌آموزد؟

درس ۳۸: مشارکت با هم ایمانان

۱-۳۸ درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.

الف) کلمه مشارکت به معنای دوستی است.

ب) گناه مشارکت با خدا را از بین می‌برد.

پ) مسیحیان واقعی تنها می‌توانند با کسانی مشارکت داشته باشند که آنها نیز آموزه‌های مشترکی از کتاب مقدس داشته و راه خدا را پیروی می‌کنند.

ت) کریستادلفینی‌ها همراه با افراد غیر تعمیدی مراسم عشای ربانی را به جا می‌آورند.

ث) ایمانداران باید پرستش را در ساختمان کلیسا انجام دهند.

ج) مسیحیان واقعی با رفتار خود نشان می‌دهند که روح خدا را در خود دارند.

چ) در صورتی که ایمانداران نتوانند هم ایمانان خود را بیابند باید به تنهایی عشای ربانی را به جا بیاورند.

ح) عشای ربانی در راس مشارکت کتاب مقدس قرار دارد.

۲-۳۸ مسیحیان از چه طریقی می‌توانند با این اشخاص مشارکت داشته باشند:

الف) از طریق خدا و عیسی مسیح؟

ب) از طریق یکدیگر؟

۳-۳۸ چگونه می‌توانیم خدا را در روح و راستی پرستش کنیم؟

۴-۳۸ اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲-۲۷ توضیح می‌دهد که چگونه ایمانداران واقعی (بخصوص در کلیسا)

همانند اعضای مختلف یک بدن با هم کار می‌کنند. حداقل دو درسی که از این آیات

می‌گیرید را بیان کنید.

۵-۳۸ افسسیان ۴: ۱۷-۲۳ به ایمانداران در مورد برخورد با یکدیگر می‌آموزد. بگویید که در آیات زیر چه نصیحت‌هایی برای ما وجود دارد:

الف) آیه ۲۵

ب) آیه ۲۸

پ) آیه ۲۹

ت) آیه ۳۱

ث) آیه ۳۲

۶-۳۸ از افسسیان ۵: ۳-۵ کمک گرفته و فهرستی از رفتارهایی تهیه کنید که باید از آنها خودداری کرد.

۷-۳۸ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۳-۲۶ را بخوانید.

الف) در عشای ربانی نان نماد چیست؟

ب) شراب نماد چیست؟

پ) هدف از خوردن نان و نوشیدن شراب چیست؟

ت) ایمانداران تعمیدی چه زمانی باید این مراسم را بجا آورند؟

درس سی و نهم: خلاصه‌ای از تعالیم کتاب مقدس

درس	آیات کتاب	تعالیم
۳ و ۲۰ و ۳۷	مزامیر ۱۱۹: ۸۹-۱۱۲ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱-۱۲ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ ۲ پطرس ۱: ۲۱	۱. کتاب مقدس کلام خداست کتاب مقدس تنها راه یادگیری در مورد خداست و خدا را به ما شناسانده و به ما می‌گوید که او چه انتظاراتی از ما دارد. نویسندگان این ۶۶ کتاب تحت الهام او این کلام را نوشتند. بنابراین خدا نویسنده حقیقی کتاب مقدس است. ما باید کتاب را هر روز بخوانیم.
۴	پیدایش ۲۲: ۱۷-۱۸ دانیال ۲: ۴۴ متی ۴: ۲۳ متی ۶: ۱۲-۱۵ متی ۲۴: ۱۴	۲. انجیل انجیل خبر خوش پادشاهی خداست که بر زمین برقرار خواهد شد و همینطور بخشش گناهان به واسطه عیسی مسیح است. این پیام هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید دیده می‌شود.
۵ و ۱۶	پیدایش باب ۱ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۹ مزامیر باب ۱۰۴	۳. خدا خالق جهان است هر آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد توسط خدای حقیقی که همیشه وجود داشته و خواهد داشت ساخته شده است. او خالص و عادل است و از همه چیز آگاه است.
۴ و ۸ و ۹	متی ۲۵: ۳۱-۳۴ اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱ اعمال رسولان ۳: ۲۰-۲۱ مکاشفه ۲۲: ۲۰	۴. مسیح به زمین باز خواهد گشت تولد مسیح حدود ۲۰۰۰ سال پیش بود و زندگی او از همان موقع آغاز شد. او با اراده خود زندگی خویش را قربانی گناهان کرد. چون بی‌گناه بود خدا او را از مردگان برخیزانید و او هم اکنون در آسمان نزد پدر خویش است. او بعنوان پادشاه دنیا باز خواهد گشت.

<p>۸ و ۷</p>	<p>دانیال ۱۲: ۱-۲ حزقیال ۳۷: ۱-۴ و ۱۱ لوقا ۲۱: ۲۴-۳۳ ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۵</p>	<p>۵. بازگشت مسیح بسیار نزدیک است</p> <p>پیشگویی کتاب مقدس در حال به حقیقت پیوستن است و نشانه‌های بسیاری دال بر نزدیک بودن بازگشت مسیح دیده می‌شود که شامل بازگشت یهودیان به سرزمین خویش و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل، شکست معیارهای اخلاقی، بی‌توجهی مردم به خدا و دیگر مشکلات دنیا می‌شود.</p>
<p>۱۱ و ۹</p>	<p>۱ تواریخ ۲۹: ۲۳ ارمیا ۳: ۱۷ میکاه ۴: ۱-۸ مکاشفه ۱۱: ۱۵</p>	<p>۶. پادشاهی خدا بر زمین خواهد بود</p> <p>پادشاهی اسرائیل در عهد عتیق، همان پادشاهی خدا بر زمین در گذشته بود و هنگام بازگشت مسیح دوباره برقرار خواهد شد. او تا زمان نابودی کامل دشمنان خدا پادشاهی را خواهد کرد. سپس دنیا بی‌نقص شده و مسیح پادشاهی را به پدر تحویل خواهد داد.</p>
<p>۱۲</p>	<p>پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۵ پیدایش ۱۵: ۵-۶ پیدایش ۲۲: ۱۵-۱۸ غلاطیان ۳: ۸ و ۱۶ و ۲۹</p>	<p>۷. وعده‌های خدا به ابراهیم</p> <p>ابراهیم (پدر قوم یهود) به خدا اعتماد کرد. پس به او وعده داده شد که برای همیشه مالک سرزمین اسرائیل می‌شود و نسل او امت عظیمی خواهد شد. به او همچنین نسلی وعده داده شد (یعنی عیسی مسیح) که برکت و بخشش گناهان را می‌آورد. ما با تعمید می‌توانیم در این وعده‌ها شریک شویم.</p>
<p>۱۰ و ۱۳ و ۱۴</p>	<p>اشعیا ۱۱: ۱۱-۱۲ اشعیا ۴۴: ۸ حزقیال ۳۶: ۱۶-۲۴ حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۲ رومیان ۹: ۳-۵</p>	<p>۸. یهودیان مردمان خدا هستند</p> <p>یهودیان قوم خاص و شاهدان خدا هستند. چون از خدا سرپیچی کردند، در میان امت‌های جهان پراکنده شدند. امروزه خدا آنها را همانطور که وعده داده بود در سرزمین اسرائیل جمع می‌کند.</p>

<p>۹ و ۱۱</p>	<p>ارمیا ۳: ۱۷ میکاه ۴: ۱-۲ زکریا ۱۲: ۱۰ زکریا ۱۴: ۱۶ متی ۵: ۳۴-۳۵</p>	<p>۹. اورشلیم مرکز زمین خواهد بود پادشاهی خدا در اسرائیل خواهد بود. اما تمام زمین را در بر خواهد گرفت. اورشلیم پایتخت دنیا خواهد شد. یهودیانی که مسیح را هنگام بازگشت او می‌پذیرند بعنوان افراد فانی در پادشاهی زندگی کرده و سران امت‌ها می‌شوند. افراد فانی از دیگر امت‌ها برای پرستش خدا و درک تعالیم او به ملاقات اورشلیم خواهند آمد.</p>
<p>۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۵</p>	<p>۲ سموئیل ۷: ۱۲-۱۶ ۱ تواریخ ۱۷: ۱۰-۱۴ مزامیر ۸۹: ۳۵-۳۶ لوقا ۱: ۳۰-۳۳</p>	<p>۱۰. وعده‌های خدا به داوود به پادشاه داوود نسلی وعده داده شد که تا ابد بر تخت پادشاهی او بنشیند. این پیشگویی در ارتباط با مسیح است که زمان بازگشتش برای برپایی پادشاهی خدا بر زمین از اورشلیم حکمرانی خواهد کرد.</p>
<p>۱۶ و ۱۷</p>	<p>متی ۱: ۲۰-۲۵ یوحنا ۱۴: ۲۸ رومیان ۱: ۳-۴ غلاطیان ۴: ۴ ۱ پطرس ۱: ۲۰</p>	<p>۱۱. عیسی پسر خداست عیسی قبل از تولدش وجود نداشته است. چون او بدون مداخله هیچ مردی و توسط روح‌القدس از مریم متولد شد، بنابراین پسر خداست. خدا همیشه از عیسی مسیح بزرگتر بوده و خواهد بود.</p>
<p>۶ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸</p>	<p>اشعیا ۵۳: ۵ و ۱۲ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱ عبرانیان ۴: ۱۵ ۱ پطرس ۲: ۲۲</p>	<p>۱۲. مسیح بدون گناه زندگی کرد مسیح قبل از مرگش همانند ما ذات انسانی داشت. اما چون خدا پدر او بود، از یک انسان معمولی فراتر بود. مسیح بر تمامی وسوسه‌ها غلبه کرد و در زندگی کاملاً مطیع پدر بود. او شخصیت خدا را به ما نشان داد و برای ما مثالی بود تا از آن پیروی کنیم.</p>

<p>۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۳۱</p>	<p>یوحنا ۱: ۲۹ یوحنا ۳: ۱۶ ۱ قرنتیان ۵: ۷ غلاطیان ۱: ۴</p>	<p>۱۳. مسیح بر روی صلیب برای ما مرد عیسی مسیح مرکز هدف خداست. او از نوادگان آدم بود، پس همانند ما فانی بود. چون بی‌گناه بود و با اراده خود بعنوان قربانی بر روی صلیب مرد، بنابراین قادر است گناهان افرادی که در نام او تعمید می‌گیرند را از بین ببرد.</p>
<p>۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۵</p>	<p>لوقا ۲۴: ۳۶-۴۳ اعمال رسولان ۲: ۲۴ اعمال رسولان ۱۷: ۳۱ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۲-۲۳</p>	<p>۱۴. مسیح از قبر برخیزانده شد چون مسیح گناه نکرد، خدا او را از مردگان برخیزانید و به او زندگی جاودان داد. او اکنون ذاتی همانند خدا دارد و از فرشتگان فراتر است. کسانی که در مسیح می‌میرند نیز زمان بازگشت او از مردگان برخیزانده شده، زندگی جاویدان را بر روی زمین دریافت خواهند کرد.</p>
<p>۲۰</p>	<p>لوقا ۱: ۳۵ اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ ۲ پطرس ۱: ۲۱</p>	<p>۱۵. روح القدس، قدرت خداست روح القدس قدرت خداست و شخصی جدا نیست. او وجود جداگانه ندارد. خدا توسط روح خود همه چیز را خلق کرده و از آنها حمایت می‌کند. خدا توسط روح خود همه جا حضور دارد و از همه چیز آگاه است.</p>
<p>۲۱</p>	<p>مرقس ۱۶: ۱۵-۱۸ اعمال رسولان باب ۲ اعمال رسولان ۸: ۹-۲۴ ۱ قرنتیان ۱۳: ۸</p>	<p>۱۶. عطایای روح القدس برای اهدافی خاص بودند در بعضی از شرایط خاص خدا توانایی‌های خاصی به افراد مشخصی داد. شاگردان برای تدریس آن را دریافت کردند. زمانی که نوشتن کلام کامل شد و کلیساها به رسمیت شناخته شدند، دیگر نیازی به عطایا نبود. امروزه هیچ کسی عطایای روح القدس را ندارد.</p>

<p>۶ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۳ و ۳۰</p>	<p>پیدایش ۳: ۱۷-۱۹ جامعه ۹: ۵-۱۰ رومیان ۵: ۱۲ رومیان ۶: ۲۳</p>	<p>۱۷. مزد گناه مرگ است آدم از خاک آفریده شد. مرگ مجازات گناه است پس آدم به خاک بازگردانده شد و همه (غیر از مسیح) گناه کردند و می‌میرند. هیچ قسمتی از یک شخص پس از مرگش زنده نمی‌ماند مگر اینکه مردم کلام را شناخته و آن را درک کنند و در غیر اینصورت هلاک خواهند شد.</p>
<p>۲۳</p>	<p>مزامیر ۶: ۵ اعمال رسولان ۲: ۲۷ مرقس ۹: ۴۳-۴۸</p>	<p>۱۸. جهنم در کتاب مقدس اشاره به قبر دارد جهنم (گرفته شده از شئول یا حدس) اشاره به قبر دارد. جهنما مکانی بود در نزدیکی اورشلیم که زباله‌ها در آنجا سوزانده می‌شد و بعنوان نمادی برای نابودی کامل شرارت یاد می‌شود. مزد گناه مرگ است، نه عذاب همیشگی پس از مرگ.</p>
<p>۲۴</p>	<p>یوحنا ۱۷: ۱-۳ رومیان ۲: ۶-۸ رومیان ۶: ۲۳</p>	<p>۱۹. هدیه خدا، زندگی جاودانه است ما نمی‌توانیم خود را نجات دهیم. اما توسط فیض خدا می‌توانیم زندگی جاودان بدست آوریم، به شرطی که ایمان آورده و سخت تلاش کنیم که اراده خدا را به جا آوریم.</p>
<p>۱۹ و ۲۵</p>	<p>مزامیر ۴۹: ۲۰ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ ۱ قرنتیان ۱۵: ۱۲-۲۱ ۲ تیموتائوس ۴: ۱</p>	<p>۲۰. رستاخیز از مردگان زمان بازگشت عیسی مسیح او تمامی کسانی را که کلام را شناختند، هم ایماندار و هم غیر ایماندار، از قبر رستاخیز خواهد داد. اما کسانی که کلام را نشنیده‌اند برخیزانده نمی‌شوند.</p>

<p>۲۶ و ۷</p>	<p>دانیال ۱۲: ۱-۲ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ ۲ قرنتیان ۵: ۱۰ ۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۹</p>	<p>۲۱. زمان داوری کسانی که کلام را شناخته و درک کرده‌اند در داوری عادلانه عیسی در هنگام بازگشت او ظاهر خواهند شد. آنها توسط مرگ مجازات شده و یا زندگی جاودان دریافت خواهند کرد. امت‌هایی که با مسیح مخالفت کردند هنگام بازگشت او مجازات خواهند شد.</p>
<p>۶ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷</p>	<p>مزامیر ۳۷: ۹-۱۱ و ۲۲ اشعیا باب ۳۵ دانیال ۷: ۲۷ مکاشفه ۲۰: ۴</p>	<p>۲۲. زندگی جاودان برای ایمانداران واقعی ایمانداران فناپذیر بر روی زمین به مسیح خدمت کرده و تحت نظارت او بر مردمان فانی حکمرانی می‌کنند. این مقدسین زندگی کامل و همراه با شادی و سلامتی را تجربه کرده و به مردمان فانی در مورد خدا آموزش می‌دهند و زمین را به مکانی شگفت‌انگیز تبدیل کرده و آن را برای زندگی خدا در کنار مردم آماده می‌کنند.</p>
<p>۲۸</p>	<p>خروج ۲۳: ۲۰-۲۱ مزامیر ۳۴: ۷ مزامیر ۱۰۳: ۲۰ لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶ عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴</p>	<p>۲۳. فرشتگان پیام‌آوران خدا هستند خدا فرشتگان را تا ابد خادمین خود ساخت. آنها هرگز گناه نمی‌کنند و نمی‌میرند و ازدواج نمی‌کنند. همیشه اراده خدا را اجرا کرده و مواظب ایمانداران حقیقی (مقدسین) هستند.</p>
<p>۲۹ و ۳۰</p>	<p>متی ۱۶: ۲۳ یوحنا ۸: ۴۴ اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ یعقوب ۱: ۱۴</p>	<p>۲۴. ابلیس و شیطان ما توسط امیال خود وسوسه می‌شویم. کلمه ابلیس به معنای گناه انسانی است. کلمه شیطان به معنای دشمن است که می‌تواند مخالفت کننده‌ای خوب و یا بد باشد. از کلمه شیطان می‌توان برای توصیف هر چیزی که با خدا مخالفت می‌کند، همانند گناه، استفاده کرد. هیچ فرشته شریر و یا موجودی وجود ندارد که مردم را به گناه وا دارد.</p>

۲۹	مزامیر ۱۰۶: ۳۶-۳۸ ۱ قرنیتیان ۱۰: ۲۱-۱۸ متی ۸: ۱۶-۱۷	۲۵. دیو و روح پلید دیو کلمه ایست که برای توصیف خدایان دروغین و یا بت‌ها بکار برده می‌شد و به افرادی نسبت داده می‌شد که بیماری‌های شناخته نشده‌ای داشتند. امروزه این شرایط پزشکی توسط دارو کنترل می‌شود. هیچ روح شریبری که باعث به وجود آمدن این مشکلات شود وجود ندارد.
۳۰ و ۳۱	مزامیر ۵۱: ۱-۱۰ متی ۴: ۱۷ لوقا ۱۳: ۱-۵ اعمال رسولان ۳: ۱۹ اعمال رسولان ۱۷: ۳۰	۲۶. همه ما باید توبه کنیم باید درک کنیم که تا چه اندازه گناهکاریم و برای همه اعمال و افکار اشتباه خود متاسف باشیم. توبه به معنای تغییر کامل قلب است.
۶ و ۱۸ و ۳۱	متی ۲۸: ۱۹-۲۰ مرقس ۱۶: ۱۶ اعمال رسولان ۲: ۳۸ رومیان ۶: ۱-۱۱	۲۷. تعمید بزرگسالان در آب ایمان به تعالیم کتاب، توبه از گناهان و پس از این‌ها، تعمید ضروری است. تعمید به معنای فرو رفتن کامل در آب (دفن شدن در آب) است و نمادی از مرگ در مسیح و برخاستن دوباره برای زندگی جدید می‌باشد.
۳۴	متی ۵: ۳۹-۴۸ متی ۲۶: ۵۲ لوقا ۶: ۲۷-۲۹	۲۸. مسیحیان نمی‌جنگند شخصی که پیرو مسیح است نباید در ارتش شرکت کرده و یا به سربازی و یا نیروهای پلیس بپیوندد. او باید دشمنان خود را همانند دوستانش دوست بدارد.

<p>۳۳ و ۳۲</p>	<p>پیدایش ۲: ۲۱-۲۴ متی ۱۹: ۳-۶ عبرانیان ۱۳: ۴ افسسیان ۵: ۲۵-۳۲</p>	<p>۲۹. ازدواج مسیحی خدا خواست که مرد تنها یک زن داشته باشد. یک ایماندار تعمیدی نباید با یک بی‌ایمان ازدواج کند. هیچ رابطه جنسی در خارج از قالب ازدواج نباید وجود داشته باشد و مسیحیان نباید در پی طلاق باشند. ازدواج نمادی از مسیح و کلیسای واقعی است.</p>
<p>۳۴</p>	<p>متی ۲۲: ۲۱ رومیان ۱۳: ۱-۷ ۱ پطرس ۲: ۱۷</p>	<p>۳۰. وظیفه ما در قبال کشور مسیحیان باید تمام قوانین کشور را تا زمانی که با قوانین خدا مغایرت نداشته باشد، رعایت کنند. چون آنها شهروندان پادشاهی خدا هستند و نمی‌توانند وقت و انرژی خود را صرف سیاست و دولت‌های دنیوی کنند. زیرا ممکن است مخالف اهداف خدا باشد.</p>
<p>۳۵</p>	<p>فیلیپیان ۴: ۶ ۱ تیموتائوس ۲: ۵ عبرانیان ۷: ۲۴-۲۶ ۱ یوحنا ۱-۹</p>	<p>۳۱. مسیحیان می‌توانند برای بخشش گناهان دعا کنند دعا فرصتی است برای ستایش و تشکر از خدا. توسط دعا می‌توانیم از خدا بخواهیم که ما را در زندگی راهنمایی کند. عیسی مسیح همانند یک کاهن برای پیروانش است و در آسمان و نزد پدرش زندگی می‌کند. این افتخار بودن در مسیح است و ما دیگر نیازی به کاهنان دیگری نداریم.</p>
<p>۳۸ و ۳۶</p>	<p>مرقس ۱۴: ۲۲-۲۵ لوقا ۲۲: ۱۴-۲۰ ۱ قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۸</p>	<p>۳۲. گردهمایی با مرگ عیسی مسیح مسیحیان واقعی هفته‌ای یکبار برای یادآوری مرگ مسیح همدیگر را ملاقات می‌کنند. در این مراسم آنها با هم نان خورده و شراب می‌نوشند. نان و شرابی که مسیح آن را نمادی از خود اعلام کرد و از ما خواست تا آن را برای یادآوری قربانی شدن او به جا آوریم.</p>

۳۸	اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۲ عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵ ۱ یوحنا ۱: ۳-۷	۳۳. مشارکت حقیقی مشارکت با خدا و عیسی مسیح تنها توسط ایماندارانی امکان پذیر است که اصول کتاب مقدس را که توسط مسیح و پیروانش در قرن اول آموزش داده شد، قبول دارند. کریستادلفین ها از مشارکتی شگفت انگیز با هزاران برادر و خواهر مسیحی در کشورهای مختلف لذت می بردند.
۳۶	متی باب ۵ رومیان باب ۱۲ کولسیان ۳: ۱-۱۷	۳۴. زندگی مسیحی ایمانداران تعمیدی باید از عیسی مسیح در زندگی پیروی کنند و در هر کاری که انجام می دهند باید به خدا شکوه و جلال بخشند.
۳۶ و ۴۰	متی ۱۶: ۲۴-۲۶ اعمال رسولان ۱۵: ۱۴ ۱ قرنتیان ۱: ۲۶-۲۷	۳۵. دعوت انجیل خدا مردمان را از تمامی ملت ها فراخوانده تا عیسی مسیح را پیروی کرده و برای آمدن پادشاهی آماده شوند. آیا شما به این دعوت پاسخ می دهید؟

آخرین آیات جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۱۷: ۳۰-۳۱) "در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می پوشید. اما اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می کند که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطه مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است."

درس چهارم: قدم بعدی

مطالعه: اعمال رسولان باب ۲

پیام خدا

اکنون به انتهای دوره آموزش کتاب مقدس رسیده ایم. امیدواریم که استفاده از آن به یادگیری هرچه بیشتر شما از کتاب مقدس کمک کرده باشد. بدین خاطر پیام شگفت‌انگیز کتاب مقدس را با شما در میان گذاشتیم چون شامل پیام رستگاریست. اگرچه حتی با چهل درس نمی‌توانیم پیام خدا به بشر را پوشش دهیم، پس واجب است شما به خواندن کتاب مقدس ادامه داده و به درگاه خدا برای فهم بهتر دعا کنید.

همین طور مهم است که شما این درس‌ها را همانند درس‌های مدرسه و دانشگاه نینید. کتاب مقدس کتابی است که می‌تواند زندگی شما را تغییر دهد، تنها کافیست که بخواهید. پولس رسول نوشت:

"زیرا در دل است که شخص ایمان می‌آورد و پارسا شمرده می‌شود و با زبان است که اعتراف می‌کند و نجات می‌یابد" (رومیان ۱۰: ۱۰)

اگر کتاب مقدس را بعنوان کلام خدا قبول کنیم، بر دل‌های ما تأثیر می‌گذارد و اعتقاد عمیقی در وجودمان ایجاد می‌شود که بیان می‌کند ما از پیروان مسیح هستیم. این امر بسیار ضروری است. چون تنها به واسطه عیسی مسیح از گناهانمان نجات می‌یابیم. همانطور که پطرس رسول توضیح می‌دهد:

"در هیچ‌کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم" (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

اهمیت ایمان به حقیقت خدا

به ما گفته شده که خدا:

"می‌خواهد همگان نجات یابند و به معرفت حقیقت نایل گردند" (۱ تیموتائوس ۲: ۴).

این بدین معناست که خدا می‌خواهد شما نجات را دریافت کنید و همین‌طور نشان می‌دهد که شما تنها زمانی نجات می‌یابید که به حقیقت ایمان بیاورید. حقیقت پیامی است که خدا از طریق کتاب مقدس گفته است. ایمان بر تعالیم غلطی که در کتاب مقدس نمی‌بینید به شما کمکی نمی‌کند و باعث سردرگمی شما و تمام کسانی که با آنها صحبت می‌کنید می‌شود. ایمانداران واقعی باید درک درستی از حقیقت کلام داشته باشند. اگر می‌خواهیم زندگیمان نزد خدا درست باشد، این امر ضروریست. پس

باید اطمینان یابیم که درک درستی از کلام داریم و این امر با مقایسه باورهای خود با تعالیم کتاب امکان‌پذیر است. پولس رسول در تیموتائوس گفت:

"سخت بکوش که مقبول خدا باشی، همچون خدمتکاری که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی به کار می‌بندد" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵).

"به‌دقت، مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش. در آنها پایداری کن، که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد" (۱ تیموتائوس ۴: ۱۶).

این آیات اهمیت تعالیم حقیقی کلام را نشان می‌دهد. تیموتائوس باید مطمئن می‌شد که پیام صحیح انجیل را دریافت کرده و آن را منتقل می‌کند. در ادامه پولس هشدار داد:

"زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلّمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌هایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند؛ و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت" (۲ تیموتائوس ۴: ۳-۴).

ما نباید کاری به کار کسانی که آموزه‌های اشتباهی از کتاب را تعلیم می‌دهند داشته باشیم.

تعالیم مسیح

مسیح تقریباً ۶ هفته پس از رستاخیزش از مردگان به آسمان عروج کرد. در آن چهل روز او به آموزش شاگردان پرداخت. پس می‌توانید اهمیت درک صحیح از هدف خدا را دریافت کنید. مسیح به آنان یاد داد که صحف در مورد بازگشت و نجات او چه می‌گوید. به شاگردانش گفت:

"آنگاه به ایشان گفت: این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد. سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدّس را درک کنند و به ایشان گفت: نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوّم از مردگان بر خواهد خاست و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود. شما شاهدان این امور هستید. من موعود پدر خود را بر شما خواهم فرستاد؛ پس در شهر بمانید تا آنگاه که از اعلی با قدرت آراسته شوید" (لوقا ۲۴: ۴۴-۴۸).

"او پس از رنج کشیدن، خویشتن را بر آنان ظاهر ساخت و با دلایل بسیار ثابت کرد که زنده شده است. پس به مدت چهل روز بر آنان ظاهر می‌شد و درباره پادشاهی خدا با ایشان سخن

می‌گفت. یک بار در حین صرف غذا بدیشان امر فرمود که: اورشلیم را ترک نکنید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا یحیی با آب تعمید می‌داد، اما چند روزی بیش نخواهد گذشت که شما با روح‌القدس تعمید خواهید یافت. پس چون گرد هم آمده بودند، از او پرسیدند: خداوندا، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل بازخواهی گردانیدی؟ عیسی پاسخ داد: بر شما نیست که ایام و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است بدانید؛ اما چون روح‌القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامیره و تا دورترین نقاط جهان" (اعمال رسولان ۱: ۸-۳).

به نکاتی که از این آیات می‌آموزیم توجه کنید:

- شاگردان از قبل آماده تدریس انجیل بودند و می‌دانستند که باید شاهدان مسیح باشند. آنها باید درک می‌کردند که کلام در مورد عیسی مسیح، بخشش گناهان از طریق نام او و پادشاهی خدا چه می‌آموزد.
- عیسی مسیح به آنها تعالیم بسیاری از عهد عتیق و نکات جدید دیگری که بعدها در عهد جدید نوشته شد، داد. پس کل کتاب مقدس اهمیت دارد.
- شاگردان ۳ سال بود که از معلم خود می‌آموختند. با این حال باز احتیاج به آموزش داشتند. درک پیام خدا زمان می‌برد.

تعالیم مسیح به پایه و اساسی برای ایمان اعضای کلیسا در قرن اول تبدیل شد.

تعالیم کلیساها در قرن اول

اعمال رسولان باب ۲ به ما می‌گوید که پطرس رسول در روز پنتیکاست به یهودیان چه چیزی یاد داد. او در مورد برنامه خدا برای رستگاری، مرگ مسیح، رستاخیز و صعود او به آسمان و دیگر اصول مهم صحبت کرد. شنوندگان زیادی ایمان آورده و تعمید گرفتند:

"پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند" (اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۲).

به اهمیت تعالیم رسولان توجه کنید:

- آموزه‌ها قبل از تعمید بودند، تنها کسانی که تعالیم پطرس را دریافت کردند، تعمید گرفتند.

- پس از تعمید با همان اعتقاد ادامه دادند و خود را صرف تعلیمات کردند.
- این اصول شراکت آنها بود.

این شروع کلیساهای مسیحی حقیقی بود. توجه کنید کسانی که آموزش‌هایی که مسیح به شاگردان خود داده بود را پذیرفتند، خود را وقف کلیسا کردند. مشارکت آنها بر پایه اعتقادی مشترک از تعالیم بود. آنان همچنان با هم به پرستش پرداخته و با هم مراسم عشای ربانی را اجرا می‌کردند.

در اعمال رسولان باب ۸ در مورد فیلیپس که در سامره آموزش می‌داد می‌خوانیم. او معجزات زیادی انجام داد که توجه افراد زیادی را به خود جلب کرده و نشان داد که از سوی خداست. اما تنها زمانی که به این درک و باور رسیدند، تعمید گرفتند:

"اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند" (اعمال رسولان ۸: ۱۲).

توجه کنید که فیلیپس به مردم خبر خوش پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح را داد. این درسی بود که مسیح پس از رستاخیزش به شاگردان داده بود. به همین خاطر شخصی که در کریستادلفین تعمید می‌گیرد قبل از در آب رفتن از او این سوال پرسیده می‌شود:

آیا به امور مرتبط با پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان دارید؟

بدین طریق شخص تعمید گیرنده تایید می‌کند که به تعالیم صحیح کتاب مقدس که توسط مسیح و شاگردانش تعلیم داده شد، ایمان دارد.

زمانیکه کلیساهای مسیحی شکل گرفت، تنها کسانی که تعالیم صحیح کتاب مقدس را پذیرفته و به درستی در مسیح تعمید یافته بودند، در کلیسا پذیرفته می‌شدند. به همین خاطر است که کریستادلفین از دیگر کلیساها جداست. به این دلیل نیست که ما از آنها برتر بوده و یا می‌خواهیم آنها را محکوم کنیم. ما این امر را به این خاطر انجام می‌دهیم چون ایمان داشته و پیام انجیل را دقیقاً همانطور که مسیح و شاگردانش آموزش دادند تدریس می‌کنیم و می‌پذیریم که باید از کسانی که آموزه‌های غلط و ایمان اشتباه دارند جدا باشیم. این بدین معنا نیست که نباید با اعضای دیگر کلیساها در مورد کتاب مقدس صحبت کنیم. این واقعیت بزرگی در زندگی کریستادلفینی‌هاست که آماده حرف زدن در مورد کتاب مقدس هستند و تنها بدین معناست که نباید با آنها در پرستش و مراسم عشای ربانی شرکت کنیم.

قدم بعدی؟

وقتی این دوره آموزشی را تمام کردید برای شما چهار انتخاب وجود دارد:

۱. می‌توانید اینطور تصمیم بگیرید که این آموزش‌ها چیزی نیست که شما در زندگی می‌خواهید و ارتباط خود را با ما قطع کنید.
 ۲. می‌توانید اینگونه تصمیم بگیرید که علاقمند به آموزش‌های کتاب هستید و می‌خواهید بیشتر بدانید اما هنوز آماده تعمیم نیستید.
 ۳. اگر تا بحال بصورت کاملاً غوطه‌ور در آب تعمیم گرفته اید، ممکن است تصمیم بگیرید که احتیاج به تعمیم دوباره ندارید.
 ۴. ممکن است تصمیم بگیرید که آموزه‌های مسیح را ادامه داده و بخواهید که تعمیم بگیرید.
- حال به هریک از این انتخاب‌ها نگاهی می‌اندازیم:

۱. اگر می‌خواهید ارتباط خود را با کریستادلفین قطع کنید در این صورت ما به تصمیم شما احترام می‌گذاریم. اگرچه همیشه منتظر برقراری ارتباط دوباره با شما در آینده هستیم. اگرچه تصمیم شما جدی است اما باز هم در مورد آن از شما سوال می‌پرسیم. زمانی که مسیح برای داوری بازمی‌گردد، تمام کسانی که کلام را آموخته‌اند اعتباری دریافت می‌کنند و شما نباید تصمیم اشتباه بگیرید (عبرانیان ۱۰: ۳۰-۳۱ را ببینید).

ممکن است تصمیم بگیرید که دیگر ادامه ندهید چون از آموزه‌های کلیسای خود راضی هستید. در این صورت شما بهترین تصمیم را خواهید گرفت. بخاطر داشته باشید که کتاب مقدس تنها منبع قدرت است. تحت تاثیر حرف‌های دیگران قرار نگیرید. بلکه از آنها بخواهید تا نظرهايشان را با توجه به کتاب ثابت کرده و خودتان قضاوت کنید. شما باید آموزه‌های خود را در مقابل آنچه از قبل می‌دانستید و مخصوصاً آنچه کتاب مقدس به شما می‌آموزد بیازمایید. درس ۳۹ به شما کمک خواهد کرد.

۲. اگر برای پیام کتاب مشتاق هستید اما حس می‌کنید هنوز برای تعمیم آماده نیستید، نگران نباشید. ما شما را برای گرفتن تصمیمی عجولانه تحت فشار نمی‌گذاریم. مهم است که قبل از گرفتن تعمیم خود بطور کامل قانع شده باشید. در اینجا چند پیشنهاد می‌بینید که به شما کمک خواهد کرد:

- به درسهای ۱ تا ۳۹ بازگشته و دوباره آنها را بخوانید. هر کجا که شک و یا مشکلی دارید آن را گوشه‌ای نوشته و با مربی خود تماس بگیرید.
- برای مربی خود درباره وضعیت‌تان توضیح دهید. آنها باز با شما در ارتباط خواهند بود. ممکن است

اگر مایل باشید برای شما درس‌های آموزشی دیگری بفرستند و یا شما را در فهم قسمت‌های سخت یاری کند.

- کتاب مقدس خود را هر روز بخوانید (تقویم مطالعه کتاب مقدس به شما کمک خواهد کرد).
- اگر مایل باشید می‌توانیم شما را با کریستادلفینی‌های کشور خودتان ارتباط دهیم. ممکن است آنها قادر باشند شما را ببینید و در مورد کتاب با شما صحبت کنند.
- از همه مهمتر لطفاً هر روز برای شرایط خود نزد خدا دعا کنید.

۳. اگر از قبل در کلیسای دیگری تعمید گرفته‌اید، ممکن است احساس کنید که احتیاج به تعمید دوباره ندارید. مهم است بدانید که این درسها از شما می‌خواهد در نام عیسی مسیح تعمید بگیرید. در درسهای قبل دیدیم که این به چه معناست. مردمان در قرن اول تنها زمانی تعمید گرفتند که پیام انجیل را درک کرده و ایمان آوردند.

در اعمال رسولان باب ۱۹ می‌خوانیم که برخی افراد پس از اینکه از یاران یحیی تعمید دهنده آموزش دیدند، تعمید گرفتند. فهم آنها از کلام ناقص بود. پس پولس رسول آنها را دوباره در نام عیسی مسیح تعمید داد و آنها نزد خدا پذیرفته شدند. به همین شکل امروزه افراد دیگری نیز دوباره تعمید می‌شوند چون تعمید اولیه آنها تأثیرگذار نبود. پولس در افسسیان ۴: ۵ می‌گوید تنها "یک تعمید" وجود دارد. برخی از این آیه گمان می‌برند که باید تنها یک بار تعمید گرفت. اما این درست نیست. پولس می‌آموزد که تنها "یک تعمید حقیقی" وجود دارد.

۴. لازم است ایمانداران درک کنند که تنها یک پیام حقیقی برای نجات وجود دارد و باید قبل از فرو رفتن در آب به آن ایمان بیاورند. لطفاً در این خصوص خوب فکر کرده و با مربی خود صحبت کنید.

اگر می‌خواهید تعمید بگیرید یک خبر فوق العاده است. در آسمانها و زمین برای این خبر، وجد و سرور به وجود می‌آید. اولین کار دعا و در میان گذاشتن تصمیم خودتان با خداست. بعد با مربی خود تماس گرفته تا شما را بیشتر راهنمایی کند. اگر واقعا برای این مرحله آماده هستید، پس باید مطمئن شوید تا با تمام وجود امور مرتبط با پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح همانطور که در کتاب و در این دروس از آن صحبت شد را باور دارید. قبل از اینکه شما را تعمید دهیم بحث دوستانه‌ای را ایجاد خواهیم کرد تا شما بتوانید در مورد درک و ایمان خود صحبت کنید. تعمید مهمترین تصمیمی است که شما خواهید گرفت و ما می‌خواهیم مطمئن شویم که شما در مورد آن خوب فکر کرده‌اید.

پس از تعمید عضوی از کریستادلفین در شهر خود خواهید شد و می‌توانید با دیگر برادران و خواهران برای پرستش و عشای ربانی در مراسم شرکت کنید. اگر هیچ کریستادلفینی اطراف شما نیست ما برای

شما حمایت‌هایی در نظر خواهیم گرفت. مهم است به یاد داشته باشید که چه عضو یک اکلژیای بزرگ باشید و چه تنها باشید، شما باز هم به خانواده جهانی برادران و خواهران در مسیح تعلق دارید، خانواده‌ای که مراقب شما بوده و از شما می‌خواهد که ارتباط برقرار کنید.

در نهایت

برای مطالعه این دروس از شما تشکر می‌کنیم. امیدواریم که از آن لذت برده و برای شما مفید بوده باشد. خالصانه امیدواریم که زمان بازگشت عیسی مسیح مکانی در پادشاهی خدا پیدا کنید. به همین خاطر است که دعا می‌کنیم تعالیم حقیقی انجیل را بپذیرید و در نام نجات‌دهنده خود یعنی مسیح تعمیم بگیرید و از مشارکت با خدا، پسرش و خانواده جهانی ایمانداران لذت ببرید. لطفاً به خواندن کتاب مقدس خود ادامه داده و نزد خدای قادر مطلق دعا کنید تا شما را در همه امور زندگی راهنمایی کند.

آیاتی جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۲۰: ۲۸-۳۲)

(۱ تیموتائوس ۶: ۲-۴).



پرسش‌های بخش یازدهم

بخش اول - پاسخ‌های یک کلمه‌ای: چه کسی؟

- ۱ چه کسی جهان را خلق کرد؟
- ۲ چه کسی از خاک زمین آفریده شد؟
- ۳ چه کسی وعده به ارث بردن سرزمین کنعان (اسرائیل) را دریافت کرد؟
- ۴ چه کسی دستورالعمل ساخت خیمه را دریافت کرد؟
- ۵ چه کسی این وعده را دریافت کرد که پسری خواهد داشت که تا ابد بر روی تخت او فرمانروایی خواهد کرد؟
- ۶ پسری که در سوال قبل ذکر شده است، کیست؟
- ۷ عیسی مسیح چه کسی را "شیطان" خطاب کرد؟
- ۸ چه کسی عیسی را از مردگان برخیزانید؟
- ۹ چه کسی جهان را داوری خواهد کرد؟
- ۱۰ نویسندگان کتاب مقدس از الهام چه کسی توانستند آن را بنویسند؟

بخش دوم - پاسخ‌های یک کلمه‌ای: کجا؟

- ۱ ابراهیم در ابتدا کجا زندگی می‌کرد؟
- ۲ یوسف در کجا به یک حاکم تبدیل شد؟
- ۳ موسی قوانینی که خدا برای مردم فرستاده بود را در کجا دریافت کرد؟
- ۴ تخت پادشاهی داوود کجا بود؟
- ۵ دانیال در کجا به اسارت برده شد؟

- ۶ کوه صهیون کجاست؟
- ۷ عیسی کجا به دنیا آمد؟
- ۸ عیسی کجا تعمید گرفت؟
- ۹ جهنم کجاست؟
- ۱۰ مرکز پادشاهی آینده خدا کجا خواهد بود؟

بخش سوم - پاسخ‌های کوتاه: چه؟

- ۱ خدا چه قومی را بعنوان مردم خاص خود برگزید؟
- ۲ کلمه "انجیل" به چه معناست؟
- ۳ فیض چیست؟
- ۴ بازگشت یهودیان به سرزمین‌شان نشان دهنده چه چیزی است؟
- ۵ کلمه "روح" به چه معناست؟
- ۶ زمانیکه عیسی مسیح به آسمان رفت، فرشتگان چه وعده‌ای دادند؟

-
- ۷ تعمید چیست؟
- ۸ ابلیس چیست؟
- ۹ دیو چیست؟
- ۱۰ روح القدس چیست؟

بخش چهارم - پاسخ‌های کوتاه: چرا؟

- ۱ چرا خدا جهان را خلق کرد؟
- ۲ چرا خدا در زمان نوح توفانی فرستاد؟
- ۳ چرا ابراهیم توسط خدا برکت یافت؟
- ۴ چرا خدا به عیسی اجازه داد تا بر روی صلیب بمیرد؟

- ۵ چرا عیسی از مرگ برخیزانده شد؟
- ۶ چرا ما گناه می‌کنیم؟
- ۷ چرا مهم است که راستگو و صادق باشیم؟
- ۸ چرا زمانیکه کار خطایی انجام می‌دهیم، مهم است که بگوییم خطا کرده‌ایم و عذرخواهی کنیم؟
- ۹ چرا عطایای روح‌القدس داده شد؟
- ۱۰ چرا مسیحیان باید با مسیحیان ازدواج کنند؟
- بخش پنجم – پاسخ‌های کوتاه: چگونه؟**
- ۱ خدا چگونه محبت خود را به ما نشان داد؟
- ۲ چگونه می‌توانیم برای آنچه که خدا و عیسی مسیح برای ما انجام داده‌اند قدردانی کنیم؟

- ۳ چگونه باید روز خود را شروع کرده و آن را به پایان برسانیم؟
- ۴ چگونه می‌توانیم از نظر روحانی رشد کنیم؟
- ۵ چگونه ابراهیم ایمانش را در زندگی خود نشان داد؟
- ۶ چگونه باید از این دنیا جدا باشیم؟
- ۷ چگونه وسوسه می‌شویم؟
- ۸ دعای ایمانداران چگونه به خدا می‌رسد؟
- ۹ چگونه باید با افرادی که در حق ما بدی کرده‌اند رفتار کنیم؟
- ۱۰ چگونه پیروی از عیسی مسیح ازدواج را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد؟

بخش ششم – بلی یا خیر؟

- ۱ آیا عیسی در زمان عهد عتیق زندگی می‌کرد؟
- ۲ آیا مسیحیان می‌توانند در سیاست شرکت کنند؟

- ۳ آیا مسیحیان می‌توانند برای کشور خود بجنگند؟
- ۴ آیا کلمه "شیطان" می‌تواند برای انسان‌های خوب استفاده شود؟
- ۵ آیا پادشاهی خدا در عهد عتیق وجود داشته است؟
- ۶ آیا عطایای روح‌القدس (مانند سخن گفتن به زبان‌های دیگر) امروزه وجود دارد؟
- ۷ آیا خدا و سرورمان عیسی مسیح با هم برابرند؟
- ۸ آیا مسیحیان باید روز هفتم هفته (سبت) را برای پرستش خدا به جا آورند؟
- ۹ آیا کلمه "مقدس" به معنای جدا شده است؟
- ۱۰ آیا مسیحیان می‌توانند قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته باشند؟

بخش هفتم - پاسخ طولانی

- ۱ چرا تعمیر برای نجات ضروری است؟
- ۲ پس از مرگ چه اتفاقی برای ما می‌افتد؟
- ۳ پس از بازگشت عیسی مسیح چه کسانی از مردگان برخیزانده می‌شوند؟
- ۴ در روز داوری چه اتفاقی می‌افتد؟
- ۵ چرا عیسی می‌بایست بمیرد؟

-
- ۶ چرا کتاب مقدس از کلمه ابلیس استفاده کرده است؟
- ۷ پادشاهی آینده خدا چگونه خواهد بود؟
- ۸ چرا مهم است ایماندارانی که تعمید دارند مراسم عشای ربانی را به طور مرتب اجرا کنند؟
- ۹ چرا ایمانداران حقیقی تنها باید با ایمانداران حقیقی دیگر نان و شراب را به اشتراک بگذارند؟
- ۱۰ پس از تعمید گناهان چگونه بخشیده می شود؟

ضمیمه: "خداوند"

کتاب مقدس کلمه "خداوند" را هم برای خدا و هم برای عیسی مسیح استفاده کرده است و گاهی اوقات این موضوع گیج کننده به نظر می‌رسد. با وجود اینکه می‌دانیم آنها یکی نیستند پس چرا به نظر می‌رسد کتاب مقدس هر دو را "خدا" خطاب کرده است؟

پاسخ این سوال آسان است. در واقع کلمه "خداوند" به معنای "خدا" نیست. این کلمه عموماً در کتاب مقدس به زبان فارسی به کار برده شده است و برای ترجمه کلمه‌ای بکار می‌رود که به کسانی که برتر از ما هستند اشاره می‌کند، مانند یک حاکم و یا یک "سرور". در زبان عبری و یونانی که زبان‌های اصلی کتاب مقدس می‌باشند هر جا که کلمه‌ای به خدا و عیسی مسیح نسبت داده شده و به مرتبه عالی آنها نسبت به ما اشاره دارد، آن کلمه در زبان فارسی "خداوند" ترجمه شده است.

در اینجا مثال‌هایی در کتاب‌های فرهنگ لغت فارسی می‌بینیم که نشان می‌دهد کلمه خداوند برای حاکمان نیز بکار برده می‌شد:

فرهنگ فارسی معین:	(خ و) (امر). ۱- صاحب، مالک ۲- پادشاه ۳- آفریدگار
فرهنگ لغت عمید:	خداوند / xodāvand/ (اسم) ۱. خدا ۲. [قدیمی] ارباب؛ خواجه؛ سرور.
لغت نامه دهخدا:	<p>خداوند. [خ و] [خ] رب. (السامی فی الاسامی) (مهذب الاسماء). نامی از نام‌های الهی. خدا. خدای. پروردگار. الله تعالی</p> <p>لقبی بوده که پادشاهان مشرق بتقلید سلوکی‌ها برای خود انتخاب می‌کرده‌اند. مشیرالدوله می‌گوید: پادشاهان مشرق پس از اسکندر و سلوکی‌ها لقبی اختیار می‌کردند و بعضی خودشان را بتقلید از سلوکی‌ها خداوند می‌خواندند.</p> <p>لقبی بوده که پادشاهان سلسله اسماعیلیه مقیم در الموت داشتند. چون «خداوند حسن بن بزرگ امید علی ذکرة السلام» متوفی ۵۶۰ ه.ق. و «خداوند محمدبن حسن بن بزرگ امید» متوفی ۶۰۷ ه.ق. و «خداوند جلال‌الدین حسن نومسلمان ابن محمدبن حسن» متوفی ۶۱۸ ه.ق. و «خداوند علاءالدین محمدبن جلال‌الدین حسن» متوفی ۶۵۳ ه.ق. و «خداوند رکن‌الدین خورشاه‌بن علاءالدین محمد». رجوع به غزالی نامه حاشیه ص ۳۷ و جهانگشای جویی ج ۲ شود.</p> <p>بزرگ، پادشاه، شاه، مولا، آقا، سرور، بیگ، خدیو، امیر، خواجه، رئیس، ولی. (کلمه خداوند بعنوان خطاب توقیری بر هر بزرگی اعم از پادشاهان یا وزیران یا اعیان و اشرف و فرماندهان سپاه و صاحبان مقام و منصب اطلاق می‌شود.</p>

خدا نیز گاهی "خداوند" خطاب شده است. زیرا مقام و مرتبه او از ما بالاتر است. عیسی نیز "خداوند" خطاب می‌شد زیرا مقام او نیز از ما بالاتر است. بنابراین در کتاب مقدس در جاهای متفاوت کلمه "خداوند" به هر دو نسبت داده شده است و این موضوع در زبان فارسی کاملاً صحیح می‌باشد.

بنابراین هر جا در کتاب مقدس کلمه "خداوند" دیده شود می‌تواند درباره خدا و یا درباره عیسی باشد. اما به این معنا نیست که کتاب مقدس عیسی را خدا خطاب کرده است.

Appendix: “Lord – Khodavand”

Sometimes it is confusing for Farsi speakers that in the Bible the word ‘khoavand’ is used for both God and Jesus. It is believed by many Farsi speakers that this word means God. So they are confused as to why the Bible seems to use the word for God to describe both God and Jesus.

The answer is simple. The word ‘khodavand’ does not actually mean God. The word ‘khoda’ means God. It is commonly used in the Persian Bible to translate the words which mean ‘Lord’ or ‘Master’. When God or Jesus is called a Lord in the original Greek or Hebrew languages then the word ‘khodavand’ is used.

Here is an example of old Persian literature showing that the word ‘khodavand’ is used for a Lord.

Moin Encyclopedic Dictionary	1. Owner 2. King 3. Creator
Amid dictionary	1. God 2. Lord, Master
Dehkhoda Dictionary	<p>-One of God’s names.</p> <p>- It was a title chosen by the kings of the East to imitate the Seleucids. Mashir od-Dowleh says: The kings of the East followed Alexander and the Seleucids, and some called themselves "Lord".</p> <p>- It was a title used in the Nizari Ismaili State. Like: Lord Hassan, Son of great Omid – Lord Mohammad, son of Hassan – Lord Jalal ad-Din, son of Mohammad</p> <p>- Great, King, Master, Sir, Chief. The word “Lord” is a title that can be used for any king, minister, queen, gentlefolk, owners or ruler.</p>

God is sometimes called a Lord – as he is our Lord. But Jesus is also our Lord – they are both superior to us. For this reason the Bible calls them both ‘Lord’ at different times. The Farsi Bible uses the word ‘Khodavand’ on these occasions.

So when you see the word ‘khodavand’ in the Bible – it can be talking about God or Jesus – but it does not mean the Bible is calling Jesus God.